

پنجره اقتصاد

کرمان

- فصل نامه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان
- سال چهارم ● شماره ۱۱ ● پاییز ۱۴۰۰ ● ۱۷۲ صفحه ● ۳۵ هزار تومان



بنگاهها؛ عرصه چالش‌ها

با مطالبی دربارهٔ سیاست‌گذاری، تولید، بازرگانی، خدمات و جامعه

گفت‌وگوبیا دکتر «منوچهر علی نژاد»
عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد

**رویکرد جامعه‌شناختی در
مناسبات اقتصادی و توسعه ایران**

گفت‌وگوبیا «عباس جبالبارزی» عضو هیئت رئیسه
اتاق کرمان و نایب رئیس کمیسیون صنایع اتاق ایران

**صنایع کوچک
مشکل‌های بزرگ**

گفت‌وگوبیا دکتر «حسن فروزان فرد»
عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی تهران

**حکمرانی
و تخصیص منابع**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



● گرامیداشت سالروز زلزله بم (۵ دیماه ۱۳۸۲) ●

روایت

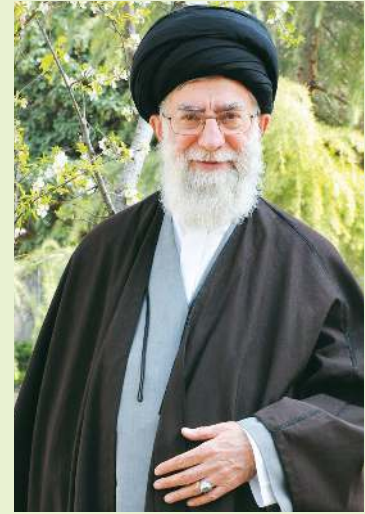
امام علی (علیه السلام):

مومن کسی است که با مردم تعامل کند تا دانا شود، سکوت کند تا سالم بماند و بپرسد تا بفهمد.

از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از نخبگان و استعداد‌های برتر علمی کشور
(۱۴۰۰/۰۸/۲۶)

مسئله صادرات

یک مسئله، مسئله بازارهای داخلی است، یک مسئله هم مسئله صادرات است. اگر چنانچه صادرات وجود نداشته باشد، پیشرفتی آن‌چنان که باید، پیش نخواهد آمد و در مورد صادرات، هم خود آن شرکت‌ها می‌توانند فعالیت کنند و بیشتر، دولت‌ها می‌توانند فعالیت کنند؛ وزارت خارجه، وزارت صمت و بقیه می‌توانند در این زمینه کمک کنند و بازارهای خارجی را [پیدا کنند]. صدا و سیما می‌تواند کمک کند. بعضی از کشورها هستند که از ایران خاطره‌های خوبی دارند، اما اگر بگویند دو محصول ایرانی را اسم بیاورید نمی‌توانند اسم بیاورند. صدا و سیما در بخش خارجی، این محصولات را تبلیغ کند و گفته بشود. پس بنابراین این هم یک مسئله است.



اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی کرمان

افصل نامه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان |
ادارای پروانه انتشار (شماره ثبت ۷۹۸۳۷) از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی |
سال چهارم | شماره یازدهم | پاییز ۱۴۰۰ | ۱۷۲ صفحه |

سپهر اقتصاد

با نوشتارها و گفتارهایی از: فریال مستوفی / حسن فروزان فرد / تیرداد احمدی / علیرضا شکیبایی / بتول علیزاده / مسعود پورکیانی / سیدمحمدعلی گلابزاده / سارا سالاری / محسن سلطانی نژاد / نادیا انجم شعاع / فاطمه مهرابی / عباس جبالبارزی / ارسلان شجاعی / سید محمدرضا ترابی موسوی / مهدی سرچشمه پور / محمد عبدالهی عزت‌آبادی / احمد احمدپور / مریم رضایی پور / حمیدرضا علیزاده / رقیه رستمی / ابوسعیدی / محمدجواد رستمی / ابوالفتح ابراهیمی / محمدرضا حیدری پور / فهیمه سالاری / غلامرضا نیک‌رو / حسین وحیدی / مهدی خراسانی پور / مهدی رجیبی‌زاده / منوچهر علی‌نژاد / علیرضا قاسمی / علی‌اصغر عبدالهی	صاحب امتیاز: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان / رییس شورای سیاست‌گذاری: سیدمهدی طیب‌زاده / مدیرمسئول: سیدمحمدعلی گلابزاده / سردبیر و ویراستار: ذبیح‌الله کرمی / دبیر تحریریه و مدیر اجرایی: فرزانه زاهدی / تحریریه: ریحانه حسن‌زاده / طراحی گرافیک و صفحه‌آرایی: آتلیه گرافیک (پرانتز) / چاپ و صحافی: احسان-قم / نشانی: کرمان، میدان آزادی، ابتدای بلوار جمهوری اسلامی، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان / کدپستی: ۷۶۱۹۶۵۳۴۹۸ / صندوق پستی: ۴۷۱-۷۶۱۷۵ / تلفن: ۰۳۴-۳۲۴۴۲۳۲۴ / دورنگار: ۰۳۴-۳۲۴۸۳۳۷۴ / www.otagh-bazargani.com / پیامک: ۱۰۰۳۴۳۲۴۴۱۰۵۸ / @Kccima / sepehr@kccim.ir /
	«سپهر اقتصاد کرمان» در ویرایش و اصلاح مطالب رسیده، آزاد است. مطالب منتشرشده در فصل‌نامه، رأی و نظر نویسندگان آن‌هاست و لزوماً نظر «سپهر اقتصاد کرمان» نیست.
	شماره برای ارتباط با «سپهر اقتصاد کرمان» در فضای مجازی: ۰۹۰۵۸۵۰۸۰۶۹
	برای چاپ آگهی در «سپهر اقتصاد کرمان»، با ما تماس بگیرید: ۰۳۴-۳۲۴۴۲۳۲۴

سیاست گذاری

- ۰۸ | مقاله‌ای از فریال مستوفی؛ **انتظارات بخش خصوصی از دولت**
- ۱۲ | گفت‌وگو با دکتر «حسن فروزان‌فرد» عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی تهران؛ **حکمرانی و تخصیص منابع**
- ۲۲ | گفت‌وگو با دکتر «تیرداد احمدی» رییس هیئتمدیره شرکت سرمایه‌گذاری استان کرمان؛ **سهم ایران از سبد سرمایه‌گذاری خارجی**
- ۲۴ | یادداشتی از دکتر علیرضا شکیبایی؛ **حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی؛ دغدغه‌ها، رانت و تأمین کسری بودجه دولت**
- ۲۶ | مقاله‌ای از بتول علیزاده؛ **چالش رقابت با رقابت در چالش؟**
- ۲۹ | مقاله‌ای از دکتر مسعود پورکیانی؛ **چالش‌های مدیریتی ایران: بخش اول؛ نارسایی‌های برنامه‌ریزی**
- ۳۲ | مقاله‌ای از سیدمحمدعلی گلابزاده؛ **نقش فساد در فروپاشی اقتصاد**
- ۳۸ | یادداشتی از سارا سالاری و محسن سلطانی‌نژاد؛ **اقدامات غیرقانونی و متضاد با روح بانکداری اسلامی**
- ۴۲ | گزارشی از نادیا انجم‌شعاع؛ **اقتصاد انرژی، تنظیم‌گری و چالش‌های آن**
- ۴۶ | گزارشی از فاطمه مهرابی؛ **شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمان**

تولید

- ۵۴ | گفت‌وگو با «عباس جبالبارزی» عضو هیئتمدیره اتاق کرمان و نایب رییس کمیسیون صنایع اتاق ایران؛ **صنایع کوچک، مشکل‌های بزرگ**
- ۶۵ | مقاله‌ای از دکتر ارسلان شجاعی؛ **خوشه‌های صنعتی در استان کرمان**
- ۶۹ | گفت‌وگو با «سید محمدرضا ترابی

- موسوی» عضو هیئت نمایندگان و رییس کمیسیون کشاورزی اتاق کرمان؛ **افزایش بهره‌وری بر عهده بخش خصوصی و حمایت دولتی**
- ۷۲ | مقاله‌ای از دکتر مهدی سرچشمه‌پور؛ **چالش‌های زیست‌محیطی و تولید پسته**
- ۸۰ | مقاله‌ای از دکتر محمد عبدالهی عزت‌آبادی؛ **بررسی اقتصادی و تحلیل بهره‌وری استفاده از نهاده‌های کشاورزی در باغ‌های پسته**
- ۸۵ | گفت‌وگو با دکتر «احمد احمدپور» عضو هیئت‌علمی و معاون آموزشی مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی جنوب استان کرمان؛ **حلقه‌های ناموزون زنجیره تولید و عرضه**
- ۸۸ | مقاله‌ای از مریم رضایی‌پور؛ **صنعت طیور در استان کرمان**
- ۹۰ | مقاله‌ای از دکتر حمیدرضا علیزاده؛ **گلخانه در جنوب استان کرمان، فرصت‌ها و چالش‌ها**
- ۹۲ | گفت‌وگو با خانم «رقیبه رستمی ابوسعیدی» نایب‌رییس اول انجمن گلخانه‌داران جنوب استان کرمان؛ **ثبت برند در محصولات گلخانه‌ای جنوب استان کرمان**

بازرگانی و خدمات

- ۹۸ | گفت‌وگو با دکتر «محمدجواد رستمی» عضو هیئت‌علمی گروه مهندسی کامپیوتر دانشگاه شهید باهنر کرمان و رییس مرکز مطالعات و پژوهش‌های اقتصادی اتاق کرمان؛ **ارزیابی اکوسیستم نوآوری در اقتصاد ایران**
- ۱۰۲ | گفت‌وگو با دکتر «ابوالفتح ابراهیمی» نایب‌رییس اتاق تبریز؛ **منشور بلندمدت برد - برد؛ تدوین سیاست راهبردی تجارت خارجی**
- ۱۰۵ | یادداشتی از محمدرضا حیدری پور؛ **اشتباهات تجار در تجارت با کشور روسیه**

- ۱۰۶ | یادداشتی از محمدرضا حیدری پور؛ **هم‌افزایی بازرگاری و برندگاری در سازمان**
- ۱۰۸ | یادداشتی از فهیمه سالاری؛ **برندسازی تولیدات را از کجا آغاز کنیم؟**
- ۱۱۰ | یادداشتی از غلامرضا نیک‌رو؛ **جاذبه داریم ولی جذاب نیستیم**
- ۱۱۲ | گزارشی از فاطمه مهرابی؛ **تشکل‌های اتاق کرمان، در شش‌ماهه ابتدایی سال ۱۴۰۰**
- ۱۱۸ | گزارشی از فاطمه مهرابی؛ **گزارش ترازسنجی اتاق‌های بازرگانی**

جامعه

- ۱۲۲ | مقاله‌ای از دکتر حسین وحیدی؛ **چالش‌های سیاست‌گذاری زیست‌محیطی کشور**
- ۱۲۶ | گفت‌وگو با دکتر «مهدی خراسانی‌پور» عضو هیئت‌علمی گروه زمین‌شناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان؛ **هدف‌گذاری درست برای رفع چالش‌های زیست‌محیطی**
- ۱۳۴ | مقاله‌ای از مهدی رجبی‌زاده؛ **سیمای آبخیزداری؛ برنامه‌های اجرایی و پیش‌بینی‌های عملیاتی در حوزه‌های آبخیز شمال استان**
- ۱۴۰ | گفت‌وگو با دکتر «منوچهر علی‌نژاد» عضو هیئت‌علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد؛ **رویکرد جامعه‌شناختی در مناسبات اقتصادی و توسعه ایران**
- ۱۴۵ | مقاله‌ای از دکتر علیرضا قاسمی؛ **استعماری از نوع ISI**
- ۱۵۰ | مقاله‌ای از دکتر علی‌اصغر عبدالهی؛ **آفت‌های رشد و توسعه فیزیکی شهر کرمان**

رویدادها

- ۱۵۳ | مروری برگزیده اخبار اتاق کرمان

تکیه بر باد

◆ سید مهدی طیب زاده

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان



شکل می‌دهد تا با اعتمادسازی و هم‌افزایی برای توسعه فعالیت‌های این حوزه تلاش کند. همچنین به‌عنوان راهکار کلی باید توسعه صادرات استان مدنظر سیاست‌گذاران قرار گیرد، زیرا صادرات تنها راه نجات تولید و تولید تنها ناجی استان و کشور است. صادرات به معنای رقابت، بهره‌وری، روابط، تکنولوژی و... است و لازمه شکل‌گیری جامعه توسعه‌یافته از محل صادرات تأمین می‌شود.

از سوی دیگر تسهیل‌گر محور رشد و توسعه فعالیت‌های اقتصادی فضای حاکم بر این فعالیت‌هاست، اما در وضعیت نامناسب فضای کسب‌وکار کشور و به تبع آن استان کرمان از قوانین مزاحم بانکی، مالیاتی و بیمه‌ای به‌عنوان مهم‌ترین عوامل عدم تحقق سرمایه‌گذاری یاد می‌شود، وجود پیچیدگی‌های بروکراسی و گاهی مسائل فرهنگی باعث شده هر چه تلاش می‌کنیم به گرد پای سرعت ایجاد موانع و صدور مقررات و بخشنامه‌ها نمی‌رسیم و این موانع باعث شده روزانه انرژی، هزینه و زمان زیادی از فعالان اقتصادی صرف مانع‌زدایی می‌شود. واقعیت این است که برخی قوانین بانکی، واحدهای تولیدی و سرمایه‌گذاری را زمین‌گیر کرده است، باید در کنار اصلاح قوانین در تسهیل دسترسی به منابع بانکی، راه‌های دیگری همچون بازار سرمایه برای تأمین مالی و نقدینگی طرح‌ها دیده شود. قطعاً راه‌حل بهبود این فضا، انکار نامناسب بودن آن نیست و اتاق کرمان بیش از هر مجموعه دیگری به دلیل ارتباط با بنگاه‌ها و فعالان اقتصادی بر نامناسب بودن این فضا واقف است. بخش خصوصی بیشترین منفعت را از مناسب بودن فضای کسب‌وکار می‌برد و مطرح کردن رتبه نامناسب کرمان در این حوزه برای بررسی بیشتر و پیگیری امور برای بهبود این فضا است؛ اگر خود را خدمتگزار تولید می‌دانیم باید بدانیم که پشتوانه اصلی آن بهبود فضای کسب‌وکار است.

البته اتاق کرمان در پایش محیط کسب‌وکار فقط به محیط بیرونی و عوامل مؤثر بر آن توجه نداشته بلکه به بررسی عوامل درونی کسب‌وکار اقتصادی نیز پرداخته و در این زمینه آسیب‌شناسی‌هایی در حوزه‌های تکنولوژی، بازاریابی، استراتژی‌ها و مدیریت منابع کسب‌وکارها انجام داده است. طبعاً تولید باید رقابتی، قابل‌عرضه در بازارهای بین‌المللی و در حد استانداردهای قابل‌قبول باشد. در پایان باید خاطر نشان کرد، استان کرمان پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های بسیاری در حوزه‌های مختلف دارد که می‌تواند زمینه حرکت جهادی، انقلابی و سریع به سمت توسعه اقتصاد دانشی از طریق نوآوری و تحول دیجیتال را فراهم کند. توجه ویژه به توسعه شرکت‌های فناور، افزایش بهره‌وری، تقویت مهارت‌آموزی و توسعه صادرات می‌تواند در نهایت به توسعه استان منجر شود. اتاق کرمان به‌عنوان یک نهاد اجماع‌ساز در راستای هماهنگی بین سازمان‌های متولی و ذی‌ربط در موضوع توسعه اقتصاد دانش‌بنیان وارد میدان شده تا با کمک اعضای این اکوسیستم به رشد ارزش افزوده استان از این محل کمک نماید. ◆◆

در شرایطی که تحریم‌های اقتصادی بر کشور تحمیل شده، حراست از تولید به‌عنوان یک حوزه مولد باید جزو دغدغه‌های اصلی همگان باشد. در حال حاضر یکی از چالش‌های مهم در اقتصاد استان تمرکز بر صنایع بزرگ و بی‌توجهی به صنایع کوچک و متوسط و رهاشدگی آن‌ها است، درحالی‌که صنایع کوچک و متوسط استخوان‌بندی اقتصاد هر کشور را تشکیل می‌دهند و توجه به این واحدها از طریق تأمین مالی، حمایت‌های بیمه‌ای، بانکی و نیز معافیت‌های مالیاتی با سازوکارهای مشخص، می‌تواند موجب ایجاد اشتغال، خودکفایی، درآمدها و در نتیجه توسعه استان شود. با اینکه سال گذشته در صنایع استان کرمان سرمایه‌گذاری عظیمی انجام شد، اما ۳۳ هزار نفر شغل خود را از دست دادند و این ریزش‌ها در صنایع کوچک و متوسط استان رقم خورد و سرمایه‌گذاری در بخش‌های بزرگ اقتصاد استان نتوانست مانع ریزش شغل استان شود. اگرچه معدن و صنایع معدنی فرصت بزرگی برای استان کرمان است و سهم عمده درآمدهای استان کرمان اعم از درآمدهای مالیاتی، اشتغال و سرمایه‌گذاری‌ها از بخش معدن تأمین می‌شود، اما متأسفانه اقتصاد استان بر منابع تجدیدناپذیری متکی شده که دیر یا زود تمام می‌شود درحالی‌که باید با استفاده از ظرفیت عظیم شرکت‌های بزرگ صنعتی و معدنی، توسعه واحدهای پایین‌دستی مورد تأکید قرار گیرد. همچنین مدیران بنگاه‌های معدنی و صنعتی استان برای نسل آینده نیز مسئولیت دارند، زیرا منابع بین نسلی در حال مصرف است و شرایط بهتر زیستن را باید برای آنان فراهم کرد.

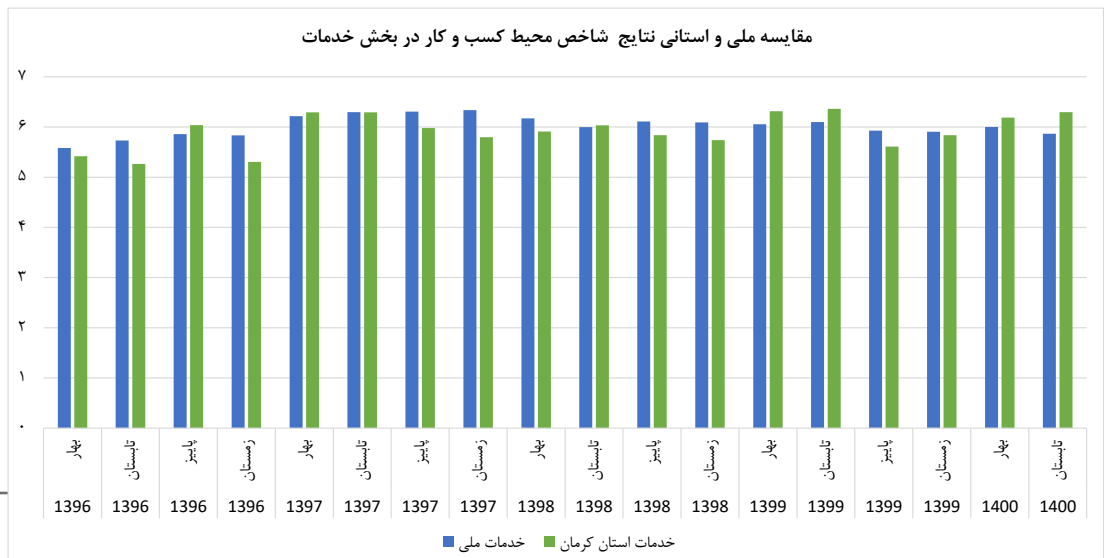
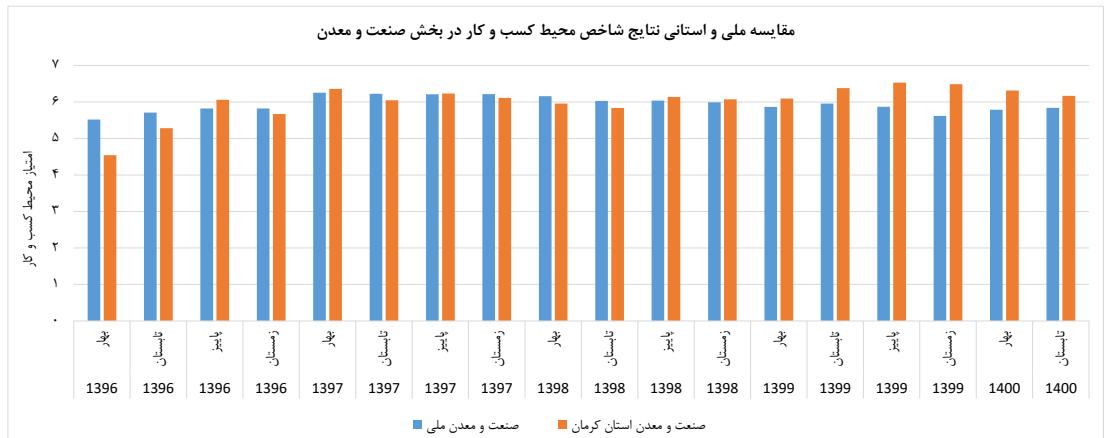
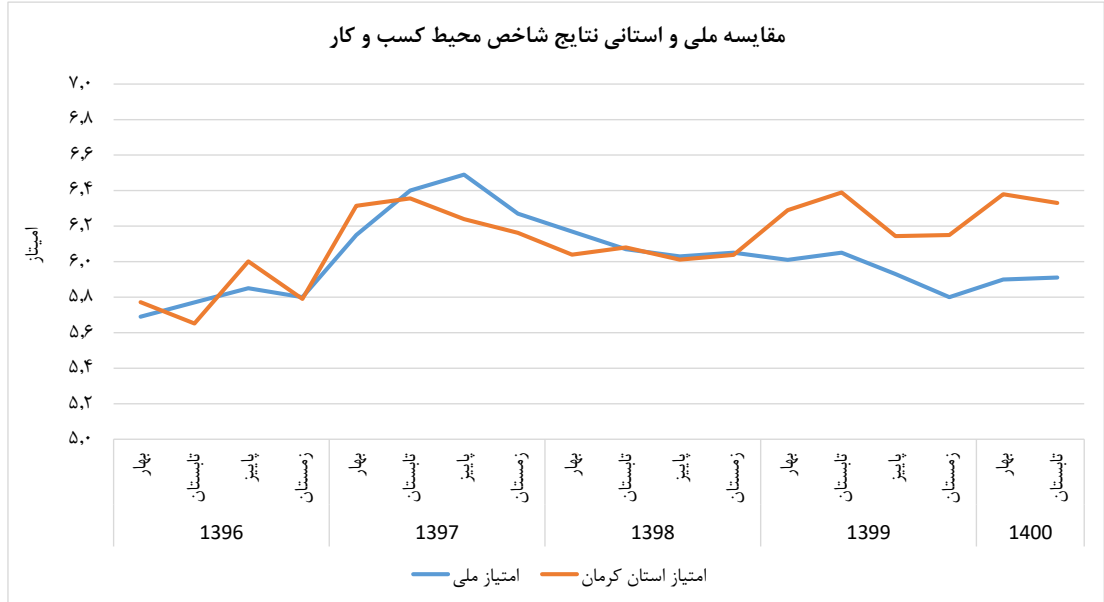
بر اساس آمار سازمان مدیریت استان، کرمان به لحاظ درآمد سرانه شهری رتبه ۳۱ کشور را داراست که همین موضوع دلیل بسیار خوبی است که باید در کنار توجه به معادن و صنایع بزرگ استان، توسعه مشاغل خانگی نیز به جد مورد توجه واقع شود.

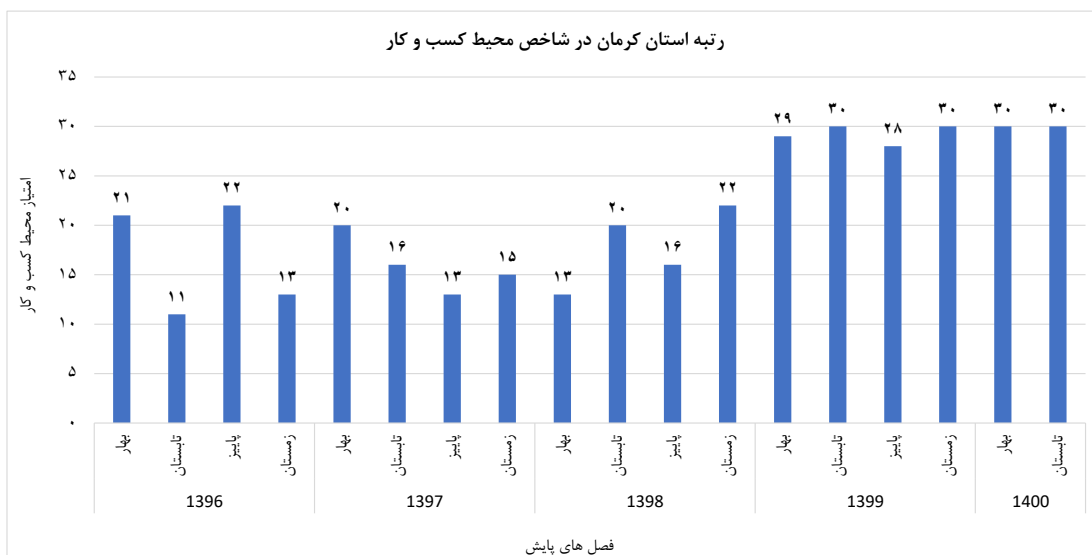
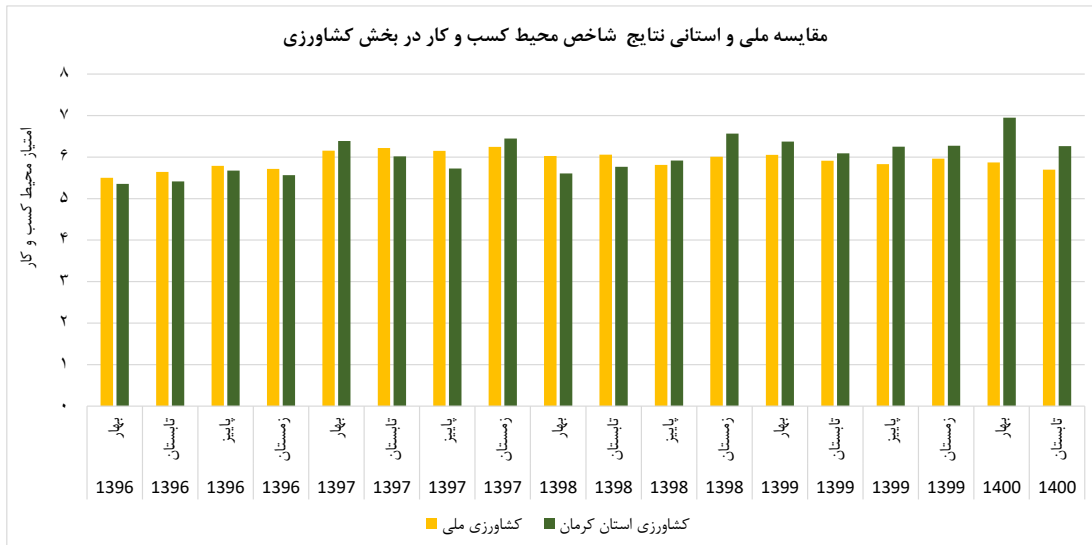
تجربه موفق تولید برق از پل‌های خورشیدی خانگی برای مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره) کرمان در رابطه با ایجاد مشاغل خانگی وجود دارد و نشان می‌دهد که در این حوزه به‌راحتی می‌توان به درآمد پایدار رسید. هر چند نهادها و سازمان‌های متولی اقدامات وسیعی در رابطه با توسعه مشاغل خانگی انجام می‌دهند، اما بررسی‌ها نشان می‌دهد مشاغل خانگی عمدتاً با مشکل توسعه بازار مواجه هستند. اتاق بر اساس مسئولیت اجتماعی خود با درک نقش مشاغل خانگی در توسعه پایدار، به‌زودی انجمن مشاغل خانگی استان را زیرمجموعه اتاق

محمد امین عبدالله نژاد

کارشناس آمار مرکز مطالعات و پژوهش های اقتصادی اتاق کرمان

نتایج شاخص محیط کسب و کار





مهمترین موانع محیط کسب و کار، ملی و استانی در تابستان ۱۴۰۰

رتبه	مهمترین موانع ملی محیط کسب و کار	امتیاز	مهمترین موانع محیط کسب و کار استان کرمان	امتیاز
۱	غیرقابل پیش بینی بودن قیمت مواد اولیه و محصولات	۸/۶۳	غیرقابل پیش بینی بودن قیمت مواد اولیه و محصولات	۸/۴۱
۲	بی ثباتی سیاست ها، قوانین و مقررات ناظر بر کسب و کار	۷/۶۲	موانع در فرآیندهای اداری و اخذ مجوز	۷/۶۱
۳	دشواری تامین مالی از بانکها	۷/۲۳	بی ثباتی سیاست ها، قوانین و مقررات ناظر بر کسب و کار	۷/۴۳
۴	موانع در فرآیندهای اداری و اخذ مجوز	۷/۱۱	دشواری تامین مالی از بانکها	۷/۲۲
۵	فساد و استفاده افراد از موقعیت اداری	۶/۶۴	تولید و عرضه نسبتاً آزاد کالاهای غیراستاندارد و تقلبی	۷/۰۷

سیاست‌گذاری

- + انتظارات بخش خصوصی از دولت
- + حکمرانی و تخصیص منابع
- + سهم ایران از سبد سرمایه‌گذاری خارجی
- + حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی؛ دغدغه‌ها، رانت، تأمین کسری بودجه دولت
- + چالش رقابت یا رقابت در چالش؟
- + چالش‌های مدیریتی ایران: بخش اول؛ نارسایی‌های برنامه‌ریزی
- + نقش فساد در فروپاشی اقتصاد
- + اقدامات غیرقانونی و متضاد با روح بانکداری اسلامی
- + اقتصاد انرژی، تنظیم‌گری و چالش‌های آن
- + دستاوردهای شورای گفت‌وگو در شش‌ماهه ابتدای سال ۱۴۰۰

انتظارات بخش خصوصی از دولت



◆ فریال مستوفی

عضو هیئت نمایندگان اتاق تهران، رئیس کمیسیون پول و سرمایه اتاق تهران و رئیس مرکز خدمات سرمایه‌گذاری اتاق تهران

یکی از عوامل دیگری که می‌تواند به حکمرانی مطلوب و پیشرفت اقتصادی کشور کمک شایانی نماید، هماهنگی قوای سه‌گانه در انتخاب استراتژی عملیاتی خود می‌باشد.

یکی دیگر از مهم‌ترین موضوعاتی که باید به آن پرداخت، اعتمادسازی و ایجاد شفافیت در برنامه‌های دولت برای مردم است. تورم، کسری بودجه، فساد، بیکاری، وضعیت معیشتی مردم، فقر و شکاف طبقاتی، مسائل محیط‌زیست، بحران آب، نقدینگی، کاهش ارزش پول ملی، وابسته بودن به نفت، عدم پایداری به اجرای برنامه‌های توسعه بر اثر بی‌تدبیری در سیاست‌گذاری‌ها و تعیین هدف‌های آرمانی غیرقابل تحقق، عدم ثبات قوانین و صدور بخشنامه‌های خلق‌الساعه، کارنامه دولت‌های دهه اخیر بوده.

متأسفانه تحریم‌ها نیز مضاف بر موارد مذکور، اهرمی شده برای توجیه تمامی این معضلات در حالی که نمی‌توان تمام تقصیر را ناشی از تحریم‌ها دانست. تحریم‌ها شرایط بد اقتصادی را تشدید می‌کنند و باعث می‌شوند ناکارآمدی‌ها بیشتر نمایان گردند ولی دلیل تمام مشکلات وضعیت فعلی اقتصاد کشور، تحریم‌ها نیست. لذا دولت توانمند باید دولتی باشد که در وهله اول بر اساس شایسته‌سالاری و تعهد بتواند زیرساخت‌های داخلی اقتصاد کشور را درست کند چرا که موفقیت در تعاملات بین‌المللی مرهون وجهه ایست که یک کشور در سطح داخلی می‌آفریند.

برنامه‌ها و سیاست‌های دولت باید بر اساس واقعیت موجود و توان عملیاتی دولت در عمر چهار ساله خود

به‌طور کلی عملکرد دولت‌ها در طی دوره تصدی‌شان به عوامل متعددی در سطح خرد و کلان حوزه داخلی و خارجی وابسته است. باید توجه داشت که دولت‌های موفق برنامه‌های اقتصادی‌شان را جوری بنا می‌کنند که دولت جدید ادامه دهنده برنامه‌های انجام گرفته و یا در حال انجام دولت پیشین باشد، به عبارتی دولت پیشین باید آن‌قدر اصولی برنامه‌های خود را تعیین کرده و آن‌قدر دقیق و منظم به برنامه‌های خود عمل کرده باشد که دولت جدید بتواند انرژی خود را از اول صرف موارد مهم دیگری نماید تا زمان خود را از اول صرف خلق مجدد برنامه جدید نماید و از این جهت است که بخش خصوصی بارها تأکید کرده است که داشتن برنامه راه مشخص اقتصادی در سطح داخلی و بین‌المللی یکی از پارامترهای بسیار مهمی است که دولت باید به آن توجه نماید.

باید توجه داشته باشید که سیاست‌های بین‌المللی یک دولت باید در راستا و همسو با سیاست‌های داخلی که اساس و بنیان اصلی اقتصاد هر کشوری محسوب می‌شود، چیده شود. لذا داشتن بسترهای لازم اقتصادی داخلی سنگ بنای اقتصاد کشور و از مهم‌ترین اقداماتی است که یک دولت باید به آن توجه نماید.

متأسفانه اقتصاد کشور دولتی بوده و هست و دخالت‌های دولت در حوزه‌های مختلف اقتصادی هم باعث به وجود آمدن رانت و فساد بوده است هم باعث بی‌اعتمادی مردم به سیستم و هم ترمیزی برای رشد اقتصادی بخش خصوصی سالم.

در این خصوص شاخص‌های اقتصادی بین‌المللی می‌تواند معیار قضاوت خوبی از عملکرد دولت‌ها باشد. متأسفانه در رتبه‌بندی‌های اقتصادی بین‌المللی، در فساد، عدم رعایت مالکیت خصوصی، امنیت سرمایه‌گذاری، ریسک اقتصادی و... کشور ما جایگاه خوبی ندارد و این نکته شایان توجه ویژه می‌باشد.

ملت ما در طی
سالیان اخیر بر
اثر سوءمدیریت
و عدم
شفاف‌سازی،
آسیب زیادی را
تحمل کرده است
و دولت جدید
باید اولویت خود
را بهبود وضعیت
معیشت مردم و
همچنین اوضاع
کسب‌وکار و تولید
قرار دهد و از تکرار
اشتباهات گذشته
بپرهیزد. در این
زمینه نیاز است
تا برای محیط
کسب‌وکار از
طریق اصلاحات
ساختاری و
قانونی اقدام
گردد.

به فعالیت بودند را به دلیل عدم توانایی تأمین مالی برای سر پا نگاه داشتن بنگاه‌شان، به مرز تعطیلی و ورشکستگی کشانده. در این خصوص خلأها و مشکلاتی که مصوبات و بخشنامه‌های عدیده بانک مرکزی از جمله در حوزه بازگشت ارز ناشی از صادرات، قانون مربوط به پیمان‌سپاری ارزی و ... بر فعالیت بنگاه‌های تولیدی ایجاد کرده باید متناسب با محیط کسب‌وکار اصلاح گردد.

در این خصوص یکی از دغدغه‌های مهم ارائه راهکاری در خصوص تسویه ارزی خارج از مرزها و همچنین افزایش زمان تسویه تعهدات ارزی است.

در حوزه گمرک یکی از مهم‌ترین انتظارات بخش خصوصی از دولت همسویی وزارت صمت و گمرک در اجرای دستورالعمل‌های مربوط به ترخیص کالا می‌باشد.



تعریف شود. همچنین با بازبینی برنامه‌های دولت‌های قبل، چرایی اجرایی نشدن برنامه‌ها ریشه‌یابی شده تا از تکرار وضعیت‌های مشابه جلوگیری شود و آن مقدار از برنامه‌های قابل تحقق دولت‌های قبل نیز جامه عمل پوشانده شود.

ملت ما در طی سالیان اخیر بر اثر سوءمدیریت و عدم شفاف‌سازی، آسیب زیادی را تحمل کرده است و دولت جدید باید اولویت خود را بهبود وضعیت معیشت مردم و همچنین اوضاع کسب‌وکار و تولید قرار دهد و از تکرار اشتباهات گذشته بپرهیزد. در این زمینه نیاز است تا محیط کسب‌وکار از طریق اصلاحات ساختاری و قانونی از جمله اصلاح نظام مالیاتی و تأمین اجتماعی همچنین بهره‌گیری از تخصص بخش خصوصی در تدوین برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی دولت از جمله از طریق اصلاح فرآیندهای خصوصی‌سازی اقدام گردد.

باید آسیب‌شناسی گردد که چرا تولید موفق عمل نمی‌کند، در این خصوص بررسی‌های مختلفی از جمله بررسی‌های اقتصاد کلان، موضوع تأمین مالی، آسیب‌شناسی محیط کسب‌وکار و عوامل مؤثر بر تولید از جمله هزینه‌های تولید و سایر عوامل را باید سنجید و تعیین کرد که دولت در این خصوص چه تمهیداتی باید بیندیشد. به‌طور مثال دولت باید در برنامه‌ریزی برای برچیدن یا به حداقل رساندن فساد ناشی از اتخاذ سیاست‌های دستوری ناصحیح چون دلار ۴۲۰۰ تومانی و مداخلات در قیمت‌گذاری و سایر موارد مشابه، برنامه اصولی داشته باشد، چرا که همان‌طور که شاهد آن هستیم این موضوع هم در بعد داخلی هم در آمارهای مربوط به رتبه‌بندی اقتصادی نشانگر وضعیت نامناسب کشور می‌باشد. لذا تعیین نرخ بهره حقیقی و همچنین کنترل نوسانات نرخ ارز از مواردی است که انتظار می‌رود دولت برای آن برنامه مشخصی در نظر بگیرد تا اتفاقات ناگوار گذشته و اثرات مخربی که بر اقتصاد ایران در اثر سوءمدیریت در این زمینه به وجود آمده تا حدی بهبود یابد.

از سوی دیگر متأسفانه سیاست‌های کلان اقتصادی همیشه با تکیه بر نفت تعیین شده‌اند و جایگزینی این سیاست‌ها با منابع دیگر و توجه به صادرات جهت ایجاد ارزش‌افزوده باید مدنظر قرار گیرد.

مشکلات نظام پولی - بانکی، بدهی‌های عظیم دولت به بانک‌ها، عدم برگشت پول به بانک‌ها به دلیل طرح‌های دستوری و فاقد توجیه‌پذیری به گسترش فساد دامن زده و بنگاه‌هایی هم که به‌طور سالم مشغول

۱- چینش سیاست‌هایی که متکی به نفت نباشد (اقتصاد غیرنفتی) استفاده از تجربیات کشورهای همسایه که در این خصوص کارنامه موفق داشته‌اند می‌تواند راهگشا باشد، مشروط به اینکه قصد انجام این کار وجود داشته باشد؛ چرا که اکثر کشورهای موفق، موفقیتشان را مرهون اصلاحات ساختاری، کاهش حجم و دخالت دولت در اقتصاد، خصوصی‌سازی واقعی و البته شایسته‌سالاری و پایبندی به تعهداتشان می‌دانند

۲- بازسازی اعتماد از دست رفته مردم با ایجاد ثبات در قوانین، ایجاد شفافیت و پاسخگویی دولت در حوزه‌های عملکردی خود،

۳- مهار تورم و کاهش آن به نرخ تک‌رقمی، حتی کشورهایی مثل افغانستان و عراق موفق به کنترل نرخ تورم زیر ۱۰ درصد شدند، لذا کنترل تورم موضوعی است که باید مدنظر قرار بگیرد،

۴- برخورد قاطعانه با فساد در قوای سه‌گانه و وزارتخانه‌های مختلف،

۵- مبارزه با هر عاملی که باعث ترویج فقر و شکاف طبقاتی شده به‌طور اصولی و نه با پرداخت یارانه؛ چرا که خود دولت مسئول ایجاد فقر خانوارهایی است که اکنون به آن‌ها یارانه می‌دهد. دولت باید زمینه‌هایی که باعث ایجاد این فقر شدند را ریشه‌کن کند نه به مکانیزم‌های جبرانی چون یارانه‌ها روی آورد. اگر سرمایه‌گذاری در جای صحیح اتفاق بیفتد و اگر دولت، دولتی دلسوز باشد به فکر ایجاد پس‌اندازی برای نسل‌های آتی خواهد بود نه که مجبور باشد به خاطر پرداخت هزینه‌های دولت در زمره عظیم‌ترین بدهکاران بانکی قرار بگیرد،

۶- پایبندی و اجرای اهداف برنامه‌های توسعه‌ای با همکاری و هم‌اندیشی مؤثر از بخش خصوصی از جمله از طریق پروژه‌های PPP (مشارکت عمومی- خصوصی)،

۷- ترویج NGOها،

۸- تلاش برای بهبود و توسعه تعاملات بین‌المللی و پایان دادن به تنش‌ها و جزیره‌ای عمل کردن و دور ماندن از دنیای تجارت بین‌المللی از طریق پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی و رعایت استانداردهای بین‌المللی از جمله تصویب FATF، استانداردهای بانکی بین‌المللی، مقررات WTO و ...،

۹- پرهیز از اقدامات پوپولیستی و هیجانی از جمله پایین آوردن دستوری و خالی از منطقی نرخ ارز چرا که این امر به صادرات لطمه وارد خواهد آورد،

۱۰- چابک سازی دولت از طریق توسعه دولت

در حوزه مالیاتی، اصلاح تعیین سقف مهلت رسیدگی به اظهارنامه‌های مالیاتی توسط سازمان امور مالیاتی و در اولویت قرار دادن سرمایه‌گذاران خارجی در این حوزه، داشتن فرآیندهای واضح و کارآمد برای استرداد بازپرداخت‌های نقدی مالیات بر ارزش‌افزوده، تسهیل قوانین مربوط به کنترل سرمایه، اعتبارات تجاری، اعتبارات مالی، ضمانت‌نامه‌ها مدنظر می‌باشد.

در نهایت، در دنیای کنونی که جهان در حال فاصله گرفتن از سیاست تک قطبی است و در وضع فعلی و با در نظر داشتن پتانسیل‌های خوبی که ایران دارد، همکاری و از سرگیری روابط بین‌المللی با دنیا باید انجام پذیرد؛ چرا که جزیره‌ای عمل کردن فایده‌ای ندارد.

در این راستا لازم است تا دولت به استانداردهای بین‌المللی در بعد اقتصادی توجه نموده و اگر لازم می‌نماید مصوبات و قوانین داخلی خود را با استانداردهای بین‌المللی تطبیق داده و بسط روابط بین‌المللی را از این طریق تسهیل این فرآیند محقق نماید. از جمله این موارد تصویب FATF و پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی است. در این خصوص همکاری با چین چنانچه به صورت هوشمندانه پیش برده شود می‌تواند فرصت خوبی برای ایران در جهت تحریک رقابت‌پذیری سایر کشورها برای همکاری با ایران گردد.

در خاتمه موارد زیر را می‌توان به عنوان انتظارات بخش خصوصی به صورت کلی به شرح ذیل از دولت مطرح کرد:





مبارزه با هر عاملی که باعث ترویج فقر و شکاف طبقاتی شده به طور اصولی و نه با پرداخت یارانه؛ چرا که خود دولت مسئول ایجاد فقر خانوارهایی است که اکنون به آن‌ها یارانه می‌دهد. دولت باید زمینه‌هایی که باعث ایجاد این فقر شدند را ریشه‌کن کند نه به مکانیزم‌های جبرانی چون یارانه‌ها روی آورد. اگر سرمایه‌گذاری در جای صحیح اتفاق بیفتد و اگر دولت، دولتی دلسوز باشد به فکر ایجاد پس‌اندازی برای نسل‌های آتی خواهد بود نه که مجبور باشد به خاطر پرداخت هزینه‌های دولت در زمره عظیم‌ترین بدهکاران بانکی قرار بگیرد.

الکترونیک،
 ۱۱- تقویت بازار سرمایه جهت ارائه پروژه‌های بزرگ از طریق انتشار اوراق قرضه مشابه بورس‌های دیگر دنیا و نه به قصد استفاده از آن برای جبران کسری بودجه،
 ۱۲- افزایش سرمایه‌گذاری از طریق مهیاسازی بستری‌های سرمایه‌گذاری. آمارها نشان داده که نرخ سرمایه‌گذاری‌های انجام شده از نرخ استهلاک سرمایه‌گذاری کمتر بوده و این یعنی در عمل سرمایه‌گذاری انجام نپذیرفته. باید روی پتانسیل‌های ایران تمرکز شود؛ مثلاً صنعت توریست تقویت گردد،
 ۱۳- آمارها نشان داده که ۲۹ میلیارد دلار واردات مواد اولیه کالاهای واسطه‌ای هستند که این موضوع نشانگر این است که اکثر صنایع غیرنفتی ما احتیاج به فرآوری‌های تولید دارند، لذا باید فرآوری به شکل مناسبی بومی‌سازی گردد،
 ۱۴- برای بحران آب و بخش کشاورزی برنامه جدی در نظر گرفته شود. کشورهایی مثل سنگاپور و مالزی یک سوم درآمد ملی خود را پس‌انداز کردند و نسبت پس‌انداز به تولید ناخالص داخلی‌شان حدود ۴۴ درصد بوده و این کشورها کشورهایی هستند که متوسط رشد اقتصادی‌شان ۷ درصد بوده است،
 ۱۵- توقف «صدور پی‌درپی قوانین و دستورالعمل‌های متناقض» و اجرا به قوانین و مصوبات عملیاتی از جمله:
 - بازنگری در ضوابط ابلاغی دستورالعمل مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۲۷ نحوه صدور مجوز عرضه عمومی شرکت پروژه (شرکت سهامی عام) (اعم از تنوع درآورده غیر نقد، تعدیل در میزان الزام سپرده‌گذاری آورده نقد، امکان در نظر گرفتن دانش فنی و ...)،
 - رفع موانع تأمین مالی جمعی به عنوان روشی برای تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط،
 - بازنگری در سقف تأمین مالی بر اساس رتبه‌بندی اعتباری و بدون ضامن که در مصوبه مورخ ۱۳۹۹/۰۲/۰۳ هیئت‌مدیره سازمان بورس تا حداکثر معادل ۶۰ درصد میانگین سود دو سال گذشته با اخذ رتبه اعتباری BBB به بالا برای ناشران بورسی دیده شده است که مکفی نبوده و لازم است در تناسب با درآمد و فروش بنگاه دیده شود،
 - فراهم آوردن امکان عرضه سهام و IPO طرح‌های نیمه تمام در بازار سرمایه و فراهم شدن امکان انتشار اوراق بدهی قابل تبدیل به سهام.
 در نتیجه اگر هدف درست تعیین شده و راه رسیدن به آن نیز درست برنامه‌ریزی شود، رسیدن به هدف ممکن می‌باشد. ♦♦

الکترونیک،
 ۱۱- تقویت بازار سرمایه جهت ارائه پروژه‌های بزرگ از طریق انتشار اوراق قرضه مشابه بورس‌های دیگر دنیا و نه به قصد استفاده از آن برای جبران کسری بودجه،
 ۱۲- افزایش سرمایه‌گذاری از طریق مهیاسازی بستری‌های سرمایه‌گذاری. آمارها نشان داده که نرخ سرمایه‌گذاری‌های انجام شده از نرخ استهلاک سرمایه‌گذاری کمتر بوده و این یعنی در عمل سرمایه‌گذاری انجام نپذیرفته. باید روی پتانسیل‌های ایران تمرکز شود؛ مثلاً صنعت توریست تقویت گردد،
 ۱۳- آمارها نشان داده که ۲۹ میلیارد دلار واردات مواد اولیه کالاهای واسطه‌ای هستند که این موضوع نشانگر این است که اکثر صنایع غیرنفتی ما احتیاج به فرآوری‌های تولید دارند، لذا باید فرآوری به شکل مناسبی بومی‌سازی گردد،
 ۱۴- برای بحران آب و بخش کشاورزی برنامه جدی در نظر گرفته شود. کشورهایی مثل سنگاپور و مالزی یک سوم درآمد ملی خود را پس‌انداز کردند و نسبت پس‌انداز به تولید ناخالص داخلی‌شان حدود ۴۴ درصد بوده و این کشورها کشورهایی هستند که متوسط رشد اقتصادی‌شان ۷ درصد بوده است،
 ۱۵- توقف «صدور پی‌درپی قوانین و دستورالعمل‌های

گفت‌وگو با دکتر «حسن فروزان فرد»
عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی تهران

حکمرانی و تخصیص منابع



زمینه حاکمیت قانون در فضای حکمرانی خوب برقرار می‌شود؛ شفافیتی که زمینه‌ساز پاسخ‌گویی باشد، جزو آیتم‌های مهم حاکمیت خوب است. موضوع وفاق عمومی و تلاش برای دسترسی به آن و زمینه‌سازی برابری در مقابل قانون و جاری‌سازی عدالت و مفهوم اثربخشی توأمان که همان مفهوم بهره‌وری است، حاصل این نوع نگاه و پیشرفت در حاکمیت است که در نهایت مسئولیت‌پذیری را فراهم می‌کند.

بودجه، ابزاری از ابزارهای حکمرانی است، اما نظام بودجه‌ریزی ما یکی از ابزارهای ناکارآمدی در تخصیص منابع است که می‌شود به‌عنوان یک ابزار تأثیرگذار بر تخصیص غیر بهینه منابع بر آن تأکید کرد. در شرایطی که عمده درآمدهای دولت، مستقیم و غیرمستقیم در طول دهه‌های گذشته حاصل از منابع نفتی بوده و حتی بسیاری از درآمدهای شهروندان و درآمدهای صادراتی ما نیز عملاً وابسته به سوبسیدها و پارانه‌های نفتی است، نمی‌توان انتظار داشت که بتوانیم از ابزارهای تشخیصی یا قاعده‌ای مناسب برای تخصیص منابع استفاده کنیم. دولت با دست‌کاری و فشار اضافه که بر نرخ ارز وارد کرده، باعث انفجار در نرخ تورم شده است. ریشه این عارضه در واقع در دسترسی بدون محدودیت دولت به منابع متعلق به ملت است.

هدایت نقدینگی به سمت تولید، تعبیر درستی نیست، زیرا فضای عمومی بازار و پیام‌هایی که منتقل می‌کند، هدایت‌گر واقعی سرمایه‌هاست. این‌که حاکمیت، زمینه لازم برای هدایت نقدینگی را دارد، یک پیش‌فرض اشتباه است. در واقع موضوع توانمندی حاکمیت، بویژه دولت برای هدایت نقدینگی به عرصه تولید یک توهم است.

منابع مردم و فعالان اقتصادی و صاحبان سرمایه برای تحولات مهم در اقتصاد ایران کافی است، منابعی که ممکن است در حال حاضر، دیگر در شکل مولد و حرفه‌ای نگهداری نشود و بخش عمده آن به‌صورت رسمی در حال تحرک در اقتصاد ایران نباشد و منابع نزد ایرانیانی که در نقاط مختلف دنیا زندگی می‌کنند. منبع مهم دیگر ظرفیت جمعیت ۸۰ میلیونی برای پشتیبانی از خلاقیت و نوآوری‌های درست در قالب اقتصاد دانش‌بنیان است.

اکوتوریسم و ظرفیت‌های طبیعی که به‌واسطه ویژگی‌هایی که دارند و اینکه از جنس ارثیه تاریخی ما هستند باید بیشتر مورد توجه قرار گیرند؛ چون آنچه در طول تاریخ توسعه جدید ایران در شش، هفت دهه اخیر اتفاق افتاده، چیزی جز ویرانی محیط‌زیست، برهم زدن مکانیزم‌های جمعیتی، به‌هم‌ریختگی قومی و قبیله‌ای و دلخوری‌های به وجود آمده و آسیب‌های برجای گذاشته، نبوده است.

ایران با سرمایه، اندیشه، توانمندی و خردورزی مبتنی بر منابع ارزش‌افزای ایرانی می‌تواند به یک کشور بی‌نظیر در فضای جغرافیایی بین‌المللی تبدیل شود. مشروح گفت‌وگو با دکتر حسن فروزان فرد، عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران را در ادامه بخوانیم.

◆ تخصیص منابع از وظایف حکمرانی است، ارزیابی شما از چگونگی تخصیص منابع در کشور چیست؟

اساساً تخصیص بهینه منابع وظیفه حکمرانی است و در صورت فراهم شدن زمینه حکمرانی خوب، تخصیص منابع اتفاق می‌افتد. در فضای حکمرانی که توجه ویژه به ساماندهی مکانیزم‌های حکمرانی اتفاق نیفتاده و تمرکز لازم جهت دستیابی به سطحی از حکمرانی خوب وجود نداشته باشد، قاعدتاً نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که تخصیص بهینه منابع به‌خوبی انجام شود. در شرایط حکمرانی بد، حتی نمی‌توان به شناسایی درست منابع بالقوه کشور دست یافت، چه برسد به مرحله بعد؛ یعنی تخصیص درست منابع. در مورد منابع شناسایی شده هم متأسفانه به‌واسطه این‌که ظرفیت‌های حکمرانی خوب فعال نشده است، زمینه‌های فراوانی برای تخصیص غیر بهینه منابع، همراه با ضایع شدن آن‌ها فراهم است، اما حکمرانی خوب چگونه امکان‌پذیر است؟ به عبارتی چه نشانه‌ها، عناوین اصلی و موارد پایه ای در حوزه حکمرانی خوب وجود دارد که اگر به آن‌ها دست پیدا کنیم، می‌توانیم از حکمرانی خوب صحبت کنیم. حکمرانی خوب مشارکت عمومی را در تصمیم‌گیری‌ها، قانون‌گذاری‌ها و در بهینه‌یابی‌ها فراهم می‌کند، فارغ از اینکه قانون‌ها چقدر عالی باشند یا نباشند، اما زمینه حاکمیت

قانون باید در فضای حکمرانی خوب برقرار باشد؛ شفافیتی که زمینه‌ساز پاسخگویی باشد، جزو آیتم‌های مهم حکمرانی خوب است. موضوع وفاق عمومی و تلاش برای دسترسی به آن و زمینه‌سازی برابری در مقابل قانون و در گام‌های مهم‌تر و بالاتر آن جاری‌سازی عدالت و مفهوم اثربخشی و کارایی توأمان که همان مفهوم بهره‌وری است، حاصل این نوع از نگاه و این نوع از پیشرفت در حاکمیت است که در نهایت مسئولیت‌پذیری را فراهم می‌کند. بنابراین با نگاه به عوامل مهم، نشانه‌ها و نمودهای حکمرانی خوب به این جمع‌بندی می‌رسیم که وضعیتی که در کشور با آن مواجه هستیم، اساساً ارتباط جدی با حکمرانی خوب ندارد. اگر در حوزه تخصیص منابع هم دستاوردهای ارزنده ای نداریم و وقتی مرور می‌کنیم می‌بینیم که در طول چند دهه اخیر، به‌شدت و در واقع نابخردانه، غیرحرفه‌ای و غیراقتصادی از منابع کشور استفاده کرده ایم؛ به‌گونه‌ای که امروز دچار بحران‌های متعددی در حوزه‌های مختلف هستیم، آن‌وقت درک می‌کنیم که عارضه اصلی و علت‌العلل عوارض دیگر موضوع حکمرانی بد است. در واقع حکمرانی بد امروز سبب شکل‌گیری انواع و اقسام بحران‌ها است که قسمتی از این بحران‌ها حاصل تخصیص غیر بهینه منابع بوده است.

◆ در شرایط موجود کدام روش عقلایی و منصفانه است؛ تخصیص منابع براساس تشخیص یا براساس قاعده؟

اصولاً در شرایط فعلی، دولت نهاد زمینه‌ساز طرح‌ریزی بودجه‌ها و قوانین بودجه است، مجلس شورای اسلامی نهاد تأییدکننده این برنامه‌ریزی است که در واقع زمینه تخصیص منابع ملی را فراهم می‌کند و قوه قضاییه که قاعدتاً باید بر نحوه استفاده از این



- ▼ [نحوه انتخاب دولت‌ها، نحوه نگاه دولت‌ها و نگاه‌های کوتاه‌مدتی که جهت منافع شخصی و منافع گروهی و سیاسی در نظر می‌گیرند، مخصوصاً در سطح مدیران میانی، زمینه را برای یک اندیشه ورزی و خردورزی بلندنظرانه و بلندهمتانه جهت به‌کارگیری منابع و شناسایی منابع جدید و بویژه تخصیص منابع قدیم را فراهم نکرده است. تخصیص منابع قدیمی ناخودآگاه جنبه ادواری دارد و به‌سختی هم روش‌های آن تغییر پیدا می‌کند؛ چون در واقع یک جسبندگی نسبت به آنچه در گذشته اتفاق افتاده وجود دارد.](#)

حوزه تخصیص منابع به دو موضوع دچار هستیم، موضوع اول محدودیت‌های شناختی و دوم محدودیت‌های رفتاری، که این‌ها ناشی از چندین دهه دسترسی به درآمدهایی است که عموم ملت ایران و عموم حکمرانان ایران تأثیر مهمی در ایجاد این درآمدها و ارزش افزوده حاصل از آن‌ها نداشته و ندارند. این مسئله، ما را ناخودآگاه در به‌کارگیری روش‌های حرفه‌ای برای تخصیص هم عقب انداخته، به عبارتی با وجود درآمد بادآورده، از روی ارت (درآمدی که ما در ایجاد آن سهمی نداشته‌ایم)، حتماً در تخصیص آن نیز گرفتار خواهیم بود. این در حد یک خانواده کوچک، در حد یک گروه کوچک انسانی هم خودنمایی می‌کند چه برسد در حد یک کشور. در شرایطی که عمده درآمدهای دولت در طول دهه‌های گذشته، حاصل از منابع نفتی به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بوده و حتی بسیاری از درآمدهای شهروندان ما، بسیاری از درآمدهای صادراتی غیرنفتی ما، عملاً وابسته به سوسیدها و یارانه‌های نفتی بوده که در کشور پرداخت می‌شده، آن وقت نمی‌توان انتظار داشت که بتوانیم از ابزارهای تشخیصی یا قاعده‌ای مناسب برای تخصیص منابع استفاده کنیم. من موضوع تخصیص را یک گام عقب‌تر می‌بینم، اینکه ماهیت منابع ما زمینه‌ای را به‌درستی فراهم نکرده‌اند، تا ما از ابزارهای درست تشخیصی یا قاعده‌ای برای تخصیص به‌درستی بهره‌مند شویم.

♦♦ در طول دهه‌ها سیاست‌گذاری، سیستم چند نرخي ارز، هم موجب ایجاد رانت شده و هم اختلال در تجارت را باعث گردیده، به نظر شما چرا اصرار بر ماندن در این اشتباه می‌شود؟

این سؤال در واقع تائید و تأکیدی بر عرایض گذشته بنده است؛ چرا ما دچار دستگاه‌های چند نرخي در ارز شده‌ایم؟ به نظر می‌آید مهم‌ترین دلیل، ناشی از دسترسی ما به منابع نفتی و درآمدهای ارزی حاصل از فروش این منابع است. منابع اصلی دولت که همواره در بودجه ذکر شده و آمده، درآمد حاصل از تبدیل ارز صادرات نفت به ریال بوده، اما دولت مجبور بوده که درآمد حاصل از نفت را که به‌صورت ارز در اختیارش قرار گرفته، در داخل بازار کشور تبدیل به ریال و ریال آن را برای مصارف داخلی مورد استفاده قرار دهد. فرض بفرمایید که این مسئله برعکس باشد، یعنی ۷۰ یا ۸۰ درصد درآمدهای دولت حاصل از مالیات‌های ریالی بود که از فعالیت‌های اقتصادی در کشور گرفته می‌شد، آن وقت از

بودجه بر طبق قانون نظارت داشته باشد، اما می‌توان گفت هر سه قوه دچار نوعی از گرفتاری‌های درونی هستند و این باعث شده است که نتوانند شایسته‌ترین رفتاری را که لازم است انجام دهند.

نحوه انتخاب دولت‌ها، نحوه نگاه دولت‌ها و نگاه‌های کوتاه‌مدتی که جهت منافع شخصی و منافع گروهی و سیاسی در نظر می‌گیرند، مخصوصاً در سطح مدیران میانی، زمینه را برای یک اندیشه ورزی و خردورزی بلند-نظرانه و بلندمدتانه جهت به‌کارگیری منابع و شناسایی منابع جدید و بویژه تخصیص منابع قدیم را فراهم نکرده است. تخصیص منابع قدیمی ناخودآگاه جنبه ادواری دارد و به‌سختی هم روش‌های آن تغییر پیدا می‌کند؛ چون در واقع یک چسبندگی نسبت به آنچه در گذشته اتفاق افتاده وجود دارد.

اما نکته‌ای که شاید جذاب‌تر باید به آن توجه شود و بیشتر مورد دقت قرار گیرد، شناسایی منابع جدید در کشور است که شناسایی این منابع بالقوه و زمینه‌سازی تبدیل آن‌ها به بالفعل، به اعتقاد بنده جزو مهم‌ترین فعالیت‌هایی است که دولت باید در اولویت قرار دهد و کارشناسان و صاحب‌منصبان دولتی در حوزه‌های مختلف به آن بیندیشند. این مسئله ضعف مهمی است که در طول چند دهه گذشته با وجود استفاده چشمگیر از درآمدهای حاصل از فروش منابع نفتی و منابع زیرزمینی، اساساً حکمرانان بویژه صاحب‌منصبان دولتی توجه لازم به شناسایی منابع جدید و ارزنده متناسب با ویژگی‌ها و ظرفیت‌های کشور را نداشته‌اند و به همین تناسب، طرح‌ریزی‌های اولیه بودجه بیشتر جنبه ادواری و گذشته‌نگر داشته، مجلسی‌ها هم در آن محدوده‌ای که اجازه گفت‌وگو داشته‌اند، معمولاً با نگاه‌های منطقه‌ای، محلی و نگاه‌های محدودتر از نگاه حرفه‌ای و ملی به بودجه نگرسته‌اند و همراه با اغراض و اهداف سیاسی، دست‌کارهای کوچک و کم‌اثر بر بودجه داشته‌اند.

به اعتقاد بنده سند ملی ما برای شناسایی منابع و تخصیص منابع دچار یک نقص بزرگ است و آن هم این است که ما ده‌ها سال است که در شناسایی منابع واقعی جدید اقتصادی که شامل منابع درآمدی مناسب برای دولت از انواع و اقسام مالیات‌ها و فرصت‌های درآمدزایی برای ملت که زمینه پرداخت مالیات را فراهم می‌کردند، فاصله گرفته‌ایم و در واقع تمرکز دولت بر هزینه‌کرد، بوده نه بر تولید و تشویق درآمدهای ارزنده، به‌گونه‌ای که فرصت‌های رقابتی حرفه‌ای را برای آینده این سرزمین فراهم کند. لذا در واقع در حال حاضر ما در

به اعتقاد بنده

سند ملی ما برای

شناسایی منابع

و تخصیص منابع

دچار یک نقص

بزرگ است و آن

هم این است که ما

ده‌ها سال است

که در شناسایی

منابع واقعی

جدید اقتصادی

که شامل منابع

درآمدی مناسب

برای دولت از انواع

واقسام مالیات‌ها

و فرصت‌های

درآمدزایی برای

ملت که زمینه

پرداخت مالیات

را فراهم می‌کردند،

فاصله گرفته‌ایم

و در واقع تمرکز

دولت بر هزینه‌کرد،

بوده نه بر تولید و

تشویق درآمدهای

ارزنده، به‌گونه‌ای

که فرصت‌های

رقابتی حرفه‌ای

را برای آینده این

سرزمین فراهم

کند.

بنابراین حوزه‌ای که از آن صحبت می‌کنیم به‌عنوان اختلالات حاصل از چند نرخ بودن، حاصل از تصمیم برای نرخ‌گذاری به‌صورت ویژه و خاص نیست، بلکه به موضوع دیگری برمی‌گردد که مالکیت این منابع، در اختیار دولت است و مالکیتی که بر روی حاصل از صادرات نفت وجود دارد، باعث شده که ابزار نرخ‌گذاری هم همواره در دولت‌های مختلف به‌عنوان یک ابزار برای تعیین میزان درآمدهای ریالی، تعیین سطح زندگی مردم و میزان صادرات و واردات مورد توجه قرار گیرد و دولت‌ها به‌شدت دچار دست‌کاری در این قیمت‌گذاری شده‌اند تا بتوانند اهداف خودشان را در کوتاه‌مدت حاصل کنند. فرض کنید دولتی توسعه‌گرا بوده و تصمیم داشته که در یک‌زمان خاص، زمینه را برای واردات تکنولوژی، واردات کالاهای مناسب مصرفی موردنیاز مردم و همین‌طور برقراری ارتباطات بین‌المللی فراهم کند و تلاش کرده که در این دوره قیمت ارز را پایین نگه دارد تا بدین‌وسیله توسعه و رونق اقتصادی به دست آید، بنابراین با دست‌کاری و فشار اضافه که بر نرخ ارز وارد کرده، باعث شده که بعداً انفجاری رخ دهد. به‌تنبلی از ابتدای انقلاب تا به امروز همه دولت‌ها با استفاده از سیاست‌های نرخ‌گذاری ارز و پایین نگه‌داشتن ارز در حداقل مقدار خود، تلاش کرده‌اند در ۴ سال اول محبوبیت ایجاد کنند تا رفاه برای جامعه فراهم شود و مردم بتوانند با قیمت مناسب، کالاهای شناخته شده و برندهای مختلف دنیا را مصرف کنند، ۴ سال دوم را برای خودشان نگهدارند، اما در نیمه دوم فشار اقتصادی حاصل از این پایین نگه‌داشتن نرخ ارز که سبب افزایش تعدادی و مقداری واردات، گرفتاری صادرکنندگان و موضوعات مختلف دیگر بوده با همراهی یک اتفاق سیاسی به‌گونه‌ای رقم خورده که یک انفجار در نرخ تورم حاصل شده است.

بنابراین این مسئله یک عارضه است، اما علت این عارضه و ریشه این عارضه، دسترسی به منابع عمومی است که به‌عنوان منابع ملی یعنی منابعی که متعلق به ملت است، در اختیار دولت قرار گرفته است. ما شرکت ملی نفت ایران را داریم و قرار بوده که این «شرکت

پایه، درآمد و هزینه‌های اصلی دولت ریال بود؛ بنابراین در این شرایط جایگاه شناسایی نرخ ارز توسط دولت و تأثیر آن بر اندازه منابعی که در اختیار دارد، دیگر موضوع اصلی اقتصاد ایران نبود. فرض کنید اقتصاد ایران اقتصاد پویایی بود که صادرات و تعاملات بین‌المللی‌اش توسط بخش خصوصی اتفاق می‌افتاد، از آن‌طرف دولت بر اثر قیمت‌گذاری بر روی نرخ ارز درآمد ویژه مستقیمی در کوتاه‌مدت به دست نمی‌آورد و منابع ارزی مهمی در اختیارش نبود که بخواهد در مورد آن تصمیم بگیرد، در واقع منابع ارزی در اختیار بانک مرکزی و مالکیت آن با مردم بود، در این صورت می‌توان با اطمینان گفت که شرایط حاضر پیش نمی‌آمد. خوب است که در این موضوعات و این نوع سؤال‌ها، علت‌ها و ریشه‌ها را با دقت نگاه کنیم تا راه‌حل‌ها و پیشنهادهایمان هم حرفه‌ای و آینده‌نگرانه باشد.

تنها راه‌حل در این زمینه برای کشور ما جهت جدا شدن از سیستم‌های دستوری در حوزه اقتصاد مثل تعیین نرخ ارز و مواردی از این دست، این است که دولت باید به‌عنوان دولت جمهوری اسلامی ایران با استفاده از منابع مالیاتی حاصل از فعالیت‌های حرفه‌ای و مولد فعالان اقتصادی، درآمدهای ریالی داشته باشد و اگر این بخش‌ها خوب کار کنند و توانمند باشند و کالاهایی مناسب تولید کنند و با خروجی‌های ارزنده، با دنیا مرابده داشته باشند، آنگاه منابع ارزی‌شان در اختیار بانک مرکزی قرار گرفته و در تعاملات بانکی، کار پیش می‌رود که در این صورت نیازی به هیچ نرخ‌گذاری

از سمت دولت نیست، چراکه

عرضه و تقاضا

بهترین حالت

برای انتخاب

عدد درست

در زمینه تبدیل

منابع ارزی کشور به

ریال و بالعکس

است.



است. اساساً نرخ‌گذاری توسط دولت، آن هم با این اندازه از قدرت، محل اشکال است. نرخ‌گذاری باید بر مبنای نرخ بازار باشد. تلاشی هم که قرار بوده جهت تعیین سیاست‌های نرخ‌گذاری در ارز انجام شود و بارها و بارها در بیان به آن تأکید شده، این است که نرخ‌گذاری با سیاست شناور مدیریت شده باشد و این سیاست، اصولاً در دسترس دولت نیست و در دسترس بانک مرکزی قرار دارد و بانک مرکزی باید متناسب با واقعیت‌های بازار این شناوری را به رسمیت بشناسد، در عین اینکه اجازه نوسانات غیرحرفه‌ای را هم به نرخ ارز ندهد. اساساً سیاست ارزی ما در جمهوری اسلامی ایران در طول دوره بعد از جنگ تاکنون، از نظر عنوان و ظاهر قرار بوده سیاست مدیریت شناور باشد، اما دولت با در اختیار داشتن و مالکیت بر منابع ارزی با شرایطی که برایش پیش آمده، وارد حوزه نرخ‌گذاری دستوری شده و پس از اینکه یک نرخ تعیین شد، متناسب با ویژگی‌ها، شرایط و موقعیت‌های سیاسی این اجازه را به خودش داده که چند نرخ را نیز تعیین کند. همیشه هم همین‌طور بوده است از دولت آقای هاشمی رفسنجانی تا به امروز دولت‌ها دست به انجام خطای بزرگ زده‌اند و اصرار بر ماندن در این اشتباه، حاصل از باقی ماندن بر مکانیزم‌های درآمدی قدیمی دولت است. تا زمانی که درآمدهای ارزی کشور در قالب درآمد حاصل از نفت باشد و برای اداره امور، عمده درآمدهای حاصل از نفت هم، رسماً «ملک طلق» دولت باشد و نسبت به آن پاسخگویی مناسبی نداشته باشد و حتی به خاطر محدودیت‌ها، اجازه نداشته باشد به همان مقداری هم که در صندوق ذخیره ارزی جمع آوری شده است، دست‌اندازی نماید. باز هم باید منتظر همین نوع از سیاست‌های با افت‌وخیز باشیم.

◆ در قیاس با کشورهایی که در تولید و تجارت موفق شده‌اند، در ایران حمایت از تجهیز شرکت‌ها و بنگاه‌ها به منابعی که در شناسایی اهداف آن‌ها تعیین شده، چگونه است؟

معمولاً منابعی که در اقتصاد برای تجهیز شرکت‌ها و بنگاه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، شامل چند عنصر مشخص است. معمولاً منابع شخصی افراد به‌عنوان منبع اولیه برای شکل‌گیری ایده‌ها استفاده می‌شود و برای راه‌اندازی و رساندن آن‌ها به مراحل اقتصادی معمولاً از ابزار بانکی و صندوق‌های حمایتی استفاده می‌شود و در نهایت پس از اینکه اقتصادی بودن یک فعالیت که

به‌تناوب از ابتدای انقلاب تا به امروز همه دولت‌ها با استفاده از سیاست‌های نرخ‌گذاری ارز و پایین‌نگه‌داشتن ارز در حداقل مقدار خود، تلاش کرده‌اند در ۴ سال

اول محبوبیت ایجاد کنند تا رفاه برای جامعه فراهم شود و مردم بتوانند با قیمت مناسب، کالاهای شناخته شده و برندهای مختلف دنیا را مصرف کنند، ۴ سال دوم را برای خودشان نگهدارند، اما در نیمه دوم فشار اقتصادی حاصل از این پایین‌نگه‌داشتن نرخ ارز که سبب افزایش تعدادی و مقداری واردات، گرفتاری صادرکنندگان و موضوعات مختلف دیگر بوده با همراهی یک اتفاق سیاسی به‌گونه‌ای رقم خورده که یک انفجار در نرخ تورم حاصل شده است.



ملی» یک شرکت مستقل باشد که منابع درآمدی حاصل از فروش نفت متعلق به او باشد و در مسیری که آن شرکت تعیین می‌کند، پیش برود و اگر دولت نیاز داشت بتواند متناسب با نیاز و برای اهداف مشخص و با نظارت حاکمیت و مردم از منابع آن شرکت حتی قرض بگیرد و دوباره به آن برگرداند؛ اما دسترسی بدون محدودیت دولت به همه این منابع که طی ۵۰ سال گذشته رخ داده، مرتب زمینه‌های ناهنجاری در اقتصاد ایران را فراهم کرده است، قابل توجه اینکه اسم این شرکت‌ها، شرکت ملی نفت و گاز است که قرار بوده متعلق به ملت باشند و دولت و قاعدتاً حاکمیت نباید به اموال عمومی دست‌اندازی داشته باشد. این شرکت‌ها ملی هستند اما عملاً دولتی‌اند و درآمد حاصل از فعالیت این شرکت‌ها در اختیار دولت قرار می‌گیرد و دولت‌ها آن را جزء منابع قطعی و مال خود می‌دانند، نه اینکه از این منابع قرض بگیرند و برای جبران برخی از نیازهای دولت مورد استفاده قرار دهند. البته دو دفعه (در دولت آقای خاتمی و سپس در دولت آقای روحانی) تلاش شد که در قالب صندوق ذخیره ارزی یا صندوق توسعه ملی، حداقل قسمتی از این منابع جهت زمینه‌سازی برای توسعه و فعالیت‌های صادرات محور، جمع‌آوری شود که با توجه به آشفتگی بازار ارز و آشفتگی نرخ ارز به اعتقاد من این صندوق‌ها توفیق زیادی در ایجاد ارتباط با بخش خصوصی و اعتبار دهی به آن‌ها به دست نیاوردند.

اصل موضوع، اصرار بر اشتباه سیاست‌های نرخ‌گذاری است، نه چند نرخ بودن! چند نرخ بودن گام بعدی

میان بردن منابع ملی است که آثار و هزینه‌هایش را باید فعالان اقتصادی حرفه‌ای‌تر پرداخت کنند. مشکل بعدی ما این است که ما در خانواده دچار فرزندان پیر فرتوتی هستیم که علی‌رغم اینکه سنشان از سی و چهل عبور کرده است، اما همچنان دستشان در مقابل منابع ارزان قیمت و دستوری خانواده دراز است.

همان‌طور که می‌دانید نرخ بهره بانکی نیز در ایران دستوری است و توسط وزارت اقتصاد و بانک مرکزی به‌عنوان زیرمجموعه‌های دولت تعیین می‌شود. لذا منابع عمومی که به‌صورت پس‌انداز در اختیار بانک‌هاست با اختصاص نرخ‌های بهره دستوری، در اختیار کسانی در قالب طرح‌های مختلفی قرار می‌گیرد که در اقتصاد ایران در طول این چند دهه تاکنون اتفاق افتاده است، تخصیص‌های دستوری دولتی برای توسعه‌های محلی و منطقه‌ای و موارد مختلف مثل طرح‌های مختلف پرمطابق ملی که وقتی بعداً توسط دستگاه‌های حکمرانی مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته می‌شوند، متوجه شده‌اند که بیش از ۹۰ درصد از منابع در جاهای غیرمنطقی و غیرمعمولش که جدا از اهداف طرح است، مصرف شده است. این‌ها نمونه‌هایی از هدر دادن منابع بانکی است که عملاً منابع عمومی پس‌انداز شده در بانک‌هاست.

در مجموع عرض بنده این است که یکی، تخصیص اولیه برای شروع فعالیت‌ها دچار ایراد بوده است و مرحله دوم هم تخصیص به فرزندان پیر و فرتوتی است که نتوانسته‌اند در طول زمان با استفاده از این منابع خدمتی ارائه دهند که ارزنده و رقابتی باشد تا به‌واسطه این ارزندگی بتوانند زمینه‌های یک برند رقابتی را فراهم کنند که در بازار بورس عرضه شود تا در این بازار با وجود رقابتی که بین شرکت‌ها وجود دارد، نظر مخاطبین به آن‌ها جلب شود و در ادامه مسیر سرمایه‌گذاران عمومی بتوانند این خدمات را تأمین اعتبار کرده و پیش ببرند. هم چنین ضعف‌های حسابرسی و حسابداری، ضعف‌های حکمرانی شرکتی و نهایتاً بی‌قاعدگی که در حوزه ثبت و ضبط و پرداخت مالیات‌ها وجود داشته، نتیجه را این‌طور فراهم کرده که شرکت‌هایی که بیش از سی سال سابقه در فضای کسب‌وکار ایران داشته‌اند، معمولاً هیچ آمادگی برای حضور در بازار بورس پیدا نکنند تا از بسترهای حرفه‌ای این بازار برای تأمین منابع و تخصیص آن‌ها استفاده کنند.

یادآوری می‌کنم بورس در کشورهای توسعه‌یافته جایی است که زمینه تخصیص منابع حرفه‌ای به بهترین‌ها

می‌تواند تولیدی، خدماتی، کشاورزی و صنعتی باشد تعیین شد، بعد از یک بازه زمانی بین پنج تا پانزده سال که موفقیت‌هایی حاصل کرد برای توسعه‌های بعدی در فضای حرفه‌ای از ظرفیت‌های بازار سرمایه و بورس استفاده می‌کند. این مراحل، روال و روند سالم در تخصیص منابع ملی است. به عبارتی برای شروع فعالیت‌های اقتصادی افراد باید بتوانند منابع اولیه را خود تجهیز کنند و تجهیزات اولیه منابع توسط خودشان، معتمدینشان، اطرافیانشان و شرکایشان، زمینه را برای ریسک‌پذیری بانک‌ها، مؤسسات اعتباری، صندوق‌های توسعه‌ای و سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر فراهم می‌کند تا سرمایه‌های بعدی را بتوانند کسب کنند. اگر در این زمینه خوب عمل کرده و با استفاده از سرمایه‌های بعدی، خروجی‌های ارزنده تولید کنند، آن‌وقت باید همراه با برندسازی، فضای عمومی را قانع کنند، تا تأمین منابع با قیمت مناسب و شرایط رقابتی انجام شود که این کار توسط بورس انجام می‌شود، در آن صورت است که یک فضای نسبتاً سالم و حرفه‌ای برای تأمین منابع مهیا می‌شود که به نظر می‌آید در کشورهایی که در تولید و تجارت موفق هستند معمولاً این روند اتفاق افتاده است و حتی امروزه به خاطر ظرفیت‌ها، دسترسی‌ها، اطلاعات بین‌المللی و توسعه بازارهای بورس بین‌المللی، کشورها چشم به بازارهای بورس پررونق‌تر برای عرضه دارایی‌های خود دارند و خودشان را محدود به بورس‌های داخلی نمی‌دانند. در واقع اگر شرکت‌ها و بنگاه‌ها دستاوردهای ارزنده‌ای را حاصل کنند و نماهای بین‌المللی به خودشان بگیرند، آنگاه این جسارت را هم پیدا می‌کنند که قسمتی از منابع لازم را از بازارهای بین‌المللی به‌صورت حرفه‌ای تأمین کنند که این موارد، گام‌های پایانی و حرفه‌ای این روند است. به اعتقاد بنده ما اساساً در این زمینه هم دچار مشکل جدی هستیم و در تخصیص بهینه منابع مان دچار گرفتاری‌های متعددی هم در این حوزه بوده‌ایم. شکل‌گیری شرکت‌ها و فعالیت‌های اقتصادی از نظر حرفه‌ای باید همراه با یک سرمایه‌گذاری فردی باشد، این‌که افرادی که سرمایه‌های اولیه ندارند را تحریک کنیم تا به هر ترتیبی وارد فعالیت‌های تولیدی و صنعتی شوند، یعنی منابع عمومی از جنس بانکی یا منابع صندوق‌های توسعه را به‌صورت دستوری در اختیار کسانی که برای شکل‌گیری یک کسب‌وکار نتوانسته‌اند رضایت و همراهی حداقلی تعدادی از اطرافیان خودشان را جلب کنند، قرار دهیم، محل خطر و اشتباه و از

اساساً نرخ‌گذاری

توسط دولت، آن

هم با این اندازه

از قدرت، محل

اشکال است.

نرخ‌گذاری باید

بر مبنای نرخ بازار

باشد. تلاشی

هم که قرار بوده

جهت تعیین

سیاست‌های

نرخ‌گذاری در ارز

انجام شود و بارها

و بارها در بیان به

آن تأکید شده، این

است که نرخ‌گذاری

بسیاست

شناور مدیریت

شده باشد و

این سیاست،

اصولاً در دسترس

دولت نیست و

در دسترس بانک

مرکزی قرار دارد

و بانک مرکزی

باید متناسب با

واقعیت‌های بازار

این شناوری را به

رسمیت بشناسد،

در عین اینکه

اجازه نوسانات

غیر حرفه‌ای را هم

به نرخ ارز ندهد.

را معمولاً کسانی شروع به تکرار کردند که هیچ‌گاه دستی در واقعیت اقتصاد به معنای یک تولیدکننده مهم، یک صنعتگر مهم و یک ارائه‌دهنده خدمت مهم نداشته‌اند. سرمایه‌ها قابل هدایت نیستند؛ فضای عمومی بازار و پیام‌هایی که منتقل می‌کند، وضعیت عرضه و تقاضا، و وضعیت قیمت و پیش‌بینی‌های آینده است که هدایتگر واقعی سرمایه‌ها است. این پیش‌فرض که حاکمیت زمینه لازم برای هدایت نقدینگی را دارد. به اعتقاد من یک پیش‌فرض اشتباه و ناشی از این است که ما اصولاً منابع مان را درست شناسایی نکرده‌ایم. در واقع موضوع توانمندی حاکمیت و بویژه دولت برای هدایت نقدینگی به عرصه تولید یک توهم است و هیچ‌گاه با ابزارهای دستوری که نزد دولت است اتفاق نمی‌افتد. درست است که در اثر یک حکمرانی سالم و مبتنی بر منطق اقتصادی درست، اگر مزیت‌های مناسبی در یک کشور و در یک مجموعه برای تولید فراهم باشد، می‌توان امیدوار بود که کم‌کم منابع به سمت استفاده از این مزیت‌ها حرکت کنند و این مزیت‌ها تبدیل به منابع تولید ثروت و ارزش افزوده برای آن جامعه شود. حال اگر مزیت‌ها در حوزه تولید باشد، بی‌شک منابع هم کم‌کم به سمت تولید حرکت می‌کنند و اگر مزیت‌ها به سمت ارائه خدمات یا حوزه فعالیت‌های تجاری باشد، منابع نیز به همان سمت حرکت می‌کنند. این که «ما دوست داریم تولیدکننده باشیم» یا «دوست داریم که کالاهایی را خودمان تولید کنیم» با این که «ما در این زمینه مزیت‌های مناسبی هم داریم»، دو چیز متفاوت است، به عبارتی ما در اغلب موارد دوست داریم که تولیدکننده برخی از کالاها باشیم، پیش از این که به مزیت‌های نسبی توجه کرده باشیم و بررسی کنیم که آیا در ایجاد و تولید این مزیت‌ها و این کالاها، مزیت نسبی داریم یا نداریم؟ به عبارتی ما به مزیت‌های نسبی کم‌توجه‌ایم، به‌علاوه این که اساساً به مفهوم آمایش سرزمین نیز توجه نمی‌کنیم و بعد سعی می‌کنیم با استفاده از سیاست‌گذاری‌های دستوری از سمت حاکمیت و دولت و مکانیزم‌های تخصیص منابع زیرمجموعه‌های بودجه به‌صورت اجباری یا به‌صورت برنامه‌ریزی‌شده یک مزیت‌های غیرواقع‌بینانه‌ای را خلق کنیم و اسم آن‌ها را هدایت منابع به سمت تولید بگذاریم. این خطر بزرگی است که همواره در طول دهه‌های اخیر کشور ما را تهدید کرده و همچنان گرفتار این دیدگاه هستیم و کسی هم پاسخگوی هدررفت منابعی که به‌زعم حکمرانان، دولتیان، مجلسیان و تصمیم‌گیرندگان، اسمش هدایت

را فراهم می‌کند، اما متأسفانه بورس در کشور ما هنوز هم در این قالب، فعالیت حرفه‌ای و عالی ندارد و علی‌رغم اینکه این موجودیت وجود دارد، اما واقعاً هنوز این قابلیت به‌صورت کامل در آن ایجاد نشده است. ضعف‌های سیستم‌های تکمیلی اطراف آن که دستگاه‌های رتبه‌بندی اعتباری هستند هم در این زمینه نقش داشته‌اند، یعنی شرکت‌ها برای دریافت منابع از دستگاه‌های بانکی، از صندوق‌ها و بعد از آن برای حضور در بازار سرمایه و استفاده از ظرفیت بازار سرمایه تن به مکانیزم‌های رتبه‌بندی اعتباری بین‌المللی شناخته شده، نداده‌اند؛ مکانیزم‌های شناخته شده بین‌المللی در قالب سه مکانیزم اصلی که ریشه آمریکایی دارند و سالیان درازی در ایران پایگاهی ندارد و سایر مکانیزم‌های شناخته شده اروپایی و حرفه‌ای هم دسترسی به بازار ایران را نداشته‌اند و اساساً بازار ایران هم به این سمت حرکت نکرده و ما یک عقب‌افتادگی تاریخی در زمینه رتبه‌بندی اعتباری و اعتبارسنجی برای فعالان اقتصادی و شرکت‌هایمان در کشور داریم که این مسئله زمینه را برای تخصیص منابع، باز هم بدتر و ضعیف‌تر می‌کند.

♦♦ هدایت نقدینگی به عرصه تولید در شرایط فعلی و زمانی کوتاه، چه اندازه ممکن است؟ اصولاً هدایت نقدینگی به تولید به چه شکل و در چه شرایطی موفقیت‌آمیز ارزیابی می‌شود؟

من اساساً با واژه هدایت نقدینگی به سمت تولید یا به عرصه تولید ارتباط برقرار نمی‌کنم. به اعتقاد بنده این عبارت را کسانی ساخته و تکرار می‌کنند که اساساً مفهوم سرمایه، سرمایه‌گذاری و تولید را نمی‌دانند. این حرف‌ها





- ▼ ما به مزیت‌های نسبی کم توجه‌ایم، به علاوه این‌که اساساً به مفهوم آمایش سرزمین نیز توجه نمی‌کنیم و بعدسعی می‌کنیم با استفاده از سیاست‌گذاری‌های دستوری از سمت حاکمیت دولت و مکانیزم‌های تخصیص منابع زیرمجموعه‌های بودجه به صورت اجباری یا به صورت برنامه‌ریزی شده یک مزیت‌های غیرواقع‌بینانه‌ای را خلق کنیم و اسم آن‌ها را هدایت منابع به سمت تولید بگذاریم. این خطر بزرگی است که همواره در طول دهه‌های اخیر کشور ما را تهدید کرده و همچنان گرفتار این دیدگاه هستیم.

نسبت به قبل (بیش از ۷۰ سال پیش) تغییر کرده است. این وضعیت چقدر در کیفیت تخصیص منابع به نگاه‌ها تأثیرگذار است. در این مورد چه تحلیلی دارید؟

در مورد موضوع کیفیت تدوین بودجه‌های سالیانه و لایحه‌های مربوط به آن بحث‌های فراوانی وجود دارد. نظام‌های بودجه‌نویسی در دنیا به شدت و به صورت گسترده تغییرات هویتی و شکلی هم از منظر نحوه شناسایی و هم تنوع‌بخشی به منابع جدید برای دولت‌ها داشته‌اند. همچنین رویکردهای خود را در مورد نحوه شناسایی هزینه‌های موردنیاز به شدت تغییر و بهبود داده‌اند، نگاه‌های گذشته‌نگر در بودجه‌نویسی کاملاً منسوخ‌شده و نگاه‌ها با آینده‌نگری همراه است. نظام بودجه‌ریزی که مبتنی بر سنوات گذشته است و نگاه تاریخی در آن محور اصلی است، اساساً مورد توجه نظام‌هایی که صاحب حکمرانی خوب هستند، دیگر نیست.

مجدد به پاسخ سؤال اول یادآوری می‌کنم که بودجه، ابزاری از ابزارهای حکمرانی است و اگر سطح حکمرانی ما به سطح بالاتری ارتقا پیدا نکند و به سمت حکمرانی مطلوب حرکت نکنیم، زمینه‌های مشارکت عمومی، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی، تلاش برای استفاده مناسب و عادلانه از منابع، اثربخشی و کارایی، مسئولیت‌پذیری، این آیتم‌ها در فضای حکمرانی ما و در فضای شکل دادن و تصویب بودجه در بین قوا شکل نگیرد

منابع کشور به سمت تولید بوده، نیست. در واقع کسی امروز پاسخگوی این نیست که از طریق سیاست‌های دستوری در زمینه نرخ بهره برای تخصیص منابع به افرادی که می‌خواهند فعالیت تولیدی انجام دهند، از طریق هزینه‌هایی که برای ساختن پلتفرم‌های تولید و صنعت در کشور ایجاد شده و اعلام شده و تکرار شده، چه میزان منفعت اقتصادی و چه میزان ارزش افزوده واقعی در اقتصاد ایران تولید شده که ظرفیت‌های رقابتی داشته و توانسته است خودش را ادامه دهد و چه میزان از آن بی‌حاصل و به آجر و سیمان معطل مانده در قالب سوله‌های متعدد در کشور و چقدر به دستگاه‌های نیمه استفاده شده و ظرفیت‌های نیمه‌خالی در کشور تبدیل شده است؟! بنابراین این واژه علیرغم اینکه ممکن است از نظر عموم جنبه مثبت و بار مثبتی داشته باشد، اما از زاویه و منظر اقتصاددانان و حداقل از نظر بنده که یک اقتصادخوانده کوچک هستم، اساساً یک تصویر اشتباه و یک توهم است که معمولاً حاکمیت با آن مواجه بوده است. آنچه تا به امروز اتفاق افتاده به اعتقاد من، بدون تردید موفقیت‌آمیز نبوده و در اغلب موارد همراه با از بین بردن و یا ضایع کردن منابع عمومی کشور بوده است.

♦♦ **قانون بودجه سال ۱۳۲۷ هنوز در ایران جاری است، باوجودی که تنوع منابع، تزریق و نحوه استفاده از آن‌ها**

و توسعه پیدا نکند و نظارت عمومی مردم، تشکل‌ها، فعالان اقتصادی و NGOها بر بودجه به صورت جدی نباشد، قطعاً این ابزار یک ابزار ناکارآمد است و خودش می‌تواند به ناکارآمدی‌ها دامن بزند. به اعتقاد من نظام بودجه‌ریزی امروز ما خود یکی از علل ناکارآمدی در تخصیص منابع است؛ یعنی خودش صاحب علل است و خودش در واقع آیتمی است که می‌شود به‌عنوان یک آیتم تأثیرگذار بر تخصیص غیر بهینه منابع به آن تأکید کرد.

بنابراین معتقدم که قانون بودجه ما که در سنوات بسیار قبل یعنی در سال ۱۳۲۷ نوشته شده و هنوز جاری و ساری است، اصلاً تناسب لازم را با واقعیت‌های اقتصاد امروزی ایران و دنیا ندارد و مکانیزم بودجه‌ریزی ما حتماً به صورت بنیادی نیازمند به تغییر است. سال‌هاست که از بودجه‌ریزی عملیاتی صحبت می‌کنیم و تلاش می‌کنیم در دولت‌های مختلف به این سمت نزدیک شویم، اما چون روح حاکم بر حکمرانی ما، هنوز به سمت حکمرانی مطلوب و خوب حرکت نکرده، عناوینی که برشمرده‌ام را نتوانسته در بدنه حکمرانی خود توسعه دهد. لذا علیرغم این شعارها و ادعاها، اجزای مختلف در دولت و در حاکمیت وقتی به خودشان می‌رسند، باز هم مایلند که بر اساس همان مکانیزم‌های تاریخی، گذشته‌نگر، غیرمسئولانه، غیر شفاف و غیر پاسخ‌گویانه، بودجه دریافت و هزینه کنند.

♦♦ مهم‌ترین وضعیت فرصت‌ها و ظرفیت‌هایی که از باب منابع در اقتصاد ایران موجود است، کدامند و چه تهدیدهای بالقوه‌ای فراراه مصرف بهینه منابع تولید و تجارت وجود دارد که باید به‌طور جدی چاره‌اندیشی شود؟

در مورد منابع قابل‌استفاده در اقتصاد ایران می‌توان گفت؛ مهم‌ترین آن، منابع عمومی مردم و فعالان اقتصادی یا صاحبان سرمایه در ایران است. این منابع برای تحولات مهم در ایران کافی است؛ علی‌رغم اینکه هنوز پس از سال‌ها در شرایط مناسبی تخصیص پیدا نکرده‌اند.

به اعتقاد بنده منابع موجود در داخل کشور و با استناد به منابع موجود در دست فعالان اقتصادی که البته ممکن است در حال حاضر دیگر در شکل مولد و حرفه‌ای نگهداری نشوند، هنوز یکی از منابع مهم برای توسعه اقتصادی به شمار می‌آیند و هنوز بخش عمده آن به صورت رسمی در حال تحرک در اقتصاد ایران نیست و پیشرفت فعالیت و شفاف‌سازی فضای اقتصاد ایران

می‌توانست زمینه‌های مناسب‌تری را برای این مسئله فراهم کند، اما نکته‌ای که وجود دارد، اگر به موضوع کمی بازتر نگاه کنیم آنگاه بحث منابع اقتصادی که در اختیار ایرانیانی که در نقاط مختلف دنیا زندگی می‌کنند، پیش می‌آید که چقدر منابع اقتصادی دارند. یک بخش از منابع آن‌ها ممکن است سرمایه باشد، قسمتی می‌تواند تکنولوژی و بخشی دیگر شبکه‌های ارتباطی و اعتباری ارزنده که می‌توان از آن‌ها استفاده نمود و به اعتقاد من این منابع برای ایران منابعی بسیار بسیار ارزنده، مناسب و شایسته هستند که می‌توانند در یک‌زمان و در یک شرایط بخصوص موجب اتفاقات ارزنده‌ای برای اقتصاد ایران باشند و آن‌ها را نیز می‌توان به‌عنوان منابع محتمل برای اقتصاد ایران در نظر گرفت. منبع مهم دیگری که کمتر به آن توجه شده است، ظرفیت جمعیت ۸۰ میلیونی است برای پشتیبانی از خلاقیت و نوآوری‌های درست که با تمرکز بر حل مسئله باعث ایجاد خروجی می‌شوند، چیزی که در قالب اقتصاد دانش‌بنیان به شرکت‌های خلاق و نوآور در حوزه استارت‌آپ‌ها چند سالی است که مورد توجه قرار گرفته و به اعتقاد بنده منبع اصلی آینده ایران در واقع استفاده درست از این ظرفیت‌هاست که بزرگ‌ترین منابع اقتصادی را برای اقتصاد ایران در آینده فراهم می‌کند. در کنار این منابع و در کنار ظرفیت‌های انسانی که همراه این منابع است، ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های طبیعی ایران هم در شکل‌های مختلف به‌عنوان منابع مهم اقتصادی ایران تلقی می‌شوند که مهم‌تر از همه، توریست و اکوتوریسمی است که به شکل بسیار جذاب و تعیین‌کننده جهت تأمین منابع زنده، پایدار، دوستدار محیط‌زیست و همراه با مفاهیم توسعه پایدار می‌تواند تأثیرگذار باشد که در ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته و در مرکز و تمرکز نگاه حکمرانی ما هیچ‌گاه نبوده و هنوز هم متأسفانه نیست و اگر هم از آن صحبت می‌شود بیشتر جنبه شعارگونه دارد؛ چون همراه با آن، می‌طلبید که یک مجموعه از سیاست‌ها و تعاملات باشد که تاکنون نبوده است. در انتها به اعتقاد من می‌توانیم به منابع طبیعی زیرزمینی یا منابع معدنی به‌عنوان منابع مهمی برای اقتصاد ایران اشاره کنیم که البته تا امروز این منابع مهم بیشتر از بقیه منابع تبدیل به ارز و ریال شده است و به نظر می‌آید به‌واسطه ویژگی‌هایی که دارند و به‌واسطه اینکه از جنس ارثیه تاریخی ما هستند، باید خیلی با دقت مورد توجه قرار گرفته و در اقتصاد ایران نقش‌آفرینی کنند؛ چون آنچه در طول تاریخ توسعه

اگر همین امروز
تصمیم بگیریم
که در عرصه‌های
مختلف یارانه‌ها را
متوقف کنیم، آنگاه
متوجه می‌شویم
آنچه ساخته شده
و ما احساسی
می‌کنیم که
دارایی‌های مهم و
منابع تولیدی مهم
اقتصاد ما هستند،
چگونه غیرقابل
استفاده و بی‌ارزش
خواهند شد و
در نظام رقابتی
معمولاً جایگاهی
برای ادامه فعالیت
ندارد، مگر اینکه
دچار تحولات
اساسی و ویژه
شوند.

عرصه‌های مختلف پارانه‌ها را متوقف کنیم، آنگاه متوجه می‌شویم آنچه ساخته شده و ما احساس می‌کنیم که دارایی‌های مهم و منابع تولیدی مهم اقتصاد ما هستند، چگونه غیرقابل استفاده و بی‌ارزش خواهند شد و در نظام رقابتی معمولاً جایگاهی برای ادامه فعالیت ندارد، مگر اینکه دچار تحولات اساسی و ویژه شوند. ساختن کشور مبتنی بر منابعی که حاصل از دسترنج فعالان اقتصادی نیست، ساختن کشور با منابع حاصل از ارث پدری که به‌صورت غیرحرفه‌ای و با اعمال نظر در فضای اقتصادی ایران بین ارکان مختلف حاکمیت توزیع می‌شود، حتماً دستاورد ارزنده‌ای برای آینده ایران نخواهد داشت. ایران با سرمایه ایرانی، با اندیشه ایرانی، با توانمندی و خردورزی ایرانی مبتنی بر منابع ارزش‌افزای او می‌تواند به یک ایران بی‌نظیر و تأثیرگذار در فضای جغرافیایی و فضای بین‌المللی تبدیل شود.

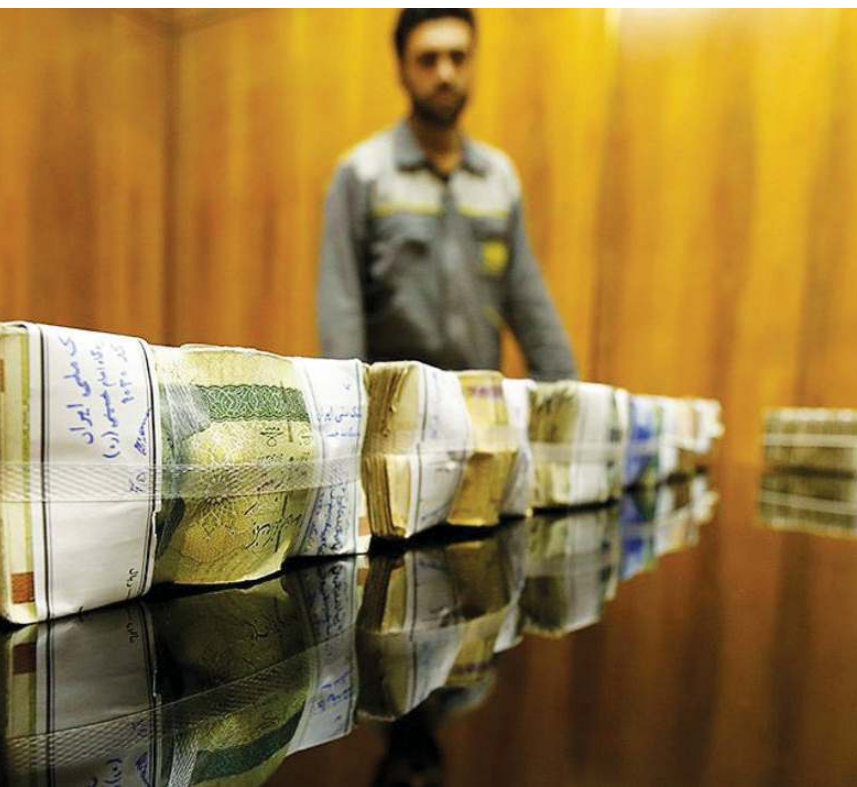
امیدوارم همه ما به اهمیت موضوع دقت داشته باشیم و اندیشه و تلاش کنیم برای این‌که هر کدام به نوبه خودمان در شناسایی منابع درست و جدید در اقتصاد ایران و کنارگذاری منابع آزارنده که سبب ناکارآمدی بیشتر در اقتصاد ایران می‌شود، کمک کنیم. ♦♦

جدید اقتصاد ایران در شش و هفت دهه اخیر اتفاق افتاده، چیزی جز ویرانی محیط‌زیست، جز برهم‌زدن مکانیزم‌های جمعیتی ایران، به‌هم‌ریختگی‌های قومی و قبیله‌ای و دلخوری‌هایی که به وجود آمده و لاجرم آسیب‌هایی که همراه داشته، نبوده است. دقیقاً همانند تقسیم ارثیه در یک خانواده پس از فوت یک پدر؛ فوت یک بزرگ که نتایج توسعه‌ای در آن خانواده ندارد و بیشتر به دلگیری و قهر بین آدم‌ها مبدل می‌شود. تخصیص این‌گونه از منابع کشور هم به هم همین شکل، یعنی منابع زیرزمینی و روزمینی از جنس منابع نفت و گازی و منابع معدنی در ایران چیزی جز عدم بهره‌وری و نارضایتی بین اقوام و گروه‌های مختلف و زمینه‌سازی برای جدا شدن و تجزیه همراه خود نداشته است، به طوری که امروز یک‌به‌یک بحران‌های حاصل از توجه و تمرکز بیش‌ازاندازه به این منابع را در کشور ملاحظه می‌کنیم؛ منابعی که به‌شدت به نظر بالفعل می‌آیند، می‌توانند زمینه‌ساز توقف توسعه تمدنی ایران را فراهم کنند و می‌توانند زمینه‌ساز بحران‌های بسیار بسیار جدی و ادامه‌دار در بستر فلات ایران و بویژه محدوده محصور در کشور ایران باشند. در مجموع ظرفیت‌های بالقوه و پتانسیل‌های مهمی که در قالب منابع عرض کردم، اگر مورد توجه و تمرکز قرار بگیرند، ان‌شاءالله می‌توانند آینده زیبا و شکوفایی را برای ایران عزیزمان فراهم کنند.

♦♦ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، عنوان فرمایید.

از این گفتگو سیاست‌گذارم و امیدوارم که تلاشی که اتاق بازرگانی کرمان در زمینه تولید محتوا آغاز کرده است و ان‌شاءالله تأثیرگذاری که بر فضای اقتصادی کشور با عنوان جذاب «سپهر اقتصاد کرمان» در حال تهیه و انتشار است، یک حرکت پویا، پیش‌رونده، سریع، جدی و گزنده باشد و تلاشی در راستای تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی بویژه فعالان اقتصادی و تصمیم‌گیران در حوزه‌های اقتصاد کشور باشد که بتواند نتایج خوبی را به بار بیاورد.

یادآوری می‌کنم در فضای انقلاب صنعتی چهارم هستیم و در این فضا المان‌های ارزش‌آفرین که امروز می‌توانند ارزش‌آفرینی کنند و همچنین می‌توانند ارزش‌ها را در فردای کشورمان تثبیت کنند، می‌توانند کاملاً متفاوت از آن‌هایی که ظرف چند دهه گذشته ما با نگاه‌های ناپخرده‌انه از آن‌ها استفاده کرده و خروجی‌هایی که ارزش افزوده لازم را نداشته‌اند، باشند. اگر همین امروز تصمیم بگیریم که در



گفت‌وگو با دکتر «تیرداد احمدی» رییس هیئت‌مدیره شرکت سرمایه‌گذاری استان کرمان

سهام ایران از سبب سرمایه‌گذاری خارجی

سهام ایران از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ به ترتیب ۰،۱۳ درصد و ۰،۰۹ درصد بوده است که با فرض ادامه شرایط کنونی بین‌المللی و نیز قوانین و مقررات داخلی، احتمال افزایش قابل‌توجه آن در کشورمان بسیار کم است. تحریم‌های بانکی مانع اصلی بر سر راه سرمایه‌گذاری خارجی است و استفاده از بانکداری فراساحل و ارائه تضمین‌های حاکمیتی برای بخش‌های اولویت‌دار و نیز تهاتر نفت با پروژۀ از راهکارهای به حداقل رساندن اثرات مخرب تحریم‌هاست. موفق‌ترین تجربه‌های جذب سرمایه‌گذار خارجی، قراردادهای بیع صنعت نفت در دهه اواخر ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ و نیز استفاده از فاینانس بانک‌های خارجی در تأمین مالی طرح‌های پتروشیمی در این سال‌ها بود که با توجه به سیاست تنش‌زدایی دولت و ارائه تصویر مناسب از ایران در عرصه بین‌المللی به نتیجه رسید.

شرح کامل گفت‌وگوی ما با دکتر تیرداد احمدی رییس هیئت‌مدیره شرکت سرمایه‌گذاری استان کرمان را در ادامه مطالعه نمایید.

که نسبت به سال پیش از آن، ۵۴۱ میلیارد دلار کمتر است. سهم ایران از این میزان سرمایه‌گذاری در جهان ۰،۱۳ درصد است. سهم ایران در سال ۲۰۱۹ برابر با ۰،۰۹ درصد بود.

با فرض تداوم شرایط بین‌المللی کنونی و نیز قوانین و مقررات داخلی به نظر می‌رسد احتمال افزایش قابل‌توجه سهم ایران از سبب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در جهان بسیار کم باشد.

♦♦ به نظر شما افزایش تمایل به سرمایه‌گذاری بویژه توسط بخش خصوصی چگونه میسر می‌شود و چه عواملی باعث کاهش این انگیزه می‌گردد؟

ثبات محیط اقتصاد کلان و پیش‌بینی پذیر شدن اقتصاد به‌نحوی که فعالان اقتصادی بخش خصوصی امکان برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت برای کسب‌وکار خود را داشته باشند عامل اصلی افزایش تمایل به سرمایه‌گذاری بخش خصوصی است. همچنین روشن شدن چشم‌انداز روابط خارجی کشور نیز به این امر کمک می‌کند.

♦♦ اثرات مخرب تبلیغات منفی و تحریم‌های کشورهای غربی علیه ایران بالاخره در سرمایه‌گذاری خارجی در کشورمان به شدت اثرگذار است، چگونه می‌توان این اثرات منفی را به حداقل رساند؟

تحریم‌های بانکی مانع اصلی بر سر راه سرمایه‌گذاری

♦♦ در مورد روند سرمایه‌گذاری خارجی در کشور توضیح دهید و این‌که حجم سرمایه‌گذاری خارجی در دنیا چقدر است؟ و به نظر شما به لحاظ ظرفیتی و به لحاظ قوانین و مقررات و شرایط بین‌المللی، ایران چه میزان از این سبب را می‌تواند جذب نماید؟

متأسفانه روند جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشور رو به نزول است که دلیل اصلی آن تحریم‌های ظالمانه علیه ایران است. کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل (آنکتاد) هر سال در سلسله گزارش‌های «سرمایه‌گذاری خارجی جهان» به بررسی روند سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای مختلف می‌پردازد و طی آن آمار مربوط به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کشورهای جهان را منتشر می‌کند. بر اساس گزارش «سرمایه‌گذاری خارجی جهان ۲۰۲۱»، میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران طی سال ۲۰۲۰ به یک میلیارد و ۳۴۲ میلیون دلار رسیده است. میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران در سال ۲۰۱۹ به یک میلیارد و ۵۰۸ میلیون دلار رسیده بود؛ یعنی میزان سرمایه‌گذاری خارجی در ایران در سال ۲۰۲۰ با کاهش (۱۶۶ میلیون دلاری) ۱۱ درصدی مواجه شده است. سرمایه‌گذاری خارجی در ایران در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۱۸ به ترتیب ۳۶،۴ درصد و ۳۰ درصد افت کرده بود.

بر اساس این گزارش، در جهان در سال گذشته میلادی که سال آغاز همه‌گیری کرونا نیز بود، ۹۹۹ میلیارد دلار جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی انجام شده



تنش‌زدایی دولت وقت و ارائه تصویر مناسب از ایران در عرصه بین‌المللی توسط شرکت ملی نفت ایران به نتیجه رسید که توسعه میدان گازی پارس جنوبی از دستاوردهای اصلی آن است. همچنین تجربه موفق دیگر، استفاده از فاینانس بانک‌های خارجی در تأمین مالی طرح‌های پتروشیمی در سال‌های مورد اشاره است که بدون ارائه تضمین و با ضمانت محصولات پروژه، توسط شرکت ملی صنایع پتروشیمی به نتیجه رسید. تکرار تجربیات مذکور علاوه بر فراهم شدن شرایط محیطی، نیازمند تجهیز منابع انسانی و نیروی کارشناسی و تخصصی در حوزه‌های مختلف فنی، مالی، حقوقی، بازرگانی و بانکی است که بتواند مذاکرات لازم جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی را با طرف‌های مقابل به پیش ببرد.

♦♦ با نگاه علمی به ظرفیت‌های جهان و کشورمان چه ایده یا ایده‌هایی را در حوزه‌های سرمایه‌گذاری خارجی در ایران در این مرحله از شرایط اقتصادی معرفی می‌نمایید؟

هم‌اکنون جذاب‌ترین حوزه برای سرمایه‌گذاران خارجی، بخش بالادستی صنعت نفت ایران است که از طریق جذب کردن قراردادهای مشارکت در تولید با شرکت‌های انعقاد قراردادهای مشارکت در تولید با شرکت‌های بین‌المللی امکان‌پذیر است. همچنین پروژه‌های بخش معدن و صنایع معدنی و نیز طرح‌های پتروشیمی نیز جذابیت‌های لازم برای سرمایه‌گذاران خارجی را دارد که باید با بازاریابی دقیق امکان جذب منابع را فراهم ساخت. ♦♦

خارجی است. استفاده از بانکداری فراساحل (Offshore Banking) از طریق ایجاد شعبه در مناطق آزاد یکی از راهکارهاست. همچنین ارائه تضمین‌های حاکمیتی (Sovereign Guarantee) برای بخش‌هایی که دارای اولویت سرمایه‌گذاری هستند و نیز تهاتر نفت با پروژه، از جمله راهکارهای دیگر است.

♦♦ به نظر شما نحوه و نوع مطلوب حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی به عبارتی حمایت هوشمند به لحاظ شکلی و محتوایی چیست؟

ایجاد پنجره واحد سرمایه‌گذاری خارجی راهکار اصلی در این حوزه است. به نحوی که سرمایه‌گذار خارجی برای اخذ مجوزها نیازی به مراجعه به دستگاه‌های متعدد نداشته باشد و از طریق یک پنجره واحد بتواند کلیه مجوزهای لازم را پیگیری کند. در غیر این صورت با وجود بروکراسی گسترده و کندی فرآیندهای اداری در ایران، سرمایه‌گذار خارجی عطای فعالیت در ایران را به لقای آن خواهد بخشید.

♦♦ جنابعالی بخش خصوصی کشور و آمادگی آن را برای مشارکت با سرمایه‌گذاران خارجی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

شرکت‌های معدودی در بخش خصوصی آمادگی و توان کار با سرمایه‌گذاران خارجی را دارند. به هر حال چون سال‌های متمادی ارتباط ما با اقتصاد جهانی قطع بوده، آمادگی لازم را نداریم. همچنین نظام بانکی نیز از نظر استانداردها و مقررات بانکداری بسیار با فضای روز بین‌المللی فاصله دارد که در این زمینه باید کار جدی انجام شود.

♦♦ چطور می‌توان به نحو مؤثر، ظرفیت و علاقه خود را به جذب سرمایه‌های خارجی بازتاب داد؟

تسهیل قوانین و مقررات و اراده قوی سیاسی و حاکمیتی در این باره شرط لازم است که باید در سیاست خارجی بازتاب داشته باشد.

♦♦ با مرور سرمایه‌گذاری‌های خارجی انجام شده در کشور در دوره‌های مختلف، ارزیابی شما از چگونگی سرمایه‌گذاری خارجی در گذشته کشور چیست؟

موفق‌ترین تجربه جذب سرمایه‌گذاری خارجی، قراردادهای بیع متقابل صنعت نفت در اواخر دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد بود که با توجه به سیاست

براساس گزارش

«سرمایه‌گذاری

خارجی جهان

۲۰۲۱»، میزان

سرمایه‌گذاری

مستقیم خارجی

در ایران طی

سال ۲۰۲۰ به

یک میلیارد و

۳۴۲ میلیون دلار

رسیده است. میزان

سرمایه‌گذاری

مستقیم خارجی

در ایران در سال

۲۰۱۹ به یک

میلیارد و ۵۰۸

میلیون دلار رسیده

بود؛ یعنی میزان

سرمایه‌گذاری

خارجی در ایران

در سال ۲۰۲۰

با کاهش ۱۶۶

میلیون دلاری ۱۱

درصدی مواجه

شده است.



حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی؛ دغدغه‌ها، رانت و تأمین کسری بودجه دولت



♦ دکتر علیرضا شکیبایی

عضو هیئت‌علمی گروه اقتصاد دانشگاه شهیدباهنر کرمان

مشکلات زیادی ایجاد خواهد شد. یکی از این مشکلات به وجود آمدن رانت برای افراد خاص است. نبود شفافیت در تخصیص ارز ترجیحی به افراد یا شرکتها، قاچاق و ضربه زدن به تولید کشور چند مورد از مشکلاتی هستند که ارز ترجیحی در کشور به وجود آورده است. تولیدکنندگانی که ارز ترجیحی دریافت کرده‌اند تمایلی به تولید ندارند زیرا تولید مشمول قانون قیمت‌گذاری می‌شود. اصلاح ارز ترجیحی باید با تدبیر و دقت انجام شود چون تبعات اجتماعی و بار روانی که بر جامعه وارد می‌کند ممکن است باعث تشدید تورم و گرانی

در دو سال اخیر با افزایش ناگهانی و غیرمنطقی نرخ ارز که با شوک تحریم آغاز و با سوء مدیریت تشدید شد، تعادل اقتصادی و اجتماعی جامعه را به هم ریخت و تورم شدید و گرانی‌ها را به ارمغان آورد. فساد، رانت و شکاف درآمدی و طبقاتی از نتایج آن است. این مسئله هیچ کمکی به رشد اقتصادی و اشتغال نیز نکرده است. پس از شوک ارزی ناشی از اعمال تحریم‌ها بر کشور، قیمت ارز به‌طور ناگهانی، هشت برابر افزایش یافت. ارز ترجیحی (۴۲۰۰ تومانی) برای جلوگیری از آثار سوء افزایش قیمت‌های ناشی از تحریم‌ها و ضعف مدیریتی در سیاست‌های پولی و مالی ایجاد شد. در طی دو سال ارز ترجیحی با سیستم چند نرخ در کشور اجرا و به‌عنوان یک راه کار موقت در نظر گرفته شده است. استفاده از ارز ترجیحی با سیستم چند نرخ مشکلات زیادی برای اقتصاد کشور به وجود آورده است. تا به حال ۱۸ میلیارد دلار ارز ترجیحی برای کالاهای اساسی مورد نیاز جامعه هزینه شده که ادامه این روند قابل تداوم نیست. با ادامه دادن تخصیص ارز ترجیحی

و توزیع ناصحیح آن در شبکه و زنجیره تولید و حتی در سطح خرده‌فروشی. مروری بر تجربه بیش از سه سال برقراری این ارز در جریان تجارت خارجی و بازار داخلی کشور نشان می‌دهد این ارز، به دلیل اختلاف قیمت و رانت خیز بودن، مشکلات متعددی را نه تنها برای فعالان اقتصادی درگیر در جریان تجارت خارجی و تولید داخلی بلکه حتی برای مردمی که هدف حمایتی این ارز بودند، ایجاد کرده است. سفره مردم به مراتب کوچک‌تر شده و فعالان اقتصادی به دلیل بهره‌مندی عده‌ای از این رانت و غیرقانونی شدن فضای فعالیت، دچار مشکل شده و بعضاً از فعالیت باز ماندند.

- عدم شفافیت و عدم رضایت مردم،
- تمایل به ذخیره‌سازی مواد اولیه و عدم تولید بر اساس انتظارات تورمی شکل گرفته،
- قاچاق کالاهای یارانه‌ای،
- نگرانی از آثار تورمی حذف ارز یارانه‌ای،
- تعمیق عدم حل مسئله و مشکل به طوری که در آینده حل آن را پیچیده خواهد کرد،
- عدم شناسایی روش جایگزین مناسب برای حذف ارز یارانه‌ای.

لذا توجه و رسیدگی به این مسئله توسط دولت و مجلس، ضرورت فوری و آنی دارد. در صورتی که در فرآیند اصلاح، ابعاد اجتماعی و اقتصادی آن مورد توجه نباشد، مشکلات بیشتری برای اقتصاد ایران همراه خواهد داشت. هم تولیدکنندگان صنعت دام و طیور و هم مصرف‌کنندگان کالاهای یارانه‌ای دغدغه حذف ارز یارانه‌ای را دارند و نباید منافع هیچ‌کدام به خاطر دیگری تضییع شود. لذا وقتی مجلس در خصوص حذف ارز کالاهای اساسی کشور صحبت می‌کند، باید بدانیم اقتصاد در چه وضعیتی قرار گرفته است. آمارهای بانک مرکزی حاکی از آن است که تورم ۱۲ ماهه منتهی به شهریور ماه سال جاری به یک رقم بی‌سابقه‌ای در طول تاریخ ایران رسیده است و ما داریم تورم بیش از ۶۰ درصد و تورم خوراکی‌ها را بیش از ۷۳ درصدی تجربه می‌کنیم و در چنین فضایی اگر بخواهیم شوک قیمتی هم به بازار وارد کنیم، به نظر نمایندگان محترم مجلس آیا جمع‌کنندگی از مردم ایران به زیر خط فقر سقوط نمی‌کند؟ هر چند که این نمایندگان محترم مجلس خیلی هم روشن نمی‌کنند که منابع لازم برای شارژ این کارت‌ها را از کدام محل قرار است تأمین نمایند؟ اصلاح ارز یارانه‌ای باید در یک بسته سیاستی کامل صورت گیرد که هم شامل سیاست‌های پولی، مالی و نرخ ارز بازار آزاد در ابعاد کلان و هم بسته‌های حمایتی برای تولید و مصرف‌کنندگان باشد. هدفمند کردن یارانه باید جایگزین حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی شود. حقوق‌گیران و صاحبان درآمد ثابت و کمک به آنان و بخش حمایتی مثل کمیته امداد و بهزیستی باید در این سیاست‌گذاری جدید در اولویت باشند. ♦♦

شود. با حذف ارز ترجیحی سطح رفاه طبقه ضعیف دچار مشکل می‌شود. برای اصلاح نرخ ارز باید هم ارز ۴۲۰۰ تومانی و هم ارز ۲۸ هزار تومانی همزمان، باهم اصلاح شوند؛ چون در هر دو، رانت قابل توجهی وجود دارد. در سیستم سیاست‌گذاری باید هر دو نرخ ارز با هم در نظر گرفته شود و تغییر یکی بدون دیگری امکان‌پذیر نیست. کارشناسان اعتقاد دارند بانک مرکزی قیمت ارز را عمداً بالا نگه داشته است. اگر تغییر در نرخ ارز ترجیحی و ارز ۲۸ هزار تومانی همزمان با هم صورت نگیرد در کوتاه‌مدت تورم ایجاد کرده و حتی ممکن است دولت مجبور شود به سمت سیستم‌های کوپنی روی آورد که در این صورت باز هم فساد و رانت ایجاد خواهد کرد. در حال حاضر تا زمانی که با سیاست‌های دولت و بانک مرکزی تورم کنترل نشود و اقتصاد و قیمت‌ها با ثبات نشود، ایجاد شوک جدید اقتصادی به صلاح نیست. با حذف ارز ترجیحی انتظارات تورمی شکل گرفته و نرخ ارز در بازار آزاد افزایش می‌یابد. افزایش قیمت ارز طبقات ضعیف جامعه را بیشتر دچار آسیب می‌کند.

لذا یکی از راهکارهای دولت برای درمان موقت مسائل و مشکلات فوق، برقراری سیستم ارزی دو نرخی برای تسکین مشکلات می‌باشد. برخی کالاها از جمله دارو، گندم، نهاده‌های دامی و ... مشمول ارز ۴۲۰۰ تومانی و مابقی کالاها با ارز آزاد سامانه نیمایی تخصیص ارز می‌گیرند. از طرفی دولت سعی دارد از طریق قیمت‌گذاری دستوری و تنظیم بازار، قیمت کالاهای وارداتی با ارز یارانه‌ای را در بازار کنترل کند.

ارزبایی این سیاست و اصلاح آن در آینده ضرورت دارد. مشکلات این مدل از سیاست‌گذاری عبارت‌اند از:
- اخلال بودجه‌ای و غیرقابل تداوم بودن آن؛ به عنوان مثال سهمیه ارز در بودجه ۱۴۰۰، هشت میلیارد دلار بوده که در پایان شهریور به اتمام رسیده است و دولت درخواست ۴٫۶ میلیارد دلار برای ادامه آن در نیمه دوم سال کرده است. هر چند که مجلس در بودجه ۱۴۰۰ دیگر به دولت اجازه نداد که بیش از ۸ میلیارد دلار به کالاهای اساسی ارز ۴۲۰۰ اختصاص یابد که این مبلغ هم در شش ماه سال جاری تماماً مصرف گردیده است، ولی با توجه به خشکسالی اخیر و کاهش شدید تولید گندم و همچنین افزایش قیمت جهانی نهاده‌های دامی پیش‌بینی می‌شود که تا پایان سال جاری دولت ناچار باشد هشت میلیارد دلار دیگر به این نوع کالاهای اساسی اختصاص دهد.
- انحراف در تخصیص منابع در تولید و مصرف کالاهای یارانه‌ای، معمولاً قیمت‌های واقعی تخصیص منابع صحیح و کارایی را به دنبال دارد. پرداخت یارانه انحرافات اساسی در تخصیص را به وجود خواهد آورد. سرمایه‌گذاری بیش از حد تولیدکنندگان و مصرف‌نامتعارف مصرف‌کنندگان از عوارض پرداخت یارانه است.
- فساد و توزیع رانت در زیادنامایی واردات برای دریافت ارز بیشتر

اگر تغییر در نرخ ارز ترجیحی و ارز ۲۸ هزار تومانی همزمان باهم صورت نگیرد در کوتاه‌مدت تورم ایجاد کرده و حتی ممکن است دولت مجبور شود به سمت سیستم‌های کوپنی روی آورد که در این صورت باز هم فساد و رانت ایجاد خواهد کرد. در حال حاضر تا زمانی که با سیاست‌های دولت و بانک مرکزی تورم کنترل نشود و اقتصاد و قیمت‌ها با ثبات نشود، ایجاد شوک جدید اقتصادی به صلاح نیست. با حذف ارز ترجیحی شکل گرفته و نرخ ارز در بازار آزاد افزایش می‌یابد. طبقات ضعیف جامعه را بیشتر دچار آسیب می‌کند.

چالش رقابت یا رقابت در چالش؟

♦ بتول علیزاده

کارشناس مرکز مطالعات و پژوهش‌های اقتصادی اتاق کرمان



نهایت بهره را ببرند و در یک محیط رقابتی سالم و شفاف توسعه اقتصادی کشور را رقم بزنند؟ ضرورت این موضوع آنجا پررنگ‌تر می‌شود که می‌بینیم هر چه بنگاه‌ها از منظر عوامل داخلی، قدرتمندتر و نظام‌مندتر باشند در مقابل چالش‌های ایجاد شده از عوامل خارجی، پایداری و توان بالاتری خواهند داشت؛ چرا که این نظام‌مندی با شناسایی به موقع چالش‌های بالقوه (ریسک‌ها) و بالفعل، تمامی مؤلفه‌های لازم برای حفظ بقای بنگاه و ایجاد برتری او نسبت به رقبای او را تحت کنترل نگه می‌دارد. بررسی‌ها و مطالعات انجام شده در خصوص وضعیت بنگاه‌های کوچک و متوسط استان نشان می‌دهد متأسفانه حجم قابل توجهی از این بنگاه‌ها به صورت سنتی مدیریت می‌شوند و از اصول و ساختار نظام‌مند یک بنگاه اقتصادی برخوردار نیستند. شاید بتوان گفت، تفکر سنتی حاکم بر این بنگاه‌ها، ریشه‌ای‌ترین عامل ایجاد محدودیت در آن‌ها است و در نتیجه همین تفکر، این بنگاه‌ها هم از درون با چالش‌های متعددی مواجه هستند و هم در مقابله با چالش‌های بیرونی انعطاف‌پذیری بالایی ندارند. بررسی‌های مبتنی بر مدل‌های علمی نشان می‌دهد که چنین بنگاه‌هایی ویژگی‌ها و نقاط ضعف مشترکی دارند، لذا شرایط و چالش‌های مشابهی را تجربه می‌کنند. در ادامه برخی از این موارد را به اختصار مرور می‌کنیم.

۱. مدیریت غیر سیستماتیک و قائم به فرد؛ اکثر بنگاه‌های کوچک و متوسط استان در واقع یک سازمان قهرمان محور هستند. سازمان‌های قهرمان محور سازمان‌هایی هستند

اکثر بنگاه‌های کوچک و متوسط استان در واقع یک سازمان محور هستند. سازمان‌های قهرمان محور سازمان‌هایی هستند. موفقیت و عدم موفقیت و گاهی حتی بود و نبودشان در گروه وجود یک یا چند نفر معدود است. در بهترین حالت، استراتژی‌های این بنگاه‌ها منحصر به ذهن مدیریت و به صورت شفاهی است؛ ساختار سیستماتیک در این بنگاه‌ها جاری نشده و فرآیندها به صورت جزیره‌ای و ذهنی انجام می‌شوند.

اگر توسعه را به معنای رشد کمی و کیفی تدریجی در جهت پیشرفته‌تر شدن، قدرتمندتر شدن و بزرگ‌تر شدن بدانیم به نظر می‌رسد در میان ابعاد مختلف توسعه (اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی) بعد اقتصادی، به این دلیل که منابع لازم برای افزایش ظرفیت‌ها اعم از ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی را در اختیار می‌گذارد، اهمیت و جایگاه ویژه‌تری می‌گیرد، اما نقش آفرینان کلیدی توسعه اقتصادی، بدون شک بنگاه‌ها و فعالان اقتصادی هستند که با ایجاد ارزش افزوده حاصل از فعالیت‌های خود به تحول و توسعه اقتصادی جامعه کمک می‌کنند و در کنار آن‌ها، سیاست‌گذاران با تسهیل و تسریع فرایندها و رویه‌ها و قوانینی که حاکم بر این فعالیت‌ها هستند، مسیر را برای ایشان هموار می‌کنند؛ به همین دلیل است که بهبود محیط کسب‌وکار همواره دغدغه اصلی سیاست‌گذاران همه کشورهای موفق در زمینه توسعه اقتصادی بوده است. در کشور ما نیز سال‌هاست در این مسیر، قوانین زیادی وضع شده، دستورالعمل‌های بسیاری ابلاغ شده و اقدامات متعددی توسط متولیان حوزه‌های مختلف انجام شده است. فارغ از بررسی میزان اثربخشی و موفقیت این اقدامات، موضوعی که در این نوشتار مورد اهمیت است، بُعد دیگری از این مسئله است که شاید کمتر مورد توجه قرار گرفته و به نسبت، کمتر به آن پرداخته شده است و آن ضرورت تقویت عوامل درونی بنگاه‌های اقتصادی در راستای توان‌افزایی و افزایش بهره‌وری ایشان است؛ به این معنا که با فرض این که دولت‌ها و سیاست‌گذاران چنان فضایی برای فعالیت‌های اقتصادی فراهم کنند که همه بسترهای لازم برای فعالیت رسمی و مولد فعالان اقتصادی را فراهم کند و بنگاه‌های اقتصادی بدون هیچ دغدغه‌ای از تأثیر و تأثر عوامل غیرقابل کنترل در فضای کسب‌وکار به فعالیت بپردازند. آیا بنگاه‌های اقتصادی، ظرفیت‌های لازم را در خود ایجاد کرده‌اند که بتوانند از این فرصت ایجاد شده،

به‌صورت مستمر، درگیر حل مشکلات و چالش‌های درون بنگاهی و برون بنگاهی هستند، در نتیجه مجالی برای توسعه توانمندی‌های منابع انسانی، توسعه در نوآوری و تنوع محصول یا توسعه بازار جغرافیایی محصول خود نمی‌یابند.

۶. **ناآشنایی با الزامات قانونی:** فضای کسب‌وکار یعنی مجموعه قوانین، مقررات و نهادهایی که بر فعالیت بنگاه‌های اقتصادی حاکم است ولی تحت کنترل ایشان نیست، عدم آگاهی فعالان اقتصادی از این الزامات و قوانین به خصوص در حوزه ایمنی و بهداشت کارکنان می‌تواند حتی به جریمه‌های درصدی از فروش بنگاه بینجامد.

۷. **بی‌اطلاعی از هزینه‌های پنهان:** ثبت و تحلیل نشدن داده و اطلاعات به عنوان معضل اساسی بنگاه‌های کوچک و متوسط استان باعث می‌شود بنگاه هیچ شناخت و اطلاعی از هزینه‌های پنهان خود از جمله هزینه استهلاک دستگاه‌ها و تجهیزات، فرصت از دست رفته ناشی از موجودی‌های راکد، تأخیرهای رخ داده در زمان تحویل محصول به مشتری و معطلی‌ها و توقف‌های ایجاد شده خط تولید برای تعمیر یا تأمین قطعات نداشته، در نتیجه این‌گونه هزینه‌ها در تصمیم‌گیری‌ها مدنظر قرار نگیرد و ریسک‌های مرتبط با آن برای بنگاه شناسایی نشود.

که موفقیت و عدم موفقیت و گاهی حتی بود و نبودشان در گرو وجود یک یا چند نفر معدود است. در بهترین حالت، استراتژی‌های این بنگاه‌ها منحصر به ذهن مدیریت و به صورت شفاهی است؛ ساختار سیستماتیک در این بنگاه‌ها جاری نشده و فرآیندها به صورت جزیره‌ای و ذهنی انجام می‌شوند و دستورالعمل‌های کاری، یا اصلاً وجود ندارد و یا در صورت تدوین شدن از کفایت لازم برخوردار نیستند. در نتیجه در صورتی که این فرد یا افراد کلیدی به هر دلیلی سازمان را ترک کنند، سازمان با چالش‌های اساسی مواجه خواهد شد.

۲. **کم‌توجهی به ثبت داده و اطلاعات و تحلیل آن‌ها:** به نظر می‌رسد این مورد مهم‌ترین و ریشه‌ای‌ترین معضلی است که اکثر بنگاه‌های کوچک و متوسط استان با آن درگیر هستند، چون که عدم ثبت و تحلیل داده‌ها و اطلاعات باعث می‌شود مبنای تصمیم‌گیری‌ها درست نباشد و مسیر حرکت به سمت بهبود، همواره با سعی و خطای فراوان مواجه شود. در واقع در این‌گونه بنگاه‌ها اطلاعات به‌صورت گزارش شفاهی، پراکنده و غیرکاربردی جریان دارد.

۳. **عدم شناخت کافی از بازار؛** بنگاه‌های کوچک و متوسط عموماً به ضرورت جایگاه سازی برند و توسعه مزیت‌های رقابتی توجه نمی‌کنند، مکانیزمی برای ارتباط بیشتر با مشتریان ندارند و در نتیجه هیچ بازخورد و تحلیلی از نظر و میزان رضایت آن‌ها شناسایی نمی‌کنند، به علاوه نبود برنامه‌های مدون برای بازاریابی و مطالعات تحلیلی بازار و رقبا، امکان توسعه بازار و محصول را برای ایشان بسیار دشوار می‌سازد.

۴. **اثربخشی پایین در فرآیندهای کاری:** بر اساس مدل‌های علمی معتبر، میزان ساختارمندی فرآیندهای کاری یکی از مهم‌ترین پارامترهایی است که سطح بلوغ بنگاه‌ها را تعیین می‌کند، اما متأسفانه بررسی‌ها نشان می‌دهد، فقدان شاخصه‌های کیفی مواد اولیه دریافتی و محصول، ضعف وجود مکانیزم پایش و اندازه‌گیری اثربخشی فرایندها و ضعف در امکان ردیابی محصولات در فرایندهای تولیدی، همه چالش‌های مهمی هستند که اکثراً بنگاه‌های کوچک و متوسط استان با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. طبعاً هر یک از این چالش‌های اساسی می‌تواند بنگاه را به شدت تحت تأثیر قرار دهد و با معضلاتی مواجه کند که حتی بقا و ادامه فعالیت آن را تحت‌الشعاع قرار دهد.

۵. **فقدان دیدگاه توسعه‌نگری:** بنگاه‌های کوچک و متوسط به دلیل قدرت رقابت پایین و ضعف در ساختارهای کاری



می‌تواند نیروی محرکه حرکت چرخ توسعه اقتصاد را فراهم کند.

اگرچه تعریف مسیر بنگاه‌ها در مجال این نوشتار نمی‌گنجد، اما به نظر می‌رسد کلیدواژه‌ای که در همه طول این مسیر می‌تواند چراغ راهنما باشد «ایجاد نظام اثربخش» در همه حوزه‌های کاری و در بالاترین سطح، برقراری تعاملات بین این نظام‌های کاری در قالب یک «سیستم یکپارچه» است. نکته اصلی، لزوم همراهی و تعریف سیاست‌های حمایتی و هدایتی برای ایجاد انگیزه در بنگاه‌های اقتصادی و نیز تسریع و تسهیل حرکت آن‌ها در این مسیر است؛ سیاست‌هایی که به بنگاه‌ها کمک کند ابتدا مکانیزمی برای ثبت و تحلیل داده‌ها و اطلاعات ایجاد و سپس رویه‌ها و دستورالعمل‌های کاری را به صورت دقیق تدوین و به صورت کامل جاری‌سازی کنند. در گام بعد از طریق دریافت بازخورد میزان اثربخشی اجرای این اقدامات را مورد پایش و نظارت قرار دهند و در نهایت جهت تکمیل این چرخه و با هدف تضمین اثربخشی و بهبود مستمر کارکرد این نظام‌ها، بر مبنای بازخوردهای دریافتی، سیستم را اصلاح و تکمیل کنند. نکته دیگر این که برای اطمینان از موفقیت بنگاه‌ها در عبور از این مسیر بلوغ، همچنین می‌بایست در کنار بنگاه‌ها، راهبران متخصصی وجود داشته باشند که ابتدا در حوزه آموزش و سپس در ارائه مشاوره و اجرای این نظام‌ها گام به گام همپای بنگاه‌های اقتصادی باشند.

سخن آخر

توسعه اقتصادی جز از مسیر رشد و توسعه بخش خصوصی نمی‌گذرد پس اگر به عنوان تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان استان به دنبال تحقق توسعه هستیم، در کنار همه توجهی که به درستی سال‌ها به مسائل محیط کسب‌وکار می‌شود و هم‌راستا با همه تلاش‌هایی که برای بهبود عوامل خارج از بنگاه‌ها هدف‌گذاری می‌گردد، می‌بایست یک استراتژی قوی برای تقویت عوامل درونی بنگاه‌های اقتصادی تدوین و اجرایی گردد. استراتژی که با آگاهی بخشی بنگاه‌ها از ضرورت و آموزش چگونگی افزایش توان رقابت‌پذیری، بازیگران اصلی توسعه اقتصادی را به حرکت در مسیر رشد و بلوغ خود هدایت کند. تسهیلات، تخفیفات و حمایت‌های هدفمند، هدایتگر و اثربخش زیربنای ایجاد تحول در مدیریت بنگاه‌ها و در نتیجه ایجاد ارزش‌افزوده را فراهم می‌کند و در نهایت در سطح کلان ظرفیت‌های لازم برای رشد و توسعه استان را فعال می‌نماید. ♦♦



۸. ضعف در شبکه ارتباطات و کیفیت تعاملات؛ بنگاه‌های کوچک و متوسط در ارتباطات و تعاملات خود به فرآیندهای عادی، ارزان قیمت، حداقلی، بدون ساختار و عموماً غیر هدفمند بسنده می‌کنند و به ظرفیت‌های بالای شبکه‌سازی در ارتقای کیفیت مواد دریافتی، بهبود مستمر کیفیت محصول، توسعه بازار و به‌طور کلی موفقیت خود واقف نیستند. این عدم آگاهی موجب عدم درک ضرورت و در نتیجه فقدان مکانیزمی برای پایش سطح کیفیت ارقام دریافتی و عدم وجود مکانیزمی برای شناسایی، ارزیابی و اولویت‌بندی تأمین‌کنندگان، ضعف در شناخت ذی‌نفعان در زنجیره ارزش محصول می‌شود که بنگاه را با فرصت‌های از دست رفته و نیز ریسک‌های بسیاری مواجه می‌کند.

ویژگی‌هایی که به آن‌ها اشاره شد تنها بخشی از نقاط ضعف اکثریت بنگاه‌های کوچک و متوسط استان است، اما خبر خوب این که چرخ نظام‌مندی بنگاه‌ها سال‌هاست که اختراع شده و مسیر مشخصی برای رشد و ارتقای عملکرد عوامل درونی بنگاه وجود دارد. درک ضرورت این موضوع برای مدیران بنگاه‌ها، وجود راهبران متخصص برای کمک به حرکت بنگاه‌ها در این مسیر و حمایت سیاست‌گذاران برای تسهیل و تسریع این امر

توسعه اقتصادی

جزاز مسیر

رشد و توسعه

بخش خصوصی

نمی‌گذرد پس

اگر به عنوان

تصمیم‌گیران و

تصمیم‌سازان

استان به دنبال

تحقق توسعه

هستیم، در کنار

همه توجهی که

به درستی سال‌ها

به مسائل محیط

کسب‌وکار می‌شود

و هم‌راستا با همه

تلاش‌هایی که

برای بهبود عوامل

خارج از بنگاه‌ها

هدف‌گذاری

می‌گردد،

می‌بایست یک

استراتژی قوی

برای تقویت عوامل

درونی بنگاه‌های

اقتصادی تدوین و

اجرایی گردد.

چالش‌های مدیریتی ایران

بخش اول؛ نارسایی‌های برنامه‌ریزی



♦ دکتر مسعود پورکیانی

دکترای مدیریت دولتی گرایش سیاست‌گذاری عمومی و مدرس دانشگاه

آیا غیر از این

است که ما در

اداره سازمان‌ها

روش‌های صحیح

مدیریت را به کار

نمی‌بندیم و هر

چه یا هر کاری

که خواستیم

انجام می‌دهیم

و اسمش را

هم مدیریت

می‌گذاریم.

مدیران ما وقتی

به بسمتی منصوب

می‌شوند،

بلافاصله خود را

به جای سازمان

و اهداف خود را

به جای اهداف

سازمان و جامعه

قرار می‌دهند

و انگار نه انگار

که برای تحقق

اهداف جامعه و

سازمان به این

بسمت منصوب

شده‌اند.

که به‌صورت زنجیر و سلسه‌وار به هم پیوسته‌اند و آنگاه کمتر کسی توان حل آن‌ها را خواهد داشت. از سوی دیگر تصور اینکه هیچ مشکلی هم نباید وجود داشته باشد اندیشه باطلی است؛ زیرا به قول ژاپنی‌ها تا حیات هست، مشکل هم هست و لذا جنگ با مشکلات هم نه پایان‌پذیر است، نه تعطیل‌پذیر و نه اجتناب‌پذیر. یک مدیر خوب به یک پزشک خوب می‌ماند که با دقت به دنبال تشخیص و درمان بیماری است (مشکل بیمار، سازمان است و درمان بیمار، راه‌حل برون‌رفت از مشکل است). حال با این مقدمه، یکی از چالش‌های مدیریتی در ایران مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت، زیرا بررسی همه آن‌ها در یک نشست و یا یک مقاله امکان‌پذیر نیست. به این امید که با تغییر دانش‌ها، بینش‌ها تغییر یابد و با تغییر بینش‌ها هم روش‌ها تغییر کند.

امروز یکی از چالش‌های بزرگ و مهم ما در مدیریت سازمان‌ها، فقدان یا نارسایی برنامه‌ریزی است. اگر بخواهیم با شفافیت و صراحت بیشتری صحبت کنیم باید گفت که بسیاری از مدیران ما متأسفانه با برنامه‌ریزی و شیوه آن آشنایی ندارند، اگرچه در هر سازمان، واحدی به نام دفتر برنامه‌ریزی تعبیه شده که وظیفه برنامه‌ریزی را بر دوش دارد. با اندک مطالعه برنامه‌هایی که نوشته شده به وضوح در می‌یابیم که این برنامه‌ها هیچ‌گاه در عمل به واقعیت تبدیل نخواهند شد؛ شاید هم از روز اول قرار نبوده

از زمان آدم اسمیت (پدر علم اقتصاد کلاسیک دنیا) تا همین اواخر، اکثر اقتصاددانان معتقد بودند و هستند که عوامل تولید سه چیز است: زمین، سرمایه و کارگر، اما مدتی بعد به جای کارگر، نیروی انسانی را مطرح کردند و بعد از مدتی نیروی انسانی را به دو جزء نیروی کار (کارگر) و مدیریت تقسیم کردند، اما امروزه این اعتقاد وجود دارد که عوامل تولید فقط یک چیز است و آن هم عبارت است از مدیریت و البته نه هر مدیریتی بلکه فقط مدیریت کارآفرین و بهره‌ور؛ مدیری که امروزش بهتر از دیروز و فردایش بهتر از امروز باشد. اکنون مدیریت جزء ارکان توسعه است و هر کشوری که تصمیم دارد به توسعه و پیشرفت دست پیدا کند، ناگزیر باید از وجود مدیران قوی و توانمند چه در بخش عمومی و چه در بخش خصوصی برخوردار باشد (از نمونه‌های بارز آن را می‌توان به مدیران کشور ژاپن و کره جنوبی اشاره کرد) و این در حالی است که در ایران سوءمدیریت همه را آزار می‌دهد و مسئولان رده بالا هم همواره صحبت از سوءمدیریت می‌کنند. این سوء تدبیر و مدیریت ناشی از چیست؟ آیا غیر از این است که ما در اداره سازمان‌ها روش‌های صحیح مدیریت را به کار نمی‌بندیم و هر چه یا هر کاری که خواستیم انجام می‌دهیم و اسمش را هم مدیریت می‌گذاریم. مدیران ما وقتی به بسمتی منصوب می‌شوند، بلافاصله خود را به جای سازمان و اهداف خود را به جای اهداف سازمان و جامعه قرار می‌دهند و انگار نه انگار که برای تحقق اهداف جامعه و سازمان به این بسمت منصوب شده‌اند. مدیریت نباید برای مردم و سازمان مشکلی به وجود آورد، بلکه باید به‌محض بروز مشکل، راه‌حلی برای آن پیدا کند؛ چون اگر مشکل امروز، امروز حل نشود فردا مشکل دیگری بروز می‌کند و بعد از مدتی انبوهی از مشکلات به وجود می‌آید

روزانه الزاماً سازمان را به اهداف بلندمدت نمی‌رساند، مگر اینکه یک چشم‌انداز روشن از آینده سازمان ترسیم شده باشد و همگان از وجود آن آگاه و درک روشنی از چشم‌انداز داشته باشند. با مطالعه اجزاء برنامه‌ریزی در می‌یابیم که گام اول بعد از تشکیل تیم برنامه‌ریزی (در اینجا ذکر این نکته هم ضروری است که وجود دو تیم در هر سازمانی الزامی است؛ تیم برنامه‌ریزی و تیم مدیریت بحران) تعیین مأموریت و چشم‌انداز سازمان است، دوم تعیین اهداف کلان و استراتژیک، سوم تعیین راهکارها و استراتژی‌ها، چهارم تدوین سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها، پنجم تعیین رویه‌ها و روش‌ها، ششم تعیین مقررات و آیین‌نامه‌ها، هفتم تدوین برنامه‌های اجرایی و عملیاتی و هشتم تعیین بودجه لازم برای اجرای برنامه‌هاست.

با یک تعریف بسیار ساده از برنامه‌ریزی می‌توان دریافت که چگونه اجزاء برنامه‌ریزی در یک فرآیند، به صورت منسجم و یکپارچه عمل می‌کنند. برنامه‌ریزی به بیان بسیار ساده عبارت است از اینکه گفته شود: اکنون کجا هستیم، به کجا می‌خواهیم برویم، چرا می‌خواهیم برویم و چطور می‌خواهیم برویم. پاسخ دادن به این چهار سؤال اساسی، سازمان‌ها را در یک مدت زمان تعریف شده از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب هدایت می‌کند، بدون اینکه جریان کارها با تأخیر و یا تعویق روبرو شود. پاسخ به این سؤالات موجب می‌شود تا سازمان با حداقل ضایعات و استهلاک و با صرفه‌جویی در منابع، مسیری را طی کند که از قبل به آن اندیشیده شده است. در غیر این صورت مثل فردی می‌ماند که در یک بیابان شن زار گرفتار شده و نمی‌داند که به کدام سو باید برود. پاسخ دادن به سؤال اول؛ یعنی تدوین مأموریت سازمان، یعنی کجا هستیم و چه کار می‌کنیم. پاسخ به سؤال دوم؛ تدوین چشم‌انداز سازمان و اینکه کجا می‌خواهیم برویم و یا چه کار می‌خواهیم بکنیم. بدیهی است که پاسخ دادن به سؤال سوم؛ یعنی هدف‌گذاری و پاسخ دادن به سؤال چهارم؛ یعنی تعیین استراتژی و راهبرد، این‌که چگونه می‌خواهیم فاصله بین وضع موجود و وضع مطلوب را پر کنیم؛ زیرا بین کجا هستیم و کجا می‌خواهیم برویم، قطعاً یک فاصله و شکاف وجود دارد که این فاصله و شکاف با هدف‌گذاری و استراتژی پُر خواهد شد و برای تحقق اهداف و چشم‌انداز با توجه به مسیری که انتخاب شده، نیازمند توجه به یک سری بایدها و نبایدها، هستیم که به این بایدها و نبایدها سیاست یا خط‌مشی می‌گویند. سیاست‌ها یا خط‌مشی‌ها به مجری یادآوری می‌کند که چه کاری باید انجام دهد و چه اقداماتی را نباید انجام

اجرایی شوند، زیرا فاقد جنبه عملیاتی هستند. برنامه‌ریزی نیازمند صرف وقت، انرژی، توان و دانش است و باید برخوردار از حیثیت علمی و اجرایی باشد و نباید اجازه داد که به اختصار و سریع برگزار شود. هر کشور، وزارتخانه، سازمان، موسسه، شرکت، استان، شهر و غیره نیازمند برنامه‌ای مدون است تا مسیر خود را در پرتو دگرگونی‌های محیطی گم نکند و دچار انحراف نشود تا با تغییر سکان‌دار، سازمان و نهاد، بدون هدف و برنامه نماند؛ این مقاله قصد آن را ندارد تا شیوه برنامه‌ریزی را از اول تا آخر آموزش دهد، چون این کار مستلزم آموزش به روش کارگاهی است تا عملاً با شیوه صحیح برنامه‌ریزی و اجزای تشکیل‌دهنده آن و همین‌طور برنامه‌ریزی عملیاتی آشنا شویم. امروزه یکی از جالب‌ترین و کاربردی‌ترین نوع برنامه‌ریزی‌ها برنامه‌ریزی غلطان است که هر نهاد، موسسه و غیره برای یک دوره پنج ساله برنامه‌ریزی می‌کند و به محض اینکه سال اول تمام شد، دوباره برای پنج سال آینده برنامه‌ریزی می‌کند که از این پنج سال، چهار سال قبلی است و یک سال جدید که با توجه به نیازهای روز به برنامه اضافه می‌شود و این کار مرتباً تکرار می‌شود و اگر مدیر فعلی هم به هر دلیل با سازمان وداع کرد، مدیر بعدی یک برنامه مدون پنج ساله دارد که خودش هم می‌تواند در تدوین برنامه سال بعد مشارکت و نظرات خود را اعمال کند. با این شیوه مدیران و سازمان‌ها از روزمرگی و نارسایی برنامه‌ریزی‌های می‌یابند و منابع جامعه و سازمان هم به درستی مورد استفاده قرار می‌گیرد. روزمرگی و گام‌های



دهد (فرق سیاست و استراتژی هم در این است که استراتژی‌ها، سازمان را به اهداف کلان و درازمدت می‌رساند در حالی که سیاست‌ها سازمان را به اهداف کوتاه‌مدت که عمدتاً مشخص، قابل اندازه‌گیری، قابل دستیابی، واقعی و دارای یک چارچوب زمانی معین هستند، می‌رساند.) پس از تعیین رویه‌ها و روش‌ها و همین‌طور مقررات و آیین‌نامه‌های اجرایی که برای تنظیم رفتار و عمل یکسان تدوین می‌شوند، نوبت به برنامه‌های عملیاتی و اجرایی می‌رسد که بیشترین توان و درصد برنامه‌ریزی را به خود اختصاص می‌دهد. تدوین برنامه تا مرحله برنامه‌های عملیاتی و اجرایی تنها ۳۰ درصد از فرآیند برنامه‌ریزی را به خود اختصاص می‌دهد در حالی که تنظیم برنامه‌های عملیاتی ۶۰ درصد از فرآیند برنامه‌ریزی را شامل می‌شود. برنامه‌ریزی یک فرآیند سه مرحله‌ای است، شامل: تدوین، اجرا و ارزیابی. برای اجرا نیازمند یک برنامه عملیاتی هستیم. هر قانون، سند، برنامه، نقشه و یا تحت هر عنوان دیگری که نوشته می‌شود، اگر فاقد برنامه‌های عملیاتی باشد هرگز اجرا نخواهد شد. برنامه‌های عملیاتی هم در قالب ماتریس هدف‌گذاری به منصفه ظهور می‌رسد. در ماتریس هدف‌گذاری تعداد زیادی اهداف عینی و کمی وجود دارد که در قالب عدد و رقم بیان می‌شود که یا تحقق آن‌ها، اهداف کلان و مقاصد چشم‌انداز محقق می‌شود. در این ماتریس هدف و روند رشد و توسعه آن که با ابزارهای پیش‌بینی و با توجه به روند گذشته و منابع موجود و آینده مشخص می‌شود و نیز زمان تعریف شده، مسئول اجرا، مسئول نظارت، سیاست‌ها و اقدامات اساسی که باید انجام شود تعیین می‌گردد و الا آن هدف هرگز محقق نخواهد شد و همین‌طور بودجه لازم برای تحقق آن هدف قید می‌گردد. یکی از ابزارهای بسیار مهم و کاربردی هم برای تحقق اهداف عینی استفاده از معیارهای امکان‌سنجی است (TELOS). در بسیاری از کشورهای پیشرفته، وقتی که یک پروژه و یا یک برنامه تعریف می‌شود که هزینه آن بالای ۵۰۰ هزار دلار است، حتماً معیارهای امکان‌سنجی باید پیوست آن پروژه و یا برنامه باشد، در غیر این صورت هیچ مدیر و مجری حق امضا و اجرای آن را نخواهد داشت. در مقابل این شیوه می‌توان از مدیریت «کلنگ زنی» نام برد که طبق گزارشات منتشر شده در بعضی از مواقع، اجرای پروژه تا ۱۰ سال و یا حتی بیشتر از ده سال زمان برده است که از این پروژه‌ها تحت عنوان پروژه‌های نیمه‌تمام یاد می‌شود. باز هم یادآوری می‌شود که برنامه‌ریزی اولین وظیفه مدیریت در تمام سطوح سازمان است و آن هم نیازمند

صرف وقت، توان، انرژی، دانش و تخصص است، در غیر این صورت مقصد، ناکجاآباد خواهد بود. مطلب دیگری که باید در اینجا یادآوری کرد این است که برای ارزیابی عملکرد مدیران به شاخص نیاز داریم تا برای پیشرفت آن‌ها در سلسله مراتب سازمانی مورد استفاده قرار گیرد. یکی از بهترین این شاخص‌ها وجود برنامه و میزان تحقق اهداف است تا مدیران توانمند از مدیران ناتوان جدا شوند. کسانی که به برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری اعتقاد و تعهدی ندارند، حتماً با جملات زیر بسیار آشنا هستند:

- ۱- برای برنامه‌ریزی که به ما پول نمی‌دهند،
- ۲- ارتقا و پیشرفت ما که بر اساس برنامه‌ریزی نیست،
- ۳- تحولات محیطی این‌قدر زیاد است که فرصت هر نوع برنامه‌ریزی را از ما سلب می‌کند و یا غیرممکن می‌سازد،
- ۴- ممکن است دشمن و یا رقیب از برنامه‌های ما آگاه شود و آن‌ها را به هم بریزد،
- ۵- ما که فعلاً وضعمان خوب است، درآمدمان که بد نیست پس نیازی به برنامه‌ریزی نداریم،
- ۶- من از قدرت خلاقیت بالایی برخوردارم و در اکثر موارد تصمیمات مهمی مبتنی بر احساس و بینش خود می‌گیرم،
- ۷- چون کارهای من یکنواخت و روتین است پس نیازی به برنامه‌ریزی نیست،
- ۸- برنامه‌ریزی، آزادی مدیریت را سلب می‌کند و دست مدیر را می‌بندد،
- ۹- آن‌قدر درگیر مسائل جاری و روزمره هستیم که وقت کافی برای برنامه‌ریزی نداریم.

نقل می‌کنند که مردی داشت با تبر درختی را قطع می‌کرد یک نفر از آنجا عبور می‌کرد و متوجه شد که مرد خیلی با زحمت دارد درخت را قطع می‌کند. جلو رفت و از او پرسید چه می‌کنی؟ مرد تبرزن پاسخ داد که می‌خواهم این درخت‌ها را قطع کنم و تا پایان روز در اطراف خانه‌ام دیواری بسازم. مرد رهگذر به او گفت: خیلی خوب است، اما فکر نمی‌کنی که تبرت کند است؟ چون خیلی ضربه می‌زنی، اما درخت قطع نمی‌شود. مرد تبرزن جواب داد: چرا می‌دانم که تبرم کند است، اما فرصت تیز کردن آن را ندارم.

این حکایت عملکرد مدیران ما است. ما فرصت برنامه‌ریزی نداریم. در خاتمه ذکر این نکته هم لازم است که در روی این کره خاکی نمی‌توان هیچ فرد، سازمان و کشوری را پیدا کرد که به‌طور اتفاقی، تصادفی و یا شانس‌ی به‌جایی رسیده باشد، مگر اینکه جریانی از تفکر، برنامه‌ریزی (هدف‌گذاری)، تلاش و نظارت در پشت سر آن نهفته باشد و این یعنی مدیریت خوب و صحیح. ♦♦

امروزه یکی از

جالب‌ترین و

کاربردی‌ترین نوع

برنامه‌ریزی‌ها

برنامه‌ریزی غلتان

است که هر

نهاد، موسسه

و غیره برای یک

دوره پنج ساله

برنامه‌ریزی می‌کند

و به محض اینکه

سال اول تمام

شد، دوباره برای

پنج سال آینده

برنامه‌ریزی می‌کند

که از این پنج

سال، چهار سال

قبلی است و یک

سال جدید که با

توجه به نیازهای

روز به برنامه

اضافه می‌شود

و این کار مرتباً

تکرار می‌شود و

اگر مدیر فعلی

هم به هر دلیل

با سازمان وداع

کرد، مدیر بعدی

یک برنامه مدون

پنج ساله دارد

که خودش هم

می‌تواند در

تدوین برنامه

سال بعد مشارکت

و نظرات خود را

اعمال کند.



نقش فساد در فروپاشی اقتصاد

سیدمحمدعلی گلاب‌زاده

مدیر مسئول فصل‌نامه سپهر اقتصاد کرمان



بدیهی است تا چنین تفکری حاکم بر یک جامعه باشد، آرزوی برخورداری از حکومتی پاک و صالح، بسیار ناشیانه و کودکانه است. گوئی دنباله همین طرز تفکرها بود که وقتی از آن مدیر و مسئول اجرائی پرسیدند، تو آن خانه و ویلای چند صد میلیاردی را در لواسان از کجا آورده‌ای، پاسخ داد که دوستانی دارم، سرشار از عشق و شور و فدا آن‌گونه که اگر لب تر کنم، سند همه لواسان را یکجا به نام می‌کنند!! اما این بنده ناآگاه نفهمیدم که چرا من و همسایه نادار و همکار گرفتاری که همگی هشتشان در گرو نه است، چنین دوستانی ندارند و نداریم. آیا این نشانه ناتوانی ما در دوست‌یابی است، یا دلیل توانائی آن صاحب‌منصبان شریف و خلاق و با استعداد؟!!

اگر باور کنیم که «الْمَلِكُ يَبْقَى مَعَ الْكُفْرِ وَلَا يَبْقَى مَعَ الظُّلْمِ» و قبول داشته باشیم که ظلم فرزند خلف فساد است، آن وقت می‌توانیم باور کنیم که فساد، پایه‌های هر حکومتی را به لرزه درمی‌آورد و دیر یا زود بنای آن را فرو می‌ریزد. از همه مهم‌تر اینکه این فروپاشی به دست کسانی صورت می‌گیرد که نانشان در انبار صاحبان مال خشکیده است. بهترین نشانه آن، قیام شالبافان در کرمان است. شال به عنوان یکی از ارزشمندترین دست‌آفریده‌های مردم سخت‌کوش کرمان، جایگاه ویژه‌ای در تاریخ ایران داشته است، آن‌گونه که هر جهانگردی به ایران می‌آمد، بهترین تحفه‌ای که برای بزرگانیش می‌برد، شال کرمان بود؛ مثلاً «تاورنیه» جهانگرد فرانسوی وقتی می‌خواست برای ملکه آن دوتربیش و مادام «لادوش اورلئان» ارمغانی انتخاب کند، شال کرمان را برگزید. امیرکبیر نیز وقتی

فساد، پدیده ویرانگری است که هر جا حضور پیدا کند، ریشه‌های حیات را می‌خشکاند و تباهی و ویرانی را جایگزین می‌سازد. تاریخ بیانگر این واقعیت است که هر جا و هرگاه فساد، رخ نمود، همچون موربانه، آن بنا را از درون تهی ساخت و به تدریج موجب فروپاشی آن شد. شاید به همین دلیل بود که امام علی علیه‌السلام هدف از پذیرش حکومت را برقراری قسط و عدل و دفاع از مظلومان و ستمدیدگان و مبارزه با فساد در سطوح گوناگون اعلام می‌فرماید و تا آنجا بر این امر پای می‌فشارد که برای آگاه کردن بردارش «عقیل» دست‌های او را به آتش سوزان نزدیک می‌کند تا بدانند گام نهادن در وادی فساد و برداشت غیرقانونی از بیت‌المال، چگونه آدمی را با آتش دوزخ همنشین می‌سازد و حیات دنیا و آخرت او را تباہ می‌کند

از فحوای تاریخ چنین برمی‌آید که نه تنها فساد -بویژه در دستگاه‌های حکومتی- امر تازه‌ای نیست، بلکه توجیه‌کنندگانی هم داشته است؛ مثلاً یکی از دست‌نشانندگان انوشیروان را عملکرد چنین بود که هر چه از دستگاه مرکزی برای اجرای طرح‌های عمرانی می‌فرستادند، ابتدا خودش می‌خورد، آنگاه اگر چیزی اضافه می‌آمد، خرج آن دیار می‌کرد. خبر به انوشیروان بردند که حاکم دست‌نشانده تو را عقیده چنین است، انوشیروان، به‌جای اینکه برآشوبد و فرمان عزل یا تنبیه او را صادر کند، در نهایت خونسردی گفت: اتفاقاً او درست عمل می‌کند، اصلاً رسم طبیعت همین است، وقتی شما می‌خواهید آب را از مسیر یک جوی تشنه به مزرعه برسانید، آیا این جو، بدون آنکه کام خود را سیراب کند، آب را به مزرعه می‌رساند، این توجیه حتی در ادبیات ما نیز رسوخ کرده است، آن‌گونه که وقتی رشوه‌گیر صاحب ذوقی را مورد عتاب قرار داده و به بازخواست او برآمده بود، گفته بود:

من هدیه گرفته‌ام نه رشوه / فرق است میان قر و عشوه

- بیچاره مردمی که
- در چنین منجلابی
- از فساد و تباہی
- گرفتار آمده و بار
- خرید حکومت و
- خوشگذرانی‌های
- حاکم و حرم
- محترم ایشان را
- می‌پرداختند.
- درست است
- که آن‌ها کاری
- از دستشان
- ساخته نبود و
- تمامی قدرت
- درید با کفایت
- حضرت حاکم!!
- و دیگر افراد
- فاسد و نزدیک به
- دستگاه حکومتی
- بود، حکایت
- این فسادهای
- حکومتی به آنجا
- کشیده بود که پای
- عارفان و صاحبان
- اندیشه را نیز به
- میان آورده تا شاید
- نه در عمل که در
- کلام داد محرومان
- از بیدادگران فاسد
- بگیرند.

خواست زیباترین ردای سیاسی متناسب با فرهنگ ایرانی را بر قامت خود بیاراید از شال کرمان بهره برد. به جز او سایر شاهان و حاکمان داخل و خارج، استفاده از پوشش شال کرمان را افتخار می‌دانستند و هر جا سخن از هدیه به میان می‌آمد، از شال کرمان یاد می‌کردند. جرجی زیدان به رقم هجده هزار طاقه شال کرمانی، باقی‌مانده از اموال «المکتفی» خلیفه عباسی اشاره می‌کند.

ارزش و بهای شال کرمان تا آنجا بود که «ابن حوقل» قیمت هر شال کرمان را در هزار سال پیش ۳۰ دینار یاد کرده، فراموش نکنیم که در آن روزگار با این مبلغ امکان خرید ۳۰ سکه طلای پنج گرمی وجود داشت «تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل».

شاید این تصور پیش آید که کالایی این چنین ارزشمند و شهره آفاق و نیز تن آرای شاهان و ملکه‌های ایران و جهان برای تولیدکنندگان، دژ و جواهر می‌آفرید، غافل از اینکه آن بی‌نواها به شام شب محتاج بودند و نانشان با خون سر انگشتانی که در پایان روز و بافت شال در آن بناهای نمور و نمناک، جاری بود آغشته می‌شد. در چنین حالی، کارفرمای رانت‌خواری چون «علی محمد شالباف» کارش به جائی رسیده بود که در زمان وکیل‌الملک اول ۱۲۰۰۰ تومن به دولت قرض داد!! نمی‌دانم این رقم به پول امروز چند صد میلیارد تومن می‌شود.

باری، فسادی که بر دامان شال کرمان افتاد، نه تنها بنای این دست آفرید باشکوه را ویران کرد، بلکه تمامی بنیادهای حکومت مرتضی‌قلی خان «وکیل‌الملک دوم» را نیز به نابودی کشید. شالبافان گرسنه و درمانده‌ای که می‌دیدند مشتی فاسد سود جوی از خدا بی‌خبر با حاصل دسترنج آن‌ها صاحب چنان آلف و اولوفی شده و حتی حاضر نیستند بافندگان بی در کجا برای خودشان نان خورشتی داشته باشند به خیابان‌ها ریختند؛ «یحیی خان کلانتر» را در چار سوق بازار از اسب به زیر کشیده و توهین او را با دشنه پاسخ دادند و این فریادها و اعتراض‌ها را تا سرنگونی حکومت کرمان ادامه دادند و از پای ننشستند.

* موارد دیگری از روزگار سلاجقه کرمان، صفویه، افشاریه، زندیه و... تأثیر فساد بر فروپاشی حکومت‌ها را نشان می‌دهد؛ آن‌گونه که اگر فساد فرزندان سلاجقه کرمان نبود، حکومت یک‌صد و چند ساله آنان به این سادگی نابود نمی‌شد و شگفتا که مردم کرمان حاضر شدند قوم غدار و ستمگری چون «غز»‌ها بر آنان حکومت کند و «قهوه غزی» را ارمغانشان سازد، اما فساد فرزندان سلجوقیان مانند ایرانشاه (که علمای اسلام حکم تکفیر او را صادر کردند و در حین فرار به سوی قلعه سموران، به دست

قفجاق نامی کشته شد) را شاهد نباشند.

* همین وضعیت را در فروپاشی حکومت صفویه، به دلیل فساد آخرین شاهان این سلسله شاهد هستیم؛ همان‌ها که به جای الگو قرار دادن پدرانی چون شاه‌عباس بزرگ و انتخاب مشاورینی چون میرداماد و شیخ بهایی و آباد کردن ملک و مملکت، با ساخت ۹۹۹ کاروانسرا، مجموعه گنجعلی خان کرمان، میدان نقش‌جهان، مسجد شاه، مسجد شیخ لطف‌الله، راه‌های مختلف، رونق دادن به اقتصاد و... تن به رفیق‌بازی و کلاشی و رانت‌خواری و فساد سپردند، به قول احمدبن شرف‌الدین حسین منشی قمی، مؤلف «خلاصه التواریخ» کار به جایی رسید که آن فاسدان بی‌عرضه، پول بیت‌المال را به کسانی می‌دادند که برایشان چهچه و به‌به کنند در همین رابطه باز هم می‌خوانیم که:

مهم‌ترین رکن در انتخاب اعضای ائتلاف حاکم، وفاداری به شاه و اطاعت محض از او بود و این وفاداری با در اختیار گذاشتن منابع و رانت تضمین می‌شد. همین امر زمینه‌ساز فساد در بوروکراسی دولتی بود. در قبال به رسمیت شناختن حکومت پادشاه، منابع مالی و اقتصادی که به خاندان سادات به عنوان ائتلاف حکومت و نخبگان حاکم تعلق می‌گرفت. سیورغالات، انعامات، اوقاف و مناصب انحصاری مانند صدارت، تولیت، احتساب و سایر مشاغل از قبیل مستوفی‌گری، منشی‌گری، نظارت بیتوتات و وزارت بود. موقعیت و نفوذ سیاسی آن‌ها بیشتر می‌شد زمانی که پیوندهای زناشویی با خاندان سلطنتی و شاهزادگان برقرار می‌کردند نمونه‌ای از مقامات و مناصبی که شاه صفوی - محمد خدابنده - به میرشمس‌الدین محمد خبیصی کرمانی می‌دهد چنین گزارش شده است: «شاه کامیاب وی را چنان اختیار و اقتدار دادند که هیچ زمانی صدور به این استقلال، حشمت و شوکت نبودند. تمامی نذورات و خمس و وجوهات وقفی که در خزانه عامره بود تمام به رقم وی به مصرف می‌رسید و تولیت اوقاف سرکار حضرات چهارده معصوم که شرعاً بدان اعلیحضرت تعلق داشت به اسلام پناه مذکور عنایت کردند که محصولات آن را به رقم خود به ارباب استحقاق رساند. مهمات شرعی و وقفی تمام به گفته و نوشته وی ساخته بود و احتیاج به عرض نبود.» شاه دستور به معافیت مالیاتی سیورغالات می‌دهد. (ج ۲، ص ۱۰۵۳)

* نمونه دیگر فسادی که برخی تجار هندی در کرمان به آن آلوده شدند و ردّ پایشان را از اقتصاد کرمان گم کرد؛ کاروانسرای هندوها (واقع در بازار میدان قلعه کرمان) نشانی از روزگار پر رونق حضور هندوهایایی دارد که ادویه و فلفل به کرمان می‌آوردند، آن‌ها را به فروش

در تاریخ

- [می‌خوانیم که](#)
- [مردم کرمان «راه](#)
- [مسجد و منبر را](#)
- [بر علما و اعظام](#)
- [شهر بستند که](#)
- [اول به فریاد](#)
- [ما برسید که از](#)
- [گرسنگی در معرض](#)
- [هلاکت هستیم.](#)
- [وکیل‌الملک](#)
- [این امر را پای](#)
- [یاغی‌گری نوشت،](#)
- [علما و بزرگان را](#)
- [بدنام کرد و به](#)
- [تهران نوشت](#)
- [اهل کرمان یاغی](#)
- [شده‌اند و فتنه و](#)
- [آشوب می‌نمایند.](#)



نمایی از کاروانسرای هندوها در بازار میدان قلعه کرمان

موافق ترتیب مقرر که در عوض اینکه حکام و اجزایش از دولت باید موجب گرفته در محل حکومت به حفظ امنیت و احقاق حق اقدام کنند به حسب زیادی دخل و اهمیت ولایت هر کس طالب حکومت است. در تهران که حکومت‌ها حراج است؛ هر کس که به شاه و وزیر و عمله خلوت و واسطه کار و حرم شاه، پول بدهد حکومت به او داده می‌شود، اخلاق و احوال و سن و سال ابداً فرق ندارد. بسا بچه ده ساله، پانزده ساله، بیست ساله از شاهزادگان، حاکم یک ایالتی مثل کرمان و خراسان می‌شود و جمعیتی بزرگ از گرگان گرسنه به اسم اتباع حکومت با خود به آن ایالت و ولایت می‌برد که باید بعد از ادای صد هزار تومان که به دیوان داده و رشوه‌ها و پیشکش‌ها، همان اندازه برای بعد از خرج‌ها بماند و اطرافیان گرسنه او هم هر یک ذخیره چندین ساله بیاورند.» (سیاح، ۲۵۳۶: ۱۶۵-۱۶۶)

او در جای دیگر نمونه‌ای را ذکر می‌کند و می‌نویسد:

«نمونه این قاعده حکومت حسام‌الملک است که در شعبان ۱۳۱۱ هـ.ق با پرداخت پول به شاه و رشوه به صدراعظم و دیگران صاحب اختیار حکومت کرمان می‌شود و مبلغی که او می‌پردازد کمی بیش از صد هزار تومان است.» (باستانی پاریزی، ۲۵۳۶: ۶۱)

نکته اینجاست که این حکام بعدها در ایالت حکومتی‌شان مبلغی را چند برابر مبلغ پرداختی از مردم و زارعان به زور دریافت می‌کردند و در واقع سود سرشاری هم می‌بردند.

می‌رساندند، به جای آن کالاهایی چون زیره و فرش و شال می‌خریدند و با خود به هند می‌بردند و کاسبی پر رونقی داشتند، اما به جای این وضعیت بایسته، به راه نزول خواری و ستمگری اقتصادی و رانت خوری افتادند، آن‌طور که سرپرسی سایکس در سفرنامه خود می‌نویسد: «رعایای بریتانیا در کرمان و توابع اکثر از هندوهای پست و دنی‌الطبع می‌باشند که به وسیله پول تنزیل دادن، گذران می‌کنند و اغلب در موقع وصول طلب خود میل ندارند قبض طرف را تسلیم نمایند و مکرر پس از چند سال بعد پول خود را مطالبه می‌کنند و به اندازه‌ای دسیسه‌بازی و دغل‌کاری به خرج می‌دهند که احدی با آن‌ها معامله نمی‌نماید. بدیهی است این عملیات ناپسند باعث شده است که ایرانی‌ها از هندوها مثل افغان‌ها نفرت نمایند و به آن‌ها به نظر خفت و استحقار نگاه کنند» (۱۳۶۳، ص ۲۴۰)

* حاج سیاح چهره معروف و سیاسی روزگار قاجار در مورد واگذاری حکومت کرمان به نکته‌ای اشاره می‌کند که البته در آن روزگار تازگی نداشت و آن فروش حکومت کرمان بود. نکته مهم دیگر اینکه برای شاه قاجار فرقی نمی‌کرد که خریدار کور باشد یا کچل، کودک باشد یا بزرگ‌سال، فهمی داشته باشد یا نهی از عقل باشد، هیچ کدام از این‌ها ملاک نبود، زیرا پول و رشوه، همه این دشواری‌ها را حل می‌کرد. توضیحات حاج سیاح در این مورد بیشتر روشن‌تر است. «هر کس حاکم می‌شود

روشن ضمیری در این باب گفته بود: کار این ملک به رشوه است و به عشوه، رشوه را مال ندارم و عشوه را جمال! حتی گاهی کار مردم با زورگویان حاکم به جنگ و جدال می‌کشید، اما باز هم ثمری نداشت. البته در آخر کار به بار نشست، کما اینکه هر جا فساد لانه کند ابتدا با زورگویی و اجحاف، کارها را از پیش می‌برد، اما بی‌تردید دولت مستعجل بوده و دوامی نخواهد داشت. در گوشه دیگری از تاریخ می‌خوانیم که:

جمع‌آوری مالیات به روش مزایده در کرمان اثرات اجتماعی به دنبال داشت و مردمی که چیزی برای پرداخت مالیات نداشتند گاهی مجبور می‌شدند با مأمورین به زدوخورد بپردازند و از اوامر دولت سرپیچی کنند؛ نمونه آن دوره «آصف الدوله» است که مالیات کرمان را به مزایده گذاشت و مردم را به درخت بسته و کتک می‌زدند تا آن که مالیات جمع‌آوری نماید و سودی عاید شود؛ در نتیجه اختلاف بروز کرد و مردم به ستوه آمده و زدوخورد نیز واقع شد، حتی بعضی از طوایف یاغی شده شورش کردند. بلوچ‌ها سر به شورش برداشته و بعضی از شهرستان‌ها از جمله جیرفت، بم، نرماشیر و شهداد را غارت نمودند و مال مردم را برده و خرابی‌ها ایجاد نمودند. (همت کرمانی، ۱۳۸۹: ۵۲-۳۵۱) باری، مردمی که این چنین در چمبره فساد گرفتار شده

اگر حسام‌الملک در ۱۳۱۱ هـ.ق نزدیک به صد هزار تومان پرداخته است؛ جمع کل مالیات کرمان و درآمد کرمان برای دولت در سال ۱۸۱۰م. ۵۰۰۰۰ تومان و در ۱۸۷۱م. ۳۰۰۰۰۰ تومان بوده است (کرزن، ۱۳۷۳: ۲/۲۹۹) و در ۹-۱۸۸۸ میلادی - ۱۳۰۶ هـ.ق - ۲/۲۱۵/۳۴۳ قران بوده است که ۲۲۱/۵۳۴/۳ تومان می‌باشد و جایگاه هفتم را در کل کشور در این تاریخ نشان می‌دهد (همان: ۲/۵۷۲) که البته این چند سال قبل از سال ۱۳۱۱ هـ.ق می‌باشد، همچنین مالیات شهر کرمان در سال ۱۹۰۰ میلادی ۳۱۰ هزار تومان بود و در سال ۱۹۰۱ بیش از ۴۰۰ هزار تومان بوده است. (ورهرام، ۱۳۸۵: ۲۰۴) حالا به بینید با این آمار و ارقام، مردم بیچاره کرمان چگونه باید آن صد هزار تومن‌ها را تأمین می‌کردند؟

بیچاره مردمی که در چنین منجلابی از فساد و تباهی گرفتار آمده و بار خرید حکومت و خوشگذرانی‌های حاکم و حرم محترم ایشان را می‌پرداختند. درست است که آن‌ها کاری از دستشان ساخته نبود و تمامی قدرت در پد باکفایت حضرت حاکم!! و دیگر افراد فاسد و نزدیک به دستگاه حکومتی بود، حکایت این فسادهای حکومتی به آنجا کشیده بود که پای عارفان و صاحبان اندیشه را نیز به میان آورده تا شاید نه در عمل که در کلام داد محرومان از بیدادگران فاسد بگیرند تا آنجا که عارف



بودند و کارشان به جایی رسیده بود که نای فریاد کشیدن هم نداشتند، هر جا می‌رسید، سفره شکایت می‌گشودند و می‌نالیدند، حتی دست به دامن علماء و روحانیون می‌شدند، راه را بر آن‌ها می‌بستند، از مسجد و منبر رفتنشان جلوگیری می‌کردند تا دانشان را به گوش حکومت برسانند؛ کما اینکه در تاریخ می‌خوانیم که مردم کرمان «راه مسجد و منبر را بر علما و اعظم شهر بستند که اول به فریاد ما برسید که از گرسنگی در معرض هلاکت هستیم. وکیل‌الملک این امر را پای باغی‌گری نوشت، علما و بزرگان را بدنام کرد و به تهران نوشت اهل کرمان یاغی شده‌اند و فتنه و آشوب می‌نمایند.» (باستانی پاریزی، ۱۳۸۵: ۲۳۷)

در کتاب «فرماندهان کرمان» پیرامون این حوادث آمده است:

«در سنه ۱۲۹۴ اجامره شهر فتنه‌ای برپا کردند به اسم حیدری و نعمتی و گاهی به اسم شیخی و بالاسری، دعوای کردند، شرارت‌ها نمودند ... تجار گرفتار فجار، ابرار دچار اشعار، از هیچ هرزگی آزر نداشتند، وکیل‌الملک در «باغ نظر» از شهر قطع نظر فرمودند و نمی‌خواست خود اعمال آن‌ها را کیفر دهد، لاعلاج صورت حال را به طهران نگاهاشت. حسینعلی خان سرتیپ، سواره زرین‌کمر، مأمور نظم کرمان گردید ... در ورود به شهر جناب «حاجی محمدحجیم خان پیشوای شیخیه را به طهران گسیل نمود و میرزا مهدی خان کلانتر که پایه این شرارت می‌دانستند به طهران فرستاد و چند ماه در گواشیر توقف کرد کاری از پیش نبرد.» (احمدی، ۱۳۸۶: ۱۸۴)

و عجیباً که فریادهای حق‌طلبانه را «فتنه» نامیدند، حق‌گویان را «اجامره» خطاب کردند، دلسوزان را جنگ‌طلب دانستند، ناله‌ها و شکوه‌ها در رهگذر فساد را جنگ حیدری نعمتی گفتند و بالاخره هر کس را با بدنامی در صحنه بیرون کردند و دفاع از حق و حقوق آن‌ها را مَهَر بیگانه‌پرستی زدند.

و سرانجام روز موعود فرا رسید و این بنای فساد، آن‌گونه که سرنوشت همه حکومت‌های فاسد و فاسدپرور است فرو ریخت و طومار زندگی فاسدان به هم پیچیده شد. همیشه این‌طور بوده که هزینه فساد دولتمردان را، مردم نیازمند کوچه و بازار باید پرداخت می‌کرده‌اند، حتی زمانی که امکان تأمین مخارج و هزینه‌های مفسدین را نداشتند نیز کسی بر آن‌ها ترحم نمی‌کرد. مرحوم محمود متدین معروف به همت که خود، اواخر روزگار قاجار را درک کرده و از پدر و پدربزرگش نیز شنیده در کتاب تاریخ مفصل می‌نویسد: «مأمورین هم با خشونت رفتار می‌نمودند.

مردم بعضی فرزندان خود را به عنوان کنیز و غلام در مقابل پول مالیات می‌فروختند و بعضی‌ها ملک خود را رها نموده و فرار اختیار می‌نمودند و پاره‌ای از مردم خودشان را در اختیار مأمورین می‌گذاشتند» (۲۶۰، ۱۳۸۹) محمد شفیع بردسیری است که وقتی همه ثروت خود را فروخت و به دولتی‌ها پرداخت کرد، باز هم کم آورد، گفتند تاجری سمرقندی است که دخترت را می‌خرد، زمانی که دو دختر خود را نزد او برد، هیچ‌کدام را نپسندید. محمد شفیع سر به آسمان دراز کرد و گفت: خدایا تاجر سمرقندی نپسندید، تو هم مپسند... (رک، وزیری، ۱۳۶۴: ۶۷۴ - ۲/۶۷۲) و صد البته خدا هم نپسندید و همان شب «نه از تاج نشان ماند و نه از تاج نشان»

و زهی خوشحالی که امروز ۱۴۰۰/۸/۲۷ فرمانده بسیج کرمان، در شورای اداری شهرستان گفت، یکی از روزهای بسیج، به مبارزه با فساد نام گرفته که صد البته جای سپاس و تقدیر دارد، اما تا هر روز و همه هفته‌های ما، به مبارزه با فساد سپری نگردد و هر که دستی در بدن دارد وارد این عرصه نشود و خواب در پلک وجدان‌های خفته، نشکند و نشانه تشخیص خداجویی و اسلام‌خواهی پینه‌پیشانی باشد و بالاخره راه سوءاستفاده و فساد به روی خدا شناسان ناستوده باز بماند، پاشنه بر همین روال خواهد چرخید.

به هر جهت، شواهد تاریخی تا آنجاست که ادامه این بحث، مثنوی هفتاد من کاغذ شود؛ بنابراین به همین اندازه بسنده می‌کنم، با تأکید بر این اصل که هر که نمُخت از گذشت روزگار

می‌نیاموزد از هیچ آموزگار

بر این اساس اگر می‌بینیم دستگاه قضا تمامی تلاش خود را در ریشه‌کن کردن فساد موجود معطوف کرده است، به این دلیل است که می‌داند سرنوشت حکومت‌های فرورفته در فساد، نابودی است. همین دیروز سخنگوی قوه قضائیه در خبر مندرج در روزنامه اطلاعات ۱۴۰۰/۸/۲۶ از کشف ۷ هزار میلیارد تومان فساد مالی اخیر خبر داد و امیدواریم که در کشف فساد ده‌ها مورد دیگر از این هفت هزار میلیاردها توفیق داشته باشند. چه بجا گفت رییس‌جمهور محترم که: مردم تنگناها و مشکلات اقتصادی را تحمل می‌کنند، اما فساد را هرگز.

سخن آخر اینکه هر جا پاکی و درستی قد برافراشت، روشنای مدینه فاضله تجلی پیدا کرد و هر جا عفريت فساد رخ نمود، سیاهی‌ها، پیروزی خود را جشن گرفتند. ♦♦

زهی خوشحالی

که امروز

۱۴۰۰/۸/۲۷

فرمانده بسیج

کرمان، در شورای

اداری شهرستان

گفت، یکی از

روزهای بسیج،

به مبارزه با فساد

نام گرفته که صد

البته جای سپاس

و تقدیر دارد، اما

تا هر روز و همه

هفته‌های ما، به

مبارزه با فساد

سپری نگردد و

هر که دستی در

بدن دارد وارد

این عرصه نشود

و خواب در پلک

وجدان‌های

خفته، نشکند و

نشانه تشخیص

خداجویی و

اسلام‌خواهی

پینه‌پیشانی

باشد و بالاخره

راه سوءاستفاده و

فساد به روی خدا

شناسان ناستوده

باز بماند، پاشنه

بر همین روال

خواهد چرخید.

اقدامات غیرقانونی و متضاد با روح بانکداری اسلامی



♦ محسن سلطانی نژاد

وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی اتاق بازرگانی کرمان



♦ سارا سالاری

وکیل پایه یک دادگستری

لازم را اتخاذ و پس از انعقاد و امضای قرارداد نسخه‌ای از آن را که دارای ارزش قانونی یکسان با سایر نسخ است در اختیار اشخاص ذکر شده قرار دهند. همچنین بر اساس نامه شماره ۱۱۹۹۷۳۹ مورخ ۱۴۰۰/۰۸/۰۵ وزارت امور اقتصاد و دارایی به بانک مرکزی ضرورت دارد تا زمان الکترونیکی شدن قراردادهای بانکی و دسترسی مردم به قراردادهای منعقد، ترتیبی اتخاذ شود تا بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری نهایتاً یک هفته پس از درخواست مشتری یا سایر متعهدان ذی‌ربط در شعبه یک نسخه از قرارداد و کلیه ضمائم آن را به آنها تحویل نمایند؛ بنابراین تحویل نسخه‌ای از قرارداد به سه شخص (۱- مشتری ۲- ضامن ۳- وثیقه‌گذار) الزامی می‌باشد و در صورت عدم تحویل و یا امتناع قابلیت پیگیری از طریق محاکم را خواهد داشت.

۲- در برخی از پرونده‌ها چنین پرسشی مطرح می‌گردد که اگر کارمند یک بانک دولتی در اوراق و اسناد مرتبط با بانک مرتکب جعل شده باشد، آیا این اقدام مصداق جعل اسناد رسمی موضوع ماده ۵۳۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ محسوب می‌شود؟ در پاسخ باید اعلام نمود که با تأکید بر مفهوم سند رسمی در ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی (مشمول بر سندی که در نزد مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آن‌ها و بر طبق مقررات قانونی تنظیم شده

به عنوان وکلای دادگستری که در زمینه حقوق بانکی و در دفاع از بدهکاران بانکی فعالیت می‌نماییم، بعضاً با اقداماتی از جانب بانکها روبه‌رو می‌شویم که با روح بانکداری اسلامی در تضاد و تعارض است؛ چرا که بر اساس قاعده «العقود تابعة للقصد» هر عقدی تابع قصد و نیت است این در حالی است که در عقود بانکی توجه چندانی به ماهیت عقد نمی‌گردد؛ به طور مثال متقاضی تسهیلات اخذ شده را در مصارف غیر مرتبط با قرارداد تسهیلاتی خرج می‌نمایند و از طرف دیگر بانک اعطا کننده نیز نظارت کافی بر اینکه آیا این تسهیلات منطبق بر مصرف و نوع عقد اعطایی می‌باشد یا خیر، نمی‌نمایند؛ بنابراین در این قسمت قصد داریم آن دسته از مسائل و مشکلات حقوقی که غالب فعالان اقتصادی، تاجران و تولیدکنندگان با آن روبه‌رو هستند را مورد بررسی قرار دهیم:

۱- مسئله اول که به کثرت با آن روبه‌رو هستیم، موردی است که بانکها علی‌رغم بخشنامه بانک مرکزی از تحویل نسخه‌ای از قرارداد به تسهیلات گیرنده امتناع می‌نمایند؛ این در حالی است که بر اساس بخشنامه شماره ۳۱۳۲۳۸/۹۵ مورخ ۱۳۹۵/۰۵/۱۰ بانک مرکزی، کلیه بانکها و مؤسسات اعتباری مکلفند با هدف آگاهی کامل مشتری، ضامن و وثیقه‌گذار از مفاد قراردادهای منعقد تمهیدات

شده نحوه اجرای این رأی در ادارات ثبت و ادارات اجرای اسناد رسمی است.

بر اساس تبصره ماده ۴ آیین‌نامه، اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا «در مورد بانک‌ها و مراجعی که قانوناً حق دریافت سود و خسارت تأخیر تأدیه آن‌ها را دارند، محاسبه سود و خسارت تأخیر تأدیه فی‌مابین متعهد و متعهدله تا تاریخ صدور اجرائیه توسط بانک انجام می‌شود و بعد از آن با اداره ثبت مربوطه است.» فروض مختلفی در خصوص نحوه صدور اجرائیه و عملیات اجرائی در راستای اجرای این رأی مطرح گردید که در نهایت دفتر نظارت بر اجرای اسناد رسمی طی نامه شماره ۱۴۰۰/۱۸۸۵۴ مورخ ۱۴۰۰/۰۵/۰۹ نظر ریاست عالی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور را در مقام رفع کلیه ابهامات ابلاغ نموده. درخواست صدور اجرائیه از جانب بانک‌ها نسبت به اسناد رهنی و قراردادهای بانکی، قید عبارت «نرخ سود مورد تقاضا مطابق مفاد رأی وحدت رویه ۷۹۴ دیوان عالی کشور تعیین شده است» و تعیین نوع تسهیلات اعطائی و میزان سود مطابق جدول نرخ سود تسهیلات مصوب شورای پول و

باشد)، اقدام کارمند به جعل اسناد مرتبط با وظایف خود که صدور آن‌ها در محدوده صلاحیت وی قرار داشته است، مشمول عنوان جعل سند رسمی می‌باشد.

۳- تسهیلات بانکی در قالب بازار پول صورت می‌گیرد، نه بازار سرمایه، اما در حقیقت بانک‌ها امکان مشارکت واقعی با مشتریان خود را ندارند؛ با این توضیح که در بحث عقود مشارکتی بانک‌ها با مشتری‌های خود شریک می‌شوند تا یک پروژه رو انجام بدهند و در سود و زیان شریک و آن را فی‌مابین خودشان تقسیم کنند. به این علت است که بانک‌ها نباید وارد بنگاهداری شوند؛ چرا که با سیاست‌های ذیل اصل ۴۴ در تعارض می‌باشد و بانک نمی‌تواند وارد شرکت شود و نظارت مستقیم کند؛ بنابراین با تعیین میزان سودی به نرخ شورای پول و اعتبار اعلام می‌دارند باید حداقل این سود را به من پرداخت کنید و اگر نتوانست باید از اموال خودشان به صورت مجانی در قالب یک عقد دیگر به بانک پرداخت کند.

شروط ضمن عقد عقود مشارکتی مبنی بر تملک رایگان اموال مشتری حتی در صورت اضرار طرح، عقود بانکی را صوری می‌کند و در تعارض با روح بانکداری اسلامی است.

۴- رأی وحدت رویه شماره ۷۹۴- ۱۳۹۹/۰۵/۳۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور مستفاد از مواد ۱۰، ۱۱، ۱۴ و ۳۷ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸ با اصلاحات و الحاقات بعدی و ماده ۲۰ قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲/۶/۸ با اصلاحات بعدی و ماده واحده قانون تأسیس بانک‌های غیردولتی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ و دیگر مقررات مربوط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تنظیم‌کننده نظام پولی و اعتباری کشور و ناظر بر حسن اجرای آن است و مصوبات بانک مذکور راجع به حداقل و حداکثر سهم سود بانک‌ها و مؤسسات اعتباری اعم از دولتی و غیردولتی جنبه آمره دارد. بنا بر رأی وحدت رویه فوق‌الذکر مصوبات بانک مرکزی راجع به حداقل و حداکثر نرخ سود بانک‌ها جنبه آمره داشته و شرط مندرج در قرارداد اعطای تسهیلات بانکی نسبت به سود مازاد بر مصوبات مذکور باطل و خلاف قانون می‌باشد؛ چرا که آرای وحدت رویه در حکم قانون و برای کلیه مراجع لازم‌الاتباع می‌باشد.

بعد از رأی وحدت رویه شماره ۷۹۴ مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۷ از سوی دیوان عالی کشور مبنی بر باطل اعلام شدن سود مازاد بر مصوبات شورای پول و اعتبار در قراردادهای اعطاء تسهیلات به مشتریان، یکی از مهم‌ترین ابهامات مطرح

- به کثرت دیده می‌شود که بعضی تسهیلات جهت تسویه بدهی سابق مشتریان داده می‌شود، با این توضیح که مشتری توان پرداخت بدهی معوقه خود را ندارد و بانک با دادن تسهیلات جدید بدهی سابق وی را تسویه می‌نماید. رویه قضایی اخیر نشان می‌دهد، محاکم به ابطال قراردادهای صوری جهت تسویه دیون سابق شدیداً گرایش دارند و بانک‌ها برای ممانعت از شکست در دعاوی مذکور، چاره‌ای جز اصلاح روند کنونی امهال مطالبات خود ندارند.



با توجه به پرونده‌هایی که با آن‌ها روبرو شده‌ایم نکته قابل تأمل این است که مفاد این بند از دستورالعمل اظهارنظری دوگانه را به ذهن متبادر می‌نماید، چرا که اگر دستورالعمل قائل به لزوم اجرای رأی وحدت رویه نسبت به کلیه اجرائیه‌های صادره است، نباید تفاوتی بین اجرائیه‌های جدید و قدیم وجود داشته باشد حال آنکه طبق این دستورالعمل ادارات ثبت و اجرا امکان مداخله در میزان سود مندرج در درخواست‌های صدور اجرائیه را دارند، ولی در خصوص اجرائیه‌های صادره قبلی چنین اختیاری برای ایشان نسبت به مرحله سررسید تا صدور اجرائیه شناسایی نشده است.

۵- در برخی از تسهیلات مقداری از مبلغ تسهیلات بابت ضمانت بلوکه می‌گردد و یا اینکه مبلغی خارج از تسهیلات اعطایی در حالی که به موجب بخشنامه شماره ۶۲۶۶۸ مورخ ۱۳۹۱/۰۳/۱۰ بانک مرکزی بلوکه کردن بعضی از تسهیلات ممنوع می‌باشد متن بخشنامه به شرح ذیل است:

احتراماً، حسب اطلاع واصله، برخی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری با هدف جلوگیری از خروج منابع و یا تأمین وثایق معتبر جهت پوشش ریسک اعتباری در زمان اعطای تسهیلات، اقدام به بلوکه نمودن بخشی از تسهیلات اعطایی به مشتریان در قالب انواع سپرده‌ها (اعم از قرض‌الحسنه و سرمایه‌گذاری) می‌نمایند. شایان ذکر است:

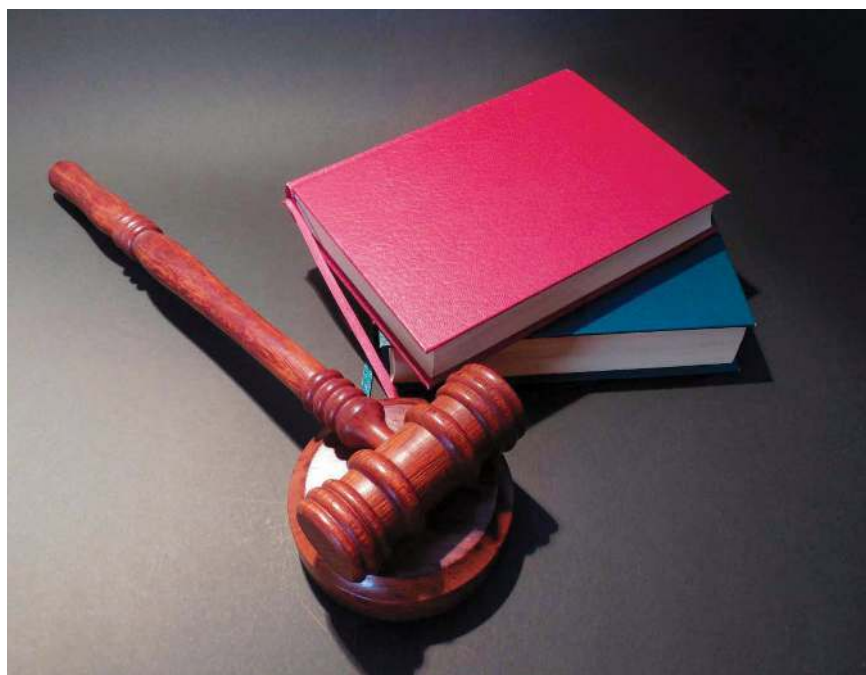
از آنجایی که تسهیلات اعطایی در قالب عقود اسلامی، باید در موضوع تسهیلات صرف گردد، این اقدام مغایر با روح قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) می‌باشد. همچنین موضوع مذکور موجب بالا رفتن نرخ مؤثر سود تسهیلات و مآلاً تخطی از نرخ‌های مقرر توسط شورای محترم پول و اعتبار می‌شود. خواهشمند است دستور فرمایند، مراتب ممنوعیت موضوع یاد شده، با قید تسریع به کلیه واحدهای ذی‌ربط آن بانک/مؤسسه اعتباری ابلاغ و بر حسن اجرای آن نظارت گردد.

۶- به کثرت دیده می‌شود که بعضی تسهیلات جهت تسویه بدهی سابق مشتریان داده می‌شود، با این توضیح که مشتری توان پرداخت بدهی معوقه خود را ندارد و بانک با دادن تسهیلات جدید بدهی سابق وی را تسویه می‌نماید. رویه قضایی اخیر نشان می‌دهد، محاکم به ابطال قراردادهای صوری جهت تسویه دیون سابق شدیداً گرایش دارند و بانک‌ها برای ممانعت از شکست در دعاوی

اعتبار الزامی است. در صورت عدم رعایت درخواست‌های تقدیمی، دفتر اسناد رسمی می‌بایست نسبت به عودت تقاضانامه به بانک جهت اصلاح اقدام نماید. ادارات اجرای ثبت مکلفند در صورت عدم رعایت موارد فوق، درخواست را به دفتر اسناد رسمی ارسال نمایند تا از طریق سردفتر اسناد رسمی به منظور اصلاح برای بانک اعاده گردد. در درخواست صدور اجرائیه از جانب بانک‌ها نسبت به اسناد رهنی و قراردادهای بانکی، قید عبارت «نرخ سود مورد تقاضا مطابق مفاد رأی وحدت رویه ۷۹۴ دیوان عالی کشور تعیین شده است» و تعیین نوع تسهیلات اعطائی و میزان سود مطابق جدول نرخ سود تسهیلات مصوب شورای پول و اعتبار الزامی است.

در انتها این دستورالعمل صراحتاً اعلام نموده است که مفاد رأی وحدت رویه نسبت به پرونده‌های جاری نیز تسری دارد، ولیکن نحوه نگارش در قسمت تعیین تکلیف محاسبه این پرونده‌ها به گونه‌ای است که لاجرم تفکیک بین دو مرحله را ایجاب می‌نماید:

از تاریخ سررسید بدهی تا زمان صدور اجرائیه محاسبات بانک طبق سودهای مندرج در قرارداد ملاک عمل قرار می‌گیرد و از تاریخ صدور اجرائیه تا تسویه بدهی، ادارات اجرا بدهی مشتری را بر اساس مفاد رأی وحدت رویه و جداول پیوست دستورالعمل محاسبه خواهند نمود.



دادگاه نموده، بدون اینکه خدشه‌ای به سند رهنی منشأ آن وارد نماید. در این پرونده‌ها یکی از دفاعیاتی که بانک‌ها به عنوان خوانده مطرح می‌نمایند، ایراد به نحوه طرح دعوا و درخواست ابطال اجرائیه بدون درخواست ابطال سند رهنی منشأ اجرائیه می‌باشد که نسبت به دادخواست‌هایی که به این صورت مطرح می‌گردد، شعب دادگاه‌ها دو رویه مختلف اتخاذ می‌نمایند

۱: عده‌ای از قضات قائل به این هستند که درخواست ابطال اجرائیه ثبتی می‌بایست همراه با ابطال سند رهنی منشأ آن مطرح گردد، در غیر این صورت قابل رسیدگی نیست.

۲: عده‌ای دیگر از قضات محترم نظری خلاف بر این دارند که با توجه به رویه‌های متعدد، پیشنهاد ما مطرح کردن هر دو خواسته می‌باشد.

۱۰- در بعضی شعب دادگاه‌ها، دعاوی که از سوی ضامن تسهیلات گیرنده بانکی به خواسته ابطال قرارداد تسهیلاتی (بین دریافت‌کننده تسهیلات و بانک) در خصوص نرخ سود و خسارات و محاسبات مازاد بر ضوابط بانک مرکزی مطرح می‌شود با قرار عدم استماع روبرو شده است که این موضوع قابل ایراد است؛ چرا که وفق رأی وحدت رویه شماره ۷۹۴ مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، مصوبات بانک مرکزی راجع به حداقل و حداکثر سهم سود بانک‌ها و مؤسسات اعتباری اعم از دولتی و غیردولتی جنبه آمره دارد، بنابراین بانک‌ها نباید برخلاف آن عمل کنند و هرگاه برخلاف این مقررات سود اضافی از تسهیلات اعطایی دریافت کنند نسبت به سود مازاد باطل است؛ بنابراین، دعوای ضامن نسبت به ابطال ضمانت وی نسبت به شرط تعیین نرخ سود و خسارت و محاسبات مازاد بر ضوابط بانک مرکزی قابل استماع است و از دیدگاه بنده حتی الزامی وجود ندارد که تسهیلات گیرنده طرف دعوا قرار گیرد.

بندهای فوق تنها بخشی از معضلات پرونده‌های بانکی از مقررات و قوانین آمره بانک مرکزی و عقود بانکی می‌باشد که باعث شده فعالان اقتصادی و تجاری و مشتری‌ها و شرکت‌ها و کارخانه‌ها سال‌های متوالی درگیر این چنین معضلات و مشکلاتی شوند؛ بنابراین امید می‌رود با رساندن این مسائل به سمع قانون‌گذار و آگاهی رساندن به تجاری، فعالان اقتصادی و متقاضیان و ... قوانین به سمتی برود که بانک‌ها در جهت رونق تولید قدم بردارند نه به سمت بنگاهداری و کسب منفعت. ♦♦

مذکور، چاره‌ای جز اصلاح روند کنونی امهال مطالبات خود ندارند؛ امری که در دستورالعمل امهال مطالبات مرتفع شده و تسویه دیون سابق از محل تسهیلات جدید به شرط رعایت ضوابط شرعی و اقتصادی و حقوقی صحیح، مجاز دانسته شده است، اما بانک‌ها متأسفانه تمایلی به اجرای آن نشان نمی‌دهند تشخیص صوری یا واقعی بودن آن بر عهده مرجع قضایی به صورت موردی است.

۷- سؤالی که برای بسیاری از اشخاص ایجاد می‌شود این است که آیا بانک‌ها و مؤسسات اعتباری خصوصی نیز ملزم به رعایت قوانین و مقررات آمره بانک مرکزی می‌باشند؟

مطابق ضوابط تأسیس بانک غیردولتی مصوب ۱۳۷۹/۰۹/۲۰ شورای پول و اعتبار، بانک غیردولتی می‌تواند با مجوز بانک مرکزی و در چارچوب قانون پولی بانکی مصوب ۱۳۵۱، قانون عملیات بانکی بدون ربا و همچنین اساسنامه خود، به کلیه عملیات بانکی مجاز مبادرت ورزد بنابراین تمامی این قوانین مشمول بانک‌ها و مؤسسات اعتباری خصوصی نیز می‌گردد.

۸- در بعضی از پرونده‌ها توانسته‌ایم مالکیت بانک را ابطال نماییم، بعضاً شاهد این قضیه بوده‌ایم که خریداران املاک تملیکی بلا تکلیف شده‌اند که در این راستا لازم است عرض شود: اخیراً رأی وحدت رویه از سوی هیئت عمومی دیوان عالی کشور با موضوع «ضمان درک مبیع» صادر شد که تأثیر بسزایی در دعاوی ملکی از جمله دعاوی بانکی خواهد داشت. در مواردی که افرادی که املاکی را از بانک خریداری می‌نمایند، بعدها به دلیل ایراد به محاسبات بانک یا شیوه تملیک مالکیت بانک، کل مالکیت‌ها باطل می‌گردد. بر اساس رأی وحدت رویه اخیر اگر چنین اتفاقی حادث شود، خریدار جدید می‌تواند نه تنها اصل پول پرداختی به بانک یا افراد ماقبل خود را دریافت نمایند، بلکه می‌تواند قیمت روز املاک مشابه را با نظر کارشناس به عنوان غرامات حاصله دریافت نمایند، از این باب افرادی که املاک بانک‌ها را در مزایده خریداری می‌نمایند، ریسک کمتری را بابت ابطال تملیک بانک و مالکیت افراد و ایادی مابعد تحمل خواهند کرد.

۹- یکی از خواسته‌های رایج در دعاوی بانکی که اشخاص مطرح می‌نمایند، درخواست ابطال اجرائیه ثبتی است که نسبت به اسناد رهنی صادر می‌شود. گاهی مشاهده می‌گردد که خواهان درخواست ابطال اجرائیه ثبتی را از

اقتصاد انرژی، تنظیم‌گری و چالش‌های آن



◆ نادیا انجم‌شعاع

دبیر اندیشکده تدبیر انرژی اتاق کرمان

برق به‌عنوان یکی از حامل‌های انرژی، چسبندگی زیادی با سایر حامل‌های انرژی بویژه گاز طبیعی دارد و فقدان یک تنظیم‌گر یکپارچه در حوزه انرژی کشور، می‌تواند موجب نادیده گرفتن تمامی مؤلفه‌های اثرگذار بر حوزه انرژی شود. صنعت برق در ایران یکی از بزرگ‌ترین و پراهمیت‌ترین صنایع کشور برشمرده می‌شود که این صنعت شامل شبکه برق، مجموعه متخصصان، پشتوانه بزرگ فنی و مهندسی و همچنین با بیش از ۹۰۰ هزار کیلومتر خط انتقال و توزیع، چهاردهمین شبکه بزرگ دنیا بوده که توانایی تأمین درصد بالایی از نیازهای شبکه برق کشور را از حیث طراحی، اجرا و بهره‌برداری دارد. در حال حاضر این صنعت، با بحران‌های زیادی روبه‌رو است. می‌توان ریشه بسیاری از این بحران‌ها را در بخش‌های سیاست‌گذاری، ساختاری و مدیریتی یافت که از جمله نرخ‌گذاری نامناسب تعرفه‌های برق، عدم ثبات مدیریت و تغییرات ساختاری ناقص سبب ناکارآمدی اقتصادی سیستم و بدهی‌های سرسام‌آور در وزارت نیرو (که متولی شبکه برق است) شده است. حجم بالای بدهی‌های این صنعت موجب تأخیر در پرداخت هزینه‌های برق تولیدی به نیروگاه‌ها و تعویق در اجرای برنامه‌های توسعه سیستم شده است و به دلیل این حجم بالای بدهی‌ها و تعرفه‌های پایین انرژی، انگیزه کافی در بخش خصوصی به منظور سرمایه‌گذاری وجود ندارد. عدم سرمایه‌گذاری در بخش تولید در نهایت سبب می‌شود که میزان مصرف انرژی الکتریکی از میزان تولید آن پیشی گیرد. در چنین شرایطی، بهره‌بردار سیستم ناچار است به منظور حفظ پایداری شبکه و تعادل تولید و مصرف، بخشی از بار سیستم را به صورت اجباری قطع نماید؛ بنابراین با بررسی ساختار صنعت برق ایران و مقایسه آن با سایر کشورها می‌توان دریافت، وجود نهادهای مستقل و قدرتمند تنظیم‌گر در سایر کشورها یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های میان ساختار صنعت برق در ایران با سایر کشورهاست.

تغییر نقش دولت از تصدی‌گری به تنظیم‌گری، یکی از مهم‌ترین اهدافی است که در سیاست‌های کلی اقتصاد

مقاومتی مورد توجه قرار گرفته است و این رویکرد منجر به تصویب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی شده است. بر اساس این قانون، صنایع پایین‌دستی در حوزه انرژی می‌بایست به بخش خصوصی واگذار شود. آنچه در این میان اهمیت دارد این است که بازار انرژی به واسطه ویژگی انحصار طبیعی و نیز برخی خصوصیت‌های دیگر آن در زمینه‌هایی همچون تقاضا، عرضه و نحوه قیمت‌گذاری منجر به این شده تا با پدیده شکست بازار مواجه شود. به واسطه بروز این پدیده، واگذاری این صنعت به بخش خصوصی منجر به بروز رفتارهای ضد رقابتی خواهد شد و تنها انحصار دولتی را به انحصار خصوصی تبدیل خواهد کرد؛ بنابراین تأسیس نهاد مستقل و قدرتمند تنظیم‌گر می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات این صنعت باشد و نقش بسزایی را در جلوگیری از رفتارهای انحصاری و بهبود فضای رقابتی ایفا کند. عدم وجود این نهاد در ساختار صنعت برق کشور سبب شده تعرفه‌های برق برای سال‌های طولانی به صورت غیر کارشناسی تعیین شود که این مهم، زیان انباشته سنگینی را به این صنعت تحمیل کرده است. از همه مهم‌تر، خلأ وجود این نهاد در واگذاری‌های غیراصولی نیروگاه‌ها و تغییرات ساختاری بی‌برنامه صنعت به خوبی احساس می‌شود. با این تفاسیر خلأ چنین نهادی به شدت در کشور احساس می‌شود و علی‌رغم فراهم بودن زیرساخت‌های قانونی برای ایجاد نظام تنظیم‌گری انرژی در ایران تاکنون این مهم محقق نشده است و با چالش‌های اساسی مواجه است. در ادامه چکیده مباحث دومین نشست از سلسله نشست‌های جامعه و انرژی با موضوع اقتصاد انرژی، تنظیم‌گری و

بازار انرژی به

واسطه ویژگی

انحصار طبیعی

و نیز برخی

خصوصیت‌های

دیگران در

زمینه‌هایی

همچون تقاضا،

عرضه و نحوه

قیمت‌گذاری منجر

به این شده تا با

پدیده شکست

بازار مواجه شود.

به واسطه بروز این

پدیده، واگذاری

این صنعت به

بخش خصوصی

منجر به بروز

رفتارهای ضد

رقابتی خواهد

شد و تنها انحصار

دولتی را به انحصار

خصوصی تبدیل

خواهد کرد.

عدم پیشرفت کار شده است. دغدغه ما این است که اقتصاد انرژی کشور با این شکلی که اداره می‌کنیم، حتماً به نابودی می‌رسد، باید تلاش کنیم تا گرفتار این ورطه نشویم.

دکتر سید فرشاد فاطمی

استادیار دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف

مستقل بودن نهاد تنظیم‌گر

ساختار انحصار طبیعی در اقتصاد انرژی ایران موضوعی بدیهی است. بخش عمده‌ای از صنعت انرژی به واسطه ویژگی شبکه‌ای که دارد، بحث انحصار طبیعی در اقتصاد انرژی ایران است. به‌طور خاص در صنعت برق، شبکه توزیع و شبکه انتقال مصداق‌های انحصار طبیعی هستند و صنایعی محسوب می‌شوند که طبیعتاً به واسطه تکنولوژی، وابسته به انحصار هستند. علاوه بر این در صنایع بالادستی گاز و نفت نیز همین ساختار را داریم که هم به دلیل مالکیت دولت بر منابع و هم به دلیل یکتا بودن عرضه‌کننده گاز در شبکه عملاً سبب شده ساختار انحصار طبیعی را در اقتصاد انرژی داشته باشیم. نکته‌ای که وجود دارد این است که ساختار انحصار طبیعی لزوماً همه‌گیر نیست. در مواردی از این صنعت با تلاش‌هایی که در مناطق مختلف دنیا صورت گرفته است، این امر مجزا شده و ساختار انحصار طبیعی در آن برقرار نیست. به‌طور مشخص در صنعت برق، تولید برق لزوماً می‌تواند مصداقی از انحصار نباشد و با توجه به تولیدکنندگان متعدد برق می‌توانیم ساختار تولید برق را به‌صورت رقابتی اداره کنیم. آزادسازی مقدمه خصوصی‌سازی است. در مواردی بدون اینکه آزادسازی انجام دهیم، فضای کسب‌وکار را آماده کنیم، سراغ آزادسازی رفتیم. اینکه ما بخواهیم خصوصی‌سازی انجام دهیم، اما سراغ آزادسازی نرویم، مشکل‌ساز خواهد بود. مصادیق بسیار مشخصی از این مشکلات در صنایع مختلف بویژه در صنعت انرژی و برق وجود دارد. موضوع بعدی توسعه رقابت است. اگر توسعه رقابت را به عنوان یکی از محورهایی که هم می‌تواند منجر به رشد اقتصادی شود و هم یکی از مقدماتی است که ما نیاز داریم در مسیر آزادسازی اقتصادی در نظر بگیریم، دو ستون اصلی آن سیاست‌گذاری رقابت و تنظیم‌گری است. سیاست‌گذاری رقابت به مجموعه‌ای از سیاست‌ها و قوانین اطلاق می‌شود که وجود آن‌ها متضمن این است که رقابت به نحوی صورت نگیرد که وضع جامعه بدتر شود. تنظیم‌گری عبارت از الزامات و محدودیت‌هایی است که دولت بر فعالیت بنگاه‌ها بویژه در شرایط انحصار طبیعی قائل می‌شود. این تنظیم‌گری و الزامات و محدودیت‌ها هم می‌تواند اهداف اقتصادی و هم اهداف غیراقتصادی داشته باشد. تجربه تنظیم‌گری در دنیا نشان می‌دهد که نهادهای تنظیم‌گر

چالش‌های آن به همت اندیشکده تدبیر انرژی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان و مرکز امور اجتماعی منابع آب و انرژی وزارت نیرو و با همکاری مرکز مطالعات سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی پژوهشگاه نیرو که در هجدهم مهرماه ۱۴۰۰ برگزار شده است در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.

مهندس سید مهدی طیب زاده

رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان

اداره نامطلوب امور اقتصاد انرژی

اقتصاد انرژی به دلایل مختلفی حائز اهمیت است. انرژی قلب اقتصاد استان کرمان است. گرچه صنایع و مراکز فرآوری معدنی بسیار گسترده‌ای در استان وجود دارد و می‌توان گفت پیشران اقتصادی استان کرمان در حال حاضر بخش معدن است، اما واضح است که اگر اقتصاد انرژی در آن دیده نشود و اگر یارانه‌های انرژی به هر دلیل قطع شود، مشخص نیست که این فعالیت‌های اقتصادی چه سرنوشتی پیدا کنند. از طرفی انرژی با معیشت و رفاه و امنیت و اشتغال امروز ما عجین شده است. در تاستان گذشته که در پیک مصرف انرژی برق، واحدهای صنعتی به اجبار خاموشی داشتند، زبان‌های بسیار هنگفتی به صنعت وارد شد که غیرقابل جبران است. برای پیشگیری از تکرار این موضوعات باید تدابیری اندیشیده شود و به راهکارهای این مشکل بپردازیم.

آینده مبهمی که تولید انرژی الکتریکی و تأمین سایر نهادهای انرژی در کرمان دارد، نگرانی‌هایی را ایجاد کرده است. از همین حالا قابل پیش‌بینی است که کمبود گاز یا دیگر مشتقات نفتی در کرمان و البته در کشور در زمستان پیش رو باعث بروز مشکلات زیادی به خصوص برای بخش اقتصاد کشور شود. با توجه به اینکه استان کرمان بالاترین درصد تولید برق را از محل نیروگاه‌های حرارتی و سیکل ترکیبی دارد، آینده تأمین آب برای نیروگاه‌های سیکل ترکیبی به لحاظ محدودیت‌های منابع آبی و محدودیت‌های تأمین گاز، با پیش‌بینی‌های غیرقابل انکاری که برای کمبود گاز در آینده صورت گرفته است، مشخص نیست تولید برق به چه سرنوشتی دچار می‌شود. اینجاست که موضوع انرژی‌های تجدید پذیر اهمیت پیدا می‌کند. استان کرمان از جمله مناطق برخوردار از ظرفیت‌های بالقوه تولید انرژی خورشیدی است و به عنوان دوزنقه طلایی تولید این انرژی در کشور شناخته می‌شود، اما به‌رغم تمام تلاش‌ها و پیگیری‌ها تنها می‌توانیم بگوییم حداکثر ۶۳ مگاوات ظرفیت نیروگاهی خورشیدی نصب شده داریم. محدودیت‌های موجود باعث

نکته اساسی این

است که تمام

رگولاتورها در

ساختار کشور ما

ذیل نهادهای

حاکمیتی ایجاد

شدند که این

نهادهای خود

دچار تصدی‌های

بزرگ در آن بخش

و زیرمجموعه

دولت بودند.

در شکل‌گیری

نهاد تنظیم‌گر،

استقلال نهاد

تنظیم‌گر بسیار

حائز اهمیت

است. به دلایلی

از این قبیل:

تفاوت و در برخی

موارد تقابل بین

وظایف سازمان

دولتی موجود با

اصول تنظیم‌گری.

سازمان دولتی

وظایفی برعهده

دارد که این با

تنظیم‌گری در

تناقض است.

امکان‌پذیر نیست. در مواردی که فضای رقابت را نمی‌توان توسعه داد، نیازمند تنظیم‌گری یا رگولاتور هستیم. توسعه فضای رقابت نیازمند بهبود محیط کسب‌وکار است و در کنار آن توجه دولت به سیاست‌گذاری صحیح و نقش دقیق خود در این رقابت به عنوان رگولاتور. من دولت را به عنوان مجموعه حاکمیت می‌گویم نه فقط به عنوان قوه مجریه استقلال نهاد ناظر بر رقابت و نهادهای تنظیم‌کننده شرط ضروری این فرآیند است.

دکتریداله سبوحی

عضو هیئت‌علمی دانشگاه صنعتی شریف

نیاز به تحول ساختاری در بخش انرژی

مفهوم تنظیم‌گری با سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری متفاوت است. این مسئله در سطح تصمیم‌گیری کشور به خوبی درک نشده است و باعث بروز چالش‌های بزرگی شده است و مسائل مهم و پیچیده‌ای را در اقتصاد انرژی کشور به دنبال داشته است. چند سال پیش که تا حدودی زمینه بهره‌برداری از انرژی‌های تجدید پذیر مورد توجه قرار گرفت، خریدوفروش مجوزهای مربوط صورت می‌گرفت. این به برخورد دولت و نهادهای دولتی و نحوه نگاه آن‌ها به امور برمی‌گردد. تنظیم‌گری در چارچوب موجود نمی‌تواند شکل بگیرد. باید یک تحول ساختاری در بخش انرژی داشته باشیم و آن این است که نقش دولت به حاکمیت و حکمرانی محدود شود و بخش خصوصی وارد بازار شود.

انرژی تا حدود دهه ۹۰ میلادی به عنوان یک کالا ارائه می‌شد، اما در حال حاضر انرژی یک خدمت است. خدمات انرژی اهمیت پیدا کرده است و انحصار طبیعی به مفهومی که در گذشته بوده، وجود ندارد، بلکه کاملاً بازار رقابتی در تمام عرصه‌ها شکل گرفته است. انحصار طبیعی که بویژه در حوزه گاز و برق در دهه هفتاد میلادی مورد توجه بود، در حال حاضر از بین رفته و مصرف‌کننده و تولیدکننده با یکدیگر عجین شده‌اند. به این معنا که یک واحد خانگی هم تولیدکننده برق است و هم مصرف‌کننده آن، هم فروشنده برق است و هم خریدار آن.

اتفاقی که امروز در دنیا افتاده است، ارتقا توان حاکمیتی هر بخش و تغییر رویکردهاست. مأموریت حکمرانان بر کاهش هزینه‌های اجتماعی متمرکز است و تأکید بر موضوع تولید ندارد. از طرفی توجه به محدود شدن دیوانسالاری و توسعه سیستم‌های هوشمند و گسترش سیستم‌های پراکنده هم امروز در حوزه انرژی در دنیا مورد تأکید قرار دارد. در بخش انرژی تهدیدهایی که کشور ما با آن روبه‌رو است، شامل جایگزینی ترکیب فرآورده‌های نفتی سبک با

معمولاً همزمان با فرایند خصوصی‌سازی شکل گرفته‌اند. تجربه تنظیم‌گری در جهان هم دارای اهداف اقتصادی و هم غیراقتصادی است. اهداف اقتصادی شامل توسعه رقابت در بخش‌هایی از صنعت مانند تولید برق، حمایت از حقوق مصرف‌کننده در شرایط انحصار طبیعی، حفاظت از محیط زیست و پایداری بلندمدت ارائه خدمات است. اینکه ما برق یک نیروگاه را در زمان کمبود قطع کنیم، پایداری بلندمدت ارائه خدمت در آن صنعت زیر سؤال می‌رود و این باید جزو اهداف اقتصادی تنظیم‌گر باشد. علاوه بر اینکه تنظیم‌گر اهداف غیراقتصادی هم دارد که تفکیک این موارد از یکدیگر مشکل است؛ مثلاً اطمینان از حداقل کیفیت. در بازار برق اگر ما کنترل فرکانس را به عنوان نمادی از کیفیت برق ارائه شده بدانیم، پرداختن به این مورد بدون توجه به اهداف اقتصادی که ذکر شد امکان‌پذیر نیست. یا رعایت استانداردهای مختلفی که در صنایع می‌توان به آن پرداخت. نکته اینجاست که تجربه تنظیم‌گری چون یک تجربه جدید بوده در کشورهای مختلف روش‌های متفاوتی داشته است. نگاه به تجربه ایران نشان می‌دهد که نهادهای تنظیم‌کننده بخشی داریم؛ مثل هیئت تنظیم بازار برق که در زمانی که تصمیم گرفته شد که تولیدکنندگان برق بتوانند توسط بخش خصوصی اداره شوند، این هیئت در وزارت نیرو راه‌اندازی شد. نکته اساسی این است که تمام رگولاتورها در ساختار کشور ما ذیل نهادهای حاکمیتی ایجاد شدند که این نهادها خود دچار تصدی‌های بزرگ در آن بخش و زیرمجموعه دولت بودند. در شکل‌گیری نهاد تنظیم‌گر، استقلال نهاد تنظیم‌گر بسیار حائز اهمیت است. به دلایلی از این قبیل: تفاوت و در برخی موارد تقابل بین وظایف سازمان دولتی موجود با اصول تنظیم‌گری. سازمان دولتی وظایفی برعهده دارد که این با تنظیم‌گری در تناقض است. مدعای من تنظیم‌گری اقتصادی است، اما در بسیاری موارد در تنظیم‌گری غیراقتصادی این تقابل و تعارض وجود دارد. عملاً تنظیم روابط بخصوص بین بخش باقیمانده در دست دولت و بخش واگذار شده یکی از مصادیق اساسی این تقابل است. اگر بخواهیم فعالیت بخش خصوصی را توسعه دهیم مواردی لازم است اتفاق بیفتد که لازمه تحقق این موارد استقلال نهاد تنظیم‌گر از بازیگران بخش است. یکی از بازیگران بخش انرژی ما لاجرم دولت است.

مورد دیگر لزوم عدم تزاخم منافع بین بازیگران بخش است. می‌بینیم که رفت‌وآمد افراد بین نهاد تنظیم‌گر که وظیفه تنظیم‌گری دارد و بنگاه‌های ما - چه خصوص و چه دولتی - به سرعت اتفاق می‌افتد و این رفت‌وآمدها در مواردی باعث می‌شود مسئله تناقض و تقابل را جدی بگیریم. دستیابی به رشد اقتصادی بالا بدون توجه به توسعه فضای رقابت

ادامه وضع

موجود در

اقتصاد انرژی

باعث بحران

عدم تعادل

انرژی، تخریب

منابع و گسترش

تلفات انرژی،

افزایش یارانه

و هزینه انرژی،

تداوم سطح

پایین بهره‌وری

در اقتصاد و

افزایش هزینه‌های

دولت و افزایش

ناکارآمدی خواهد

شد؛ بنابراین

تحول ساختاری

در اقتصاد انرژی

و احیای منابع

در حال تخریب

دو مورد ضروری

در اقتصاد انرژی

می‌باشند.

مهم دیگر این است که پیش از انقلاب تصمیم‌گیری‌هایی در مورد متولی بخش انرژی در کشور صورت گرفت. در سال ۵۶ و در قانون تشکیل وزارت نیرو که در آن دوران تصویب شد، این موضوع دیده شد که سیاست‌های مربوط به انرژی اتمی و برق و گاز در وزارتخانه نیرو انجام شود، اما امروز شاهد هستیم که نبود متولی واحد در این حوزه چه زبان‌های باور نگرندنی و عجیبی را به کشور وارد کرده است. از مهم‌ترین اقداماتی که در کشور باید انجام شود این است که یک متولی واحد برای حوزه انرژی تعیین شود. ممکن است عنوان شود که شورای عالی انرژی داریم، اما تا جایی که اطلاع دارم در چهل سال گذشته تعداد جلسات تشکیل شده در شورای عالی انرژی در کشور از چهار یا پنج جلسه تجاوز نمی‌کند. این شورا به هیچ‌وجه ساختار و تشکیلات مناسبی را که منجر به اتخاذ تصمیمات ضروری در بخش انرژی شود نداشته است. در رابطه با فعالیت بخش خصوصی در حوزه انرژی، در بخش نفت به ظاهر ۸ پالایشگاه فعال در اختیار بخش خصوص است که از طریق سازمان خصوصی‌سازی واگذار شده است. در مجموع ده پالایشگاه فعال در کشور داریم که دو پالایشگاه به شکل دولتی اداره می‌شود و ۸ پالایشگاه خصوصی است؛ اما واقعیتی که وجود دارد این است که پالایشگاه‌های خصوصی اجازه اتخاذ هیچ تصمیم جدی را ندارند. تأمین خوراک آن‌ها و قیمت‌گذاری آن با دولت است. مقدار و قیمت ۵ محصول اصلی هم که عرضه می‌کنند را دولت تعیین می‌کند. درست است که مالکیت تأسیسات واگذار شده است، اما بخش خصوصی در این حوزه به شکل یک پیمانکار که خوراکی را دریافت می‌کند تا آن را تبدیل به یک محصول کند تعریف شده است. در واقع بخش خصوصی در حوزه نفت یک وظیفه خدماتی انجام می‌دهد. در حوزه گاز تقریباً هیچ فعالیتی در بخش خصوصی انجام نشده است. در بخش برق حضور بخش خصوصی منحصر به مالکیت نیروگاه‌ها است. در مجموع ۵۶ درصد از برق کشور توسط بخش خصوصی تولید می‌شود. مهم‌ترین مشکل بخش خصوصی در حوزه برق این است که یک قانون جامع و مانع برای موضوع خصوصی‌سازی وجود ندارد. آنجا هم که از قوانین استفاده می‌شود، استناد به تبصره قوانین موجود در وزارت نیرو است. از مهم‌ترین کمبودها و چالش‌های بخش خصوصی در حوزه برق، موضوع قانون است. قوانین موجود یا به صورت سلیقه‌ای اجرا می‌شود یا به‌طور کلی اجرا نمی‌شود. بایستی اقدامات جدی و فوری در چند محور اصلی از جمله اصلاح ساختار بخش برق وزارت نیرو، تشکیل نهاد تنظیم‌کننده بخش برق به‌صورت مستقل، جذب و تأمین منابع موردنیاز و بهینه کردن هزینه‌ها انجام شود. ♦♦

الکتروسوخت‌هاست. کاهش مصرف نفت در جهان و به صفر رسیدن آن در بازارهای مهم جهانی و در نتیجه محدود شدن سهم ایران از این بازار هم تهدید دیگری است که باید به آن توجه کنیم. این اتفاق در چند سال آینده خواهد افتاد، نه چند دهه آینده و ما به هیچ‌وجه به این موارد توجهی نداریم. در عین حال کشور ما فرصت‌هایی هم در حوزه انرژی در اختیار دارد که شامل افزایش سهم گاز طبیعی، ظرفیت بالا برای استفاده از انرژی خورشیدی و امکان تولید و صادرات هیدروژن است.

ادامه وضع موجود در اقتصاد انرژی باعث بحران عدم تعادل انرژی، تخریب منابع و گسترش تلفات انرژی، افزایش یارانه و هزینه انرژی، تداوم سطح پایین بهره‌وری در اقتصاد و افزایش هزینه‌های دولت و افزایش ناکارآمدی خواهد شد؛ بنابراین تحول ساختاری در اقتصاد انرژی و احیای منابع در حال تخریب دو مورد ضروری در اقتصاد انرژی می‌باشند.

مهندس محمد ملاکی

رییس هیئت‌مدیره گروه ماه‌تاب‌گستر

فقدان متولی، مهم‌ترین معضل بخش انرژی

بین ۶۵ تا ۸۰ درصد از اقتصاد ایران وابسته به مؤلفه‌ها و بخش‌های مختلف نفت و انرژی است. به عبارتی مزیت نسبی کشور ما نیروی انسانی و انرژی است، اما در عین حال مهم‌ترین معضلی که بخش انرژی کشور با آن روبه‌رو است فقدان متولی است. یکی از مصادیق این جمله شرایط سرمایه‌گذاری در بخش انرژی کشور است. مورد دیگری که نشان دهنده ناهماهنگی است این است که به قیمت سوخت صرفاً در حوزه مصارف برق توجه می‌شود؛ قیمت سوخت برای مصارف برق در ده سال پیش حدود ۲ سنت به ازای هر مترمکعب گاز بود و در دوره‌ای این قیمت به ۱۵ سنت به ازای هر مترمکعب گاز رسید، در حال حاضر قیمت گاز کمتر از یک و نیم در ده هزار سنت است. در هیچ نقطه‌ای در دنیا این حجم از نوسانات در قیمت یک کالای بسیار با ارزش مثل گاز وجود ندارد؛ و باید گفت این موضوع در تناقض با تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌هایی است که برای افزایش راندمان صورت گرفته است. این اعداد به ما می‌گوید که امروز اگر بخواهیم بهترین نیروگاه کشور را معرفی کنیم، نیروگاه طرشت است با واحدهایی که راندمان آن‌ها زیر ۲۰ درصد است. مشابه این بحث در حوزه صادرات هم وجود دارد. ما در حوزه صادرات در عوض اینکه هر حامل انرژی را به صورت جداگانه به کشورهای همسایه ارائه کنیم - با توجه به اینکه هاب انرژی در منطقه هستیم - می‌توانیم مجموع آن‌ها را به صورت سببی از محصولات مرتبط با انرژی ارائه کنیم. مسئله بسیار

در واقع بخش

خصوصی در

حوزه نفت یک

وظیفه خدماتی

انجام می‌دهد.

در حوزه گاز تقریباً

هیچ فعالیتی در

بخش خصوصی

انجام نشده

است. در بخش

برق حضور بخش

خصوصی منحصر

به مالکیت

نیروگاه‌ها است.

در مجموع ۵۶

درصد از برق

کشور توسط

بخش خصوصی

تولید می‌شود.

مهم‌ترین مشکل

بخش خصوصی

در حوزه برق این

است که یک

قانون جامع و

مانع برای موضوع

خصوصی‌سازی

وجود ندارد. آنجا

هم که از قوانین

استفاده می‌شود،

استناد به تبصره

قوانین موجود در

وزارت نیرو است.

دستاوردهای شورای گفت‌وگو در ۶ ماهه ابتدای سال ۱۴۰۰

♦ **فاطمه مهربانی***
دبیر اجرایی شورای گفت‌وگو



همچنین انجام تحقیق و مصاحبه و پژوهش‌های لازم، موانع، مشکلات و راهکارهای رفع آن‌ها را جمع‌آوری و در جلسات اصلی شورا مطرح نمایند. در همین راستا، شورای گفت‌وگوی استان به استناد ارزیابی‌های انجام شده نه تنها همواره جزء برترین شوراهای استانی بوده است، بلکه در طرح موضوعات و پیشنهادات در شورای گفت‌وگوی کشور نیز مؤثر بوده است.

شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی در سال ۱۳۸۹ بر اساس قانون برنامه پنجم توسعه شکل گرفت و در سال ۱۳۹۰ با تصویب قانون بهبود محیط کسب‌وکار، به یک نهاد دائمی تبدیل شد. این شورا برای اولین بار در تاریخ قوانین کسب‌وکار کشور، به عنوان یکی از مؤثرترین نهادهای قانونی در راستای مشارکت صاحبان کسب‌وکار در حوزه تصمیم‌گیری و وضع قوانین، مورد توجه و حمایت قانون‌گذار قرار گرفته است. از این رو دبیرخانه شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمان نیز همواره سعی بر آن داشته است که بر اساس وظایف قانونی که به شوراهای گفت‌وگوی استانی محول شده است، مسائل و مشکلات اولویت‌دار فعالان اقتصادی را با دقت بررسی و از طریق برگزاری جلسات کارشناسی متعدد و

جدول تشکیل جلسات شورا در نیمه اول سال ۱۴۰۰

ردیف	شماره جلسه	تاریخ جلسه	موضوع جلسه و مسائل مطرح شده
۱	۶۰	۱۴۰۰/۰۱/۲۶	ارائه گزارش عملکرد شورای گفت‌وگو در سال ۱۳۹۹ و تقدیر از اعضای محترم شورا و برنامه‌ریزی در راستای تحقق شعار سال
۲	۶۱	۱۴۰۰/۰۲/۰۶	بررسی راه‌های توسعه فعالیت‌های دانش‌بنیان استان کرمان؛ - بررسی راه‌های توسعه فعالیت‌های دانش‌بنیان استان کرمان به لحاظ زیرساخت، تأمین منابع و فرهنگ‌سازی، - پیشنهاد بررسی پیش‌نویس اصلاح قانون شرکت‌های دانش‌بنیان.
۳	۶۲	۱۴۰۰/۰۲/۲۰	بررسی مسائل و مشکلات مشاغل خانگی در استان کرمان؛ - ارائه گزارش تأثیر مشاغل خرد و خانگی بر دستیابی به اهداف توسعه پایدار، بررسی مسائل و مشکلات مشاغل خرد و خانگی در استان و ارائه راهکارهای پیشنهادی، - راه‌اندازی پیلگاه اطلاع‌رسانی ملی در حوزه مشاغل خرد و خانگی (موضوع ماده ۱۰ دستورالعمل اجرایی قانون ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی)، - تعیین تقویم تشکیل جلسات شورا در سال ۱۴۰۰.
۴	۶۳	۱۴۰۰/۰۴/۲۴	بررسی مصادیق پشتیبانی‌ها و مانع‌زدایی‌ها به همراه پیشنهادات و تصمیمات راهگشای احصاء شده از سازمان‌های متولی صدور مجوز در راستای تحقق شعار سال و حمایت از تولید؛ - ارائه گزارش کارگروه توسعه زیرساخت‌های استان، موضوع مصوبه پنجاه و پنجمین جلسه شورا مورخ ۱۳۹۹/۰۹/۰۶، - ارائه گزارش عملکرد کارگروه تحقق شعار سال ذیل شورا، موضوع مصوبه شصتمین جلسه شورا مورخ ۱۴۰۰/۰۱/۲۶، - رونمایی از سامانه هوشمند قوانین، - بررسی پیشنهادات اداره کل منابع طبیعی استان مبنی بر تفویض اختیارات به استان در حوزه‌های واگذاری امور اراضی در فریوند تأمین زمین مورد نیاز پروژه‌ها.
۵	۶۴	۱۴۰۰/۰۵/۲۱	ارائه گزارش بررسی واحدهای راکد، فعال زیر ظرفیت و پروژه‌های بالای ۸۰ درصد پیشرفت فیزیکی - بررسی موانع و راهکارهای پیشنهادی اداره کل راه و شهرسازی استان در راستای مانع‌زدایی و پشتیبانی جهت تسهیل در امر سرمایه‌گذاری - بررسی مشکلات برخی از قوانین نظام بانکی در راستای مانع‌زدایی و پشتیبانی از تولید؛ الف) دستورالعمل اجرایی نحوه امهال مطالبات مؤسسات اعتباری و عدم حذف سود مرکب، ب) حذف مقررات مربوط به اقله واحدهای تملک شده از سوی بانکها، ج) عدم اعمال مقررات حذف وجه التزام تأخیر تادیه پلکنی نسبت به تسهیلات قبل از تاریخ ۱۳۹۴/۰۷/۰۷.
۶	۶۵	۱۴۰۰/۰۶/۲۵	بررسی وضعیت صنایع کوچک و متوسط استان و راهکارهای بهبود و توسعه آن‌ها؛ - واکنوی عوامل فرهنگی اجتماعی مؤثر بر تحقق اهداف توسعه پایدار در استان کرمان، - ارائه گزارش پیلگاه صنایع کوچک و متوسط در کشورهای توسعه یافته، - ارائه گزارش پیلگاه صنایع کوچک استان کرمان در کشور، - بررسی راهکارهای بهبود و توسعه صنایع کوچک و متوسط استان، - تعیین جایگزین یکی از اعضای بخش خصوصی و تعاونی شورا به استناد تبصره ۱ ماده ۲ دستورالعمل تشکیل و نحوه اداره جلسات شوراهای استانی گفتگوی دولت و بخش خصوصی.



دپارتمان خودروهای برقی کرمان خودرو، گروه صنایع سیمان کرمان، شرکت مهندسی معیار صنعت خاورمیانه، شرکت احیای آب کویر رفسنجان، شرکت تعاونی خدمات بهداشتی، درمانی نیمه شعبان کرمان، اعضای هیئت رییس و هیئت نمایندگان اتاق، مرکز مطالعات و پژوهش‌های اقتصادی اتاق، کمیسیون امور زیربنایی و سرمایه‌گذاری اتاق، واحد توسعه بازار و بهبود کسب‌وکار اتاق، مدیریت کسب‌وکار اتاق و انجمن شرکت‌های دانش بنیان استان کرمان دعوت به عمل آمده که مدیران، معاونین و یا کارشناسانی به عنوان نماینده آن سازمان در جلسات حضور داشته و همکاری لازم را به عمل آورده‌اند.

شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوص استان در ۶ ماه ابتدای سال جاری ۶ جلسه برگزار نموده که حاصل آن ۱۶ پیشنهاد در سطح ملی و ۲۵ مصوبه استانی بوده است. پیشنهادات ملی تصویب شده در جلسات شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان بر اساس دستورالعمل ابلاغی شورای گفت‌وگوی ملی، به دبیرخانه شورای گفت‌وگوی ملی ارسال و پس از بررسی و پیگیری، نتایج نهایی به دبیرخانه شورای گفت‌وگوی استان اعلام می‌شود. مصوبات استانی نیز به سازمان‌های استانی و مراکز دانشگاهی ارسال و به تناسب زمان اجرای آن مورد پیگیری قرار می‌گیرد. از این رو میزان اجرایی شدن مصوبات شورای گفت‌وگو در گزارش عملکرد یکساله شورا ارائه می‌گردد.

به منظور تجزیه و تحلیل و بررسی دقیق مسائل و طرح موضوعات در جلسات اصلی شورا، تعداد ۱۲ جلسه کارشناسی متناسب با موضوع برگزار و بر اساس این جلسات، ۸ گزارش کارشناسی برای موضوعات مطرح شده در جلسات اصلی شورا تهیه شده است. برای هر جلسه کارشناسی به تناسب موضوع از امور اقتصادی استانداری، مجمع نمایندگان استان، کمیسیون هماهنگی بانک‌های استان، صندوق پژوهش و فناوری، شهرداری، مرکز خدمات سرمایه‌گذاری، شورای اسلامی شهر کرمان، کمیته امداد امام خمینی (ره)، بسیج سازندگی استان، اتاق تعاون، اتاق اصناف، صندوق کارآفرینی امید استان، صداوسیما مرکز استان، دادگستری، شرکت شهرک‌های صنعتی، دانشگاه شهیدبهنر کرمان، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، پارک علم و فناوری، جهاد دانشگاهی، سازمان‌های صنعت، معدن و تجارت و جهاد کشاورزی شمال استان کرمان، ادارات کل اطلاعات، بازرسی، امور اقتصادی و دارایی، میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، فرهنگ و ارشاد اسلامی، تعاون، کار و رفاه اجتماعی، آموزش فنی و حرفه‌ای، بنیاد شهید و امور ایثارگران، بهزیستی، تأمین اجتماعی، همیاری شهرداری‌های استان، شرکت‌های بخش خصوصی (فولاد بوتیای ایرانیان، شرکت مادر تخصصی توسعه معادن و صنایع معدنی خاورمیانه (میدکو)، شرکت مس سرچشمه، شرکت سنگ آهن گهر زمین، شرکت صنایع و تولید کاغذ و مقوای کرمان،

دستاورد های شورا در شش ماهه ابتدای سال ۱۴۰۰

* تشکیل کارگروه تحقق شعار سال

ابتدای امسال در جهت اثربخشی هرچه بیشتر و برای رسیدگی و کمک به حل مسائل فعالان اقتصادی، شورای گفت‌وگوی استان با عنایت به فرمایش مقام معظم رهبری اقدام به تشکیل کارگروه «تحقق شعار سال» ذیل شورای گفت‌وگو به ریاست استاندار و جانشینی رییس اتاق نمود و این یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین دستاوردهای شورای استان است؛ چرا که برای نخستین بار است که جانشینی ریاست یک کارگروه استانی به بخش خصوصی واگذار شده است و بر اساس ساختار تعریف شده، همه سازمان‌ها را موظف به پاسخگویی، تعامل و همکاری نموده است.

با عنایت به بررسی اثرات خاموشی برق بر صنایع استان و خسارات وارد شده به فعالین اقتصادی (موضوع ۲۵ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار و آیین‌نامه اجرایی آن) که در یکی از جلسات کارگروه مطرح شد، به منظور جلوگیری از خاموشی‌های اجتناب‌ناپذیر احتمالی به بخش صنعت و به حداقل رساندن میزان خسارت ناشی از آن جلسات هماهنگی با اعضای کارگروه، ادارات برق استان، شرکت شهرک‌های صنعتی استان و برخی از واحدهای صنعتی استان برگزار و طی تفاهم صورت گرفته، خاموشی صنایع با هماهنگی و بر اساس برنامه اعلامی واحدهای صنعتی به نحوی اعمال گردید که خسارت ناشی از آن به طور چشمگیری کاهش یافت.

* ساماندهی و توسعه مشاغل خانگی در استان؛ ارائه تسهیلات، بهبود فرهنگ کار و مهارت‌آموزی

ضعف فرهنگ کار و نبود مهارت‌های لازم همواره موجب کمبود نیروی کار ماهر در بخش‌های مختلف در سطح استان بوده است، لذا شورای گفت‌وگوی استان با همکاری اداره کل فنی و حرفه‌ای در راستای تقویت فرهنگ کار، ثروت آفرینی، ارتقای صلاحیت‌های فنی و حرفه‌ای، تقویت و توسعه فرهنگ مهارت‌آموزی، توانمندسازی بنگاه‌های اقتصادی، بهبود محیط کاری و افزایش بهره‌وری از طریق آموزش، برنامه‌ای تحت عنوان تقویت و توسعه مهارت‌آموزی در استان را تدوین نمود و با توجه به مطالعات نیازسنجی صورت گرفته در سطح استان بویژه منطقه جنوب کرمان، دوره‌های آموزشی مورد نیاز مناطق مختلف استان برگزار شد. همچنین بسیج سازندگی سپاه ثارالله استان کرمان

با توجه به شرایط مناطق محروم جنوب کرمان، نیازسنجی دوره‌های آموزشی مورد نیاز این مناطق را انجام و طی مکاتبه‌هایی با موضوع درخواست برگزاری این دوره‌ها به منظور ارتقای توانمندی گروه‌های جهادی و همچنین مردم منطقه، ارائه شد و پیرو آن دوره‌های تخصصی مهارت‌آموزی برق، تعمیر لوازم خانگی، تأسیسات، اسپلیت و یخچال، برق کار ساختمان، سیستم‌های گرمایشی و سرمایشی و لوله‌کشی گاز در شهرستان‌های جیرفت، کهنوج، ریگان و بم برگزار شد و بیش از ۹۰٪ افراد آموزش دیده به یاری فنی و حرفه‌ای مشغول به کار شده‌اند. همچنین علاوه بر برگزاری دوره‌های تخصصی فوق، با توجه به ظرفیت کشاورزی جنوب کرمان و اهمیت و ضرورت صنایع فرآوری و تبدیلی «دیپارتمان تخصصی کشاورزی و صنایع تبدیلی جنوب کرمان» با هدف آموزش و ترویج صنایع تبدیلی با اولویت محصولات گلخانه‌ای، سبزی و صیفی‌جات و با حضور رییس مرکز آموزش سازمان فنی و حرفه‌ای کشور در جیرفت افتتاح شد. این مرکز با مشارکت فنی و حرفه‌ای و شورای گفت‌وگو با دستگاه‌های آموزش مشاغل خانگی و کارگاه‌های کوچک از جمله دستگاه میوه خشک‌کن، اسلایس میوه، تولید دمنوش‌های گیاهی، عرقیجات و ... تجهیز شده و با ارائه آموزش‌های لازم به جامعه هدف اقشار کم درآمد جامعه به منظور راه‌اندازی مشاغل خرد و خانگی، با همکاری کمیته امداد امام خمینی (ره) و بهزیستی تسهیلات برای افراد اخذ شد که با خریداری دستگاه مورد نیاز این افراد، مشاغل خرد و خانگی بسیاری در این منطقه راه‌اندازی شده است.

رییس مجمع نمایندگان استان کرمان در مجلس شورای اسلامی در راستای ساماندهی و توسعه مشاغل خانگی در استان و استفاده از این ظرفیت در بهبود وضعیت اقتصادی موجود متعهد گردید تا بدون استفاده از منابع بانکی (تأمین منابع توسط معین‌های اقتصادی و موجودی قرض‌الحسنه در بانک رسالت) با نظارت اتاق بازرگانی و شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی قرارداد ایجاد ۱۲ هزار فقره مشاغل خانگی با بانک رسالت را منعقد نمایند. دبیرخانه شورا اقدام به برگزاری جلسات برنامه‌ریزی و هماهنگی اجرای این تعهد با حضور نمایندگان محترم استانداری، بانک رسالت، مجمع نمایندگان و هیئت مؤسس انجمن مشاغل خانگی استان و مدیریت کسب‌وکار اتاق نمود با محوریت مدیریت کسب‌وکار اتاق به نمایندگی از شورای گفت‌وگو شیوه‌نامه دریافت تسهیلات متقاضیان راه‌اندازی و توسعه مشاغل خانگی استان کرمان، فلوجارت پرداخت تسهیلات به ۱۲ هزار متقاضی شغل جدید از محل



با توجه به کمبود

نیروی انسانی

متخصص جهت

رشد و توسعه

شرکت‌های

دانش بنیان، مقرر

شد نیازسنجی

مهارت‌های مورد

نیاز نیروی انسانی

شرکت‌های دانش

بنیان و فنوار

توسط انجمن

شرکت‌های دانش

بنیان، طی مدت

سه ماه انجام و

دوره‌های آموزشی

کوتاه‌مدت

جهت افزایش

مهارت‌های

عمومی، حرفه‌ای

و تخصصی در

زمینه‌های مورد

نظر بر اساس

تفاهم‌نامه

سه جانبه

میان انجمن

شرکت‌های دانش

بنیان، دانشگاه

شهید باهنرو

سازمان فنی

و حرفه‌ای،

توسط دانشگاه

شهید باهنرو

سازمان فنی و

حرفه‌ای طی مدت

نه ماه برگزار شود.

گردش حساب شرکت‌های بزرگ استان در بانک رسالت و پلت فرم مدیریت اجرای طرح مشاغل خانگی در بستر پنجره واحد تدوین شد. فرم معرفی متقاضیان طراحی و طی مکاتباتی برای نمایندگان محترم مجلس ارسال شد و تاکنون حدود ۷۳۴۲ متقاضی دریافت تسهیلات از طریق دفاتر پیشخوان به بانک رسالت معرفی شده‌اند که از این تعداد به ۲۲۰۰ نفر تسهیلات پرداخت شده است.

* بررسی مسائل و مشکلات و راه‌های توسعه فعالیت‌های دانش بنیان به لحاظ زیرساخت، تأمین منابع و فرهنگ سازی

موتور محرک در اقتصاد دانش بنیان، شرکت‌های دانش بنیان هستند که به منظور هم‌افزایی علم و ثروت، توسعه اقتصاد دانش‌محور، تحقق اهداف علمی و اقتصادی و همچنین تجاری‌سازی نتایج تحقیق و توسعه در حوزه فناوری‌های برتر نقش دارند. با توجه به وجود حدود ۶۰۰۰ شرکت دانش بنیان در سطح کشور، استان کرمان با ۵۷ شرکت دانش بنیان رتبه ۱۷ را در بین استان‌های کشور داراست که علی‌رغم برخورداری استان کرمان از پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های منطقه‌ای، پتانسیل بالای صنعتی، معدنی و کشاورزی و برخورداری از منابع انسانی متخصص در سایه دانشگاه‌ها، مراکز آموزشی، پژوهشی و پارک علم و فناوری، جایگاه چندان مناسبی ندارد. بخشی از مشکلات پیش روی توسعه فعالیت‌های دانش بنیان از جمله کمبود نیروی انسانی متخصص جهت رشد و توسعه شرکت‌های دانش بنیان، عدم ارتباط مؤثر فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با کسب‌وکارهای مرتبط، عدم اطلاع از نیازمندی‌های شغلی صنایع و شرکت‌های فناور در حوزه‌های مختلف، عدم آشنایی جامعه و مدیران سازمان‌ها با مفاهیم و خدمات حوزه فناوری نظیر فرهنگ کسب‌وکار فناورانه، اقتصاد دانش بنیان، شرکت‌های دانش بنیان، پارک‌های علم و فناوری، مراکز رشد و ... در جلسه شورای گفت‌وگو مطرح و مقرر شد:

«با توجه به کمبود نیروی انسانی متخصص جهت رشد و توسعه شرکت‌های دانش بنیان، مقرر شد نیازسنجی مهارت‌های مورد نیاز نیروی انسانی شرکت‌های دانش بنیان و فناور توسط انجمن شرکت‌های دانش بنیان، طی مدت سه ماه انجام و دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت جهت افزایش مهارت‌های عمومی، حرفه‌ای و تخصصی در زمینه‌های مورد نظر بر اساس تفاهم‌نامه سه‌جانبه میان انجمن شرکت‌های دانش بنیان، دانشگاه شهیدباهنر و سازمان فنی و حرفه‌ای، توسط دانشگاه شهیدباهنر و سازمان

فنی و حرفه‌ای طی مدت نه ماه برگزار شود.»
مصوبه فوق طی مکاتبات صورت گرفته توسط دبیرخانه شورای گفت‌وگو به مراجع سه‌گانه مذکور ارسال و مورد پیگیری قرار گرفته است.

در نهایت با پیگیری‌های مکرر دبیرخانه شورا و همکاری انجمن شرکت‌های دانش بنیان استان، تفاهم‌نامه سه‌جانبه بین مراجع مذکور به نمایندگی از شورای گفت‌وگو و اتاق بازرگانی منعقد شد.

* برگشت تعدادی از واحدهای تملک شده در سیستم بانکی به صاحبان قبلی و جلوگیری از تملک برخی دیگر از واحدها

موضوع مشکلات برخی از قوانین بانکی از جمله دستورالعمل اجرایی نحوه امهال مطالبات مؤسسات اعتباری و عدم حذف سود مرکب، حذف مقررات مربوط به اقاله واحدهای تملک شده از سوی بانک‌ها، عدم اعمال مقررات حذف وجه التزام تأخیر تادیه پلکانی نسبت به تسهیلات قبل از تاریخ ۱۳۹۴/۰۷/۰۷ در جلسه شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان مورد بحث و بررسی قرار گرفت. بر اساس گزارش دو ماهه اول بودجه سال ۱۴۰۰ که از سوی آن دیوان محاسبات کشور به تقریر درآمده، اعلام شده، ۱۷۶۱ واحد صنعتی مستقر در شهرک‌های صنعتی سراسر کشور به تملک بانک‌ها درآمده است. از طرفی دیگر متأسفانه شورای پول و اعتبار در جلسه مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۲۸ ماده ۱۱ دستورالعمل نحوه‌ی واگذاری اموال مازاد مؤسسات اعتباری را لغو نمود؛ به عبارتی دیگر، مقررات اقاله املاک تملک شده توسط بانک لغو گردید. پیش از حذف مقررات اقاله اگر تسهیلات گیرنده اصل، سود، خسارت و هزینه‌های اجرا را به بانک پرداخت می‌کرد، بانک مکلف بود ملک تملک شده را به وی برگرداند یا به سخن دیگر، آن را اقاله کند، اما این مقررات حذف شده است و بانک‌ها فرصت را غنیمت شمرده و درصدد آن هستند که املاک تملک شده را با قیمت روز و با وام جدید به صاحبان قبلی بفروشند و سود هنگفتی را به دست بیاورند. اقاله و برگرداندن واحدهای تملک شده، یکی از مباحثی بوده که تیم کارشناسی مشاوران شورای گفت‌وگو و اتاق کرمان به صورت دقیق آن را بررسی نموده و در جهت تسریع در رفع نمودن مشکلات ناشی از حذف مقررات مربوط به اقاله واحدهای تملک شده از سوی بانک‌ها برای فعالان اقتصادی، این موضوع در جلسه شورای گفت‌وگو مطرح و پیشنهاد زیر برای طرح در شورای گفت‌وگوی ملی به تصویب رسید و مقرر گردید این موضوع از طریق شورای گفت‌وگوی ملی پیگیری تا در یکی از جلسات آن شورا در

پیشنهاد می‌شود موضوع اقاله

واحدهای

تولیدی در مقررات

جدید بانکی،

مجدداً احیا

شده و مصوب

گردد. «مؤسسه

اعتباری موظف

است نحوه و

زمان مزایده

وثائق تملیکی را

حداقل ۳۰ روز

قبل از مزایده،

به اطلاع مالک

قبلی آن برساند.

در صورتی که

مالک قبلی،

قبل از بازگشایی

پاکت‌های مزایده،

کتباً اعلام آمادگی

نماید، مؤسسه

اعتباری موظف

است، مال مذکور

را مطابق مقررات

ناظر بر قرارداد

فروش اقساطی

به مالک قبلی

واگذار نماید.

قیمت فروش

اقساطی این

اموال با توجه به

قیمت تمام شده

و سود دوران

اقساط تعیین

خواهد شد.



* راه‌اندازی سامانه هوشمند قوانین جهت دسترسی فعالان اقتصادی به قوانین و مقررات

دبیرخانه شورای گفت‌وگوی استان به منظور ارتقای دسترسی فعالان اقتصادی به قوانین مرتبط و کمک به بهبود فضای کسب‌وکار، اقدام به انعقاد تفاهم‌نامه گردآوری کلیه قوانین و مقررات مرتبط با فعالان اقتصادی و راه‌اندازی سامانه هوشمند قوانین نموده است.

یکی از بهترین شیوه‌های تفسیر، یافتن معانی درست قانون در سایر اعلام‌های قانونگذار و دانستن معنی هر حکم با توجه به موقعیت و وضع آن در میان سایر احکام همانند است. شناسایی و جمع‌آوری اندیشه‌های بزرگان جهت احاطه به یک موضوع بسیار با اهمیت بوده، لیکن در شیوه سنتی، زمان‌بر و دشوار است. طراحی این سامانه بر مبنای روش آقای دکتر ناصر کاتوزیان «کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی» بوده و به گونه‌ای می‌باشد که با افزودن کتاب جدید به کتابخانه، شبکه ارتباطی چند جانبه‌ای بین تک تک موضوعات کتاب با سایر موضوعات در کتب دیگر، به صورت خودکار و هوشمند ایجاد می‌شود و کاربر می‌تواند با یک اشاره، تمامی مطالب و احکام یک موضوع را بدون نیاز به جستجو، در یک صفحه مشاهده نماید. استادان، دانشوران، وکلا و دانشجویان می‌توانند با به بارگیری این سامانه به مجموعه‌ای با چندین هزار فرع و اصل مستند رجوع کرده و به حقوق زنده دست یابند.

سایر اقدامات انجام شده

- استقرار و به‌روزرسانی سامانه دریافت نظرات و پیشنهادات و درخواست فعالان اقتصادی از شورای گفت‌وگو
- فعالیت در شبکه‌های اجتماعی و انتشار اخبار جلسات،

سال جاری با همکاری شورای گفت‌وگوی استان مطرح گردد:

پیشنهاد می‌شود موضوع اقاله واحدهای تولیدی در مقررات جدید بانکی، مجدداً احیا شده و مصوب گردد. «مؤسسه اعتباری موظف است نحوه و زمان مزایده وثائق تملیکی را حداقل ۳۰ روز قبل از مزایده، به اطلاع مالک قبلی آن برساند. در صورتی که مالک قبلی، قبل از بازگشایی پاکت‌های مزایده، کتباً اعلام آمادگی نماید، مؤسسه اعتباری موظف است، مال مذکور را مطابق مقررات ناظر بر قرارداد فروش اقساطی به مالک قبلی واگذار نماید. قیمت فروش اقساطی این اموال با توجه به قیمت تمام شده و سود دوران اقساط تعیین خواهد شد.»

اقداماتی که در این خصوص انجام شد به قرار زیر می‌باشد:

* مکاتبه دبیرخانه شورای گفت‌وگوی استان با شورای گفت‌وگوی ۲۵ استان و اعلام آمادگی جهت برگزاری جلسات مشترک با موضوع احیای واحدهای تملک شده استان‌ها،

* مکاتبه دبیرخانه شورای گفت‌وگوی استان با دیوان محاسبات کشور و درخواست اطلاعات واحدهای تملک شده کشور و همچنین اعلام آمادگی جهت انجام پژوهش و شناسایی علل اصلی تملک واحدهای صنعتی، با پیگیری‌های دبیرخانه شورای گفت‌وگوی استان و بررسی پرونده‌های متعدد با ارائه مشاوره به فعالان اقتصادی، نهایتاً به موجب احکام متعدد از مراجع قضایی، تعدادی از واحدهای تملک شده به صاحبان قبلی برگشت داده شد و از تملک برخی دیگر از واحدها جلوگیری به عمل آمد.

و منتشر شود. (فصل اول و دوم کتاب تهیه شده و تدوین فصل پایانی در دست اقدام است).
- کتاب مسئولیت مدنی بانک در مقابل تسهیلات گیرندگان.

کلیپ:

- کارگروه تحقق شعار سال،
- عملکرد اتاق در زمینه انتشار کتب مرتبط با گرفتاران بانکی،

- معرفی سامانه هوشمند قوانین «داتا»،
- قسمت هفتم کلیپ «دور زدن قوانین بانکی ممنوع»،

- پیگیری مصوبات شورا و دستاوردها،

- جایگاه انرژی‌های تجدیدپذیر.

موشن گرافی:

- عملکرد شورای گفت‌وگو

تیزر:

- معرفی شورای گفت‌وگو

تهیه فیلم:

- فیلم مستند اثر اقدامات بانک در ورشکستگی مرغداری‌های شهر زابل،
- فیلم کوتاه در زمینه موانع تولید در حوزه پولی و بانکی.

پروژه‌ها:

- پروژه تحقیقاتی مشترک با سایر اتاق‌های بازرگانی پیرامون خسارت وارده به تسهیلات گیرندگان بانکی و نحوه خسارات مزبور.

موارد زیر در دست اقدام می‌باشد:

- شناسایی مجموعه موانع تولید از منظر تسهیلات گیرندگان،

- موضوعات بانکی مطرح شده در شورای گفت‌وگوی ملی و ستاد رفع موانع تولید،

- تولید مجموعه فیلم‌های کوتاه (یک دقیقه‌ای) راجع به نحوه تبدیل بنگاه اقتصادی فعال به بنگاه ورشکسته (گرفتار بانکی).

یادآور می‌شود کلیه موارد ذکر شده اعم از صورتجلسات نشست‌ها، شرح دستور، پیگیری‌های انجام شده جهت اجرایی شدن مصوبات از طریق تارنمای اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان (<http://www.otagh-bazargani.com>) و تارنمای شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمان (<http://goftego.kccim.ir>) در دسترس می‌باشد. همچنین فعالان اقتصادی می‌توانند مسائل و مشکلات خود را از طریق فرم نظرسنجی واقع در تارنمای اتاق و شورای گفت‌وگو و یا از طریق ایمیل (kccim.kppsd@gmail.com) به دبیرخانه شورا منعکس نمایند. ♦♦

اقدامات دبیرخانه و دستاوردهای شورا
- هماهنگی با سایر کارگروه‌های استانی مرتبط با بهبود محیط کسب‌وکار بویژه کارگروه اقتصادی، اشتغال و سرمایه‌گذاری استان

- تعامل و ارتباط مؤثر با شورای گفت‌وگوی ملی و شورای گفت‌وگوی استان‌های سراسر کشور از جمله:
* دعوت از روسای اتاق‌ها و دبیران شوراهای استانی برای جلسات شورا (به صورت مجازی) و حضور آن‌ها در جلسات شورا،

* شرکت در جلسات کارگروه‌های کارشناسی استان‌ها،

* حضور در جلسات کارگروه‌های کارشناسی شورای گفت‌وگوی ملی و ارائه محتوا،

* پاسخ به استعلامات دبیرخانه شورای گفت‌وگوی ملی و سایر شوراهای استانی،

* مکاتبه با شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی ۲۵ استان با موضوع اقاله واحدهای تملک شده توسط بانک، اعلام تعداد واحدهای تحت تملک بانک‌ها و اعلام آمادگی جهت برگزاری جلسات مشترک هم‌فکری و بازگرداندن واحدها و شرکت در جلسات مجازی شورای گفت‌وگوی سایر استان‌ها که به این منظور برگزار گردید،

* مکاتبه با دبیران شوراهای استانی گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی و درخواست اظهارنظر در خصوص موضوعات بانکی طرح شده در جلسه ۶۴ شورای گفت‌وگوی کرمان و ارسال پیشنهادات تکمیلی جهت جمع‌بندی و ارسال پیشنهادات به شورای گفت‌وگوی ملی جهت طرح در جلسه شورای گفت‌وگوی ملی،

* مکاتبه با دیوان محاسبات کشور و درخواست لیست اطلاعات واحدهای تحت تملک بانک‌های کشور و اعلام آمادگی جهت انجام پروژه تحقیقاتی شناسایی علل اصلی تملک واحدهای صنعتی مذکور و استخراج نقاط انحراف بانک‌ها از قوانین پولی و بانکی.

محتوای منتشر شده در شورای گفت‌وگو

کتابچه:

- عملکرد شورای گفت‌وگو در سال ۱۳۹۹ تحت عنوان «گزارش اقدامات و دستاوردهای شورای گفت‌وگوی استان کرمان در سال ۱۳۹۹»

- شرح دستور جلسات شورا در نیمه اول سال ۱۴۰۰

کتاب‌های در دست تدوین:

- تحقیق و پژوهش در زمینه قراردادهای تسهیلات بانکی انجام شده است و مقرر است این تحقیق تحت عنوان «کتاب حاکمیت حقوق عمومی بر قراردادهای بانکی» چاپ



اقتصاد مسئله فوری کشور است

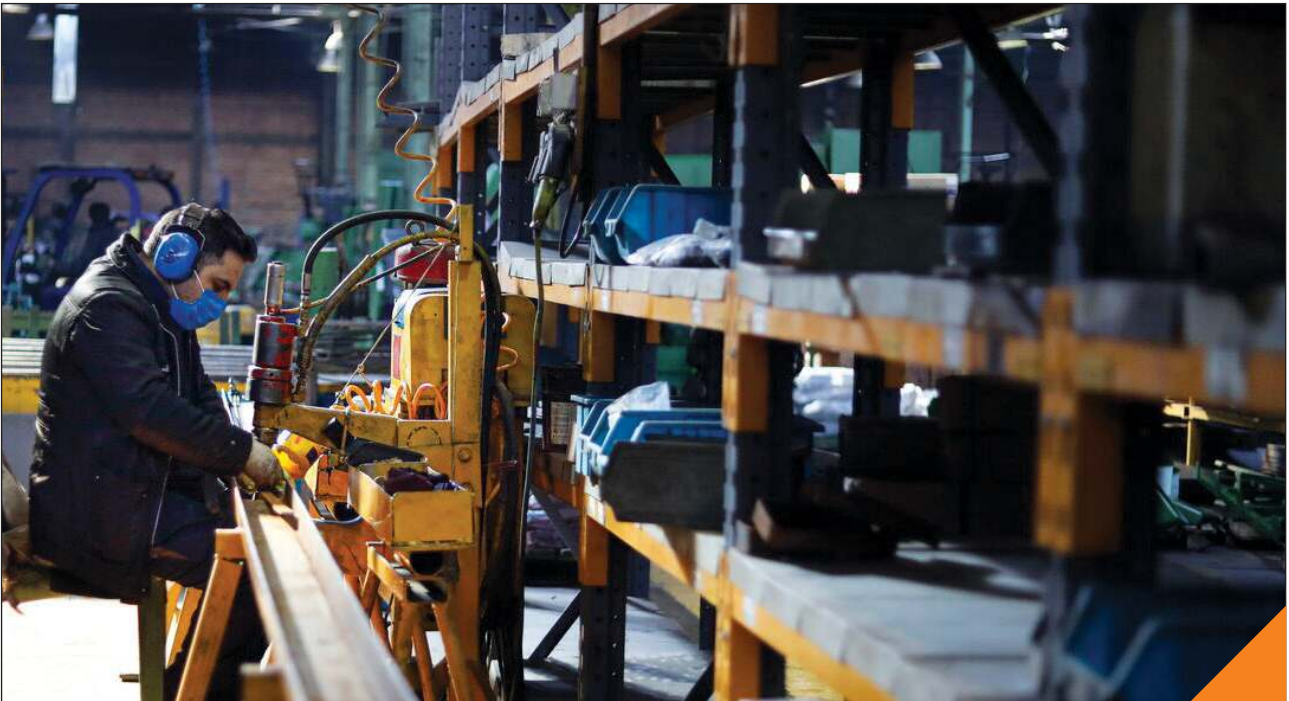
آنچه من عرض میکنم، این است که مسئله‌ی فوری کشور
و مسئله‌ی جدی کشور و اولویت کشور فعلاً
مسئله‌ی «اقتصاد» است.

عبدالله
پیام نوروزی ۹۸

تولید



- + صنایع کوچک، مشکل‌های بزرگ
- + خوشه‌های صنعتی در استان کرمان
- + افزایش بهره‌وری بر عهده بخش خصوصی و حمایت دولتی
- + چالش‌های زیست‌محیطی و تولید پسته
- + بررسی اقتصادی و تحلیل بهره‌وری استفاده از نهاده‌های کشاورزی در باغ‌های پسته
- + حلقه‌های ناموزون زنجیره تولید و عرضه
- + صنعت طیور در استان کرمان
- + گلخانه در جنوب استان کرمان، فرصت‌ها و چالش‌ها
- + ثبت برند در محصولات گلخانه‌ای جنوب استان کرمان



گفت‌وگو با «عباس جبالبارزی» عضو هیئت‌رئیس اتاق کرمان و نایب رئیس کمیسیون صنایع اتاق ایران

صنایع کوچک، مشکل‌های بزرگ

رها کنید، اعتماد کنید و قانون را اجرا کنید

بیش از ۹۰ درصد از کل واحدهای صنعتی کشور را صنایع کوچک و متوسط تشکیل داده که ۴۵ درصد از اشتغال بخش صنعت را پوشش می‌دهند، این خود حاکی از اهمیت و تأثیرات قابل‌توجه صنایع کوچک و متوسط در اقتصاد کشور است. البته این دسته از صنایع در کشورهای پیشرفته و درحال توسعه جهان، نقش بسزایی در اشتغال و رشد اقتصادی ایفا می‌کنند، اما صنایع کوچک و متوسط در ایران با موانع رشد و پویایی روبرو هستند. در مورد این موانع و چالش‌ها بسیار گفته و نوشته شده است، اما متأسفانه چاره‌ای چندان، حاصل نیامده است. مسئله‌ای که وجود دارد، عدم توجه درست و کارشناسانه به صنایع کوچک و متوسط است. صنایع کوچک و متوسط در تمام دنیا و نیز در کشور ما نقش مهمی در اقتصاد و اشتغال ایفا می‌کنند. در ایران اما به صنایع کوچک و متوسط، متناسب با نقش آن‌ها در اقتصاد و اشتغال که می‌تواند موتور محرکه‌ای باشد، توجه نشده است.

از معضله‌های تأمین مواد اولیه، تغییرات شدید قیمت و تأمین تجهیزات، نبود تأمین مالی به موقع و ارزان، نبود بازار صادراتی مناسب، عدم وجود آموزش‌های نیروی کار و دسترسی به خدمات نیروی کار ماهر و عدم ارائه خدمات مالی و حسابداری می‌توان به‌عنوان عمده مسائل اساسی این صنایع اشاره نمود. عباس جبالبارزی عضو هیئت‌رئیس اتاق کرمان و نایب‌رئیس کمیسیون صنایع اتاق ایران همچنین می‌گوید در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، صنایع بزرگ از بازار سرمایه تأمین مالی را انجام می‌دهند و تأمین مالی صنایع کوچک و متوسط از طریق بانک‌ها صورت می‌گیرد، اما در ایران بانک‌ها تمام نقدینگی را جذب می‌کنند و بازار سرمایه به معنای واقعی شکل نگرفته است. می‌توان گفت در مورد گشایش‌های مالی در کشور، هنوز اتفاقی نیفتاده است. باید رتبه کسب و کار اصلاح شود، رتبه کسب و کار ایران در دنیا عددی بین ۱۲۹ تا ۱۳۰ است و چندین سال است که این عدد سه واحد افزایش یا کاهش پیدا کرده است.

جبالبارزی یادآوری می‌کند در بسیاری از کشورهای دنیا، صنایع کوچک و متوسط ایفاگر نقش مهمی بوده و دو کار اساسی انجام می‌دهند؛ تأمین نیاز صنایع بزرگ و صادرات.

شرح کامل این گفت‌وگوی مفصل را در ادامه مطالعه نمایید.



یعنی ما سازمان صنایع کوچک و شرکت شهرک‌های صنعتی را داریم، اما این سازمان نتوانسته نقش خود را به معنا و مفهوم واقعی ایفا نماید. البته در مواردی از جمله واگذاری زمین اقداماتی انجام شده است. در مجموع علاوه بر موانع بازار تأمین مواد اولیه، تغییرات شدید قیمت و تأمین تجهیزات که همواره معضل صنایع کوچک و متوسط بوده، می‌توان به مواردی از جمله نبود تأمین مالی به‌موقع و ارزان، نبود بازار صادراتی مناسب عدم وجود آموزش‌های نیروی کار و دسترسی به خدمات نیروی کار ماهر و عدم ارائه خدمات مالی و حسابداری به صنایع کوچک و متوسط که به‌نوعی گرفتار مسائل مربوط به سازمان‌های مالیاتی و تأمین اجتماعی هستند، به‌عنوان عمده مسائل اساسی این صنایع اشاره نمود که در ادامه برخی از این موارد توضیح داده می‌شود.

بازار تأمین مواد اولیه

بخش عمده بازار تأمین مواد اولیه صنایع کوچک و متوسط در داخل، از طریق صنایع بزرگی مانند صنایع پتروشیمی، فولاد، مس در بازار بورس انجام می‌شود. تأمین مواد اولیه از خارج از کشور نیز به دلیل شرایط تحریم و به‌تبع آن شرایط سخت ورود مواد اولیه برای صنایع کوچک با مشکلاتی همراه است و این صنایع جبراً بخش زیادی از مواد اولیه را از داخل تأمین می‌کنند. عرضه مواد اولیه در بورس باید با هدف شفافیت، رقابت و تأمین نیاز مصرف‌کننده واقعی صورت گیرد، اما این ظاهر قضیه است، بنده اعتقادی به عرضه مواد اولیه در بازار بورس ندارم، نقش بازار بورس چیز دیگری است. نمی‌توان جای دیگری در دنیا پیدا کرد که مواد اولیه موردنیاز بنگاه‌های کوچک و متوسط خود را از طریق بورس عرضه کند. در ایران سازوکار عرضه مواد اولیه از

♦ در رفع موانع بازار تأمین مواد اولیه و تغییرات شدید قیمت این مواد که همواره از مشکلات حاد این دسته از صنایع است و نیز تأمین تجهیزات لازم در شرایط تورمی و تغییرات نرخ ارز چه اقداماتی انجام شده و این اقدامات چه سطحی از انتظارات فعالان این بخش را پاسخ داده است؟

صنایع کوچک و متوسط در تمام دنیا و همچنین در کشور ما نقش مهمی در اقتصاد و به‌تبع آن اشتغال ایفا می‌کنند. در کشوری مثل آلمان ۹۹ تا ۹۹٫۵ درصد صنایع را صنایع کوچک و متوسط تشکیل می‌دهد، البته تعریف صنایع کوچک و متوسط در اروپا با ایران کمی متفاوت است، در کشور ما بنگاه‌های زیر ۱۰۰ نفر شاغل را به ترتیب تا ۵۰ نفر صنایع کوچک و تا ۹۹ نفر صنایع متوسط می‌نامند؛ اما در اروپا و آمریکا بر اساس تعداد اشتغال و فروش، طبقه‌بندی انجام می‌شود که عمدتاً واحدهایی که بین ۵۰ تا ۱۰۰ نفر کارکن دارند در زمره صنایع کوچک و واحدهای بین ۱۰۱ تا ۵۰۰ نفر را جز صنایع متوسط محسوب می‌کنند. البته میزان فروش نیز متفاوت است. در کشور ما تقریباً ۴۰ درصد اشتغال بخش صنعت توسط این بنگاه‌ها ایجاد شده است. مسئله‌ای که در ایران وجود دارد، عدم توجه درست و کارشناسی به صنایع کوچک و متوسط است، هرچند که به لحاظ ساختاری در کنار وزارت صنعت و معدن، سازمان صنایع کوچک و شرکت شهرک‌های صنعتی ایجاد شده است، اما در زمان برخورد با مشکلات به این نتیجه می‌رسیم که به صنایع کوچک و متوسط، متناسب با نقش آن‌ها در اقتصاد و اشتغال که می‌تواند موتور محرکه‌ای باشند، توجه نشده است. عمدتاً صنایع بزرگ (منظور صنایع وابسته به دولت و صنایع بزرگ غیردولتی) به دلیل ساختار و یا ارتباطاتی که با وزارتخانه‌ها دارند و توان و پتانسیل مالی و قدرت چانه‌زنی بالا، می‌توانند مسائل‌شان را بهتر حل نمایند و در مقابل صنایع کوچک و متوسط به دلیل کوچک بودن و نداشتن متولی درست و واقعی به لحاظ کاری، نه به لحاظ اسمی با مشکلات زیادی روبرو هستند. در کشور برای هر موضوعی به لحاظ اسمی سازمان و سیستم داریم، اما به لحاظ پیشبرد کاری خیر؛ برای مثال شما وزارت ورزش و جوانان را در حد یک وزارتخانه دارید، اما بسیاری از رشته‌های ورزشی برای برگزاری یک اردوی ساده امکان تأمین مالی ندارند. صنایع کوچک و متوسط هم به لحاظ حمایت در مقایسه با رقبای خارجی ما، در کشور همین وضعیت را دارند. وضعیت بخش صنعت کشور نیز به همین ترتیب است؛

طریق بازار بورس به شکلی است که اگر یک بنگاه قصد تأمین مواد اولیه خود را از طریق این بازار که شعار شفافیت، سرعت و رقابت را دارد، داشته باشد با مشکلاتی از جمله موارد زیر روبه‌روست:

- هر کدام از مواد اولیه در بورس با یک حجم مشخص و اکثراً در حجم‌های بسیار بالا عرضه می‌شود، در نتیجه بنگاه‌های کوچک و متوسط ممکن است امکان مالی موردنیاز برای چنین سفرشی را نداشته باشند،

- با فرض داشتن توان مالی بنگاه، روند ثبت سفارش در این بازار این‌قدر سریع توسط دلالان و واسطه‌گران انجام می‌شود که اغلب، بنگاه امکان خرید مستقیم از این بازار را ندارد و مجبور است نیاز خود را از طریق واسطه با صرف درصد بیشتری هزینه تأمین نماید.

در خصوص موارد بالا به‌راحتی می‌توان صحت سنجی کرد، کافی است بررسی شود که از بنگاه‌های کوچک و متوسط (که حدود ۹۰ درصد صنایع را تشکیل می‌دهند و حدود ۳۰ هزار بنگاه هستند)، چه تعداد موفق می‌شوند از طریق بورس، مواد اولیه خود را تأمین نمایند؟! به عبارتی به‌طور طبیعی سیستم دلالی اجازه تأمین مواد اولیه از طریق بورس را به این بنگاه‌ها نمی‌دهد. در واقع یک گروه خاص با شرایط خاص که نسبت به زمان عرضه این مواد و راه‌های سریع تأمین مالی آن آگاهی دارند، مواد را خریداری کرده و به شکل دیگر و با قیمت‌های بسیار بالاتر گاهی تا دو برابر، در بازار به فروش می‌رسانند و بازارهای کاذب را شکل می‌دهند. در مورد تأمین مواد اولیه از طریق کارخانه‌های بزرگی که امکان فروش مستقیم مواد اولیه خود را دارند نیز ثبت سفارش در این کارخانه‌ها به‌گونه‌ای است که مثلاً یک بنگاه کوچک باید به اندازه ۴ سال نیاز خود از یک محصول خاص را سفارش دهد که در عمل اجرایی نیست. از طرفی دیگر چون واردات هم انجام نمی‌شود و صنایع کوچک و متوسط وابسته به بازار بورس می‌شوند، بنابراین مجبور به خرید به هر قیمتی هستند.

اما راهکار چیست؟

- ابتدا باید این موضوع روشن شود که اگر تأمین مواد اولیه از طریق بازار بورس بر اساس تقاضای صنایع کوچک و متوسط است، پس چه دلیلی برای شکل‌گیری بازار کاذب بورسی است؟!

- در ادامه باید مکانیزمی فراهم شود که به‌راحتی هر بنگاه کوچک و متوسط، مواد اولیه موردنیاز خود را با هر میزان تقاضا از کارخانه مادر خریداری کند.

- اگر عرضه کمتر از تقاضاست باید اجازه دهند تا با بهترین شرایط واردات انجام شود و نیاز داخل پوشش داده شود نه این‌که به بهانه حمایت از بازار داخل جلوی واردات گرفته شود و فضای کاذب به وجود آید. در حال حاضر بسیاری از صنایع بزرگ بخش زیادی از مواد تولیدی خود را صادر می‌کنند بهتر است قبل از این‌که اجازه صادرات به شرکت‌های بزرگ داده شود، ابتدا نیاز داخل تأمین شود و بعد صادرات انجام شود. قیمت‌ها چه برای استفاده داخلی و چه برای صادرات، جهانی هستند؛ برای مثال این‌طور نیست که یک محصول پتروشیمی که با قیمت کیلویی یک دلار صادر می‌شود در داخل ۸۰ سنت به فروش برسد، خیر. در داخل نیز قیمت فروش همان قیمت صادرات است بلکه در مواردی بیشتر هم می‌شود. به عبارتی اگر نرخ تبدیل ارز لحاظ می‌شد و کشور در بسیاری از بازارها تحریم نبود و امکان فعالیت در بازار آزاد فراهم می‌شد، قیمت بسیاری از محصولات وارداتی از بازار داخل ارزان‌تر بود و تولیدکنندگان بزرگ در داخل مجبور بودند خودشان را با شرایط تنظیم کنند.

در حال حاضر بسیاری از شرکت‌های خصوصی بزرگ بر روی مواد اولیه اصلی چنبره انداخته و تولید می‌کنند، اما به چه شکل؛ اول این‌که صادرات را ارزان‌تر از قیمت داخل انجام می‌دهند، دوم این‌که نیاز داخل را تأمین نمی‌کنند و سوم در بازار بورس از طریق سیستم‌های دلاری مواد اولیه خود را عرضه می‌کنند؛ همه این موارد باعث ایجاد وضعیت موجود تأمین مواد اولیه بنگاه‌های کوچک و متوسط شده است.

از طرفی با توجه به اینکه در حال حاضر بازار آزاد وجود ندارد تا صادرات و واردات در بستر آن شکل گیرد، راهکار پیشنهادی ایجاد یک شبکه توزیع واقعی است که در آن مصرف‌کننده و تولیدکننده واقعی، خرید و فروش را انجام دهند. در حال حاضر مصرف‌کننده، دست سوم یا چهارم است و زمانی که کالا به دست مصرف‌کننده می‌رسد قیمت آن به‌شدت بالا می‌رود، تولیدکننده نیز نمی‌تواند برنامه‌ریزی لازم برای خط تولید خود داشته باشد؛ بنابراین لازم است کارخانه‌هایی که نمی‌توانند با خریداران خود روبه‌رو شوند، نمایندگان فروشی را در هر استانی ایجاد کنند و آن نمایندگی با کارمزد خیلی کم، واسطه‌ای عمل کرده و توزیع را انجام دهد. در مورد بخشی از مواد اولیه که حتماً باید وارد شوند، مشابه همان افرادی که در شبکه توزیع بورس هستند، سیستم دلالی شکل گرفته و به اسم دور زدن تحریم‌ها با شرایط

در مجموع علاوه

برموانع بازار تأمین

مواد اولیه، تغییرات

شدید قیمت و

تأمین تجهیزات

که همواره معضل

صنایع کوچک

و متوسط بوده،

می‌توان به مواردی

از جمله نبود تأمین

مالی به موقع و

ارزان، نبود بازار

صادراتی مناسب

عدم وجود

آموزش‌های نیروی

کار و دسترسی به

خدمات نیروی کار

ماهر و عدم ارائه

خدمات مالی و

حسابداری به

صنایع کوچک

و متوسط که

به نوعی گرفتار

مسائل مربوط

به سازمان‌های

مالیاتی و تأمین

اجتماعی هستند،

به عنوان عمده

مسائل اساسی

این صنایع اشاره

نمود.

تأمین تجهیزات لازم

آماري که اخیراً در کشور منتشر شده نشان می‌دهد که نرخ تشکیل سرمایه‌گذاری (سرمایه ثابت) در کشور منفی است، قبل از آن همواره نرخ سرمایه‌گذاری مثبت بوده، اما در کشور ما این نرخ چند سالی است که منفی شده و سرمایه‌گذاری در بخش صنعت به شدت کاهش یافته است. عدم انجام سرمایه‌گذاری، به دلیل این که جمعیت بیکار نمی‌تواند شغل پیدا کند از مسائل بسیار خطرناک برای کشور ماست، کشور امکان توسعه نداشته و بنگاه‌ها هر چه به دست می‌آورند، صرف هزینه‌های جاری می‌کنند. دلیل عدم سرمایه‌گذاری در کشور نتیجه دو موضوع اصلی است، کسانی که در داخل پول دارند، سراغ فعالیت‌های می‌روند که پول آن‌ها سریع‌تر برگردد، افراد خیلی محتاط پول را در بانک سرمایه‌گذاری می‌کنند و گروهی دیگر به سمت بازار سکه، طلا، ارز، زمین و فعالیت‌های دیگر می‌روند و در نتیجه سراغ سرمایه‌گذاری در کارخانه‌ها که سوددهی بلندمدت دارد، نمی‌آیند. مسئله دوم به دلیل اینکه کشور تحریم است خیلی از تجهیزات را نمی‌توان وارد نمود و تغییرات نرخ ارز هم مزید بر علت شده است. اگر قبلاً امکان سرمایه‌گذاری در یک کارخانه با یک میلیارد تومان انجام می‌شد، امروز این عدد تبدیل به ۵ تا ۷ میلیارد تومان شده است. سرمایه‌گذار باید از چند دست تجهیزات لازم برای تولید خود را تأمین کند.

در مجموع به‌عنوان یک فعال صنعتی می‌گوییم که در خصوص رفع مشکل تأمین تجهیزات سازمان صمت اقدام عملی انجام نداده، قطعاً اقدامات عملی با حرف و شعار فرق می‌کنند؛ همان‌طور حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «میدان حرف میدانی بسیار وسیع و میدان عمل میدان کوچکی است».

اخیراً وزیر محترم صمت، موضوعی را در جلسه هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی ایران مطرح کرده و گفته‌اند: بهتر است صندوق توسعه ملی برای سرمایه‌گذاری در داخل کشور وام نهد و به کسانی که می‌خواهند در کشورهای خارجی سرمایه‌گذاری کنند وام دهد!

مفهوم این حرف این است که بیرون از کشور سرمایه‌گذاری انجام دهید!

در این رابطه به‌عنوان یک فعال صنعتی دو سؤال برای من مطرح شد: اول اینکه در دنیا شاخص این است که دولت‌ها جذب سرمایه می‌کنند و سرمایه‌گذار را به داخل کشور می‌آورند، اما در کشور ما علاوه بر اینکه سرمایه‌گذار نمی‌توانیم بیاوریم! با وجود این همه نیروی

مختلف قطعات و مواد اولیه را وارد کشور می‌نمایند و با دو تا سه برابر قیمت به فروش می‌رسانند و در نتیجه مصرف‌کننده مجبور است بهای بالایی را پرداخت نماید و این امر تا زمانی که مشکل تحریم برطرف نشود، به قوت خود باقی است.

تغییرات شدید قیمت متناسب با نوسانات شدید نرخ ارز

در کشور ما میزان قیمت محصولات را نرخ دلار و ارز تعیین می‌نماید. هر کدام از صنایع کوچک و متوسط اگر امروز قصد خرید مواد اولیه داشته باشند باید تا ساعت ۱۱ صبح صبر کنند تا نرخ طلا و ارز مشخص شود؛ به عبارتی تغییرات شدید قیمت متأثر از تغییرات نرخ ارز است. اگر نمودار نرخ ارز را در یک سال گذشته بررسی کنیم، این که این نمودار رشد صعودی داشته باشد، یک موضوع است و هیچ‌کس هم نمی‌گوید نرخ ارز را باید ثابت نگه داشت، نرخ ارز همواره باید متناسب با تورم داخلی منهای تورم خارجی تغییر کند. در دولت‌های قبلی در یک مقطعی نرخ ارز را با روش‌های مختلفی سرکوب می‌کردند که نتیجه آن جهش‌های وحشتناکی پیش می‌آورد، الان تغییر نرخ ارز به‌صورت روزانه و با نوسانات زیاد همراه می‌باشد.

موضوع دیگر این است که گروهی از فضای بی‌ثبات تغییرات نرخ ارز سوءاستفاده کرده و مثلاً با ۱۲ درصد افزایش نرخ ارز، بی‌دلیل قیمت‌ها را تا ۲۰ درصد افزایش می‌دهند یعنی تناسبی بین افزایش نرخ ارز و افزایش قیمت‌ها وجود ندارد و سلیقه‌ای عمل می‌شود. اخیراً یک کارخانه در ایران که یک ماده اولیه مهم به نام «استایرن مونومر (یکی از مشتقات بنزین)» را تولید می‌کند ظرف دو تا سه ماه قیمت این محصول را ۴۰ تا ۵۰ درصد افزایش داده است و چون تنها کارخانه تولیدکننده این ماده در ایران است بدون هیچ توجیهی قیمت خود را افزایش می‌دهد. اثرات ناشی از این تغییرات دو خروجی بیشتر ندارد، بنگاه‌هایی که بتوانند با وجود این تغییر قیمت‌ها سرپا بمانند، در پایان قیمت تمام شده محصولشان که به دست مردم می‌رسد، گران‌تر خواهد شد و از طرفی با وجود ثابت ماندن حقوق، قدرت خرید مردم پایین آمده و تقاضا برای محصول کم خواهد شد. بنگاه‌هایی هم که به‌واسطه قراردادهای مختلف به دولت تعهد دارند با این تغییرات نمی‌توانند مقابله کنند و ورشکست و منحل خواهند شد و مجدداً افراد بیکار جدید به جمع بیکاران قبلی در جامعه اضافه می‌گردد.

در حال حاضر

بسیاری از

شرکت‌های

خصوصی بزرگ

بر روی مواد اولیه

اصلی چنبره

انداخته و تولید

می‌کنند، اما به چه

شکل؛ اول این که

صادرات را ارزان تر

از قیمت داخل

انجام می‌دهند،

دوم این که نیاز

داخل را تأمین

نمی‌کنند و سوم

در بازار بورس از

طریق سیستم‌های

دلاری مواد اولیه

خود را عرضه

می‌کنند؛ همه این

موارد باعث ایجاد

وضعیت موجود

تأمین مواد اولیه

بنگاه‌های کوچک

و متوسط شده

است.

بیکار در کشور که نیازمند اشتغال‌زایی هستند، باید سرمایه کشور را هم در خارج سرمایه‌گذاری کنیم؟! بعد به فرض صنعتگران ما در خارج از کشور سرمایه‌گذاری کردند و درآمد هم کسب نمودند، حال، ارز حاصل را چگونه به کشور وارد کنند؟!

♦♦ کشور با وضعیت فزاینده نقدینگی دست به گریبان است، اما در حوزه صنایع کوچک، مشکلات تأمین سرمایه در گردش و فقدان وام‌ها و تسهیلات لازم خودنمایی می‌کند، راه‌حل تأمین منابع مالی لازم چیست؟ در این زمینه تاکنون چه گشایش‌هایی صورت گرفته است؟

با توجه به تجربه کاری که سال‌ها داشته‌ام، اگر نقدینگی در بخش سرمایه‌گذاری مولد، شکل بگیرد موجب خلق ارزش می‌شود، تولید ناخالص داخلی افزایش پیدا می‌کند و به مرور حجم نقدینگی از طریق چاپ پول کمتر می‌شود، اما چیزی که الان به‌عنوان رشد نقدینگی داریم با توجه به این‌که دولت کسری بودجه دارد جهت جبران این کسری، دو اقدام انجام می‌دهد؛ بودجه طرح‌های عمرانی را حذف می‌کند و از بانک مرکزی می‌خواهد، مرتب اسکناس چاپ کند! اخیراً آقای همتی گفته است که در دوره‌ای که ما اسکناس چاپ می‌کردیم به پشتیبانی ارزهای خارج از کشور بوده است! یعنی دلیل اصلی افزایش نقدینگی چاپ پول بدون پشتوانه برای گذران هزینه‌های جاری دولت است و در نتیجه درآمدی حاصل نمی‌شود.

در بحث تأمین سرمایه، مشکل، سود سپرده‌ای است که بنگاه باید به بانک‌ها پرداخت نماید. همان‌طور که می‌دانید اغلب بانک‌های ما ورشکسته هستند و صورت‌های مالی آن‌ها شدیداً زیان ده است، این در حالی است که اگر یک شرکت خصوصی ورشکست شود کاری نمی‌تواند انجام دهد و باید تعطیل شود، ولی بانک‌ها به دلیل این‌که در آن‌ها صحبت از هزار هزار میلیارد سود است به کار خود ادامه می‌دهند.

شما فکر می‌کنید چه حجمی از درآمد باید حاصل شود تا بنگاه بتواند سودهای بانکی را پس دهد؟! بنگاه‌ها با مسئله کمبود تأمین منابع مالی روبه‌رو هستند از طرفی بانک‌ها هم ترجیح می‌دهند به فعالیت‌هایی منابع مالی را پرداخت کنند که مطمئن هستند بازگشت سرمایه را خیلی زود انجام می‌دهند، مثل فعالیت‌های زودبازده و دلالی، بیشتر آماری که بانک‌ها مبنی بر دادن تسهیلات منتشر می‌کنند، تمديد وام‌های قبلی بنگاه‌ها است. در سه سال اخیر آقای جهانگیری نرخ ارز ۴۲۰۰ تومانی را

اعلام کرد که تا الان این نرخ حدود هفت برابر شده است! آیا هفت برابر به بنگاه‌ها سرمایه در گردش داده شده؟! در حقیقت قدرت تأمین مالی بانک‌ها بیشتر به دنبال تسهیلاتی است که در سرمایه‌گذاری‌های زودبازده و برای صنایع بزرگ و طرح‌های بزرگ انجام شود و خیلی از بانک‌ها اگر قصد تأمین منابع مالی داشته باشند ترجیح می‌دهند تأمین مالی یک کارخانه بزرگ را انجام دهند و به یک صنعت کوچک تسهیلاتی داده نمی‌شود. در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه صنایع بزرگ از بازار سرمایه تأمین مالی را انجام می‌دهند و تأمین مالی صنایع کوچک و متوسط از طریق بانک‌ها صورت می‌گیرد، اما در ایران بانک‌ها تمام نقدینگی را جذب می‌کنند و بازار سرمایه به معنا و مفهوم واقعی شکل نگرفته است؛ به‌طوری که اگر ۱۰۰ پروژه بزرگ را در کشور مورد بررسی قرار دهید متوجه خواهید شد که اولاً این پروژه‌ها در مالکیت چه کسانی هستند؟ و دوم این‌که تأمین مالی آن‌ها از کجا انجام شده است؟

بر اساس توضیحاتی که داده شد، راه‌حل تأمین مالی برای صنایع کوچک و متوسط؛ ایجاد بانک مختص صنایع کوچک و متوسط است، بانک دولتی صنعت و معدن که در حال حاضر وجود دارد باید به دو قسمت تقسیم شود و قسمتی از آن به‌عنوان بانک صنعت و معدن ویژه صنایع کوچک و متوسط در نظر گرفته شود و بخشی از سرمایه این بانک را دولت تقبل کند تا بنگاه‌های کوچک و متوسط با اشتغال زیر ۱۰۰ نفر در تمام استان‌های کشور خدمات را از شعب این بانک دریافت نمایند. ضروری است این بانک تأمین مالی را بر اساس نیاز بنگاه‌های کوچک و متوسط و بر اساس شرایط یونیدو یعنی شرایط سهل و آسان و به اهل آن اختصاص دهد. منظور از اهلیت این است که مدیر بنگاه چقدر اعتبار و ارزش دارد؟ (این شخص به عنوان کارآفرین چقدر می‌ارزد؟)، نه وثیقه آن مثل زمین، سرمایه و ... این مسئله‌ای است که در شاخص‌های یونیدو و در مورد صنایع کوچک و متوسط موردنظر است.

ما در کشور، صندوق حمایت از صنایع کوچک داریم، اما بسیاری از سازوکارهای این صندوق و عملکردی که این صندوق در حمایت از صنایع کوچک و متوسط در مقایسه با خارج از کشور دارد، ضعیف است. خیلی از ضمانت‌نامه‌های صندوق حمایت از صنایع کوچک را بانک‌های ما قبول ندارند یا خود صندوق شرایطی دارد که برای استفاده از صنایع کوچک و متوسط سخت است. در مورد گشایش‌های تأمین مالی، می‌توان گفت هنوز اتفاقی نیفتاده است و هر سال دولت یک بسته سیاست

کسب‌وکار ما به یک عدد دورقمی زیر ۵۰ برسد. اهمیت مساعد نمودن فضای کسب‌وکار به اندازه‌ای است که در فرمایش مقام معظم رهبری هم آمده: «فضای کسب‌وکار را مساعد کنید».

مجوزهای تولیدی و تجاری

مشکلات زیادی در مورد شاخص‌ها در کشور ما وجود دارد؛ برای مثال در مورد اخذ مجوز سازمان‌های منابع طبیعی و محیط‌زیست، چرا سازمان به این بزرگی با برنامه‌ریزی و انجام کار کارشناسی مناطق را بر اساس امکان سرمایه‌گذاری به چند بخش سبز، زرد، نارنجی و قرمز تقسیم نمی‌کند تا زمانی که سرمایه‌گذار به این سازمان مراجعه نمود و درخواست مجوز داشت، طبق همین تقسیم‌بندی مجوز فعالیت یا عدم فعالیت را سریعاً اخذ نماید و قرار نباشد زمان زیادی را معطل شود. در مورد تأمین برق سازمان متولی می‌گوید بررسی کنید که آیا امکان انتقال برق وجود دارد یا خیر؟! این کشور نیاز به برق دارد، علی‌رغم اینکه کشوری هستیم که انرژی‌های تجدیدپذیر به‌خصوص انرژی خورشیدی داریم و مرتب شعار انرژی پاک و تجدیدپذیر می‌دهیم، اما در دنیا در بحث انرژی‌های پاک جزو رتبه‌های آخر هستیم. چرا؟! چون برق را یک مونوپول یا انحصار دولتی کرده و وزارت نیرو آن را قیمت‌گذاری کرده و با نرخ ارزان از نیروگاه‌ها می‌خرد و با نرخ گران صادر می‌کند و عملاً سرمایه‌گذاری در تولید برق را از توجیه انداخته است، اما در کشورمان هر سال نیازمند انرژی بیشتری می‌شویم و سرمایه‌گذاری صورت نمی‌گیرد، همین تابستان گذشته را اگر به خاطر بیاوریم با اینکه برق خانگی کمتر قطع می‌شد، اما به صنایع تکلیف می‌شد تا ۱۰ درصد مصرف برق، کار کنند به عبارتی صنایع را تعطیل می‌کردند! یکی دو ماه دیگر که فصل سرما برسد، ما مجدد کمبود گاز داریم و دوباره همان قصه تابستان تکرار می‌شود! این مشکلی است که در دنیا در حال حاضر حل شده است. با ایجاد نیروگاه‌های خورشیدی در مقیاس کوچک و بزرگ و با سرمایه‌گذاری در انرژی خورشیدی خیلی از مشکلات حل شده و درعین حال آلودگی‌های محیط‌زیست و هزینه‌های دیگر نیز حذف می‌شوند؛ اما چرا این کار در کشور انجام نشده است؟ در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ (قبل از جهش ارزی)، سرمایه‌گذاری در تولید برق خورشیدی توجیه داشت، اما با تغییر نرخ ارز، بالا رفتن هزینه‌های سرمایه‌گذاری و از طرفی عدم افزایش منطقی قیمت خرید برق توسط دولت، سرمایه‌گذاری در تولید

اقتصادی پولی برای رونق تولید پیشنهاد می‌دهد که در اردیبهشت‌ماه یا خردادماه ابلاغ می‌شود و تا جلسات آن تشکیل می‌شود به مهرماه می‌رسد و از مهرماه می‌خواهند توزیع کنند و تأمین مالی صورت گیرد، ولی شش ماه از سال تمام شده است! و عمدتاً هم وام‌های قبلی، بویژه وام‌های سرمایه در گردش تمدید می‌شوند.

♦♦ در رفع موانع اداری و قوانین دست‌وپا گیر در راه‌اندازی، مجوزهای تولیدی و تجاری، عوارض مختلف و بازنگری در معافیت‌های مالیاتی و بازگانی چه اقداماتی انجام شده است؟ با توجه به تجربه‌های جهانی در این زمینه و با عنایت به شرایط کشور چه انتظارات و پیشنهادات عملی برای رفع این دسته از محدودیت‌های فراراه صنایع کوچک دارید؟

در مورد رفع موانع اداری و قوانین دست و پاگیر، بارها گفته‌ام و الان هم می‌گویم باید رتبه کسب‌وکار اصلاح شود، رتبه کسب‌وکار ایران در دنیا عددی بین ۱۲۹ تا ۱۳۰ است، چندین سال است که این عدد سه واحد افزایش یا کاهش پیدا کرده است. در استان کرمان نیز به همت مدیران و مسئولان محترم شرایطی بدتر از بقیه کشور وجود دارد، استانی با این همه قابلیت و پتانسیل‌های معدنی، کشاورزی، گردشگری و ... اصلاً توسعه پیدا نکرده و امروز شهر کرمان را به عنوان مرکز استان، نمی‌توان گفت یک شهر بزرگ با شاخص‌های یک مرکز استان است، واقعاً چه اتفاقی در اقتصاد استان رخ داده که با وجود این همه صنایع مس، آهن، فولاد و ... وضعیت مردم این چنین است و استان ما در واقع جزء استان‌های فقیر است؟ این نشان می‌دهد وجود یک سری مدیریت‌های غلط و سیاست‌گذاری ناصحیح، باعث شده به جای این‌که منابع استان در استان سرمایه‌گذاری شود (برای مثال زنجیره مس و فولاد در همین‌جا کامل شود)، شرکت‌های دانش‌بنیان تقویت شوند، نیروهای بومی تحصیل‌کرده مورد حمایت قرار گیرند و در کرمان بمانند، منابع زیرزمینی استان استخراج و حداکثر با دو تا سه فرآیند با ارزش افزوده پایین فروخته شوند.

اصلاح رتبه کسب‌وکار، به اصلاح ده شاخص سهولت انجام کسب‌وکار برمی‌گردد که در اختیار حاکمیت است، خیلی از این شاخص‌ها ارتباطی به تحریم ندارند، از جمله صدور مجوزها، تأمین انرژی پایدار و ... این‌ها شاخص‌هایی هستند که اگر همین امروز دولت محترم یا حاکمیت تصمیم واقعی بگیرد و اصلاح نماید، من به شما اطمینان می‌دهم ظرف مدت شش ماه، رتبه

بحث مالیات بر ارزش افزوده یک هشدار لازم است برای کل کشور داشته باشیم، بعد از انقلاب کار خیلی خوبی که در کشور انجام شد، ایجاد شهرک‌های صنعتی است که زیرساخت خیلی خوبی برای صنعت به حساب می‌آیند، این شهرک‌ها مانند یک مجموعه آپارتمانی باید اداره شود. البته تا یک زمانی دولت آن‌ها را اداره می‌کرد، اما از آن به بعد اداره آن‌ها به صاحبان صنایع واگذار شد، با این شرط که صاحبان صنایع با هزینه خود و حق شارژ، حق آب و موارد دیگر شهرک‌ها را اداره کنند که جوابگو نیست، صاحبان صنایع در شهرک‌های صنعتی ۳ درصد از فروش خود را تحت عنوان مالیات بر ارزش افزوده به شهرداری پرداخت می‌کنند. این عدد در کشور عدد بسیار بالایی است و شهرداری در مقابل، هیچ خدماتی به شهرک‌های صنعتی نمی‌دهد و نتیجه آن شده که زیرساخت‌های شهرک‌ها در حال از بین رفتن است. اتاق بازرگانی در روند اصلاح قانون مالیات بر ارزش افزوده پیشنهادی مبنی بر اینکه ۵۰ درصد از سهم ۳ درصدی در اختیار خود شهرک‌های صنعتی قرار گیرد که خرج نگهداری و توسعه شهرک‌ها شود را ارائه کرد ولی متأسفانه این موضوع علیرغم پیگیری‌های متعددی که از طریق نمایندگان مجلس از جمله نمایندگان محترم شهر کرمان انجام شد، مورد تصویب قرار نگرفت. سؤال اساسی من از آقایان نمایندگان محترم مجلس در کرمان این است که چرا این موضوع که حق شهرک‌های صنعتی است مورد توجه قرار نگرفت تا شهرک‌های صنعتی دچار مشکل نشوند؟! یا چرا حداقل شهرداری‌ها را ملزم به انجام خدمات به شهرک‌ها نمی‌نمایید؟! عدم اصلاح این قانون از جمله زیان‌هایی است که به کشور وارد می‌شود، به خصوص برای شهرک‌هایی که امکانات زیرساختی کمتری دارد.

معافیت‌های مالیاتی و بازرگانی

مفهوم معافیت مالیاتی را در قانون نداریم، بلکه مالیات به نرخ صفر وجود دارد، همان‌طور که مستحضرید قانون مالیات‌ها در سال ۹۵ اصلاح شد و نسبت به قانون قبلی بسیار مترقی‌تر و با شفافیت بیشتری است؛ برای مثال بر اساس ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم معافیت‌های مالیاتی ناشی از فعالیت‌های تولیدی و معدنی از تاریخ شروع فعالیت (با تسلیم اظهارنامه و موارد مورد نظر سازمان مالیاتی) برای مناطق توسعه‌یافته ۵ سال و برای مناطق کمتر توسعه ۱۰ سال با نرخ صفر لحاظ می‌شود، اما در سال ۹۵ که این قانون اصلاح شد،

برق بویژه انرژی پاک دیگر توجیه اقتصادی ندارد، قیمت برق را عرضه و تقاضا باید تعیین کند، نه دولت و وزارت نیرو.

در مجموع راهکار پیشنهادی بنده این است که شاخص بهبود محیط کسب‌وکار توسط یک گروه دلسوز که فقط کار کارشناسی انجام می‌دهند نه کار اجرایی، مورد بررسی قرار گرفته و نسخه‌ای برای هر کدام از ده شاخص تهیه شود و دولت تمامی وزارتخانه‌ها را بلا استثنا به اجرای آن‌ها تکلیف کند، اتاق بازرگانی به‌عنوان متولی بخش خصوصی در این زمینه آماده همکاری است.

راهکار دیگر تمرکززدایی است، هنوز که هنوز است تأیید و اجرای خیلی از کارها در استان‌ها به تهران مربوط می‌شود، رها کنید! و اختیار کامل را به استانداران به‌عنوان نماینده ارشد دولت در استان‌ها واگذار کنید تا در استان‌ها برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری انجام شود.

به‌طور مثال اگر در خصوص موضوعی استاندار کرمان به مدیرکل امور مالیاتی دسترسی دهد، وی به دلیل این‌که تابع وزارتخانه مربوطه در تهران هست و باید به آن پاسخگو باشد، در عمل تابع استاندار نیست. همچنین اگر مصوبات جلسات «رفع موانع تولید» را بررسی کنیم، به این تناقض‌ها زیاد خواهیم رسید؛ شاید بتوان گفت ۲۰ درصد این مصوبات اجرایی نشده است، چون خیلی از مصوبات جلسات استانی با بخشنامه‌های تهران همخوانی ندارد!

عوارض

در یک سری موارد، مورد عوارض تجمیع شد و در قالب مالیات بر ارزش افزوده با هزینه ۹ درصد قرار گرفت. در



تولیدکنندگان و صاحبان بنگاه‌هایی که اطلاعات می‌دهند خلاف واقع عمل می‌کنند و غیرشفاف هستند و باید با همه آن‌ها برخورد شود. هر سال مقام معظم رهبری شعاری را برای سال نام‌گذاری می‌کنند و در ورودی همه ادارات و سازمان‌ها این شعار نوشته می‌شود، اما فقط در حد شعار بر سر در سازمان‌ها باقی می‌ماند! در مجموع می‌خواهم بگویم رها کنید و اعتماد کنید و قانون را اجرا کنید!

یکی از سازمان‌های مشکل‌دار دیگر، سازمان تأمین اجتماعی است (که بنگاه‌ها مشکلات زیادی با آن دارند)؛ در تمام دنیا چنین سازمان‌های بیمه‌ای از قشر کارگر حمایت می‌نمایند تا بیمه و بازنشستگی داشته باشند.

هیچ کارفرمایی مخالف این نیست که کارگر بیمه شود، حق بیمه‌اش پرداخت شود و تمام سوابقش حفظ شود تا بتواند از خدمات بیمه‌ای از جمله درمان و دوران بازنشستگی استفاده کند، چون کارگران و به عبارتی پرسنل یک بنگاه جدای از موضوع انسانیت که همه به آن واقف هستیم، از اصلی‌ترین سرمایه‌های یک بنگاه هستند، اما سازمان تأمین اجتماعی با حسابرسی‌های غیرقانونی که دارد و در مواردی که خارج از آن بنگاه‌ها هزینه می‌گیرد، بنگاه‌های اقتصادی را به زمین می‌زند! طبق آمار در ۳۰ سال قبل، حدود ۱۳ نفر شاغل بودند و یک نفر بازنشستگی می‌گرفت، امروز این نسبت ۵ به یک است یعنی ۵ نفر حق بیمه می‌دهند و یک نفر حقوق بازنشستگی دریافت می‌کند، این یعنی فاجعه! به عبارتی این نسبت به یک‌سوم رسیده، مفهوم آن این است که سازمان تأمین اجتماعی در چند سال آینده نیز مانند سازمان‌های ورشکسته بازنشستگی می‌شود که هر

پیشنهاد داده شد تا اینکه سیستم جهت طرح جامع مالیاتی آماده و پیاده‌سازی شود، سازمان امور مالیاتی بعضی از مواد این قانون را طبق قانون قبلی مالیات‌های مستقیم اجرا کند، یکی از این موارد تبصره ۲ ماده ۹۷ است، بر اساس این تبصره؛ از ابتدای سال ۹۸، سازمان مالیاتی باید اظهارنامه‌های شرکت‌ها و اشخاص حقوقی را به صورت تصادفی رسیدگی نماید، چیزی که در دنیا از آن به مالیات بر مبنای ریسک نام برده می‌شود؛ به عبارتی مطابق این قانون باید به درصد کمی از اظهارنامه‌های مالیاتی، به صورت تصادفی رسیدگی شود و مابقی اظهارنامه‌ها مورد قبول واقع شود. اگر به هر دلیلی بعد از رسیدن مدارک، خلاف این اعتماد ثابت شود باید با شخص حقیقی و حقوقی برخورد شود. این قانون در واقع مترقی نوشته شده، اما در عمل در سال ۹۸ بالای ۸۰ درصد اظهارنامه‌های بنگاه‌های اقتصادی کشور، من جمله کرمان، در یک مدت‌زمان کوتاه مورد رسیدگی قرار گرفتند و این به معنی عدم اجرای قانون است! یعنی قانون اجرا نمی‌شود. هیچ بنگاهی از رسیدگی و اهمه‌ای ندارد، اما چطور امکان دارد بتوان در یک بازه زمانی به فرض یک‌ساعته، ۵۰ صفحه عدد و رقم را چک نمود؟ قطعاً امکان خطا وجود دارد و لاجرم باید آیتم‌های خاصی انتخاب و بررسی شود. کاری که سازمان مالیاتی انجام می‌دهد این است که در یک بازه زمانی کوتاه، ده‌ها هزار اظهارنامه مالیاتی را مورد رسیدگی قرار می‌دهد، مگر سازمان امور مالیاتی چه قدر نیرو دارد که بخواهد این کار را به روش درست و دقیق در این بازه زمانی کم انجام دهد؟

در مجموع سازمان امور مالیاتی با وجود یک قانون خوب می‌توانست به بنگاه‌ها اعتماد و اطمینان کند. نتیجه عدم اجرای این قانون در مرحله اول چیزی است که در راهروهای مراکز حل اختلاف می‌بینیم که افراد دنبال پرونده‌های مالیاتی خود هستند، فاصله زمانی که در خلال آن افراد به هیئت‌های اول و دوم جهت رسیدگی پرونده‌هایشان ارجاع داده می‌شوند که گاهی تا یک سال طول می‌کشد و بنگاه یک سال گرفتار می‌شود و ارزش پولی که دولت ظرف یک سال قصد گرفتن آن را داشته در سال بعد با وجود تورم ۵۰ درصد از بین می‌رود، در این بین هم دولت و هم بنگاه ضرر می‌کنند و بی‌اعتمادی بنگاه‌ها به قانون و تلف شدن زمان را هم در پی دارد.

تفکری که در کشور بخصوص در سازمان‌های تأمین اجتماعی و مالیاتی حاکم است، این است که همه



سال در بودجه باید مورد توجه دولت قرار گیرد.

سازمان بازنشستگی که در دوران خدمت افراد از آن‌ها پول دریافت کرده است، نباید از دولت بودجه بگیرد، اما این قدر سوء مدیریت داشته که به مرور منبع درآمدی اش آفت می‌کند. این شرایط برای کارفرما هم سخت است، لذا به جای ۲۰ نفر نیرو، ۱۰ نفر نیرو جذب می‌کند و توسعه بنگاه خود را از طریق جذب نیروهای بازنشسته و کمتر انجام می‌دهد.

قابل توجه این‌که سازمان تأمین اجتماعی چون سازمانی انحصاری است به این وضعیت دچار شده و ما فعالان اقتصادی از انحصاری بودن این سازمان شکایت داریم، باید مجلس شورای اسلامی پای کار بایستد و سازمان‌های مشابه تأمین اجتماعی ایجاد نماید تا کارفرمایان نسبت به سازمان‌های بیمه‌ای که خدمات بیمه از جمله درمان و بازنشستگی می‌دهند، حق انتخاب داشته باشند؛ به عبارتی سازمان‌های بیمه‌گر ایجاد کرده و این سازمان‌ها با هم رقابتی کار کنند. در حال حاضر این پتانسیل با وجود بیمه‌های تجاری وجود دارد فقط باید دولت و مجلس حمایت کرده و این امر را تصویب کنند. با انجام این کار مطمئن باشید این حجم از نارضایتی کارفرمایی از عملکرد این سازمان در راهروهای تأمین اجتماعی که می‌بینید کم شده و سازمان تأمین اجتماعی تبدیل به سازمانی می‌شود که جهت جذب مشتری، واحدهای سازمانی خود را کوچک و چابک خواهد کرد و در آینده نیز به بودجه دولت وصل نخواهد بود.

در همین رابطه این سازمان انحصاری، بیشترین آسیب را با ارائه کمترین خدمات به کشور می‌زند، کافی است فقط خدمات درمانی که این سازمان به کارگران می‌دهد را مورد بررسی قرار دهید، هم‌چنین سازمان تأمین اجتماعی بانک تجاری به نام بانک رفاه کارگران دارد که ۱۰۰ درصد سهام آن مربوط به این سازمان است، اما متأسفانه فقط نام رفاه کارگران را یدک می‌کشد، بررسی کنید که این بانک چند درصد از تسهیلاتش را به کارگران جهت خرید مسکن یا موارد مشابه وام داده است؟ حداقل نام رفاه کارگران را از روی این بانک بردارند یا به رسالت خود عمل نمایند!

به‌طور مثال سازمان تأمین اجتماعی می‌تواند با معرفی‌نامه کارفرما، کارگران را به بانک رفاه کارگران جهت دریافت وام برای خرید «مسکن اجاره به شرط تملیک» معرفی کند، قطعاً این امر در بهره‌وری نیروی انسانی بنگاه تأثیر بسزایی دارد، درحالی‌که خط فقر هشت میلیون تومان است، کارگر با حقوق چهار میلیون تومان، هر قدر

مورد توجه بنگاه باشد، باز هم زندگی اش نمی‌چرخد، در نتیجه با این دیدگاه که همه حق او را ضایع می‌کنند از کارفرما و اوضاع اقتصادی ناراضی است و متأسفانه کاری از دست کارفرما بر نمی‌آید، این در شرایطی است که سالانه با افزایش ۴۰ درصدی حقوق کارگر می‌خواهند به کارگر کمک کنند، درحالی‌که هزینه‌ها و وسایل مایحتاج ضروری زندگی اش حداقل ۵۰ درصد افزایش قیمت دارد و عملاً قدرت خرید کارگران کاهش پیدا می‌کند. باید تورم کنترل شود و با باز گذاشتن دست بنگاه‌ها و همچنین حمایت واقعی دولت، به وضعیت کارگران کمک کرد، که قطعاً آمادگی داریم که روش‌های مختلف را پیشنهاد دهیم. از سایر مشکلات تأمین اجتماعی می‌توان به مواردی اشاره کرد که حسابرسی آن‌ها قانونی نیستند، برای مثال اگر یک تولیدکننده یک سری ماشین‌آلات برای کارخانه اش خریداری نماید. سازمان تأمین اجتماعی برای نصب آن‌ها حق بیمه می‌خواهد. در حالی که ماشین‌آلاتی که خریداری می‌شود چه در داخل ساخته شده باشد و چه در خارج، شرکت تولیدکننده دستگاه حق بیمه کارگر را برای تولید و نصب پرداخت نموده است و این موضوع در قانون وجود ندارد و غیرقانونی است.

هم‌چنین اگر شرکتی تولیدات خود را بفروشد و در قرارداد با طرف مقابل حمل را از کالا جدا نکرده باشد، حمل هم شامل حق بیمه می‌شود و تأمین اجتماعی از قبل آن حق بیمه دریافت می‌کند، حتی برای تعمیرات هم حق بیمه دریافت می‌کند برای مثال اگر یک کامپیوتر خراب شود و تعمیر کنید باید حق بیمه پرداخت نمایید، این موارد همه غیرقانونی هستند. اگر هم کارفرما این موارد را پرداخت نکند، سازمان تأمین اجتماعی آن‌قدر اختیارات دارد که با جریمه، بستن حساب و ... به زور این پول را دریافت کند و در مقابل هیچ سابقه بیمه‌ای در قبال این پرداخت‌ها ایجاد نمی‌شود، در صورتی که سازمان تأمین اجتماعی در قبال هر پولی که دریافت می‌کند باید برای یک کارگر سابقه بیمه ایجاد کند. وقتی به خاطر دستگاه جدید، یک عملیات ساخت‌وساز، تعمیرات یا حتی حمل، از کارفرما حق بیمه دریافت می‌کند باید معادل آن سابقه بیمه ایجاد کند.

♦♦ شما، ارتقاء منابع انسانی بویژه پیاده‌سازی سیستم‌های به‌روز مدیریتی و صنعتی در بنگاه‌های صنعتی کوچک و متوسط را در گرو چه اقدامات و از سوی چه مراجعی (داخلی و خارجی بنگاه) می‌دانید تا مشکلات مدیریتی و کمبود نیروی انسانی متخصص در آن‌ها برطرف شود؟

- ▼
- [تفکری که در کشور بخصوص در سازمان‌های تأمین اجتماعی و مالیاتی حاکم است، این است که همه تولیدکنندگان و صاحبان بنگاه‌هایی که اطلاعات می‌دهند خلاف واقع عمل می‌کنند و غیر شفاف هستند و باید با همه آن‌ها برخورد شود. هر سال مقام معظم رهبری شعاری را برای سال نام‌گذاری می‌کنند و در ورودی همه ادارات و سازمان‌ها این شعار نوشته می‌شود، اما فقط در حد شعار بر سردر سازمان‌ها باقی می‌ماند! در مجموع می‌خواهم بگویم رها کنید و اعتماد کنید و قانون را اجرا کنید!](#)

در مورد عدم وجود نیروی انسانی متخصص مشکلی که در کشور ما وجود دارد این است که افراد به جای اینکه در یک موضوع متخصص باشند، در مورد همه چیز نظر و ادعای تخصص دارند؛ به عنوان مثال یک راننده تاکسی ممکن است در مورد سیاست، اقتصاد و غیره اظهار نظر کند، اما خدمات یک تاکسی را به مسافر ندهد! این نشان می‌دهد که ما در کشور راننده تاکسی هم به درستی آموزش ندادیم. اگر شما در همین بازار کرمان بررسی کنید آیا یک فروشگاه نمونه گردشگری می‌توانید پیدا کنید که در علاوه بر اینکه توانایی صحبت کردن به زبان بین‌المللی را داشته باشند، سایر خدمات توریستی را نیز ارائه دهند؟ آیا در کرمان تاکسی نمونه گردشگری وجود دارد؟! می‌خواهم بگویم ما در هر کاری افراد ماهر و متخصص پرورش ندادیم.

اخیراً اتاق بازرگانی کرمان با همکاری آموزش و پرورش ساخت یک مدرسه فنی حرفه‌ای را شروع کرده و بخشی از منابع آن را تأمین نموده، با این هدف که به عنوان پایلوت در استان کرمان، دانش آموزان توانمند بعد از دوره راهنمایی با ورود به این مدرسه به نیروی تکنسین تبدیل شوند و امیدواریم در ادامه با تأسیس یک دانشگاه کارآفرینی از بین همین دانش آموزان مدیر پرورش دهیم، چون ما در ایران به شدت فقدان مدیر داریم. در حال حاضر مدیر بازرگانی و مدیر میانی که به اقتصاد بین‌الملل آشنایی کامل داشته باشد به اندازه کافی نداریم، حتی مدیری که بتواند خوب بازاریابی انجام دهد. در عوض در اکثر سازمان‌های دولتی و خصوصی ما فقط اسم مدیر را داریم!

جالب است که مثلاً در کشور آمریکا صنایع کوچک بزرگ‌ترین گروه از صادرکنندگان را تشکیل می‌دهند. به نظر شما برای این که در بنگاه‌های کوچک و متوسط تولیداتمان را برند کنیم و به سوی جهانی شدن پیش ببریم، گشایش‌هایی که ذکر شد چقدر مؤثر است و چه تدابیر دیگری در این راستا باید اندیشید و به کار گرفت؟ نه تنها در آمریکا بلکه در بسیاری از کشورهای دنیا، صنایع کوچک و متوسط نقش مهمی دارند و دو کار اساسی انجام می‌دهند:

- این صنایع، تأمین‌کننده قطعات صنایع بزرگ هستند؛ برای نمونه شرکت هواپیمایی ایرباس شاید کمتر از ۱۰ درصد از قطعات خود را تولید می‌کند و بیش از ۹۰ درصد قطعات این شرکت از طریق صنایع کوچک و متوسط تأمین می‌شود.

- کار دیگری که صنایع کوچک و متوسط انجام می‌دهند

در حال حاضر ثابت شده که منابع انسانی نقش بزرگی در فعالیت یک بنگاه دارد و بخش عمده‌ای از سوددهی بنگاه به بهره‌وری نیروی انسانی و بهره‌وری عوامل تولید برمی‌گردد. بهره‌وری عوامل مختلفی دارد، نیروی انسانی که در یک بنگاه کار می‌کند باید از کار خود به نسبت راضی باشد و زندگی خود را از طریق آن به صورت شرافتمندانه اداره کند.

بخش دیگری از بهره‌وری نیروی انسانی به مهارت‌ها و آموزش‌هایی که نیاز دارد، برمی‌گردد. در حال حاضر به شدت فقدان نیروی کار ماهر داریم و این بویژه در استان‌های کمتر توسعه‌یافته‌ای مثل کرمان بیشتر نمود دارد، بنگاه‌های بزرگ در صورت نیاز با صرف هزینه‌های بالا نیروی انسانی خود را آموزش می‌دهد، اما این مسئله برای بنگاه‌های کوچک و متوسط حادث است. همه می‌توانند با مدرک دانشگاهی فارغ‌التحصیل شوند، اما هیچ مهارتی ندارند و عدم وجود مهارت در فارغ‌التحصیلان باعث شده تا آن‌ها نتوانند شغل مناسب پیدا کنند. آمار نشان می‌دهد که کسانی که مهارت خاصی دارند، ۳۰ تا ۴۰ درصد امکان پیدا کردن شغل برای آن‌ها بیشتر است. از طرفی در بنگاه‌های کوچک و متوسط این امکان وجود ندارد که تک‌تک افراد فارغ‌التحصیل را آموزش تخصصی دهند.

لذا سیستم آموزش و پرورش و دانشگاهی ما باید تغییر کند. یکی از ظلم‌هایی که در مورد پرورش نیروی ماهر در آموزش و پرورش شده، این است که اکثر هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای تعطیل شدند که اخیراً بحث احیای این هنرستان‌ها مطرح شده است.

در این زمینه می‌توان با همکاری فنی و حرفه‌ای دانش آموزان را در هنرستان‌های آموزش و پرورش، آموزش داد و تبدیل به نیروی تکنسین نمود. در خیلی از شرکت‌های بزرگ مانند شرکت «جنرال موتور»، «زیمنس»، بخش عمده منابع انسانی، نیروهای تکنسین هستند و این شرکت‌ها در حال پرورش و جذب این نیروها از سراسر دنیا هستند و صرفاً دنبال جذب مهندس نیستند.

از طرفی دیگر سیستم نظام آموزش عالی باید اصلاح شود، در سیستم آموزش عالی اگر یک دانشجو ۱۴۰ واحد درس را برای اخذ لیسانس می‌گذراند از این تعداد واحد باید حتماً تعدادی به صورت کار عملی و در کارگاه‌های صنعتی انجام شود. در حال حاضر بخش عملی دانشگاه‌های ما محدود به یک دوره کارآموزی صوری شده است، دانشجو بدون کسب هیچ مهارتی، صرفاً این دوره را می‌گذراند.

طبق آمار در ۳۰

سال قبل، حدود

۱۳ نفر شاغل

بودند و یک نفر

بازنشستگی

می‌گرفت، امروز

این نسبت ۵ به

یک است یعنی

۵ نفر حق بیمه

می‌دهند و یک نفر

حقوق بازنشستگی

دریافت می‌کند،

این یعنی فاجعه؟

به عبارتی این

نسبت به یک سوم

رسیده، مفهوم

آن این است که

سازمان تأمین

اجتماعی در چند

سال آینده نیز

مانند سازمان‌های

ورشکسته

بازنشستگی

می‌شود که هر

سال در بودجه

باید مورد توجه

دولت قرار گیرد.

صادرات است.

اما راهکار تسهیل صادرات بنگاه‌های کوچک و متوسط بخصوص در کشورهای در حال توسعه (با توجه به تجربه مالزی و هندوستان)، ایجاد شرکت‌های مدیریت صادرات است. چون انجام صادرات در توان بنگاه‌های کوچک و متوسط نیست و باید شرکت‌های واسطه‌ای به نام شرکت‌های مدیریت صادرات وجود داشته باشد تا فرآیند صادرات را برای آن‌ها انجام دهند؛ شرکت‌های مدیریت صادرات اصطلاحاً حلقه واسطه بین بنگاه‌های کوچک و متوسط تولیدکننده و مشتری هستند که زبان اقتصاد و بین‌الملل را می‌دانند.

در اکثر کشورها در دنیا، تولیدکننده کوچکی که ساختار صادراتی داشته باشد، وجود ندارد. در این زمینه در کشور ما هم اتاق بازرگانی کوتاهی کرده، چرا که اولین وظیفه اتاق کمک به توسعه و گسترش بازار بنگاه‌هاست. از

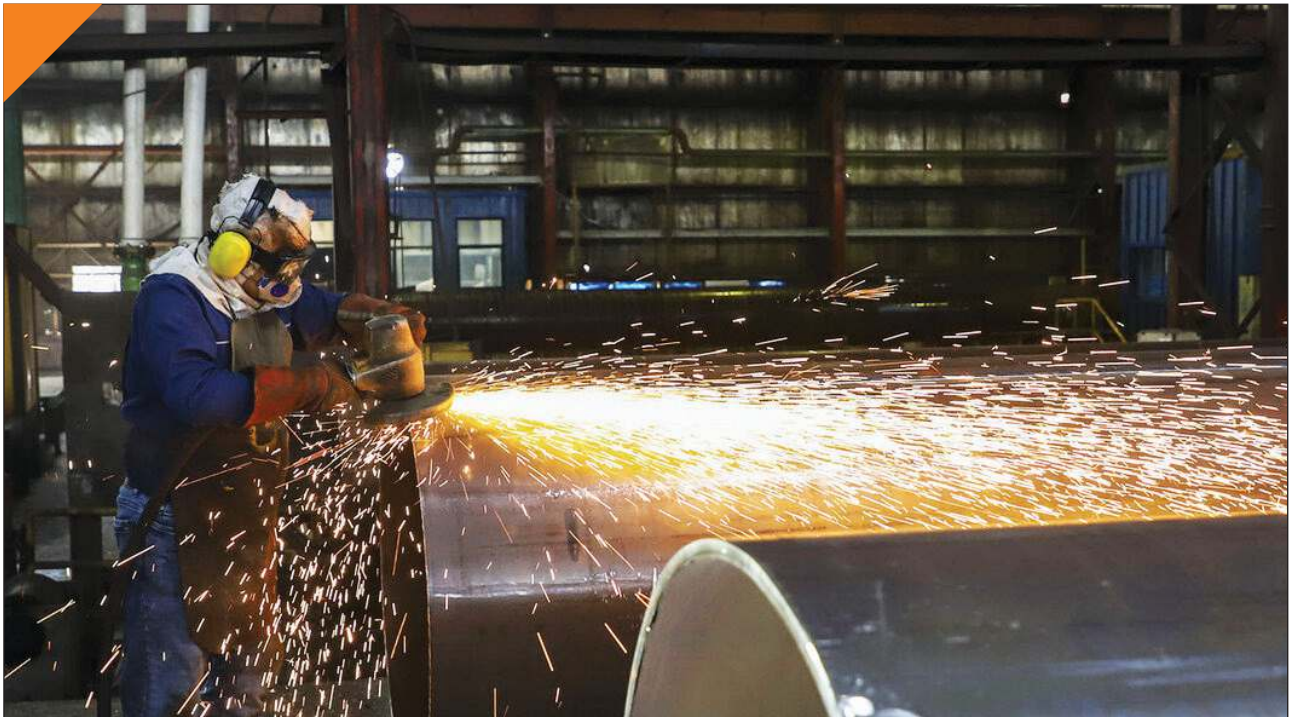
طرفی سازمان توسعه تجارت به‌عنوان متولی اصلی و سازمان صنایع کوچک نیز کاری انجام نداده‌اند. اگر بخواهیم مسئله صادرات بنگاه‌های کوچک و متوسط حل شود، باید این سه دستگاه با محوریت سازمان توسعه تجارت یک برنامه اجرایی تدوین کنند تا بنگاه‌های کوچک و متوسطی که پتانسیل صادرات دارند، شناسایی و شرکت‌های مدیریت صادرات قوی ایجاد شود و در خارج از کشور به مطالعه و بررسی بازارهای مختلف بپردازند. در حال حاضر بررسی کنید که سازمان توسعه تجارت چند دفتر منطقه‌ای در دنیا دارد که خدمات بازرگانی و تجارت ارائه می‌دهند؟

در کشورهای در حال توسعه در دنیا یکی از وظایف اصلی سازمان توسعه تجارت گرفتن بازار کشورهای دیگر است که در نتیجه این همکاری نفوذ سیاسی کشورها افزایش می‌یابد؛ اما برای مثال در کشور ما سازمان توسعه تجارت در سال ۹۷ کارت‌های بازرگانی صادرکنندگانی که طبق قانون، بخصوص به کشورهای عراق و افغانستان کالاهای خود را به صورت ریالی صادر کردند را تعلیق کرد و جلوی صادرات آن‌ها را گرفت، من نوعی به‌عنوان یک صادرکننده، آخرین بار در سال ۹۷ صادرات انجام دادم!

♦♦ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، عنوان فرمایید.

در پایان با توجه به اینکه اقلیم کشور ما خشک و نیمه‌خشک است، لاجرم کشاورزی ما باید به سمت کشاورزی مکانیزه حرکت نماید تا سهم مصرف آب کم و بهره‌وری بالا رود. کشوری که به لحاظ پتانسیل‌های صنعتی، منابع زیرزمینی و به لحاظ نیروی انسانی تحصیل کرده در جایگاه خوبی است، می‌تواند با بزرگ کردن بخش صنعت و خدمات فنی و مهندسی سهم خود را از اقتصاد جهانی بگیرد و تنها راه‌حل این است که با برنامه‌ریزی دقیق، زنجیره ارزش صنایع بزرگی چون فولاد، مس و پتروشیمی را کامل کنیم. امروزه مس را با کیلویی حدود ۲۰۰ هزار تومان صادر می‌کنیم، یعنی عددی زیر ۱۰ دلار! این محصول در خارج از کشور با قرار گرفتن در زنجیره تولید تکمیل می‌شود و دوباره با کیلویی ۲۰۰ تا ۳۰۰ دلار به کشور ما برمی‌گردد! در بخش گردشگری هم می‌توان با ارائه خدمات عالی، جذب توریست کرد چون تحریم روی این بخش از اقتصاد تأثیر کمتری داشته. نکته آخر اینکه کشور باید در زمینه رفع تحریم‌ها و وصل نمودن اقتصاد کشور به اقتصاد جهانی چاره‌اندیشی نماید. ♦♦





خوشه‌های صنعتی در استان کرمان



کشورهای در حال توسعه، صنایع کوچک و متوسط عامل راهبردی برای توسعه اقتصادی، اشتغال‌زایی و رقابت‌پذیری صنایع می‌باشند. این در حالی است که در کشور ما با وجودی که بیش از ۹۰ درصد واحدهای تولیدی در گروه صنایع کوچک و متوسط قرار می‌گیرند، به دلیل نداشتن استراتژی توسعه مبتنی بر ساختارهای موجود صنعتی و رها کردن واحدهای کوچک تولیدی به حال خود، این

♦ دکتر ارسلان شجاعی

مشاور وزارت صنعت، معدن و تجارت و عامل توسعه خوشه ماشین‌آلات و قطعات صنعتی کرمان

در دهه‌های اخیر تغییرات محتوایی و کیفی زیادی در بازارهای جهانی رخ داده است. منطقه‌ای شدن و جهانی شدن بازارها سرعت گرفته است. کسب‌وکارها با هدف استفاده بهینه از امکانات و جلوگیری از هدر رفتن منابع با ارزش، تمهیداتی متفاوت اندیشیده‌اند. این تمهیدات عموماً مبتنی بر ارتقاء رقابت‌پذیری است. رقابت‌پذیری، قابلیت‌ها و توانمندی‌هایی است که یک بنگاه، صنعت، منطقه و کشور برخوردارند و می‌توانند آن‌ها را حفظ کنند تا در صحنه ملی و بین‌المللی توانایی افزایش سهم بازار، سوددهی بالا برای یک دوره طولانی را داشته باشند.

امروزه در اکثر کشورهای جهان، صنایع کوچک و متوسط از جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، تولید صنعتی و ارائه خدمات در حال نقش‌آفرینی هستند. همچنین در

به منظور توسعه مناطق محروم نیز دارای ارتباط تنگاتنگی با سیاست توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط است. خوشه‌های کسب‌وکار یکی از الگوهای موفق سازماندهی صنایع کوچک و متوسط هستند که کاستی‌های صنایع کوچک و متوسط را مرتفع و مزیت‌های مختلف صنایع کوچک، چون انعطاف‌پذیری و تنوع را تقویت می‌بخشند. خوشه صنعتی به واحدهای کسب‌وکار متمرکز در یک منطقه جغرافیایی که با همکاری و تکمیل فعالیت‌های یکدیگر خدمات و یا محصولات مشترکی را تولید کرده و از فرصت‌ها و چالش‌های مشترکی برخوردار هستند، اطلاق می‌گردد.

همکاری مجموعه‌های فعال در یک گرایش از کسب‌وکار و تکمیل فعالیت‌های یکدیگر در قالب مدل توسعه خوشه می‌تواند امکان توسعه‌یافتگی را به شدت افزایش دهد. این اتصال فعال و پویا باعث می‌شود واحدها از امکانات وسیع‌تری برای شناسایی بازار مصرف، دسترسی ساده‌تر به مواد اولیه، انتقال مداوم تجربه و دانش برخوردار گردند. دستگاه مجری جهت توسعه خوشه‌های صنعتی در استان‌ها شرکت شهرک‌های صنعتی هر استان می‌باشد. تاکنون تعداد ۱۶ خوشه در استان کرمان شناسایی شده است که از مجموع آن‌ها پروژه امکان‌سنجی ۶ خوشه انجام پذیرفته و پروژه توسعه ۴ خوشه نیز پایان یافته است.

خوشه‌های خاتمه یافته در استان کرمان عبارتند از: خرمای بم، پسته رفسنجان، فرش دستباف کرمان و راور و محصولات گلخانه‌ای جنوب کرمان.

این خوشه‌ها که هر کدام با حمایت تمام جانبه شرکت شهرک‌های صنعتی استان کرمان آغاز و پیاده‌سازی شده‌اند شاهد توسعه هر چه بیشتر در این حوزه‌ها می‌باشیم.

با توجه به تجربه و سابقه مناسب استان کرمان در ساخت ماشین‌آلات و قطعات صنعتی و به سبب وجود صنایع معدنی استان و نیز بهره‌برداری از طرح‌های متعدد صنایع فولاد، در سال‌های اخیر توجه به توسعه متوازن در این حوزه بیش‌ازپیش اهمیت یافته و همین امر بیانگر ضرورت تعریف پروژه توسعه خوشه قطعات و ماشین‌آلات صنعتی کرمان می‌باشد. لازم به ذکر است که این پروژه با حمایت شرکت شهرک‌های صنعتی استان کرمان در فروردین ماه ۱۴۰۰ آغاز گردیده است.

امید است با آشنایی بیشتر صنعتگران این حوزه با مدل توسعه خوشه‌های صنعتی و حمایت ارگان‌های ذی‌ربط به موفقیت‌های قابل قبولی در استان دست‌یابیم.

بنگاه‌ها نتوانسته‌اند سهم قابل توجهی در تولید ناخالص ملی و ایجاد ارزش‌افزوده داشته باشند و از کمبودهای شدیدی در رنج هستند که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- فقدان مقیاس‌های لازم از جنبه‌های مختلف سرمایه، تولید و بازار،
- فقدان محیط‌های مناسب رشد کسب‌وکار از جنبه‌های مختلف حقوقی، قانونی و ...،
- فقدان زیرساخت‌های نرم‌افزاری و تشکیلاتی،
- تولید با فناوری‌های کهنه و عدم دسترسی به تکنولوژی‌های نوین،
- فقدان ارتباط منسجم با شبکه‌های بانکی و مالی کشور،
- عدم وجود شبکه‌های همکاری میان بنگاهی،
- عدم شناخت از بازارهای هدف.

حدود دو دهه است که توسعه صنعتی مبتنی بر خوشه‌ها، به‌عنوان یک استراتژی نوین مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در کشورهای صنعتی و در حال توسعه می‌باشد. سازمان‌های بین‌المللی همچون UNIDO, ILO و بانک جهانی نیز طرح‌های متعددی را از طریق توسعه خوشه‌های کسب‌وکار در کشورهای مختلف اجرا و حمایت کرده‌اند.

سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران عهده‌دار راهبری واحدهای تولیدی کوچک و متوسط می‌باشد. این راهبری در محورهای سیاست‌گذاری، ایجاد، حمایت و هدایت شهرک‌ها و نواحی صنعتی استوار بوده و اهداف و سیاست‌های شرکت شهرک‌های صنعتی ایران را در قالب توسعه و تقویت صنایع کوچک به شکل حمایت و هدایت جمعی باعث شده است. با توجه به سرمایه‌گذاری قابل‌توجهی که در حوزه‌های سخت‌افزاری تولید صورت پذیرفته، توسعه مدیریتی، نرم‌افزاری و کوشش‌های جمعی در حل این مسائل مغفول مانده است. لذا توسعه صنایع کوچک و متوسط در قالب خوشه‌های صنعتی رویکرد نوینی است که در این زمینه پیش‌بینی و برنامه‌ریزی و اجرا شده است.

در حقیقت، تشکیل خوشه‌های صنعتی یکی از راهکارهای مهم، نیل به رقابت‌پذیری است. خوشه، راهکاری عمل‌گرایانه و سازمان‌یافته برای استفاده از منابع موجود در منطقه و گسترش همکاری میان نهادها و بنگاه‌ها است. برنامه حمایت از توسعه خوشه بنگاه‌های کوچک و متوسط در اوایل دهه ۱۹۸۰ باهدف تمرکز برافزایش تولید جهت دستیابی به حجم لازم برای صادرات، دسترسی به اطلاعات و جذب فناوری آغاز گردید. برنامه‌های تدوین‌شده



با توجه به

تجربه و سابقه

مناسب استان

کرمان در ساخت

ماشین‌آلات و

قطعات صنعتی

و به سبب وجود

صنایع معدنی

استان و نیز

بهره‌برداری از

طرح‌های متعدد

صنایع فولاد، در

سال‌های اخیر

توجه به توسعه

متوازن در این

حوزه بیش‌ازپیش

اهمیت یافته و

همین امر بیانگر

ضرورت تعریف

پروژه توسعه

خوشه قطعات

و ماشین‌آلات

صنعتی کرمان

می‌باشد.

معرفی خوشه کسب‌وکار ماشین‌آلات و قطعات صنعتی

کرمان

از آنجا که فعالیت خوشه صنعتی ماشین‌آلات و قطعات صنعتی کرمان مرتبط با صنایع جامع و اصلی دارای مزیت کشور یعنی صنایع مس و فولاد است این خوشه را می‌توان یک «خوشه هسته‌ای» قلمداد کرد.

حضور در فضای رقابت امروز نیازمند سازوکارهایی است که با کمک آن‌ها بتوان امکان حضور مداوم و پایدار در بازارهای ملی و بین‌المللی را فراهم ساخت. یکی از سازوکارهای اصلی در بازار، ارائه محصولات باکیفیت و منطبق با نیازهای بازار و خواست مشتری است. این امر زمانی محقق می‌گردد که تولیدات مرتبط از حداقل کیفیت مشخصات و ویژگی‌های موردنیاز برخوردار بوده و نیاز مشتریان و مصرف‌کنندگان را برطرف سازند. در این زمینه صنایع کوچک و متوسط در کشورهای مختلف نقش تأثیرگذار دارند. توسعه صنایع کوچک و متوسط با رویکرد خوشه‌ای، گام اولیه در جهت هم‌افزایی توان تولیدکنندگان و فعالان در حوزه‌های صنعتی می‌باشد.

خوشه ماشین‌آلات و قطعات صنعتی کرمان با حمایت شرکت شهرک‌های صنعتی استان کرمان در حال اجراست و در حال حاضر متشکل از واحدهای تولیدی که در زمینه طراحی، تولید و ساخت ماشین‌آلات صنعتی، صنایع معدنی، کشاورزی، راه‌سازی و نیروگاهی، همچنین مهندسی معکوس و ساخت انواع قطعات صنعتی و ارائه خدمات فنی فعال هستند.

با توجه به حضور صنایع و معادن بزرگ در استان، تمرکز سازندگان بر روی صنایع فلزی، بویژه تجهیزات معدنی و فولادی بوده است. به همین سبب این صنعت یکی از صنایع استراتژیک اقتصادی استان محسوب می‌شود.

بنا به دلایلی همچون رقابت‌پذیری پایین در سطح بازارهای داخلی و خارجی، محدودیت در منابع تولید، فرسودگی و پایین بودن سطح فناوری و ماشین‌آلات تولیدی، عدم بازاریابی، جایگزینی و ایجاد بازارهای جدید، بهره‌وری پایین و سطح پایین اعتماد و سرمایه اجتماعی، خوشه سازندگان ماشین‌آلات و قطعات صنعتی کرمان نیازمند مطالعه و برنامه‌ریزی در جهت توسعه کمی و کیفی برای بهبود وضعیت موجود است. در مرحله بعد با توجه به ریشه صنایع فلزی در منطقه، حرکت به‌سوی توسعه و دستیابی به حلقه‌های بالاتر زنجیره ارزش و پایایی اشتغال است که در برنامه‌های عمل موردتوجه قرار خواهد گرفت. این پروژه، در راستای شناسایی نقاط ضعف و کمک به تعالی آن‌ها آغاز شده است. در این راستا لازم است بر پایه

نتایج حاصل و هم‌زمان با حرکت رو به جلو، ضعف‌های سازندگان خوشه به چالش کشیده شود و در نهایت این ذهنیت در سازندگان ایجاد گردد که باید متحول شد، باید سطح دانش فنی را بالا برد، باید سیستم مدیریت کارآمد داشت، باید کار گروهی را یاد گرفت و شبکه‌سازی کرد و در نهایت باید به سراغ صادرات رفت.

هدف اصلی در اجرای پروژه توسعه خوشه صنعتی ماشین‌آلات و قطعات صنعتی کرمان

با توجه به نقش محوری رویکرد توسعه خوشه‌ای در سیاست‌های اقتصادی و صنعتی کشور و با هدف تقویت مثلث همکاری خوشه‌ها، پروژه توسعه خوشه صنعتی ماشین‌آلات و قطعات صنعتی کرمان از سوی شرکت شهرک‌های صنعتی استان کرمان تعریف و آغاز گردیده است.

هدف اصلی در اجرای پروژه توسعه خوشه صنعتی ماشین‌آلات و قطعات صنعتی کرمان سازماندهی و هماهنگ‌سازی شرکت‌های کوچک سازنده تجهیزات این صنعت در راستای الگوی توسعه خوشه‌ای می‌باشد. در واقع توسعه خوشه صنعتی سازندگان ماشین‌آلات و قطعات صنعتی، راهی جهت برقراری پیوند مناسب بین اجزای درگیر در این صنعت است تا با ایجاد زنجیره مناسب تولید در جهت هم‌افزایی توان فنی و تجاری آنان اقدام و در مسیر توسعه‌یافتگی و رشد اقتصادی و توانمندسازی به آنان کمک نماید؛ زیرا رسیدن به توسعه باثبات جز با افزایش توانمندی متصدیان و ذینفعان این صنعت و تکمیل زنجیره ارزش و ساختاردهی به عوامل و عناصر مؤثر در این تجارت میسر نخواهد بود.

در اجرای این پروژه، تلاش خواهیم کرد تا ساز و کار لازم برای تولید جمعی و گروهی (در راستای تکمیل فعالیت‌ها) فراهم آید و بر این اساس، ماهیت تولید از «مجموعه‌سازی» سوق داده شود و سازندگان به «تخصصی شدن» محصولاتشان تشویق شوند، سطح دانش فنی و مدیریتی آن‌ها تا حدودی ارتقا یابد و فرهنگ «تولید استاندارد» و «استانداردسازی» فرآیندها به شکل وسیعی ترویج گردد.

برای نیل به اهداف اصلی این پروژه سعی خواهیم کرد با شناسایی و توسعه شبکه‌ها، اشخاص حقیقی و حقوقی ارائه‌دهندگان خدمات، برگزاری دوره‌های آموزشی، تورهایی بازدید از واحدهای تولیدی، حضور در نمایشگاه‌ها، ارائه طرح‌های پژوهشی پیرامون توسعه خوشه، شناسایی ذینفعان و سایر فعالان و ... روند تعالی صنعت ماشین‌سازی و قطعه‌سازی استان را سرعت بخشیم.

- سازمان صنعت، معدن، تجارت
- استان کرمان
- در زمینه دادن مجوز تأسیس به واحدهای صنعتی متقاضی، همچنین صدور پروانه بهره‌برداری برای واحدهای صنعتی مرتبط با صنعت ماشین‌سازی و قطعه‌سازی و تأمین منابع مالی و حمایت از صنایع ایفای نقش می‌کند.
- همچنین با ترغیب سرمایه‌گذاران می‌تواند زمینه ایجاد واحدهای مرتبط با خوشه کسب‌وکار ماشین‌آلات و قطعات صنعتی را فراهم نماید.

نهادهای پشتیبان

نهادهای پشتیبان این پروژه که برای واحدهای فعال در خوشه چتر حمایتی ایجاد نموده و در شروع راه‌اندازی و یا ادامه حیات کسب‌وکار ایشان به‌عنوان تسهیل‌کننده محسوب می‌شوند، به دو گروه اصلی و فرعی تقسیم می‌شوند.

نهادهای پشتیبان اصلی شامل:

- * شرکت شهرک‌های صنعتی استان کرمان،
- * اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان،
- * سازمان صنعت، معدن و تجارت استان کرمان،
- * استانداری کرمان،
- * اتاق اصناف کرمان.

ضمناً نهاد پشتیبان فرعی خوشه ماشین‌آلات و قطعات صنعتی کرمان، اتحادیه ماشین ساز، فلزتراش و صنعتگران خودرو کرمان است.

در ادامه به‌صورت مختصر به تشریح فعالیت‌های این ارگان‌ها می‌پردازیم.

شرکت شهرک‌های صنعتی استان کرمان با جای دادن تعداد زیادی از واحد مرتبط با صنعت قطعه‌سازی و ماشین‌سازی در شهرک‌های صنعتی کرمان ۱، کرمان ۲ و همچنین نواحی صنعتی اطراف کرمان شرایط مناسبی از نظر زیرساختی و سخت‌افزاری برای فعالیت صنایع فوق فراهم ساخته است.



طی سه سال گذشته شرکت شهرک‌های صنعتی استان، جدا از تأمین زیرساخت‌ها از طریق انجام صدها برنامه از نظر نرم‌افزاری نیز سعی در حمایت از واحدهای کوچک و متوسط جهت ارتقا و رشد این واحدها نموده است، به‌عنوان مثال؛ پروژه نظام مبادلات پیمانکاری فرعی استان کرمان «SPX» که توسط این شرکت انجام شد، سعی در ایجاد ارتباط بین صنایع کوچک و متوسط و صنایع کارفرمایی استان داشته و در جهت ایجاد بازار برای واحدهای قطعه‌سازی تلاش مثمر ثمری انجام گرفته است.

بدون شک اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان نیز در حوزه سیاست‌گذاری در بخش اقتصادی کمک‌های شایانی نموده و همچنین در بسیاری از پروژه‌ها از جمله نظام مبادلات پیمانکاری فرعی و خوشه‌های انجام شده به‌عنوان نماینده بخش خصوصی حامی و همراه صنعتگران استان بوده است.

سازمان صنعت، معدن، تجارت استان کرمان در زمینه دادن مجوز تأسیس به واحدهای صنعتی متقاضی، همچنین صدور پروانه بهره‌برداری برای واحدهای صنعتی مرتبط با صنعت ماشین‌سازی و قطعه‌سازی و تأمین منابع مالی و حمایت از صنایع ایفای نقش می‌کند. همچنین با ترغیب سرمایه‌گذاران می‌تواند زمینه ایجاد واحدهای مرتبط با خوشه کسب‌وکار ماشین‌آلات و قطعات صنعتی را فراهم نماید. استانداری کرمان می‌تواند در جهت تسهیل ارتباط واحدهای خوشه با صنایع کارفرمایی استان بسیار مؤثر باشد. همچنین با ایجاد تسهیلات برای واحدهای عضو خوشه کسب‌وکار ماشین‌آلات و قطعات صنعتی کرمان، در جهت رفع مشکل سرمایه در گردش واحدها اقدام نماید. اتاق اصناف کرمان که به‌عنوان واحد سیاست‌گذاری و اجرایی و نظارتی بر اصناف ایفای نقش می‌کند، می‌تواند با همراهی و حمایت از واحدهای تولیدی صنفی در اجرای قوانین مختلف نقش‌آفرینی نماید و باعث ارتقاء تولیدکنندگان بومی شود.

اتحادیه ماشین ساز و فلز تراش و صنعتگران خودرو کرمان در سال‌های اخیر با برنامه‌ریزی و ایجاد ارتباط با واحدهای تولیدی و معرفی تولیدکنندگان صنفی سعی در حمایت از این صنعت نموده است.

انتظار می‌رود با اقدامات و حمایت‌های نهادهای پشتیبان و سرمایه اجتماعی استان، در زمینه توانمندسازی واحدهای عضو خوشه ماشین‌آلات و قطعات صنعتی کرمان، به سمت اشتغال‌زایی، بهبود معیشت، جهش تولید و توسعه پایدار استان گام برداریم. مسلماً نتیجه این اقدامات موجب شتاب فرآیند پیشرفت اقتصادی حتی در شرایط تحریم‌ها می‌گردد. ♦♦



گفت‌وگو با «سید محمدرضا ترابی موسوی» عضو هیئت نمایندگان و رییس کمیسیون کشاورزی اتاق کرمان

افزایش بهره‌وری برعهده بخش خصوصی و حمایت دولتی

سید محمدرضا ترابی موسوی عضو هیئت نمایندگان و رییس کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان می‌گوید: تغییرات اقلیم و کمبود بارش علت اصلی خشک‌سالی است که استفاده غیرمجاز و غیراصولی از منابع آبی نیز مزید بر علت است. وزارت نیرو بیشتر تمرکز بر کنترل چاه‌های مجاز با اخذ حق نظارت دارد تا کنترل و مقابله با حفر چاه‌های غیرمجاز و بهره‌برداری بیش‌ازحد، دلخواه و غیراصولی از آن‌ها. وی همچنین می‌گوید، بهبود بهره‌وری در تولید محصولات کشاورزی با تغییر الگوی کشت و تأمین نهاده‌های باکیفیت و استاندارد و بهبود مکانیزاسیون میسر می‌شود و این‌که اجرای الگوی کشت مناسب در استان نیازمند وجود چند زیرساخت اصلی از جمله یکپارچه‌سازی اراضی، سیستم اطلاع‌رسانی و امکان اجرای کشاورزی قراردادی است. شرح کامل این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانیم.

کشاورز را جبران نکرده است. لذا پیشنهاد می‌شود با تأمین منابع از سوی بیمه‌گذار، شرایط بیمه به نحوی اصلاح شود که خسارت وارده جبران گردد. در حال حاضر باغداری که ۳۰۰ کیلوگرم در هکتار تولید می‌کند با باغداری که پنج تن در هکتار محصول پسته تولید می‌کند، به دلیل اینکه گزینه انتخابی هر دو در زمان بیمه محصول مشابه است، خسارت سرمایه‌گذاری را به یک نسبت دریافت می‌کنند. شاید کشاورزی که ۳۰۰ کیلو پسته تولید می‌کند، آرزو کند خسارت به محصولش وارد شود! چون جبران خسارت می‌تواند بیشتر از محصول تولیدی برای او منفعت داشته باشد!

◆ بسیار مطرح می‌شود که کشاورزی یکی از اصلی‌ترین علت‌های خشک‌سالی در استان کرمان است، نظر شما چیست؟

بنده این نظر را قبول ندارم، در واقع می‌توان گفت کشاورزی یکی از بخش‌هایی است که خود بیشترین آسیب را از خشک‌سالی دیده است. درست است در بخش کشاورزی اتلاف منابع به‌واسطه عدم استفاده درست از منابع وجود دارد و همچنین روش‌های نوین کشاورزی آن‌چنان رونق نگرفته‌اند و باید در این زمینه تمرکز بیشتری داشت، اما این موارد نمی‌تواند دلیلی بر خشک‌سالی‌های اخیر باشد. ۸۰ درصد علت خشک‌سالی در کشور و همین‌طور در استان کرمان تغییرات اقلیم و کمبود بارش است و در کنار آن استفاده غیراصولی و غیرمجاز از منابع آبی نیز مزید بر علت است. متأسفانه وزارت نیرو بیشتر بر کنترل بر چاه‌های مجاز از طریق اخذ حق نظارت و ... تمرکز دارد و هیچ کنترل و مقابله‌ای در مورد حفر چاه‌های غیرمجاز و بهره‌برداری بیش از حد، دلخواه و مهم‌تر از آن غیراصولی آن‌ها ندارد.

◆ برای کنار آمدن و سازگاری با تغییرات آب‌وهوایی در کشاورزی چه راه‌حلی پیشنهاد می‌کنید؟

تغییر در روش‌های کاشت، داشت و برداشت چه در محصولات گلخانه‌ای و چه در محصولات جالیزی به عنوان مهم‌ترین راهکار در کوتاه‌مدت است؛ به عنوان مثال در بخش زراعت استفاده از بذرهایی که نسبت به سردی یا گرمی زودرس هوا و همین‌طور زودرس یا دیررس بودن خود محصول مقاوم‌تر و به عبارتی سازگارتر هستند، توصیه می‌شود. پیشنهاد و راهکار در درازمدت، تغییر در وارپته‌های محصولات باغی و کشاورزی است، به‌طوری‌که نسبت به تغییرات آب‌وهوا سازگار باشند. با توجه به اقلیم‌های متفاوت در شهرستان‌های استان؛ از جمله وجود سرمای زودرس یا گرمای بیش از حد، وزش باد و طوفان شدید کشاورزان متحمل خسارت‌های فراوانی می‌شوند، اما بیمه کشاورزی به‌هیچ‌عنوان خسارت‌هایی که به‌واسطه تغییرات اقلیمی به محصولات وارد می‌شود را پوشش نمی‌دهد. در این زمینه تقویت بیمه کشاورزی پیشنهاد می‌شود؛ برای مثال، خسارت ناشی از تغییرات دمایی برای محصول پسته در سال زراعی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ حدود ۵۰ هزار تن بوده، به عبارتی ۳۰ تا ۳۵ درصد محصول پسته نابود شده، اما خسارتی که بیمه برای پرداخت در نظر گرفته است حتی هزینه کارگر و آبیاری زمین



◆◆ اقتدار غذایی و تولید کالاهای اساسی در کشور را به طور کلی در

گرو چه الگویی از اداره بخش کشاورزی می‌داند؟

اقتدار غذایی در صورتی امکان‌پذیر است که ما در کشور تولید با کیفیت که لازمه آن بهره‌وری بالاست داشته باشیم، درست است افزایش بهره‌وری بر عهده بخش خصوصی است، اما مستلزم حمایت‌ها، پیشنهادات و راهکارهای بخش دولتی نیز می‌باشد. افزایش بهره‌وری در هر بخش موجب کاهش قیمت تمام شده محصول، افزایش تولید در واحد سطح و کاهش مصرف آب می‌گردد. در کل برای رسیدن به اقتدار غذایی و تضمین امنیت غذایی در کشور و جلوگیری از تأثیر نوسانات قیمت بر محصولات، استفاده از روش‌های نوین کشاورزی از جمله روش‌های آبیاری جدید، مکانیزاسیون کشاورزی که ضامن آن‌ها حمایت‌های بخش دولتی است، پیشنهاد می‌شود.

◆◆ در بخش کشاورزی شاهد رشدهایی در تولید بوده‌ایم، اما

واقعیت این است که این افزایش‌های تولید به قیمت فزونی استفاده از ظرفیت منابع تحصیل می‌شود تا افزایش بهره‌وری. ارتقا بخش کشاورزی بر پایه افزایش بهره‌وری در شرایط کشاورزی کشور بویژه استان کرمان چگونه میسر می‌شود؟

در حال حاضر میانگین میزان تولید محصول پسته در استان، ۳۰۰ تا ۶۰۰ کیلوگرم در هکتار است، در صورتی که اگر به ۱۰ سال عقب‌تر برگردیم، چهار تن در هکتار بوده است. بهتر است به جای اینکه افزایش تولید محصول پسته را با افزایش سطح زیر کشت متناسب کنیم، همین سطح زیر کشت را حفظ کرده و با تغییر روش‌های کاشت، داشت و برداشت بهره‌وری را بالا برده و در هر هکتار، چهار تن تولید نماییم. کشاورز نیز اگر سالی چهار تن در مقایسه با سالی ۳۰۰ کیلوگرم تولید داشته باشد، قیمت تمام شده محصولش ارزان‌تر خواهد شد و می‌تواند در بازار جهانی رقابت کند.

در مجموع برای افزایش تولید و بهره‌وری باید روش‌های کاشت، داشت و برداشت در باغداری، زراعت و گلخانه تغییر پیدا کند. در حال حاضر در کشور ما علی‌رغم استفاده از روش‌های نوین در گلخانه‌های هیدروپونیک بازهم در مقایسه با دنیا، در تولید عقب هستیم؛ برای مثال در کشور هلند در مقایسه با نمونه مشابه گلخانه هیدروپونیک در ایران در سال چهار تا پنج برابر در هکتار تولید انجام می‌شود. لذا لازم است در این زمینه ریشه‌یابی و عرضه‌یابی صورت گیرد و با متخصصان این امر در کشورهای دیگر همفکری کنیم. از جمله اقداماتی که سازمان جهاد کشاورزی به عنوان متولی اصلی و در کنار آن سازمان صمت می‌توانند جهت رفع این مسئله انجام دهند، به شرح زیر است:

- تأمین نهاده‌های باکیفیت و استاندارد که می‌تواند تولید داخل باشد و منتج به خودکفایی شود. در مورد اقلام وارداتی نیز

در دنیا در حال حاضر اقلیم به سمتی پیش رفته است که فواصل بارندگی کم و شدت بارش بالا است. کشورهای پیشرفته در این شرایط نسبت به ذخیره آب ناشی از سیلاب‌ها برنامه‌ریزی و کنترل دارند و با استفاده از سدهای خاکی و آبخیزداری در مناطق کوهستانی از میلیاردها خسارت احتمالی به بخش‌های کشاورزی، مسکونی، صنعتی و ... جلوگیری می‌کنند و در عین حال میلیاردها مترمکعب آب ذخیره می‌شود. در کشور ما برنامه مشخصی برای استفاده از تهدید سیلاب‌ها و بارش‌های شدید و ناگهانی وجود ندارد، این امر علاوه بر ایجاد خسارت به زیرساخت‌های بخش‌های مختلف، باعث هدر رفت میلیاردها مترمکعب آب در کشور می‌شود.

◆◆ یک الگوی کشت منطقه‌ای برای استان کرمان را چگونه

ترسیم می‌نمایید؟

سال‌های سال است که مسئله الگوی کشت فقط در حد حرف و شعار باقی مانده است و در عمل حداقل در استان ما عملیاتی نشده است. مسئولین محترم در سازمان جهاد کشاورزی شمال و جنوب استان بسیار تلاش می‌کنند که از تولید انبوه محصولات، بدون بازار مصرف جلوگیری شود، اما همه‌ساله شاهد دیپوی محصولاتمانند پیاز، گوجه، خیار سبز و ... هستیم که این مسئله نه تنها باعث ضرر و زیان به بخش کشاورزی می‌شود، بلکه مهم‌تر از آن باعث اتلاف منابع از جمله آب و نیروی انسانی می‌شود. نهایتاً بخشی از این محصولات به واسطه خرید تضمینی دولت استفاده می‌شود و بخش قابل توجه آن‌ها به دلیل عدم وجود صنایع تبدیلی در کشور، قابلیت نگهداری نداشته و متأسفانه فاسد می‌گردد.

در مجموع الگوی کشت در استان کرمان در هیچ زمان اجرا نشده، اما اگر بخواهیم یک الگوی کشت مناسب در منطقه کرمان اجرا کنیم، نیاز به چند زیرساخت اصلی به شرح ذیل داریم:

- کشاورزی در کشور و به تبع آن در استان، از حالت کشاورزی جزیره‌ای و معاش محور و به عبارتی خرده‌مالکی خارج و به کشاورزی یکپارچه تبدیل شود. در حال حاضر کشاورزان ما با هدف برطرف کردن نیاز و درآمد سالانه خود کشاورزی می‌کنند، - بخش ترویج سازمان جهاد کشاورزی، کشاورزان را در مورد نوع و میزان تولید محصول توجیه کند. در حال حاضر کشاورزان ما بر اساس اینکه امسال همسایه‌اش درآمد خوبی برای مثال از کاشت پیاز داشته است، سال بعد به سمت کاشت پیاز هجوم آورده که بالطبع شکست می‌خورد،

- اجرای کشاورزی قراردادی از طریق نیازسنجی از داخل و خارج به ترتیب بر اساس اعلام ستاد تنظیم بازار کشور و بر اساس نظر متولیان صادرات صورت گیرد.



می‌توان گفت

کشاورزی یکی

از بخش‌هایی

است که خود

بیشترین آسیب

را از خشک‌سالی

دیده است.

درست است در

بخش کشاورزی

اتلاف منابع

به واسطه عدم

استفاده درست

از منابع وجود

دارد و همچنین

روش‌های

نوین کشاورزی

آن چنان رونق

نگرفته‌اند و باید

در این زمینه تمرکز

بیشتری داشت،

اما این موارد

نمی‌تواند دلیلی بر

خشک‌سالی‌های

اخیر باشد. ۸۰

درصد علت

خشک‌سالی در

کشور و همین‌طور

در استان کرمان

تغییرات اقلیم

و کمبود بارش

است و در کنار آن

استفاده غیراصولی

و غیرمجاز از منابع

آبی نیز مزید بر

علت است.

و در نهایت افزایش بهره‌وری و رونق اقتصادی در کشاورزی را شاهد خواهیم بود. درست است دولت به‌تنهایی نمی‌تواند طرح یکپارچه‌سازی را اجرا کند، اما می‌تواند با ترویج و توجیه این طرح از طریق الگوهای اجرا شده، کشاورز را متقاعد کند که از حالت خرده‌مالکی خارج شود. در این خصوص بخش خصوصی با همراهی کمیسیون کشاورزی می‌تواند سرمایه‌گذاری کند و در مورد اراضی که سطح زیر کشت آن‌ها بالا و درعین‌حال خرده‌مالکی زیاد دارند، نمونه‌هایی از یکپارچه‌سازی را اجرا نماید. کشاورزان نیز زمانی با درآمد بالا و مصرف کمتر منابع روبرو شوند، خودبه‌خود تجمیع شده و خودشان داوطلبانه برای اجرای طرح اقدام می‌کنند. قطعاً تأثیری که کشاورز با دیدن یک الگوی اجرا شده کشاورزی می‌پذیرد خیلی بیشتر از تأثیر ترویج و توجیهی است که به‌وسیله یک کارشناس سازمان کشاورزی ارائه می‌شود.

روشی دیگری که برای تجمیع خرده‌مالکی، پیشنهاد می‌شود، ایجاد شرکت‌های تعاونی کشاورز محور است. با توجه به بررسی کمیسیون کشاورزی، این الگو در کشور ایتالیا انجام شده است. سهامداران و مجریان این شرکت، خرده‌مالکان هستند نه دولت، بازرگانان و تجار. در ایران نیز با الهام از کشور ایتالیا بحث تجمیع خرده مالکین با تشکیل شرکت‌های تعاونی واقعی، نه شرکت‌هایی که قند و شکر به کشاورزان می‌دهند، قابل اجراست. ♦♦

باید به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که واردات از کانال‌های مجاز و با استانداردهای مشخص انجام شود. در دو سال گذشته در کرمان با بذره‌های تقلبی در بسته‌بندی‌های واقعی روبرو شده‌ایم که گلخانه دارها آن‌ها را کاشته‌اند، اما هر چقدر منتظر شده‌اند، سبز نشده‌اند! یا ۱۰ درصد آن‌ها سبز شده است. این‌گونه نهاده‌ها علاوه بر اینکه موجب از دست دادن منابع می‌شود، تولیدکنندگان را نیز از مدار خارج می‌کند.

- تأمین تجهیزات و ماشین‌آلات داخلی و خارجی کشاورزی با هدف بهبود مکانیزاسیون کشاورزی.

♦♦ به نظر شما در دستگاه متولی بخش کشاورزی کشور چه دگرگونی‌های ساختاری و راهبردی ضرورت دارد؟

متولی بخش کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی است. مشکلی که در استان کرمان وجود دارد، این است که قبلاً بخش امور اراضی و جهاد کشاورزی به‌صورت دو اداره کل مجزا فعالیت می‌کردند، ولی در حال حاضر ادغام شده‌اند. شاید بتوان گفت ۸۰ درصد وقت و انرژی این سازمان جهت بررسی مسائل مربوط به امور اراضی صرف می‌شود. بارها این پیشنهاد در جلسات مختلف از جمله در جلسه با وزیر جهاد کشاورزی و از طریق مکاتبه با این وزارتخانه درخواست شده است، اما متأسفانه به نتیجه نرسیده‌ایم و در این زمینه پیشنهادات دیگری هم داریم:

- بخشی از اختیارات دولتی از جمله مراکز تحقیقات در شهرستان‌ها مانند مرکز تحقیقات پسته، مرکز تحقیقات خرما و ... را به بخش خصوصی واگذار نمایند، قطعاً بازدهی بهتری خواهند داشت.

- در حال حاضر کنترل کیفیت و استانداردهای لازم نهاده‌های کشاورزی در مرکز کشور یعنی شهر تهران انجام می‌شود، پیشنهاد می‌شود این کار به استان‌ها و سازمان‌های جهاد کشاورزی منتقل شود تا از طریق آن‌ها کنترل صورت گیرد و به عبارت بهتر تمرکززدایی صورت گیرد. در حال حاضر فاصله زمانی تحویل بذر از تهران بیشتر اوقات طولانی شده، فصل کاشت محصول می‌گذرد و تولیدکننده مجبور می‌شود از بازار آزاد، بذر و دیگر نهاده‌ها را تهیه نماید و همین امر باعث بروز مشکلاتی می‌شود که در پاسخ قبل به آن اشاره کردم.

- اکنون ۸۰ درصد کشاورزی ما خرده‌مالکی است، طبق آماري که انجمن پسته منتشر کرده حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد باغات پسته در شمال استان کرمان به‌صورت خرده‌مالک در حد یک هکتار و دو هکتار هستند. در جنوب استان کرمان نیز شرایط بهتر نیست و کشاورزی بیشتر به‌صورت جزیره‌ای و معاش محور است، روش‌های نوین کاشت، داشت و برداشت در اراضی خرده‌مالکی قابل اجرا نیست. اگر تغییر از خرده‌مالکی به یکپارچه‌سازی صورت گیرد، به‌تبع آن کشاورزی قراردادی نیز شکل می‌گیرد و امکان اجرای الگوی کشت نیز فراهم می‌شود





چالش‌های زیست‌محیطی و تولید پسته



♦ دکتر مهدی سرچشمه‌پور

عضو هیئت علمی گروه علوم و مهندسی خاک دانشگاه شهید باهنر کرمان و همکاران *

آینده‌ای تاریک برای تولید و تولیدکنندگان این محصول به واسطه محدودیت‌های بحرانی کمی و کیفی منابع آب آبیاری در دسترس شده است. متأسفانه با وجود چنین شرایط بحرانی، ما هنوز به دنبال توسعه سطح زیر کشت برای دستیابی به افزایش تولید هستیم و از روش‌های به‌نژادی و به‌زراعی و مدیریت فنی تولید غافل و عقب مانده‌ایم.

تغییرات جهانی آب و هوایی، افزایش تدریجی دمای کره زمین، تغییر الگوی بارندگی‌ها و نوسانات دمایی از جمله چالش‌های زیست‌محیطی هستند که بخش کشاورزی را به عنوان متولی امنیت غذایی به شدت تحت تأثیر قرار داده است. روند رو به رشد و ناهماهنگ تغییرات اقلیمی در طی سال‌های اخیر، بویژه خشکسالی و نوسانات دمایی تأثیر قابل توجهی بر تولید پسته و معیشت و اقتصاد جامعه خصوصاً در استان کرمان داشته است. کاهش بارندگی و رطوبت محیط، افزایش تبخیر و تعرق، افت قابل توجه منابع آب سطحی، توسعه ناموزون سطح زیر کشت و عدم توجه به نیاز آبی گیاه، باعث افزایش وابستگی و برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی و

جدول ۱- مشخصات سال، محل و میزان خسارت برخی از عوامل محیطی خسارت‌زا در باغ‌های پسته کشور

سال	استان	شهرستان	نوع خسارت	سطح خسارت (هکتار)	درصد خسارت (درصد)	مبلغ خسارت (میلیارد ریال)	منبع گزارش	خبرگزاری
۱۴۰۰	کرمان	شهرستان‌های پسته‌خیز	سرماي بهاره	۱۷۰۶۵۰	۲۰-۸۰	۸۰۷۳۳	سازمان جهاد کشاورزی استان	روستائینوز
۱۳۹۹	کرمان	شهرستان‌های پسته‌خیز	سرماي زودرس پاییزه	۱۰۰۰۰	۳۰-۶۰	۱۳۰۰۰	پژوهشکده پسته کشور	-
۱۳۹۸	مرکزی	زرنديه	سرمازديگی	۳۰۰	۴۰-۶۰	۱۷۰۰	مدیر جهاد کشاورزی	ایسنا
۱۳۹۸	کرمان	سیرجان	تگرگ	۷۰۰	-	۳۶۰۰	مدیر جهاد کشاورزی	مهر
۱۳۹۷	کرمان، یزد، فارس	همه شهرستان‌ها	گرمازديگی بهاره	-	۳۰-۹۰	۵۰۰۰۰ - ۴۰۰۰۰	مدیرعامل اتحادیه تولیدکنندگان پسته	مهر
۱۳۸۷	کرمان	همه شهرستان‌ها	سرمازديگی		۸۵		مدیر جهاد کشاورزی	مهر
۱۳۷۶	کرمان	همه شهرستان‌ها	سرمازديگی		۹۰		مدیر جهاد کشاورزی	مهر
۱۳۵۸	کرمان	همه شهرستان‌ها	سرمازديگی		۸۰		مدیر جهاد کشاورزی	مهر

پيامدهای نوسانات دمایی در باغ‌های پسته

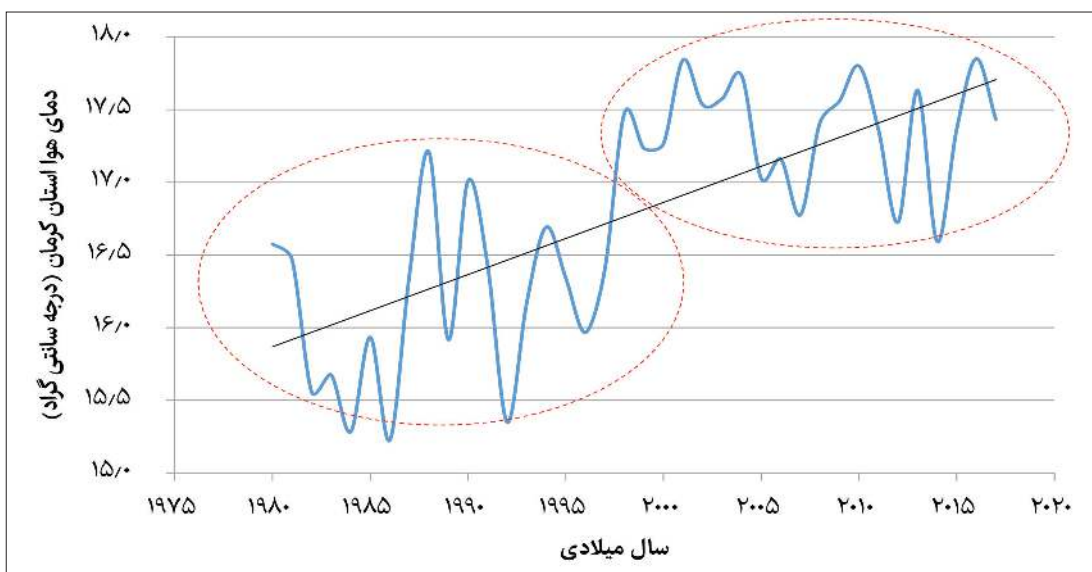
عوامل اقلیمی خسارت‌زا مثل سرمازدگی بهاره، نوسانات دمایی و افزایش دما در فروردین، گرم‌زدگی در ماه‌های تیر و مرداد، کمبود سرمای مورد نیاز در فصل خواب گیاه در کنار کاهش بارندگی و محدودیت‌های آبیاری باعث کاهش کمی (کاهش عملکرد در واحد سطح) و کیفی (کاهش اندازه دانه، کاهش درصد خندانی و افزایش درصد پوکی) محصول می‌گردد. نوسانات دمایی (یخ‌زدگی، سرمازدگی و گرم‌زدگی) از عوارض و بلاهای طبیعی هستند که کمتر قابل پیش‌بینی و کنترل می‌باشند و ظاهراً میزان و شدت بروز آن‌ها رو به افزایش است. گرم شدن هوای بیش از حد در هنگام گرده‌افشانی تأثیر نامطلوبی بر تلقیح پسته داشته و باعث عدم تشکیل میوه‌ها می‌شود (جدول ۱). سرمازدگی بهاره و یخ‌زدگی نیز در هنگام گل‌دهی و پس از تشکیل میوه موجب خسارت به محصول و رشد رویشی شده و حتی در بعضی از باغ‌ها تا صد درصد محصول را از بین برده است. همچنین عدم تأمین نیاز سرمایی درختان پسته در فصل خواب باعث گل‌دهی نامنظم و عدم تشکیل میوه شده و نیاز به محلول‌پاشی روغن‌های معدنی در زمستان را الزامی می‌کند. این اقدام علاوه بر تأثیرات پیچیده و چندجانبه روی درخت، در دراز مدت هزینه اضافی را به باغداران تحمیل می‌نماید.

گرمایش جهانی پدیده‌ای است که منجر به افزایش میانگین دمای زمین (شکل ۱) و سطح اقیانوس‌ها شده و عقیده بر این است که باعث تشدید خشکسالی‌ها، گرمای سوزان، طوفان‌های وحشتناک، بالا آمدن سطح دریاها و افزایش تعداد و شدت برخی از حوادث آب و هوایی خواهد شد.

پيامدهای زیست‌محیطی بحران آب

در چهار دهه اخیر، برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی از یک طرف و کاهش بارندگی (شکل ۲) از سوی دیگر باعث کاهش شدید آب‌های زیرزمینی شده به طوری که در اکثر دشت‌های پسته خیز استان سالیانه بین ۰/۶ تا ۱ متر سطح آب افت می‌نماید و به تبع آن کیفیت آب نیز به شدت کاهش یافته و میزان املاح (شوری) آب در بسیاری از مناطق پسته‌کاری به بیش از ۱۶ دسی‌زیمنس بر متر رسیده است. مسلماً این‌گونه آب‌ها در بخش کشاورزی قابل استفاده نبوده و استفاده مداوم از آن‌ها عواقب جبران‌ناپذیری را در آینده به دنبال خواهد داشت. عملاً کاهش کمیت و کیفیت آب آبیاری به تدریج باعث افزایش شوری خاک و از دست رفتن بخشی از باغ‌ها شده و ادامه روند کنونی در میان مدت باعث می‌شود که این جنگل‌های مصنوعی دست کاشت و حاصل زحمات زیاد بهره‌برداران، در معرض نابودی قرار گیرند. اراضی که درختان آن‌ها به دلیل کمبود آب و یا شوری آب از بین می‌روند، می‌توانند در سال‌های آتی کانون گردوغبار شوند و حتی در صورت ایجاد شغل جایگزین در این‌گونه مناطق (به‌طور مثال در صنعت)، از نظر شرایط زیست‌محیطی سکونت را در این مناطق به‌طور جدی تهدید نمایند.

متأسفانه به دلیل عدم تناسب سطح زیر کشت باغ‌ها با موجود فعلی در دشت‌های پسته خیز استان، اکثر باغ‌ها با کم آبیاری شدید روبرو بوده و دور آبیاری باغ‌ها به‌طور متوسط حدود ۴۵ تا ۶۰ روز می‌باشد. از طرفی همین مقدار آب کم نیز بیشتر توسط روش‌های آبیاری سطحی (غرقابی) در باغ‌ها انجام می‌شود که به دلیل عدم یکنواختی سطح



شکل ۱- نمودار افزایش ۲ درجه سانتی‌گراد متوسط دمای هوای استان کرمان در یک دوره ۴۰ ساله

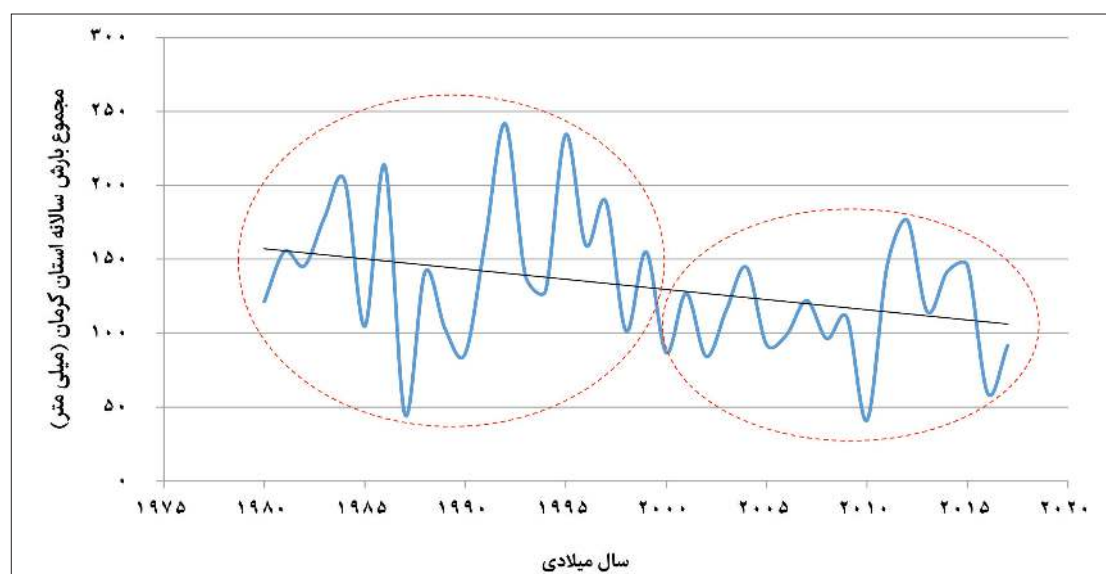
همچنین در شهرستان‌های رفسنجان، کرمان، زرنند و سیرجان در استان کرمان کاملاً مشهود است و مثل زلزله خاموش باعث تخریب ساختمان‌ها و تأسیسات شهری و روستایی می‌گردد.

چالش‌های مرتبط با خاک و تغذیه گیاه

اراضی پسته‌کاری عمدتاً در مناطق خشک و نیمه‌خشک واقع شده‌اند که با کمبود بارندگی و منابع آبی محدود و تجدیدنپذیر مواجه‌اند و کیفیت آب‌های آبیاری نیز نامطلوب و کم و بیش شور می‌باشد. سالانه حجم قابل توجهی نمک از طریق آب‌های شور به اراضی پسته‌کاری اضافه و در محدوده فعالیت ریشه (عمق حدود یک و نیم متری) توزیع و به تدریج به‌طور تجمعی افزایش خواهد یافت. هنگام استفاده از آب‌های شور، مجبور خواهیم بود حجم آب بیشتری را مصرف کنیم (تأمین نیاز آبی) و به دنبال آن و به ناچار مقدار نمک بیشتری وارد خاک خواهد شد؛ به‌طور مثال چنانچه یک باغ در یک سال با هفت هزار متر مکعب در هکتار با آبی با شوری هفت دسی زمینس بر متر آبیاری شود، به‌طور متوسط سالیانه بیش از ۳۱ تن نمک به خاک اضافه خواهد شد. در حال حاضر شوری‌های بیش از ۲۰ دسی زمینس بر متر نیز در اراضی پسته‌کاری به وفور یافت می‌شود. در چنین شرایطی سهم عناصری مثل سدیم، کلسیم و منیزیم، بُر و بی‌کربنات‌ها نیز افزایش یافته و مسمومیت آن‌ها به‌طور مستقیم و یا از طریق تأثیر بر جذب سایر عناصر (خصوصاً کلسیم) افزایش می‌یابد. افزایش شوری باعث محدودیت جذب آب توسط درخت (خشکی فیزیولوژیکی) نیز می‌گردد.

کرت‌ها، ابعاد نامناسب کرت، عدم تناسب تعداد کرت‌های در حال آبیاری با دبی ورودی به کرت و تبخیر بالا، باعث شده که آب آبیاری با راندمان نسبتاً پایینی در باغ‌ها توزیع گردد و در نهایت راندمان تولید را به شدت کاهش دهد. به‌طور مثال متوسط عملکرد در هکتار در امریکا حدود ۳/۵ تن در هکتار است، اما این میزان در استان کرمان حدود ۰/۶ تن در هکتار می‌باشد. ذکر این نکته حائز اهمیت است که میزان آب مصرفی در باغ‌های استان به‌طور متوسط حدود ۶۰۰۰ و در امریکا بیش از ۱۱۰۰۰ متر مکعب در هکتار در سال می‌باشد. ضمن اینکه در باغ‌های پسته ایران توزیع آب آبیاری عمدتاً متناسب با مرحله رشدی و نیاز گیاه نیست و میزان شوری آن نیز عمدتاً بیشتر می‌باشد. در حال حاضر موتورپمپ‌های زیادی وجود دارد که با دبی کمتر از ۱۰ لیتر بر ثانیه و تعداد مالکین بالای ۱۵۰ نفر با سیستم خرده مالکی اداره می‌شوند و طبیعتاً استفاده از روش‌های نوین آبیاری و یا مبارزه با آفات و تغذیه آن‌ها به دلیل خرده مالکی زیاد دچار چالش جدی است و بخش قابل توجهی از باغ‌ها به دلیل هزینه‌های زیاد و عملکرد پایین، غیراقتصادی و رها شده و تولید و اشتغال را تحت تأثیر قرار خواهند داد.

از دیگر عواقب بحران آب می‌توان به پدیده مخرب فرونشست زمین اشاره نمود. با برداشت بی‌رویه از سفره‌های آب زیرزمینی و افت سطح آب، منافذ خاک از آب خالی شده و فرونشست زمین را به دنبال خواهد داشت. فرونشست زمین پدیده‌ای است که قابل درمان نیست و در بسیاری از مناطق کشور مثل خراسان رضوی، اصفهان، شهرستان ورامین در استان تهران و



شکل ۲ - نمودار کاهش ۵۰ میلی‌متر متوسط بارندگی استان کرمان در یک دوره ۴۰ ساله

های گردوغبار از مهم‌ترین مشکلات زیست‌محیطی در نقاط متعددی از جهان می‌باشد. بیش از نیمی از مساحت ایران جزء مناطق خشک و نیمه‌خشک قرار می‌گیرد و اراضی آن‌ها به واسطه کمبود بارندگی و رطوبت، تبخیر و تعرق شدید، مشکلات ناشی از تجمع نمک، فقر ماده آلی و تخریب و کاهش پوشش گیاهی، در معرض فرسایش بادی است که خود سالانه خسارات زیادی را به بخش‌هایی همچون کشاورزی، صنعت و بهداشت وارد می‌سازد. ریز گرد‌ها که از پیامدهای فرسایش بادی خاک محسوب می‌شوند، عمدتاً از ذرات بسیار ریز خاک تشکیل شده‌اند و از نظر شیمیائی می‌توانند حاوی انواع نمک‌ها، مواد (کودهای) شیمیائی و آلی و باقیمانده سمومی باشند که از خاک یک منطقه برداشت و در سایر مناطق رسوب می‌کنند.

چالش‌های مرتبط با مدیریت آفات و بیماری‌ها

نوسانات دمایی از جمله سرمای شدید در فصل زمستان و گرمای بیش از حد در تابستان علاوه بر خشکیدگی و خسارت به درختان پسته، موجب ایجاد زخم‌های میکروسکوپی در پوست درخت شده و راه نفوذ عوامل ایجاد کننده سرخشکیدگی مانند قارچ‌های Paecilomyces، Cytospora sp.، Nattrassia sp. را باز می‌نماید. این بیمارگرها در درختان ضعیف مستقر شده و موجب ایجاد سرخشکیدگی می‌شوند و به تدریج با پیشرفت بیماری، حتی کل درخت در اثر خشکیدگی از بین می‌رود. تغییرات اقلیمی اخیر به خصوص خشکسالی و کمبود منابع آبی و نوسانات دمایی باعث ایجاد شرایط نامناسب در باغ‌های پسته شده و زمینه را برای توسعه این‌گونه بیمارگرها مهیا نموده است. تغییرات اقلیمی بر روی جمعیت همه موجودات زنده از جمله آفات و حشرات مفید نیز تأثیرگذار است. پسپیل معمولی پسته یکی از آفات اصلی در باغ‌های پسته کشور است و جهت کنترل این آفت به دفعات (به‌طور متوسط سه تا چهار بار است، اما در برخی مواقع حتی بیش از ۱۰ بار سم‌پاشی نیز گزارش شده است) سم‌پاشی می‌شود. این آفت با شرایط گرم و خشک سازگاری داشته و گسترش می‌یابد، اما جمعیت حشرات مفید و کنترل‌کننده پسپیل در ماه‌های گرم سال روند کاهشی دارد که این امر امکان کنترل بیولوژیک آفت را تحت تأثیر قرار داده و نیاز به سایر روش‌های مدیریت آفت از جمله روش شیمیایی را افزایش می‌دهد. کاربرد سموم شیمیایی در باغ‌های پسته به صورت مدیریت نشده علاوه بر ایجاد مقاومت آفات نسبت به سموم که موجب کاهش تأثیر و مصرف بیشتر سموم می‌گردد، باعث افزایش آلودگی‌های زیست‌محیطی در خاک، آب و

آب و عناصر غذایی دو نیاز عمده و تفکیک‌ناپذیر گیاه هستند که متأسفانه باغ‌های پسته ایران و بویژه استان کرمان تحت محدودیت جدی و توأم آن‌ها می‌باشند. باغ‌های پسته عمدتاً دارای خاک‌های آهکی، pH بالا، ماده آلی کم و از طرفی کمبود و توزیع نامناسب آب آبیاری و محدودیت‌های رطوبتی خاک می‌باشند که باعث کاهش قابلیت جذب عناصر غذایی و راندمان پایین کودهای شیمیایی شده است. در چنین شرایطی باغداران با مصرف مقادیر قابل توجهی از انواع کودهای شیمیایی نتوانسته‌اند بهره کافی را ببرند و بخش قابل توجهی از آن‌ها به فرم نامحلول تبدیل و در خاک تثبیت و انباشت می‌شوند. کم‌آبی، شوری زیاد، تجمع نمک و سمیت عناصر در منطقه فعالیت ریشه، تنوع زیستی خاک را به شدت تحت تأثیر قرار داده و باعث کاهش فعالیت و جمعیت میکربی و جانوری خاک شده و به عبارتی فقر زیستی خاک را به دنبال خواهد داشت. با کاهش فعالیت‌های زیستی خاک به‌عنوان یک موجود زنده، انواع شاخص‌های بیوشیمیایی نیز تحت تأثیر قرار گرفته، ساختمان خاک دچار تخریب و فرسایش پذیری آن تشدید می‌گردد. در نهایت محدودیت‌های فوق رشد رویشی و عملکرد درختان را به شدت تحت تأثیر قرار داده و باعث ضعف درختان، کاهش رشد و گاه توقف رشد شده و زمینه را برای طغیان انواع آفات و بیماری‌ها فراهم می‌کند. باغداران نیز برای مقابله با بحران تنش‌های محیطی (شوری، خشکی و دمایی) و کنترل آفات و بیماری‌ها، به ناچار اقدام به مصرف بی‌رویه انواع سموم و زیست محرک‌های رشدی (عصاره‌های جلبکی، هورمون‌ها و اسیدهای آمینه) خواهند کرد. در چنین شرایطی اراضی پسته‌کاری به تدریج به باغ بیابان‌های رها شده‌ای تبدیل خواهند شد که خصوصیات و پوشش طبیعی اولیه خود را از دست داده و در معرض فرسایش بیش از حد مجاز قرار خواهند گرفت. امروزه پدیده

در حال حاضر
موتورپمپ‌های
زیادی وجود دارد
که بادبی کمتر از ۱۰
لیتر بر ثانیه و تعداد
مالکین بالای
۱۵ نفر با سیستم
خرده‌مالکی
اداره می‌شوند و
طبیعتاً استفاده از
روش‌های نوین
آبیاری و یا مبارزه با
آفات و تغذیه آن‌ها
به دلیل خرده
مالکی زیاد دچار
چالش جدی
است و بخش
قابل توجهی از
باغ‌ها به دلیل
هزینه‌های زیاد و
عملکرد پایین،
غیراقتصادی و
رها شده و تولید
و اشتغال را تحت
تأثیر قرار خواهند
داد.





ساختمانی در بدن هنگام تولد گردد.

بنابراین با توجه به موارد ذکر شده، توجه به کاهش و مدیریت مصرف آفت‌کش‌ها و حرکت به سمت تولید محصول سالم و نهایتاً محصولات ارگانیک با تکیه بر کشاورزی پایدار امری ضروری می‌باشد. کشاورزی پایدار با شاخص مصرف کمتر کودهای شیمیایی و آفت‌کش‌ها، استفاده بهینه از خاک، آب و منابع تولید در کشاورزی و مدیریت تلفیقی آفات (IPM)، راهکاری برای حفاظت از محصول بر پایه مدیریت کشت بوم است که با ایجاد تعادل طبیعی، مخاطرات ناشی از خسارت آفات و صدمات زیست‌محیطی را کاهش می‌دهد. امروزه لازم است تا موارد فوق در باغ‌های پسته مورد توجه جدی قرار گیرد و ضمن جلوگیری از مصرف بی‌رویه سموم و خطرات زیست‌محیطی ناشی از آن، با تولید محصول عاری از باقیمانده سموم و سایر ترکیبات مضر زمینه مصرف محصول سالم در داخل کشور را فراهم و موانع صادراتی مرتبط با این موضوع برطرف گردد.

برخی راه‌کارهای علمی و کاربردی جهت استفاده بهینه از منابع و افزایش بهره‌وری پایدار

آبیاری:

گام اول در این بخش متناسب بودن سطح زیر کشت با میزان آب آبیاری مربوطه است، به نحوی که نیاز آبی

حتی محصول پسته نیز خواهد شد.

آفت‌کش‌ها از جمله آلاینده‌های مهم محیط‌زیست و تهدیدکننده امنیت غذایی و صادرات محصولات کشاورزی می‌باشند. اگرچه استفاده از آفت‌کش‌ها به صورت کنترل شده برای بشر مفید بوده و با استفاده از آن‌ها بسیاری از آفات و بیماری‌ها کاهش یافته یا از بین رفته است، اما در بیشتر کشورهای پیشرفته به‌طور جدی با آفت‌کش‌های مخاطره‌آمیز مبارزه می‌شود و استفاده از آن‌ها را بسیار محدود کرده‌اند. باقیمانده آفت‌کش‌های پایدار در هوا، باران، گردوخاک، رودخانه‌ها، دریاها، گیاهان، در بدن پرندگان، پستانداران و ماهی‌ها یافت می‌شوند. این ترکیبات از طریق وارد شدن در بدن جانوران آبی، خاکریزی و گیاهان و مصرف بعدی آن‌ها توسط حیوانات و سپس انسان، وارد بافت‌های انسان شده و در آن‌ها ذخیره و به تدریج بیماری‌ها و عوارض مختلفی را ایجاد می‌کنند. تماس با آفت‌کش‌ها می‌تواند از دو طریق شغلی و یا ناخواسته باعث انواع مسمومیت‌های حاد یا مزمن گردد. باقیمانده سموم می‌تواند در کوتاه‌مدت باعث انواع ناراحتی‌های پوستی، کلیوی و دستگاه تناسلی و در دراز مدت باعث بروز انواع سرطان‌ها، اختلالات و آسیب‌های سیستم عصبی و مغز، بیماری‌های روانی و تومورهای سیستم عصبی مرکزی، اختلال در سیستم تنفسی و ایجاد آسم، بروز پارکینسون، سقط جنین و اثرات مخرب

**قبل از احداث
باغ در کنار بررسی
وضعیت باغ از نظر
منابع آبی، خاک
و شرایط اقلیمی،
بررسی وضعیت
خاک از نظر وجود
عوامل بیماری‌گر
و خسارت‌زای
خاکریزی ضروری
است، زیرا در این
مرحله امکان
مبارزه بهتر و کم
هزینه‌تر با این
عوامل وجود دارد.**



شکل ۳- تصویر استفاده از سایبان در باغات بارور پسته به منظور جلوگیری از خسارت گرما و آفتاب‌سوختگی برگ و میوه پسته

حاصلخیزی آن اقدام نمود. کنترل شوری لایه‌ها به طور سالانه و آبشویی زمستانه به منظور جلوگیری از تجمع نمک، ایجاد و حفظ پوشش مناسب در سطح خاک به منظور حفظ رطوبت، متعادل نمودن دمای خاک و تقویت جمعیت و فعالیت موجودات زنده خاک از دیگر اقدامات سودمند است. لازم به ذکر است که خاک می‌تواند از طریق ترسیب و حفظ کربن، نقش قابل توجهی در کاهش غلظت گازکربنیک هوا و کاهش اثرات گلخانه‌ای آن داشته باشد.

باغبانی:

با توجه به گسترش کاشت پسته در اقصی نقاط کشور مخصوصاً در نواحی مرکزی، شمال شرق، شمال غرب و غرب کشور، لازم است تا به منظور جلوگیری از خسارت عوامل محیطی و دستیابی به حداکثر بهره‌وری، ظرفیت سنجی مناطق جدید و بررسی مزیت نسبی کاشت محصولات مختلف، بررسی شرایط آب و هوایی مناطق جدید موردنظر و تطابق آن با نیازهای اقلیمی کاشت پسته، استفاده از پایه و ارقام مناسب جهت باردهی حداکثری و رعایت اصول صحیح کارشناسی مخصوصاً انجام هرس فرم‌دهی جهت ایجاد باغ‌های مکانیزه مورد توجه جدی قرار گیرد تا بتوان در آینده ضمن کاهش هزینه‌ها، به تولید حداکثری و اقتصادی دست یافت و با سایر کشورهای تولیدکننده رقابت نمود. انجام موارد زیر در جهت اصلاح و اقتصادی نمودن باغ‌های بارور موجود نیز مؤثر خواهد بود:

درختان به‌طور کامل تأمین گردد و بتوان به حداکثر بهره‌وری و عملکرد دست یافت. رعایت موارد زیر در شرایط کنونی می‌تواند در جهت افزایش راندمان آب آبیاری و صرفه اقتصادی لازم مؤثر باشد:

- استفاده از سیستم آبیاری سطحی با عرض نوار ۲ متر و آبیاری یک در میان نوارها،
- استفاده از آبیاری قطره‌ای سطحی و زیرسطحی در مناطق با آب‌های غیرشور،
- استفاده از آبیاری کم فشار با لوله‌های پی‌وی‌سی سوراخ‌دار در مناطق با آب‌های شور،
- استفاده از آبیاری با لوله‌های تراوا و لوله‌های سیمانی،
- استفاده از خاک‌پوش‌های پلاستیکی، ماسه و مالچ‌های گیاهی.

خاک و تغذیه:

در مورد خاک لازم است که قبل از احداث، با حفر پروفیل و تشریح و مطالعه لایه‌ها، نسبت به عملیات اصلاحی لازم اقدام نمود. در مورد باغ‌های احداث شده هم می‌توان از طریق اجرای کانال کود نسبت به اصلاح خصوصیات فیزیکی لازم (بافت خاک، یکنواختی لایه‌ها، از بین بردن سخت لایه) به منظور بهبود تهویه، نفوذپذیری و گسترش ریشه و هم‌چنین غنی‌سازی و متعادل نمودن عناصر غذایی و افزایش میزان ماده آلی خاک جهت ارتقاء سطح

- انجام هرس اصولی، پوشاندن زخم هرس با چسب باغبانی حاوی قارچ‌کش بلافاصله پس از هرس و حذف و معدوم کردن شاخه‌های آلوده، مدیریت بهینه آبیاری و تغذیه جهت مدیریت بیماری‌هایی مانند سرخشکیدگی مؤثر است،
- در خصوص مدیریت پس‌یل معمولی پسته، ضمن حمایت از حشرات مفید، استفاده از ترکیباتی به غیر از سموم شیمیایی مانند صابون‌های کشاورزی و انجام محلول‌پاشی‌ها با توجه به مرحله زندگی آفت و نظارت بر محلول‌پاشی و انجام صحیح آن تأثیر بسزایی دارد،
- انجام آبیاری به نحوی که آب با طوقه تماس پیدا نکند (ایجاد تشتک در اطراف تنه و یا قرار دادن قطره‌چکان‌ها در فاصله مناسب از تنه) در مدیریت بیماری انگومک (گموز) پسته در باغ تأثیر مهمی دارد و در صورت نیاز از محلول‌پاشی با ترکیبات توصیه شده استفاده گردد.

سخن پایانی؛ چه باید کرد؟

اگرچه گذشتگان با تلفیق دانش و تجربه بومی تلاش قابل توجه و ارزشمندی در جهت اهلی کردن و اصلاح گونه‌های وحشی و تولید ارقام خوراکی پسته در قالب احداث و توسعه باغ‌های تجاری نموده‌اند، اما متأسفانه در حال حاضر بهره‌وری باغ‌های پسته بسیار پایین و لازم است تا با توجه به موارد فوق، صنعت پسته به لحاظ اقتصادی و زیست‌محیطی مورد بررسی کارشناسی دقیق‌تری قرار گیرد. امروزه تولید و توسعه در بخش کشاورزی نیز باید بر اساس توسعه دانش‌بنیان و بر محوریت مدیریت پایدار منابع طبیعی و محیط‌زیست باشد. از این‌رو ما نیازمند حمایت و پشتیبانی همه‌جانبه دولت، ارتقاء دانش و مشارکت همه‌جانبه کشاورزان و بهره‌برداران و تغییر رویکرد تولیدکنندگان به منظور افزایش بهره‌وری از منابع و نهاده‌های موجود در شرایط اقلیمی پیش‌رو هستیم. در پایان امید است که چالش‌ها و تغییرات اقلیمی و زیست‌محیطی مورد توجه جدی قرار گرفته و توسعه پایدار کشاورزی و بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی و حفظ محیط‌زیست در اولویت برنامه‌های کشور قرار گرفته و در مورد محصول پسته نیز با بازنگری جدی و اساسی الگوی فعلی تولید، بتوان از طریق مشارکت هماهنگ بخش‌های خصوصی، دولتی، دانشگاهی و پژوهشی و کاهش تصدی‌گری و افزایش نظارت هوشمند دولت، در جهت یک تولید پایدار اقتصادی گام برداشت. ♦♦

*- شکل‌های ۱ و ۲ برگرفته از نشریه شماره ۱۰۲ پژوهشکده پسته می‌باشند (حجت‌هاشمی‌نسب و همکاران، ۱۳۹۸). تغییرات آب و هوایی، گرمایش جهانی و تأمین نیاز سرمایی درختان پسته: چالش‌ها و راهکارها، (۵۰ صفحه)

- جایگزین نمودن «سرشاخه کاری» ارقام غیرتجاری با ارقام تجاری و پربازده به منظور افزایش عملکرد و بهره‌وری،
- اصلاح وضعیت باغ‌های موجود از نظر تعداد و پراکندگی ارقام و ژنوتیپ‌های گرده دهنده مناسب که دارای حداکثر تطابق زمان گلدهی با ارقام ماده تجاری باشند،
- توجه اصولی و کارشناسی به موضوع هرس باردهی درختان بارور به منظور کاهش سال‌آوری، تولید محصول سالم و افزایش عمر اقتصادی درختان،
- الزام استفاده از تجهیزات پیش‌بینی هواشناسی در هر منطقه/ مرکز خدمات کشاورزی/ تعاونی تولید روستایی جهت پیش‌آگاهی منطقه‌ای و به‌کارگیری وسایل مقابله با سرمازدگی بهاره مانند بخاری‌های باغی و وسایل مقابله با گرم‌زدگی تابستانه مانند سایبان‌ها (شکل ۳)،
- فرهنگ‌سازی و گسترش دامنه فعالیت صندوق بیمه محصولات کشاورزی (بیمه درآمد را به جای بیمه عملکرد در بیمه باغات پسته لحاظ و اجرایی نماید).

مدیریت آفات و بیماری‌ها:

قبل از احداث باغ در کنار بررسی وضعیت باغ از نظر منابع آبی، خاک و شرایط اقلیمی، بررسی وضعیت خاک از نظر وجود عوامل بیمارگر و خسارت‌زای خاک‌زی نیز ضروری است، زیرا در این مرحله امکان مبارزه بهتر و کم‌هزینه‌تر با این عوامل وجود دارد. پس از احداث باغ و در باغ‌هایی که سال‌های قبل احداث شده‌اند از آنجا که عوامل خسارت‌زا به‌طور معمول درختان ضعیف را ترجیح داده و روی آن‌ها مستقر می‌شوند، توجه به مدیریت تغذیه، آبیاری و باغبانی باغ ضروری است. تنظیم دستگاه‌های سم‌پاش و نازل‌های مورد استفاده و آموزش کارگران جهت محلول‌پاشی صحیح درختان از دیگر مواردی است که در نتیجه‌بخش بودن محلول‌پاشی‌ها نقش مؤثری دارد. به‌طور کلی می‌توان با شناسایی دقیق آفات و بیماری‌های موجود در باغ، توجه به عوامل کنترل بیولوژیک و حمایت از آن‌ها در محیط طبیعی، توجه به بهداشت باغ و به‌کارگیری مبارزه تلفیقی و غیر شیمیایی در زمان مناسب، ضمن کاهش مصرف سموم و جلوگیری از ایجاد مقاومت در مقابل یک روش مبارزه، بخش قابل توجهی از آفات مهم پسته را کنترل کرد.

مثال‌هایی از مدیریت تلفیقی آفات و بیماری‌ها در باغ‌های پسته که می‌تواند باعث کاهش مصرف سم، هزینه کمتر و اثربخشی بهتر شود:

- تعیین پیک پرواز جهت مشخص کردن زمان مناسب سم‌پاشی و انجام هرس شاخه‌های آلوده و جمع‌آوری و معدوم نمودن بقایای هرس به‌طور کامل تأثیر بسزایی در کاهش جمعیت آفت پروانه چوبخوار پسته دارد،



بررسی اقتصادی و تحلیل بهره‌وری استفاده از نهاده‌های کشاورزی در باغ‌های پسته



♦ دکتر محمد عبدالهی عزت‌آبادی

عضو هیئت‌علمی پژوهشکده پسته، موسسه تحقیقات علوم باغبانی

این مقاله برگرفته از سه پروژه تحقیقاتی می‌باشد که در پژوهشکده پسته کشور در سه حوزه بررسی اقتصادی مدیریت آبیاری، مدیریت مبارزه با آفات و مدیریت تغذیه باغ‌های پسته انجام شده است. برای فهم آسان‌تر، مقاله به سه بخش مدیریت آبیاری، مدیریت آفات و مدیریت تغذیه تقسیم شده است. در هر بخش نخست وضعیت موجود مدیریت باغ‌های پسته در دو شهرستان انار و رفسنجان در استان کرمان ارائه می‌گردد. در مرحله دوم، بهره‌وری استفاده از نهاده‌ها و عوامل مؤثر بر ارتقای آن ارائه خواهد شد. در نهایت، در انتهای هر بخش پیشنهاداتی جهت بهبود شرایط ارائه می‌گردد. (در این شماره، بخش مدیریت آبیاری و مدیریت آفات مورد بررسی قرار می‌گیرد).

مدیریت آبیاری باغ‌های پسته

الگوی مدیریت آبیاری در باغ‌های پسته شهرستان‌های انار و رفسنجان از جنبه‌های مختلف بسیار متفاوت می‌باشد. در زمینه میزان مصرف آب، در دامنه گسترده ۹۷۳ تا ۲۷۳۹۹ مترمکعب در هکتار در سال قرار دارد. این مسئله در خصوص کیفیت آب نیز صدق کرده و هدایت الکتریکی آب مورد استفاده در دامنه ۱۱۰ تا ۱۹۰۰۰

هکتار محصول پسته نشان می‌دهد که میانگین بازده نهایی مصرف آب در باغ‌های پسته دو شهرستان از ۶۶ تا ۸۴ گرم پسته بر متر مکعب آب و بازده متوسط ۱۲۰ گرم بر متر مکعب است. بازده نهایی آب معیاری جهت خرید آب اضافه برای باغ می‌باشد. به عبارت دیگر اگر مقدار بازده نهایی یک متر مکعب آب را در قیمت پسته ضرب کنیم ارزش خرید یک متر مکعب آب را نشان می‌دهد. حال اگر این ارزش را با قیمت خرید یک متر مکعب آب اضافه مقایسه نماییم مشخص خواهد شد که آیا خرید یک متر مکعب آب اضافه اقتصادی هست یا خیر؟ این در حالی است که بازده متوسط آب جهت مقایسه باغ‌های پسته مختلف کاربرد دارد. از دیدگاه اقتصادی، بهترین آب برای آبیاری باغ‌های پسته در محدوده هدایت الکتریکی حدود ۸ تا ۱۰ هزار میکرو موس بر سانتیمتر قرار دارد.

دو متغیر دیگری

که باعث افزایش

بهره‌وری استفاده

از آب در باغ‌های

پسته می‌شوند،

استفاده از

کودهای گاوی

و مرغی بوده و

استفاده از هر

دو کود صرفه

اقتصادی دارد.

همچنین استفاده

از ماسه بادی

نیز با کاهش

تبخیر از سطح

خاک، باعث

افزایش بهره‌وری

آب می‌گردد

و استفاده از

این نهاده نیز

اقتصادی است.

استفاده از

ماسه بادی برای

باغ‌های پسته‌ای

که با آب شور

آبیاری می‌شوند

منافع بالاتری نیز

ایجاد می‌نماید.

بررسی عوامل مؤثر بر بهره‌وری استفاده از آب در باغ‌های پسته نشان می‌دهد که یکی از این عوامل، بافت خاک می‌باشد. در آب‌های شیرین (با هدایت الکتریکی کمتر از ۸۰۰۰ میکرو موس بر سانتیمتر)، سنگین بودن بافت خاک باعث کاهش بهره‌وری استفاده از آب می‌گردد. این مسئله به علت فراهم شدن شرایط لازم برای رشد قارچ‌های مولد بیماری‌های پسته است. همچنین در آب‌های شور (با هدایت الکتریکی بالاتر از ۸۰۰۰ میکرو موس بر سانتیمتر)، بافت خاک سبک باعث افزایش بهره‌وری استفاده از آب می‌گردد. این مسئله به علت افزایش توانایی آبشویی خاک و خارج شدن املاح از دسترس گیاه می‌باشد. به طور کلی می‌توان گفت که بافت خاک سبک نسبت به بافت خاک سنگین بهره‌وری بالاتری را برای آب رقم می‌زند اما مکانیزم این تأثیرگذاری برای کیفیت‌های مختلف آب متفاوت است.

دو متغیر دیگری که باعث افزایش بهره‌وری استفاده از آب در باغ‌های پسته می‌شوند، استفاده از کودهای گاوی و مرغی بوده و استفاده از هر دو کود صرفه اقتصادی دارد. همچنین استفاده از ماسه بادی نیز با کاهش تبخیر از سطح خاک، باعث افزایش بهره‌وری آب می‌گردد و استفاده از این نهاده نیز اقتصادی است. استفاده از ماسه بادی برای باغ‌های پسته‌ای که با آب شور آبیاری می‌شوند منافع بالاتری نیز ایجاد می‌نماید. این موضوع به علت کاهش شوری ایجاد شده در سطح خاک می‌باشد. مصرف کودهای پتاسه نیز بهره‌وری استفاده از آب، بویژه آب‌های شور را بالا

میکروموس بر سانتیمتر واقع شده است. زمان استفاده از آب بر اساس نیاز آبی گیاه تنظیم نشده و بر اساس سهم مالکیت آب باغدار بوده و تقریباً به طور مساوی در طول سال پراکنده است. تنها در طول چند سال گذشته یک ماه خاموشی اجباری چاه‌های منطقه باعث شده است تا مصرف آب در یک ماه از سه ماه پاییز قطع شود. در بقیه سال نیز دور آبیاری بسیار متفاوتی مشاهده می‌شود. به طوری که از دور آبیاری حداقل ۷ تا حداکثر ۱۲۲ روز وجود دارد.

سیستم آبیاری مورد استفاده تنها در ۷ درصد باغ‌های پسته مورد مطالعه تحت فشار بوده و در ۹۳ درصد باقیمانده از سیستم آبیاری غرقابی استفاده می‌گردد. در سیستم غرقابی نیز دو روش نواری و کرتی مورد استفاده است. در خصوص عرض نوارها و مساحت کرت‌ها نیز پراکندگی گسترده‌ای در بین باغ‌های پسته مورد مطالعه وجود دارد، به طوری که عرض نوارها بین ۰/۵ تا ۷ متر و مساحت کرت‌ها نیز در دامنه ۵ تا ۲۵۰ قصب قرار دارند. چنان مشخص است، متغیرهای مختلف مدیریت آبیاری در بین باغ‌های پسته مورد مطالعه بسیار متفاوت بوده و این مسئله برنامه‌ریزی در این خصوص را با مشکل مواجه می‌نماید. این در حالی است که مطالعه فرگوسن و همکاران (۲۰۱۶) نشان می‌دهد که الگوی مدیریت آبیاری در باغ‌های پسته آمریکا تقریباً یکپارچه است. در این کشور، مصرف آب تنها در فصل رشد، در سیستم آبیاری تحت فشار و به میزان ۱۲۰۰۰ مترمکعب در هکتار در سال صورت می‌گیرد. یکی از دلایل بالا بودن عملکرد محصول پسته آمریکا در مقایسه با ایران، همین سیستم آبیاری یکنواخت و با میزان مصرف بالای آب و کارایی بالا می‌باشد.

وجود سیستم مدیریت آبیاری پراکنده و محدودیت‌های مختلف باعث شده است تا پسته کاران شهرستان‌های انار و رفسنجان، به‌طور فردی، به سمت مقابله با این مشکلات حرکت نموده و لذا نوآوری‌هایی در این زمینه داشته باشند. یکی از این نوآوری‌ها مخلوط نمودن آب چاه‌های مختلف جهت تنظیم کمیت و کیفیت آب می‌باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که کشاورزان در راه استفاده از این تکنیک با محدودیت‌های مختلفی همچون ممنوعیت انتقال آب یک چاه به اراضی چاه دیگر، مشکلات فنی انتقال آب و مشکل توپوگرافی مواجه می‌باشند. لذا، این نوآوری نتوانسته است تا نقش تخصیص بهینه منابع را به خوبی بازی کند. بررسی تأثیر کمیت و کیفیت آب آبیاری بر عملکرد در

الگوها حرکت نموده و از طرف دیگر در زمان ارائه توصیه‌های ترویجی مختلف، به تنوع الگوهای مدیریتی آب توجه نمود.

۲. گسترده بودن الگوهای مدیریت آبیاری و در کنار آن محدودیت‌های فنی، قانونی و محیطی، تخصیص بهینه آب در منطقه مورد مطالعه را با مشکل مواجه نموده است. برای رفع این مشکلات پیشنهاد می‌شود تا بازار آب راه‌اندازی شده و لوازم اجرای آن تهیه گردد.

۳. با توجه به ناهمگن بودن شرایط باغ و سایر مدیریت‌ها، انجام مطالعات میدانی مربوط به مدیریت آبیاری در سطوح منطقه‌ای کوچک‌تر چون روستا انجام شود.

۴. ارزش‌گذاری آب در منطقه بر اساس ارزش تولید نهایی انجام گیرد. همچنین کیفیت آب و بافت خاک نیز با توجه به نقش آن‌ها در بهره‌وری آب، در تعیین ارزش آب محاسباتی مدنظر قرار گیرد.

۵. از آنجایی که کاربرد کودهای گاوی، مرغی، پتاسه، ماسه بادی و گاوآهن باعث افزایش بهره‌وری استفاده از آب می‌شوند، از این نهاده‌ها می‌توان جهت افزایش بازدهی آب در باغ‌های پسته بهره گرفت.

۶. برای افزایش بهره‌وری استفاده از آب، دیدگاه‌های کشاورزان در خصوص حفاظت از منابع آب در سمت عرضه و استفاده بهتر از آب در سمت تقاضا تقویت گردد.

۷. برای افزایش گرایش کشاورزان به سمت استفاده بیشتر از سیستم‌های آبیاری آب اندوز، سرمایه انسانی در بخش کشاورز تقویت یافته، ارتباطات اجتماعی و انتظارات کشاورزان به نفع این سیستم‌ها تغییر کند و شرایط فنی باغ‌های پسته در جهت استفاده از چنین سیستم‌ها احیاء و اصلاح گردد.

مدیریت مبارزه با آفات در باغ‌های پسته

الگوی مدیریت مبارزه با آفات استفاده شده توسط کشاورزان، بویژه در خصوص مبارزه با پسپیل پسته، در دوره‌های مختلف تفاوت‌های گسترده‌ای با هم دارد. این تفاوت‌ها به دو علت می‌باشد. علت نخست، شرایط آب و هوایی (نوسانات دمایی زمستان، سرمای اسفند، دمای بالای هوا در تابستان و بویژه بارندگی) است. دومین علت، معرفی سم جدید برای مبارزه با پسپیل می‌باشد. میزان بارندگی بیشتر به‌ویژه در ماه‌های اسفند، فروردین و اردیبهشت باعث می‌شود تا جمعیت پسپیل پسته تا اندازه‌ای کنترل شود. همچنین معرفی سمی که قبلاً در باغ‌های پسته مصرف نشده و آفت مقاومتی نسبت به

برده و استفاده از این کودها صرفه اقتصادی بالایی دارد. متغیر دیگری که باعث بالا رفتن بهره‌وری استفاده از آب می‌گردد، استفاده از گاوآهن می‌باشد. گاوآهن نمودن باغ، به علت بالا بردن درصد آبشویی، باعث می‌شود تا بهره‌وری استفاده از آب بالا رود.

علاوه بر عوامل فنی مؤثر بر بهره‌وری استفاده از آب، چند متغیر اقتصادی اجتماعی نیز در این خصوص مؤثر می‌باشند. کشاورزانی که دارای باغ پسته‌ها شده هستند، بهره‌وری استفاده از آب پایین‌تری دارند. همچنین کشاورزانی که از سطح دانش آبیاری بالاتری برخوردار هستند، از آب با بهره‌وری بالاتری استفاده کرده‌اند. علاوه بر این، کشاورزانی که اعتقاد به اصول حفاظت از منابع آب داشته و استفاده از روش‌ها و تکنیک‌های مناسب در سمت تقاضای آب را عامل مقابله با کم آبی می‌دانند، بهره‌وری استفاده از آب بالاتری دارند.

سه گروه از متغیرهای اقتصادی - اجتماعی بر انتخاب الگوی مناسب مدیریت آبیاری مورد استفاده در باغ‌های پسته، بویژه استفاده از سیستم آبیاری تحت فشار در باغ مؤثر هستند. در گروه نخست، یعنی سرمایه‌های انسانی، سه عامل سواد عمومی کشاورز، دانش کشاورز در خصوص مدیریت آبیاری و مطالعه نشریات ترویجی تأثیر مثبت بر انتخاب سیستم آبیاری تحت فشار داشته‌اند. گروه دوم مربوط به ارتباطات و انتظارات اجتماعی و اقتصادی افراد می‌باشد. در این زمینه داشتن شغل فرعی و اعتقاد به انتقال آب بین حوضه‌ای باعث شده تا استفاده از سیستم‌های آبیاری تحت فشار کاهش یابد، به عبارت دیگر، در مواردی که کشاورزان گشایش را در زمینه‌هایی به غیر از استفاده درست از آب، جستجو می‌کنند، تمایل استفاده از سیستم‌های آبیاری تحت فشار کاهش یافته است. هر چند که این راه‌حل‌ها در بعضی موارد غیرممکن و غیرواقعی بوده، اما در عمل تأثیر منفی خود را بر جا گذاشته است. گروه سوم متغیرها مربوط به ویژگی‌های باغ می‌باشند. در این زمینه وجود باغ پسته استاندارد و بدون مشکل فنی با فاصله ردیف بیشتر، عواملی بوده‌اند که باعث شده تا تمایل و توانایی استفاده از سیستم‌های آبیاری تحت فشار را افزایش داده و در نتیجه، کاربرد این سیستم‌ها افزایش یافته است.

در پایان با توجه به وضعیت موجود مدیریت آبیاری در باغ‌های پسته پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

۱. با توجه به الگوهای مدیریت آبیاری گسترده در باغ‌های پسته، از طرفی بایستی به سمت یکپارچه‌سازی

علاوه بر مدیریت
آبیاری، نحوه
طراحی باغ نیز بر
میزان بهره‌وری
استفاده از سم
مؤثر می‌باشد. به
طوری که باغ‌های
پسته با ردیف‌های
درخت شرقی
غربی نسبت به
باغ‌های پسته
با ردیف‌های
شمالی جنوبی، از
بهره‌وری بالاتری
در زمینه استفاده
از سم برخوردارند.
همچنین بهترین
فاصله ردیف
درختان برای
داشتن بالاترین
بهره‌وری استفاده
از سم، بین ۶ تا ۷
متر می‌باشد.

متغیر مؤثر بر عملکرد پسته، دانش کشاورزان در خصوص نحوه مبارزه شیمیایی و غیر شیمیایی با آفات می‌باشد. هر چه این دانش افزایش یابد، عملکرد در هکتار باغ‌های مورد مطالعه نیز افزایش می‌یابد. در مقابل، کشاورزانی که در مبارزه با آفات پسته، استراتژی تقلید از دیگران را دنبال می‌کنند، با این کار خود باعث کاهش عملکرد در هکتار محصول شده‌اند. از لحاظ تاثیرگذاری بر عملکرد محصول، مبارزه با آفات پسیل، زنجره، کراش، شیشک، چوبخوار و سن از اولویت‌های اول تا ششم برخوردار هستند. بررسی اقتصادی مبارزه با آفات پسته نیز نشان می‌دهد، با توجه به منافع و هزینه‌ها، به طور میانگین، سم‌پاشی تا ۱۸ نوبت در سال نیز برای باغ‌های پسته اقتصادی می‌باشد. به عبارت دیگر، به علت منافع بالای ناشی از مبارزه با آفات پسته، انگیزه اقتصادی زیادی برای استفاده از سم وجود دارد.

بررسی عوامل مؤثر بر بهره‌وری استفاده از سم در باغ‌های پسته مورد مطالعه نشان داد که مقدار و کیفیت آب مورد استفاده دو متغیر کلیدی در این زمینه می‌باشد. هر چه مقدار آب مصرف شده در هکتار

آن ندارد، در مدیریت مبارزه با آفات بسیار مؤثر است. این مسئله نشان می‌دهد که دو عامل شرایط آب و هوایی و سیستم معرفی، عرضه و توزیع سم دو نقش اساسی در مدیریت آفات بازی می‌کنند. نقش نخست تعیین الگوی مدیریت آفات بوده و نقش دوم تأثیر بر عملکرد محصول پسته از طریق تأثیرگذاری بر میزان اثرگذاری الگوی مدیریتی انتخاب شده می‌باشد. به عبارت دیگر، این دو عامل هم تعیین‌کننده الگو بوده و هم تعیین‌کننده اثرگذاری الگوی تعیین شده می‌باشند.

برخلاف پسیل، کشاورزان در زمینه آفات دیگر پسته شامل چوبخوار، سن، سنک، زنجره، میوه‌خوار، شیشک و پوست‌خوار کمتر الگوی سمپاشی تخصصی را مورد استفاده قرار می‌دهند. این در حالی است که نزدیک به ۹۰ درصد پسته کاران یک نوبت سمپاشی را تحت عنوان سم گل در زمان گلدهی مورد استفاده قرار می‌دهند که تا حدودی آفات نامبرده را کنترل می‌نماید. به عبارت دیگر، اکثر کشاورزان در زمان گل، به تقلید از دیگران و بدون توجه به وجود یا عدم وجود آفت، باغ خود را سمپاشی می‌کنند. در خصوص مبارزه غیر شیمیایی با آفات پسته، سوسک سرشاخه‌خوار (سوسکو)، شب‌پره هندی، پروانه چوبخوار، پسیل معمولی، کاپنودیس و سن در اولویت‌های اول تا ششم قرار دارند. در زمینه سایر آفات، هیچ‌گونه مبارزه غیر شیمیایی در بین کشاورزان رایج نمی‌باشد. در این زمینه، تنها در خصوص آفاتی مانند سوسک سرشاخه‌خوار و آفت انباری شب‌پره هندی، مبارزه غیر شیمیایی موفق عمل کرده است. این در حالی است که در خصوص سایر آفات مهم پسته و بویژه پسیل، روش‌های غیر شیمیایی مورد استفاده کشاورزان موفق عمل نکرده است. به طوری که کشاورزان از روش‌های غیر شیمیایی به عنوان جایگزین روش‌های شیمیایی استفاده نکرده بلکه به عنوان مکمل مورد بهره‌برداری قرار داده‌اند. لذا روش‌های غیر شیمیایی نتوانسته است تا میزان مصرف سم در باغ‌های پسته را در رابطه با آفات ذکر شده کاهش دهد، هر چند که مصرف سم در رابطه با سوسک سرشاخه‌خوار و شب‌پره هندی کاهش داده است.

بررسی نقش عوامل مختلف مدیریت مبارزه با آفات پسته بر عملکرد در هکتار این محصول نشان می‌دهد که نخستین متغیر تأثیرگذار نوع سم مورد استفاده می‌باشد. بعضی سموم در کنترل آفت کم و یا دیر تأثیر کرده و باعث ادامه خسارت آفت می‌شوند و لذا رشد رویشی و زایشی درخت کاهش می‌یابد. دومین



افزایش یافته (تا میزان ۱۳۵۰۰ متر مکعب در هکتار در سال) بهره‌وری استفاده از سم نیز افزایش می‌یابد. علاوه بر این، بهترین EC آب مصرفی در باغ‌های پسته که به بیشترین میزان بهره‌وری استفاده از سم می‌انجامد، بین ۸ تا ۹ هزار میکروموس بر سانتیمتر می‌باشد. این دو متغیر نشان می‌دهد که برای اینکه بتوان بیشترین تأثیرگذاری از مدیریت مبارزه با آفات را داشته باشیم و در ازای یک لیتر سم مصرفی، محصول بیشتری را برداشت نماییم، در گام نخست بایستی باغ پسته‌ای با مصرف آب مناسب طراحی نماییم. به عبارت دیگر، نمی‌توان تمام ناکارایی‌های ناشی از روش‌های کنترل آفات را منتج از مدیریت مبارزه دانست بلکه مدیریت سایر نهاده‌ها از جمله آب، نقش مهمی در این زمینه دارد. علاوه بر مدیریت آبیاری، نحوه طراحی باغ نیز بر میزان بهره‌وری استفاده از سم مؤثر می‌باشد. به طوری که باغ‌های پسته با ردیف‌های درخت شرقی غربی نسبت به باغ‌های پسته با ردیف‌های شمالی جنوبی، از بهره‌وری بالاتری در زمینه استفاده از سم برخوردارند. همچنین بهترین فاصله ردیف درختان برای داشتن بالاترین بهره‌وری استفاده از سم، بین ۶ تا ۷ متر می‌باشد. وجود باغ‌های پسته رها شده، در نزدیک باغ‌های دایر، باعث کاهش بهره‌وری استفاده از سم می‌شود. در مقابل افزایش سطح سواد عمومی کشاورزان و دانش تخصصی آن‌ها در خصوص مدیریت مبارزه با آفات پسته، باعث بالا رفتن بهره‌وری استفاده از سم می‌گردد. متغیر دیگری که بر بهره‌وری استفاده از سموم مؤثر است، نوع سم مورد استفاده می‌باشد. بررسی نقش عوامل اقتصادی - اجتماعی بر انتخاب الگوی مبارزه با آفات پسته نشان می‌دهد که افزایش سن کشاورزان باعث کاهش احتمال استفاده از روش‌های علمی شیمیایی و غیر شیمیایی مبارزه با آفات پسته می‌شود. در مقابل، افزایش سطح سواد کشاورزان، ارتباط با کانال‌های ترویجی و افزایش سطح زیر کشت پسته این احتمال را افزایش داده است.

در پایان با توجه به وضعیت موجود مدیریت مبارزه با آفات در باغ‌های پسته پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

- ۱- با توجه به نقش کلیدی اقلیم در مدیریت مبارزه با آفات پسته، انجام کارهای تحقیقاتی و سپس ترویجی در جهت استفاده بهینه از این فاکتور مهم باید مورد توجه قرار گیرد. در این خصوص، احداث ایستگاه‌های هواشناسی کشاورزی در مناطق مختلف مورد توجه جدی قرار گیرد.

۲- در خصوص بازار فروش سموم مبارزه با آفات پسته، باید دو نکته مورد توجه قرار گیرد. با توجه به نتایج تحقیق، اولین نیاز، پایش و نظارت سموم موجود در بازار می‌باشد و دومین نکته، پیگیری مداوم در جهت آزمایش و معرفی سموم جدید است.

۳- تا حد امکان، مبارزه با آفات پسته به صورت تخصصی انجام شده، دانش کشاورزان در این زمینه افزایش یافته و باورهای غلطی چون سم گل که در بین کشاورزان وجود دارد، اصلاح شود. این نوع باورها باعث می‌شود تا در بسیاری از موارد، علی‌رغم عدم وجود آفت در باغ، سم‌پاشی صورت گیرد که از لحاظ اقتصادی و زیست‌محیطی زیان‌بار خواهد بود.

۴- با توجه به عدم تأثیرگذاری استفاده از روش‌های غیرشیمیایی مبارزه با آفات پسته در کاهش استفاده از سم، بهتر است به دو نکته توجه شود. در گام نخست روش‌های غیرشیمیایی مؤثر معرفی شده و نحوه استفاده از آن‌ها ترویج گردد، سپس منطق استفاده از روش‌های غیرشیمیایی که همان جایگزینی با روش‌های شیمیایی می‌باشد، به کشاورزان شرح داده شود. به عبارت دیگر، کشاورزان از این موضوع مطلع شوند که هدف استفاده از روش‌های غیرشیمیایی تنها افزایش تولید نبوده بلکه کاهش خطرات زیست‌محیطی و تولید محصول سالم و عاری از سم و تولید ارگانیک نیز بایستی پیگیری شود.

۵- با توجه به منافع اقتصادی بالای ناشی از مبارزه شیمیایی با آفات پسته، انگیزه زیادی برای مصرف سم وجود دارد؛ بنابراین اگر علاوه بر منافع اقتصادی، اهداف دیگری چون پایداری و حفاظت از محیط‌زیست و موارد دیگر دنبال می‌شود، بایستی ابزارهای مناسب در این خصوص تعریف شده و اجرا گردد. به عبارت دیگر، واگذاری الگوی مبارزه با آفات پسته به بازار و تصمیم‌گیری بر اساس معیارهای اقتصادی صرف، به محیط‌زیست سالمی منجر نخواهد شد.

۶- برای افزایش بهره‌وری استفاده از سم، علاوه بر بهبود مدیریت مبارزه با آفات، بایستی مدیریت آبیاری و طراحی اولیه باغ نیز مورد توجه قرار گیرد. در این خصوص و با توجه به مناطق مختلف جغرافیایی، نوع وزش باد، زاویه تابش آفتاب و...، الگوهای مناسب احداث باغ می‌تواند به بهره‌وری بالاتر استفاده از سم منجر شود.

۷- با توجه به تأثیر منفی باغ‌های پسته رها شده بر بهره‌وری استفاده از سم، سیاست مناسبی در جهت مدیریت این باغ‌ها طرح‌ریزی شود. ♦♦



گفت‌وگو با دکتر «احمد احمدپور» عضو هیئت علمی و معاون آموزشی مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی جنوب استان کرمان

حلقه‌های ناموزون زنجیره تولید و عرضه

رشد نامتوازن حلقه‌های زنجیره تولید تا مصرف، مهم‌ترین مشکل کشاورزی منطقه جنوب استان کرمان است. با وجود مشکلات این بخش، جنوب استان در تولید و حتی تولید محصول سالم آنچنان با چالش روبرو نیست که با مشکلات در موضوع بازاریابی، بسته‌بندی، فرآوری، نگهداری و حمل‌ونقل. در واقع به تناسب رشد کشاورزی، صنایع وابسته و پشتیبان بخش در منطقه رشد نکرده است. مشروح گفت‌وگو با دکتر احمد احمدپور عضو هیئت علمی و معاون آموزشی مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی جنوب استان کرمان را در ادامه بخوانید.

شوند. واردات ناپهنگام بعضی محصولات، تعرفه‌های سنگین و سیاست‌های خلق‌الساعه صادراتی، کشاورز را سردرگم کرده و هیچ برنامه مشخصی وجود ندارد. کشاورز باید فقط دغدغه تولید را داشته باشد و نگران فروش محصول نباشد، در حالی که روح و روان کشاورز در زمان عرضه محصول بسیار درگیر و آزرده‌خاطر می‌شود.

♦♦ **به نظر شما حلقه یا حلقه‌های مفقوده زنجیره عرضه محصولات کشاورزی جنوب استان کرمان کدامند، چرا برای رفع چالش‌های این حوزه که متأسفانه جنبه تاریخی پیدا کرده است، چاره‌ای اندیشیده و انجام نمی‌شود؟**

شاید مهم‌ترین مشکل در جنوب استان کرمان در حوزه کشاورزی هماهنگ نبودن یا رشد ناموزون حلقه‌های زنجیره تولید تا مصرف باشد. کشاورزی جنوب با همه مشکلات در بحث تولید و حتی تولید محصول سالم خیلی چالش خاصی ندارد، معذالک، در بحث مارکتینگ و بسته‌بندی، فرآوری و نگهداری و حمل‌ونقل محصول مشکلات عدیده‌ای دارد؛ در واقع به تناسب رشد کشاورزی، صنایع وابسته و پشتیبان بخش در منطقه رشد نکرده است. عدم وجود صنایع تبدیلی مناسب، انبارهای پیشرفته و تخصصی نگهداری محصول، سیستم‌های بسته‌بندی پیشرفته و ... با توجه به ماهیت فسادپذیری بسیاری از محصولات کشاورزی،

♦♦ **تولید اقتصادی و افزایش درآمد کشاورزان با واقع‌بینی در گرو چه سیاست‌گذاری‌ها و اقداماتی است؟**

کشاورزی منطقه به لحاظ شرایط خاص موجود نیازمند حمایت همه‌جانبه حاکمیت از جمله تأمین نهاده‌ها (کود، سم، بذر و ...) در زمان مناسب و با ارز دولتی، سیاست‌گذاری برای حضور فعال در بازارهای منطقه بویژه حاشیه خلیج فارس و دریای خزر، سیاست‌های حمایتی در تعیین تعرفه‌های صادراتی، اصلاح تعرفه‌ها و تقویت صندوق بیمه حمایت از محصولات کشاورزی می‌باشد.

♦♦ **در کل اگر چه شرایط اقلیمی، آب و خاک و نیروی انسانی در کشور بزرگ و پهناورمان برای تولید محصولات کشاورزی فراهم است، چرا غالباً تولیدکننده و مصرف‌کننده ما با بحران قیمت در تولیدات کشاورزی روبرو هستند؟**

متأسفانه در دهه‌ی اخیر با شرایط بحرانی تغییر اقلیم، چالش کمبود آب، کاهش کیفیت آب و خاک، کشاورزان و باغداران منطقه را با مشکل مواجه کرده و تولید محصول در چنین شرایطی بسیار سخت و پرهزینه است. برنامه مشخص و مدونی در زمینه الگوی کشت، میزان و نوع تولید محصول وجود ندارد و گاهی کشاورز با افزایش تولید محصول با عدم وجود بازار مناسب روبرو شده و حضور دلالت باعث شده هم تولیدکننده و هم مصرف‌کننده متضرر

بنابراین برای صادرات باید بازاریابی از قبل صورت گرفته باشد و سیستم بسته‌بندی و حمل‌ونقل به گونه‌ای باشد که محصول در حداقل زمان به دست مصرف‌کننده نهایی برسد، ضمن اینکه تعرفه‌های صادراتی در حدی باشد که برای کشاورز مقرون به صرفه باشد. از طرف دیگر صادرات در زمان مشخص و به موقع صورت گیرد تا محصول از کیفیت و کمیت مناسبی برخوردار باشد.

◆ به نظر شما چرا بخش کشاورزی وارد مرحله صنعتی نمی‌شود تا به تولیدات در کلاس جهانی و قابل رقابت در بازارهای بین‌المللی برسد؟

دقیقاً مهم‌ترین چالش بخش کشاورزی منطقه جنوب استان همین است که در سؤال ۳ به آن اشاره کردم. بسیاری از محصولات تولیدی منطقه به لحاظ ماهیت فسادپذیری باید به صورت تبدیل شده و در بسته‌بندی با تکنولوژی روز دنیا به بازار عرضه شوند که متأسفانه این چنین نیست. حضور صنایع تبدیلی وابسته به بخش کشاورزی منوط به حمایت دولت از بخش خصوصی و دادن یارانه مناسب است. در بحث نگهداری و بسته‌بندی هم

عمدتاً محصولات باغی، سبزی و صیفی، حلقه‌های مفقوده زنجیره تولید در جنوب استان است.

◆ شما به طور کلی عملکرد خرید تضمینی محصولات کشاورزی در کشور را چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

خرید تضمینی محصولات استراتژیک در دنیا یکی از مهم‌ترین چترهای حمایتی دولت‌هاست، اما در ایران خرید تضمینی در قالب کشاورزی قراردادی دیده نشده و گاهی با افزایش تولید یک محصول خرید تضمینی بدون توجه به هزینه‌های تولید شروع می‌شود در حالی که خرید تضمینی در شروع فصل کشت باید اعلام گردد تا کشاورز بر اساس سود و زیان اقدام به کشت آن محصول نماید.

◆ تحویل بازارهای گسترده صادراتی برای محصولات کشاورزی بویژه تولیدات کشاورزی منطقه جنوب استان کرمان در گرو چه برنامه‌ها و اقداماتی است؟

عمده محصولات کشاورزی جنوب استان در بخش باغبانی بوده و معمولاً فسادپذیر و دارای عمر انباری کمی هستند،



◆ در صورتی که توضیحات تکمیلی دارید، بفرمایید.

کشاورزی در جنوب استان کرمان مهم‌ترین منبع درآمد بخش عظیمی از مردم منطقه است و به صورت مستقیم و غیرمستقیم معیشت بیش از ۷۰ درصد مردم به کشاورزی و درآمدهای حاصله وابسته است، بنابراین با توجه به خشکسالی‌های اخیر، افزایش هزینه نهاده‌های کشاورزی، بحث سوخت و انرژی، صنایع و حمل‌ونقل و ... ضرورت دارد،

دولت برنامه‌ریزی مناسبی برای استفاده از این ظرفیت خدادادی تدوین نماید و نمایندگان محترم مردم در مجلس شورای اسلامی پیگیر مطالبات به حق مردم باشند.

ارتباط مردم، بخش دولتی، تشکلهای خصوصی و مدیران منطقه‌ای و استانی در تکمیل چرخه تولید و عرضه محصولات کشاورزی منطقه بسیار مؤثر بوده و امیدوارم شاهد شکل‌گیری ارتباطات این‌چنینی در منطقه و استان باشیم و اتاق بازرگانی در جنوب و شمال استان به عنوان محور برنامه در اجماع نظرات دوستان بیش از پیش نقش‌آفرین باشد. ◆◆

حضور پرننگ صنعت ضروری است. از طرفی سامان‌دهی حمل‌ونقل هوایی برای حضور در بازارهای جهانی بسیار مهم است.

◆ در مورد تشکلهای بخش کشاورزی و زمینه توسعه تشکلهای مؤثر که بتوانند متولی گری این بخش را در حوزه جنوب استان کرمان عهده‌دار شوند، توضیح دهید.

تشکلهای صنفی در بخش کشاورزی یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تولید و بویژه عرضه محصولات کشاورزی است که متأسفانه در جنوب استان علی‌رغم ظرفیت و پتانسیل بالقوه در بخش، به اندازه کافی توسعه نیافته و اثربخشی مناسبی نداشته است. وجود تشکلهایی مثل اتحادیه باغداران، گلخانه داران، سیب‌زمینی و پیاز کاران در جنوب کرمان بسیار ضروری و مؤثر است؛ البته باید با هماهنگی بخش دولتی و به صورت مستقل تحت حمایت اتاق بازرگانی استان فعالیت نمایند و اعتماد کشاورزان را به دست آورند. بویژه در بحث صادرات که معمولاً پیمانکاران صادراتی با تشکلهای انجمن‌های صنفی هماهنگ کرده و کمتر به طور مستقیم با کشاورز و باغدار ارتباط برقرار می‌کنند.



صنعت طیور در استان کرمان



♦ مریم رضایی پور

کارشناس ارشد طیور سازمان جهاد کشاورزی استان کرمان، معاونت بهبود تولیدات دامی، معاون مدیر امور طیور

استان کرمان با مساحتی بیش از ۱۸۰ هزار کیلومتر مربع (۱۱,۲ درصد مساحت کل کشور) در جنوب شرق کشور واقع شده و بخش‌های وسیعی از استان کرمان، کویری و بیابانی می‌باشد و تنها ۶,۷ درصد از آن معادل ۱,۳ میلیون هکتار، قابل کشت است.

تنوع آب و هوایی در استان، استعدادهای بالقوه‌ای را برای استان فراهم کرده است. یکی از اهداف مهم وزارت جهاد کشاورزی در سطح کشور و استان، ایجاد امنیت غذایی است. با توجه به رشد روزافزون جمعیت و نیاز بیشتر به پروتئین حیوانی و مواد مغذی و از طرفی محدودیت و مشکلات مراتع کشور در راستای تولید گوشت قرمز، موجب شد، افزایش تولید گوشت سفید در الویت برنامه‌ها قرار گیرد. تولید گوشت مرغ به دلیل طول دوره پرورش کوتاه و برگشت سریع سرمایه، بسیار مناسب، اقتصادی و توجیه‌پذیر است. مصرف گوشت سفید هم به دلیل داشتن چربی کمتر و پروتئین بیشتر، نسبت به گوشت قرمز و همچنین هماهنگی نسبی با توان مالی مردم نسبت به گوشت قرمز و سلیقه و ذائقه مصرف‌کنندگان روز به روز، بیشتر می‌شود.

نقاط قوت استان کرمان در صنعت طیور

- وجود یک واحد پرورش مرغ اجداد با ظرفیت ۷۵۰۰۰ قطعه که جوجه یک روزه مادر گوشتی را تولید و تأمین می‌نماید،
- وجود سه واحد پرورش مرغ مادر (ماهان، عرب و سیمرغ)، با ظرفیت ۴۶۶۰۰۰ قطعه، جهت تولید و تأمین جوجه یک روزه به مزارع پرورش مرغ گوشتی استان و خارج استان،

- وجود بیش از ۷۰۰ واحد پرورش مرغ گوشتی در سطح استان که مجهز به تأسیسات و امکانات اتوماتیک، نیمه اتوماتیک و... می‌باشند،
- وجود کارخانجات خوراک دام و طیور که در آماده‌سازی و عرضه دان جهت واحدهای پرورش مرغ گوشتی سطح استان نقش اساسی دارند،
- وجود کارخانه مکمل سازی آدان دانه (تنها مکمل سازان طیور در جنوب شرق کشور) در استان،
- وجود ۱۴ کشتارگاه صنعتی طیور در سطح استان که وظیفه کشتار و بسته‌بندی گوشت استحصالی مرغ را به عهده دارند،
- وجود فروشگاه‌های متعدد عرضه مواد پروتئینی در سطح استان جهت عرضه گوشت مرغ استحصالی.
با توجه به این که تولید گوشت مرغ، نسبت به گوشت قرمز از شکل صنعتی‌تری برخوردار است و به لحاظ ارزش غذایی مزیت‌هایی (ارزش غذایی) نیز بر گوشت قرمز دارد، بار سنگین افزایش قیمت گوشت قرمز را به عنوان یک منبع پروتئین حیوانی جایگزین، تحمل می‌نماید. البته گرایش عموم به مصرف بیشتر گوشت مرغ، فرصتی است برای بخش دولتی و تولیدکنندگان که با توسعه پایدار این بخش برخورد جدی‌تری داشته باشند و زمینه‌های تولید اقتصادی‌تر این فرآورده پروتئینی را فراهم نمایند. متأسفانه در حال حاضر ساختار تولید گوشت مرغ با چالش‌هایی روبرو است که به منظور تولید بهینه و افزایش بهره‌وری است که زنجیره‌های منسجم و یکپارچه (Integretion) که هرکدام سهم عمده‌ای از تولید گوشت مرغ کشور را داشته باشند، تشکیل شوند. در باب منافع سیستم یکپارچه و



جوجه یک روزه در نیمه دوم بهمن و نیمه اول اسفند سال ۱۳۹۸ و به دنبال آن کاهش شدید قیمت مرغ زنده، به دلیل افزایش عرضه و کاهش تقاضای این محصول موجب شد تا بیش از ۱۴ درصد هزینه تولید مرغ زنده در فروردین ۱۳۹۹، مربوط به قیمت جوجه یک روزه باشد. کاهش در جوجه‌ریزی مزارع پرورش مرغ گوشتی، به دلیل نامساعد بودن شرایط تولید، افزایش قیمت مرغ زنده و کاهش قیمت جوجه یک روزه، کاهش سهم بهای جوجه یک روزه از قیمت مرغ زنده را به دنبال داشت. مجموع این عوامل، موجب زیان سنگین واحدهای پرورش مرغ مادر شد که متعاقب آن باعث افزایش قیمت مصوب جوجه یک روزه (جهت پیشگیری و کاهش خسارت به واحدهای پرورش مرغ مادر تولیدکننده جوجه یک روزه) شد.

نحوه تحویل نهاده‌های خریداری شده از شرکت‌های مربوط: در حال حاضر هر مرغدار بعد از این که جوجه ریزی‌اش را در سامانه سماط ثبت کرد، می‌تواند شخصاً سهمیه نهاده‌اش را از سامانه بازارگاه خریداری نماید، اما متأسفانه نهاده خریداری شده، بلافاصله به دست مرغدار نمی‌رسد، بلکه گاهی بیش از ۲۰ روز طول می‌کشد و مرغدار را با مشکل جدی تأمین نهاده روبرو می‌کند. این موضوع از اهمیت ویژه‌ای در قیمت تمام شده و مسئله بهداشت و اشاعه آلودگی‌ها، برخوردار است.

عدم وجود نقدینگی کافی در اختیار تولیدکنندگان، وجود آلودگی‌ها و بیماری‌های شایع فصلی و غیر فصلی که گاهی تلفات نامتعارف را سبب می‌گردد، وجود واسطه‌های متعدد در مسیر تولید، وجود کشاورزی گسترده در استان و حمل و استفاده بیش از حد (بالای ۷۰ تا ۸۰ درصد) از کود مرغ استان‌های سراسر کشور و به تبع آن اشاعه و افزایش آلودگی‌ها از این طریق که تهدید جدی جهت مرغداری‌های استان به شمار می‌رود، - ترانزیت کود به دلیل مصرف کود از جنوب کشور و عبور از مسیر ترانزیتی که این موضوع باعث پخش و توزیع آلودگی‌ها و به تبع مشکلات مرتبط می‌باشد، - وجود مشکلات عدیده سیستم حمل‌ونقل نهاده‌ها، - پرت دان،

- ارتفاع از سطح دریا که باعث خشکی اقلیم و خشکی هوا می‌شود و بیماری‌های تنفسی را به همراه دارد.

- اختلاف دما بین شب و روز در سطح استان که این موضوع مرغدار را با مشکلات عدیده (بیماری‌ها)، روبرو می‌کند.

تمام این موارد، نوسان شدید قیمت تمام شده را در پی خواهد داشت. ♦♦

معایب سیستم فعلی صنعت طیور در کشور و حتی در استان در راستای تنظیم و ثبات پایدار قیمت‌ها و نیز کاهش قیمت تمام شده محصول، مطالب فراوانی قابل طرح است که توضیح آن در شماره‌های بعدی به تفصیل خواهد آمد، ولی پرداختن به بخشی از آن، خالی از لطف نیست:

- انضباط و تعادل در تولید و کنترل میزان تولید و ایجاد زمینه جهت برنامه‌ریزی تولید در راستای رفع نیازهای سطح استان،

- کنترل بیماری‌ها و به تبع آن حفظ منابع ملی و کمتر متضرر شدن تولیدکنندگان،

- تقلیل ریسک‌های متعدد صنعت طیور و در نتیجه جلوگیری از هرز رفتن سرمایه‌های ملی،

- حذف شکل کنونی واسطه‌گری در صنعت طیور استان،

- بالا بردن کمیت و کیفیت تولید،

- مدیریت واردات و صادرات،

- ابزار مناسب بخش دولتی در مدیریت تولید و برنامه‌ریزی در سطح کلان،

- کاهش وابستگی به شرایط خاص و در نتیجه کاهش ریسک‌های احتمالی،

- تبدیل سریع بافت‌های فرسوده، سنتی و هزینه‌بر به واحدهای به روز و بهره‌ور.

قابل توجه است که در حال حاضر زنجیره تولید گوشت مرغ در شهرستان رفسنجان و واحد پرورش مرغ مادر ماهان (به صورت فارم‌های مشارکتی)، از نقاط قوت این بخش، در استان کرمان است.

از دیگر دغدغه‌های موجود بر سر راه صنعت طیور استان

- وابسته بودن به خارج از کشور از لحاظ تأمین نهاده‌های پرورش (ذرت و کنجاله سویا...): با توجه به اینکه سطح زیر کشت ذرت و سویا در کشور پاسخگوی تأمین نهاده مورد نیاز واحدهای پرورش مرغ گوشتی، تخم‌گذار و سایر ماکیان نمی‌باشد، ناگزیر از تأمین نهاده از خارج کشور هستیم که به شدت تحت تأثیر نوسانات نرخ ارز، تحریم‌ها و ... است.

- نوسان شدید قیمت جوجه یک روزه: عوامل مختلفی در تعیین قیمت تمام شده مرغ، تأثیرگذار است که بخشی از آن شامل جوجه یک روزه است. موردی که نوسان‌های متفاوتی را در یک سال گذشته تجربه نموده است. از آنجایی که دوره پرورش مرغ، ۴۵ تا ۵۰ روز به طول می‌انجامد، برای محاسبه سهم بهای جوجه یک روزه در قیمت مرغ زنده، میانگین قیمت جوجه یک روزه، ۴۵ روز قبل از فروش مرغ زنده در نظر گرفته می‌شود. افزایش بیش از حد قیمت

گرایش عموم به

مصرف بیشتر

گوشت مرغ.

فرصتی است

برای بخش دولتی

وتولیدکنندگان

که باتوسعه

پایدار این بخش

برخورد جدی‌تری

داشته باشند و

زمینه‌های تولید

اقتصادی‌ترین

فراورده پروتئینی

را فراهم نمایند.

متأسفانه در حال

حاضر ساختار

تولید گوشت مرغ

باچالش‌هایی

روبرو است که

به منظور تولید

بهبوده و افزایش

بهره‌وری است

که زنجیره‌های

منسجم و یکپارچه

(Integretion)

که هر کدام سهم

عمده‌ای از تولید

گوشت مرغ کشور

را داشته باشند،

تشکیل شوند.

گلخانه در جنوب استان کرمان، فرصت‌ها و چالش‌ها

♦ دکتر حمیدرضا علیزاده

عضو هیئت‌علمی گروه گیاهپزشکی دانشگاه جیرفت و گلخانه‌دار



تاریخچه گلخانه‌داری در ایران و جنوب کرمان

در ایران از سال ۱۳۴۴ کشت گیاهان به شیوه گلخانه‌ای شروع شده و از دهه ۱۳۷۰ کشت گلخانه‌ای رواج بیشتری پیدا کرده است. گلخانه‌های ایران هم‌اکنون مساحتی بالغ بر ۶۵۰۰ هکتار دارند و کشت محصولات جالیزی همچون خیار، توت‌فرنگی، گوجه‌فرنگی، فلفل، بادمجان، انواع گیاهان زینتی در این گلخانه‌ها رواج دارد.

جنوب کرمان از نظر مساحت گلخانه‌های فعال، با مساحتی بالغ بر ۲۵۰۰ هکتار گلخانه، مقام دوم و از نظر تولید محصولات جالیزی مقام اول را در کشور به خود اختصاص داده است. در این منطقه کشت گلخانه‌ای از سال‌های دهه ۱۳۵۰ به‌صورت کشت‌های تونلی دومتیری و چهارمتری شروع شد و سپس تونل‌های پنج‌متری رواج پیدا کرد که مساحت زیر تونل بیشتر بود و نهایتاً در سال‌های ابتدایی دهه ۱۳۷۰ کشاورزانی چون هوشنگ افشاری پور و حمید امیر سعیدی اولین گلخانه‌های بلند را در این منطقه ایجاد کردند. به دلیل شرایط اقلیمی خاص این منطقه، گلخانه در واقع پوشش پلاستیکی می‌باشد که محیط کشت را به لحاظ شرایط اقلیمی و رطوبتی از محیط بیرون مجزا می‌کند. لذا فقط با ایجاد یک پوشش پلاستیکی می‌توان در فصل پاییز و زمستان گلخانه ایجاد نمود. در گام بعدی به ضرورت وجود سیستم‌های گرمایشی در گلخانه‌ها توجه شد که در محدوده حدود یک ماه در حوالی آذر و دی‌ماه، سرما کشت محصولات را تهدید می‌نمود. نهایتاً در اوایل دهه ۱۳۸۰ سطح گلخانه‌های منطقه به حدود ۲۰۰ هکتار افزایش پیدا کرد که در نتیجه به دلیل عدم وجود بازار مناسب و تک کشتی بودن و عدم وجود ساختارهای مناسب برای صادرات، اکثر گلخانه‌داران کشت را رها نموده و در نتیجه کشت گلخانه‌ای به دلیل عدم درآمدزایی نیمه تعطیل شد. در سال‌های ۱۳۸۶ به بعد تنوع کشت ایجاد شد و به جای کشت فقط خیارسبز، سایر کشت‌های دیگر نظیر توت‌فرنگی، فلفل دلمه‌ای، بادمجان، گوجه‌فرنگی نیز اضافه گردید و منجر به رونق دوباره کشت گلخانه‌ای شد و مساحت گلخانه‌های بلند

مدیریت صحیحی

بر تولید و نوع

محصول تولیدی

و تنظیم سطح زیر

کشت محصولات

وجود ندارد.

کشاورزان بر

مبنای محصولات

درآمدزای سال

قبل، کشت خود را

انتخاب می‌کنند و

لذا هر سال در یک

محصول افزایش

سطح زیرکشت و

تولید وجود دارد

و به دلیل افزایش

عرضه، تعادل

عرضه و تقاضا بهم

خورده و محصول

زیان‌ده می‌شود.

در این منطقه به حدود ۲۵۰۰ هکتار افزایش یافت و در نتیجه بازارهای صادراتی این محصولات نیز شکل گرفت و کشورهای روسیه، آذربایجان و عراق از مشتریان این محصولات هستند. هم‌اکنون سطح گلخانه‌های منطقه ۲۵۰۰ هکتار می‌باشد و کشت گیاهان توت‌فرنگی، خیارسبز، فلفل دلمه‌ای، بادمجان در منطقه رواج دارد. امروزه مجتمع‌های گلخانه‌های جدید و مدرن با استانداردهای به‌روز جهانی در این منطقه ایجاد شده و در حال توسعه می‌باشند.

اهمیت کشت گلخانه‌ای در جنوب کرمان

جنوب کرمان دارای پتانسیل‌های بی‌بدیل در ایران و در دنیا برای تولید محصولات گلخانه‌ای است. اقلیم مناسب در زمانی که اروپا و بخش‌های وسیعی از دنیا زیر پوشش برف می‌باشد، شرایط مناسبی را در این منطقه برای تولید محصولات فراهم کرده است. در حالی که اکثر مناطق دمای زیر صفر را تجربه می‌کنند، این منطقه دمای بالای ده درجه را در طول زمستان دارد؛ به‌جز چند شب که دما در برخی سال‌ها به حدود صفر درجه می‌رسد. لذا با داشتن حداقل سیستم‌های گرمایشی، طی زمستان و با مصرف حداقل سوخت می‌توان محصولات را در سطح بسیار خوبی تولید کرد. در این منطقه چون بارش برف و باران‌های سنگین وجود ندارد با سازه‌های سبک و به‌صرفه می‌توان گلخانه احداث نمود که بازگشت سرمایه در زمان کوتاه‌تری رخ می‌دهد. در فصل زمستان به دلیل شرایط نامساعد برای فعالیت بسیاری از آفات و بیماری‌ها، می‌توان حداقل آفت‌کش‌ها را به کار برد و محصول سالم تولید نمود.

در منطقه دیده نمی‌شود. محصولات منطقه به استان‌های مرزی منتقل و با برند صادرکننده، وارد بازارهای جهانی می‌شوند.

* واسطه‌گری و دلال‌بازی به شدت رواج دارد و عمده دسترنج گلخانه‌داران توسط این افراد به غارت می‌رود. بسیاری از این واسطه‌ها پس از جلب اعتماد کشاورز محصول وی را برداشت و در پایان به شیوه‌های مختلف پرداخت مبلغ واقعی را به صورت‌های مختلف کسر کرده و مبلغ زیادی به جیب زده و با مبلغ ناچیزی با کشاورزان تسویه حساب می‌نمایند. در این زمینه هم پرونده‌های زیادی در مراجع قضایی در جریان است که در این زمینه ایجاد سندیکاها برای هر محصول و عضویت تمامی گلخانه‌داران آن رشته و فروش محصول توسط سندیکا به حذف دلالان کمک زیادی خواهد کرد.

* در مورد کشت قراردادی در سال‌های اخیر صحبت‌هایی می‌شود، اما برخی خریداران که با کشاورز، قرارداد خرید امضا می‌کنند، در زمان برداشت اگر قیمت خوب بود خرید می‌کنند و اگر قیمت‌ها افت پیدا کرد، کشاورز را به حال خودش رها می‌کنند و یا آن‌قدر از محصول تولیدی کشاورز تحت عنوان درجه دو و ضایعات کم می‌کنند که قیمتی که دست کشاورز را می‌گیرد به شدت کاهش می‌یابد. وجود یک سندیکا که بتواند فروش قراردادی محصولات را با تجار اصلی بی‌واسطه و با تضمین قابل اعتماد انجام دهد، می‌تواند این مشکل را برطرف نماید.

توسعه کشت گلخانه، گامی در جهت استفاده بهینه از منابع آب و خاک و ارتقاء امنیت غذایی

در صورت استفاده بهینه از پتانسیل‌های موجود خدادادی منطقه و ایجاد سندیکاها، جامع، تنظیم سطح کشت، حذف دلالان و واسطه‌گران و ایجاد آموزش‌های لازم در زمینه تولید محصول سالم، این منطقه می‌تواند یکی از قطب‌های مهم تولید محصولات گلخانه‌ای طی فصول پاییز و زمستان و بهار در دنیا باشد. ♦♦



واکاوای چالش‌های گلخانه‌داری در جنوب کرمان

با وجود پتانسیل‌ها و شرایط مناسبی که در این منطقه وجود دارد، متأسفانه استفاده بهینه صورت نمی‌گیرد و گلخانه‌داران منطقه غالباً به درآمد مناسب نمی‌رسند، در همین رابطه تجربه و واقعیات موجود از دیدگاه اینجانب به شرح زیر است:

* مدیریت صحیح بر تولید و نوع محصول تولیدی و تنظیم سطح زیر کشت محصولات وجود ندارد. کشاورزان بر مبنای محصولات درآمدزای سال قبل، کشت خود را انتخاب می‌کنند و لذا هر سال در یک محصول افزایش سطح زیرکشت و تولید وجود دارد و به دلیل افزایش عرضه، تعادل عرضه و تقاضا بهم خورده و محصول زیان‌ده می‌شود. شناسنامه‌دار شدن گلخانه‌ها و تنظیم تولید با نظارت کامل ارگان‌های ذیربط می‌تواند به حل این مشکل کمک کند.

* تشکیلات سازمان‌یافته‌ای تحت عنوان اتحادیه و سندیکا برای تولیدکنندگان وجود ندارد که کشاورزان محصولات خود را بتوانند بی‌واسطه به تاجران داخلی و بین‌المللی، با قدرت تعیین قیمت بفروشند. در یک اتحادیه برای مثال اگر بادمجان کاران سندیکایی داشته باشند هر ساله می‌توانند مشترکاً نهاده‌ها و بذر مصرفی را ارزان‌تر تأمین کنند و از همه مهم‌تر قبل از فصل کشت مشتریان خود را انتخاب و قیمت واحد و مناسبی برای محصولات خود داشته باشند و دست واسطه‌ها که باعث افت شدید درآمد کشاورز می‌شوند، کوتاه شود.

* آموزش‌های سازمان‌یافته در جهت تولید محصول سالم از ضروریات دیگر است. بسیاری از گلخانه‌داران بدون علم و تجربه لازم گلخانه‌ای را اجاره و اقدام به کشت می‌نمایند و به دلیل عدم آموزش مناسب مبادرت به مصرف بی‌رویه کود و سم می‌نمایند که منجر به اتهام «کل محصولات منطقه به ناسالم بودن» می‌شود.

* مصرف بذر و نشای این منطقه سالانه بالغ بر یکصد میلیون بذر و نشا می‌باشد که از منابع مختلف تأمین می‌شود و گاهی بذور و نشاهای تقلبی به گلخانه‌داران فروخته می‌شود. گلخانه‌دار ماه‌ها هزینه کاشت و داشت را که در هر هکتار گلخانه، بالغ بر چهار میلیارد ریال می‌باشد، انجام می‌دهد، اما به دلیل نامناسب بودن بذور، محصولی برداشت نمی‌نماید و پرونده‌های دادگاهی فراوانی در این راستا در سیستم قضایی وجود دارد. وجود نظارت بر تهیه و توزیع بذور از نظر سلامت و اصیل بودن آن می‌تواند تا حدودی کارساز باشد.

* در زمینه بسته‌بندی و برندینگ محصولات نیاز به کار فراوانی در منطقه می‌باشد، باید ترمینال‌های سورتینگ و بسته‌بندی ایجاد شود. هر کشاورز برند خاص خود را داشته باشد و در مورد کیفیت محصول تولیدی خود پاسخگو باشد. پروژه‌هایی در این زمینه در جریان است، ولی هنوز خروجی در این زمینه



گفت‌وگو با خانم «رقیه رستمی ابوسعیدی» نایب‌رئیس اول انجمن گلخانه‌داران جنوب استان کرمان

ثبت برند در محصولات گلخانه‌ای جنوب استان کرمان

انجمن گلخانه‌داران جنوب استان کرمان با هدف افزایش و بهبود تولیدات گلخانه‌ای و فرآوری و توسعه صادرات این محصولات نسبت به برگزاری دوره‌های مختلف آموزش‌های کاربردی و نشست‌های تجاری و شرکت در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی و بررسی بازارهای صادراتی محصولات گلخانه‌ای اقدام کرده است. تشویق کشاورزان و پیگیری ایجاد مراکز بسته‌بندی تخصصی محصولات گلخانه‌ای و استانداردسازی سازه‌های گلخانه‌ای و بهینه‌سازی سازه‌های پیشین از دیگر تلاش‌های این انجمن است. در جنوب استان کرمان، کنسرسیوم صادرات محصولات گلخانه‌ای جی‌پرفت نیز تشکیل شده است که دارای برند مربوط به خود است. یکی از برنامه‌های انجمن با نقش خوشه، تشویق کشاورزان به ثبت برند است. در حال حاضر حداقل ده برند فعال و غیرفعال در منطقه وجود دارد. جدی‌ترین چالش‌های گلخانه‌داران را می‌توان موانع صادراتی، تأمین نقدینگی، حوادث غیرمترقبه، گرانی نهاده‌ها و وفور اقلام تقلبی در بازار، سود نسبتاً بالای تسهیلات بانکی و کوتاهی مدت بازپرداخت و پروسه رسیدگی به دعاوی در مراجع قضایی دانست. شرح کامل گفت‌وگو با رقیه رستمی ابوسعیدی، نایب‌رئیس اول انجمن گلخانه‌داران جنوب استان کرمان را در ادامه مطالعه نمایید.



کوچک و شرکت شهرک‌های صنعتی ایران و همچنین با انجمن صنفی کشاورزان و اتحادیه گلخانه‌داران کشور ضمن عضویت در آنها، همکاری‌هایی دارد.

◆ **بدیهی است که بالاترین کیفیت تولید و نیز فرآوری محصولات گلخانه‌ای و توسعه صادرات این محصولات از مهم‌ترین اهداف تشکیل انجمن گلخانه‌داران جنوب استان کرمان است، بفرمایید انجمن برای رسیدن به اهداف چه اقداماتی انجام داده و چه برنامه‌هایی برای آینده دارد؟**

انجمن گلخانه‌داران جنوب استان کرمان با هدف افزایش و بهبود تولیدات گلخانه‌ای و فرآوری و توسعه صادرات این محصولات فعالیت‌هایی به شرح ذیل انجام داده است:

- برگزاری دوره‌های آموزشی راه‌های افزایش ماندگاری از کاشت تا مصرف محصولات گلخانه‌ای، بازاریابی و صادرات محصولات، مدیریت کشت گلخانه‌های هیدروپونیک و آفات، بیماری‌ها و اختلالات فیزیولوژیک برای کشاورزان که به دریافت گواهینامه‌های معتبر داخلی و بین‌المللی در محصولات کشاورزی نیز موفق شده‌اند. در سال گذشته ده نفر از کشاورزان در جنوب موفق به اخذ گواهینامه «محصول سالم» شده‌اند.

- برای دریافت گواهی گپ (Good Agricultural Practices) که مورد تأیید اتحادیه اروپاست، فعالیت‌هایی انجام شده و موضوع در دست پیگیری است، البته با توجه به شرایط ناشی از تحریم‌ها، انجام این کار کمی طولانی شده است.

- تشویق کشاورزان برای ایجاد مراکز نگهداری و بسته‌بندی تخصصی و حرفه‌ای محصولات گلخانه‌ای. در همین راستا در حال حاضر چندین مرکز در منطقه در حال راه‌اندازی است؛ از جمله پایانه صادراتی جنوب استان کرمان و مراکز لجستیک بار و ...

◆ **انجمن گلخانه‌داران جنوب استان کرمان در چه سالی تأسیس شده و در حال حاضر چند عضو دارد و سطح زیر کشت گلخانه‌های اعضا انجمن چه میزان است؟**

این انجمن در سال ۱۳۹۱ تأسیس شد و در حال حاضر ۱۴۰ نفر عضو دارد. سطح زیر کشت گلخانه‌های اعضای انجمن، ۲۵۰۰ هکتار می‌باشد.

◆ **تأمین نیازهای مالی انجمن از چه منابعی انجام می‌شود، اگر ممکن است بفرمایید که دخل و خرج انجمن در سال، چه مبلغی است و این مبلغ چند درصد نیاز واقعی مالی انجمن می‌باشد؟**

عمده نیازهای مالی انجمن از طریق حق عضویت اعضا تأمین می‌شود. هزینه‌های جاری و اجاره دفتر انجمن را نیز طریق اتاق بازرگانی کرمان تأمین می‌کند. در مورد میزان دخل و خرج انجمن و هزینه‌های آن تاکنون بررسی صورت نگرفته است.

به‌طور کلی می‌توان گفت در مجموع حق عضویت‌ها و کمک‌اتاق کرمان حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد نیاز مالی واقعی انجمن را پوشش می‌دهد، لذا به دلیل عدم امکان تأمین مالی کافی، از انجام بسیاری از برنامه‌ها و اقدامات از جمله فعالیت‌هایی مانند چاپ نشریه ویژه انجمن، گرفتن وکیل و ... صرف‌نظر شده است.

البته ذکر این نکته ضروری است که از آنجایی که انجمن برنامه مشخصی ندارد، اعضا نیز حق عضویت را به‌صورت منظم و درست پرداخت نمی‌کنند. اگر شرایطی فراهم شود تا انجام کار کارشناسی و صدور مجوزهای خاص به انجمن واگذار گردد، می‌تواند در تأمین نیاز مالی انجمن کارساز باشد.

◆ **انجمن با چه مؤسسات، سازمان‌ها و تشکل‌هایی در محل، استان کرمان و یا سایر استان‌های کشور همکاری و تعامل دارد و در کدام مراکز تصمیم‌گیری محلی و بالاتر عضویت یا مشارکت دارد؟**

انجمن گلخانه‌داران جنوب استان کرمان با اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان، شرکت شهرک‌های صنعتی استان کرمان، مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی جنوب کرمان، سازمان جهاد کشاورزی جنوب کرمان، سازمان صنعت و معدن و تجارت جنوب کرمان، سازمان محیط‌زیست استان کرمان، شرکت‌های توزیع برق و آب منطقه‌ای همکاری دارد و در جلسات شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان و جلسات رفع موانع تولید حضور پیدا می‌کند. در سطح کشور نیز با سازمان صنایع

در جنوب کرمان در حدود ۱۳۰۰ هکتار تا ۱۴۰۰ هکتار گلخانه وجود دارد که قبلاً ساخته شده است و امکان حذف سازه این گلخانه‌ها نیست، لذا برای بهبود وضعیت گلخانه‌های قدیمی با همکاری شرکت شهرک‌ها به‌عنوان پایلوت قراردادی با یک شرکت پیمانکار منعقد گردید تا با اضافه کردن یک سری فن، افزایش درجه‌ها و مواردی دیگر گلخانه اصلاح شود.

آن درآمده‌اند. کنسرسیوم دارای برند مربوط به خود است و در آن اقداماتی توسط اعضا انجام شده است، اما از آنجایی که اکثر تولیدکنندگان محصولات گلخانه‌ای صادرکننده نیستند، تولیدکنندگان هنوز به معنای واقعی نتوانسته‌اند صادرات محصولات خود را مدیریت کنند. - در بخش توسعه صادرات نیز انجمن در منطقه جیرفت جلسات زیادی با گروه‌های مختلف صادرکننده برگزار نموده است و از این طریق در فروش مستقیم و صادرات محصولات گلخانه‌ای جنوب با کشورهایمانند روسیه، ترکیه و ارمنستان در ارتباط بوده و محصولات را به این کشورها صادر کرده است. البته این مسئله به‌نازگی شروع شده است. بسیاری از تولیدکنندگان بزرگ، ارتباط مستقیمی را با خارج از کشور شروع کرده‌اند، از جمله آقای کیخا با ایجاد دفتر در روسیه محصولات گلخانه‌ای را به‌صورت مستقیم صادر می‌کند. این مهم روزبه‌روز بهتر خواهد شد. همچنین در راستای استفاده از تجارب کشورهای دیگر، با همکاری اتاق بازرگانی و شرکت شهرک‌های صنعتی به کشورهای مختلفی از کره جنوبی گرفته تا کشورهای اروپایی مانند اسپانیا، ایتالیا، بلژیک و ... سفرهایی انجام شده و سعی شده است از تجربیات این کشورها استفاده شود.

در مورد برنامه‌های آتی در دستور کار انجمن، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- بازدید از گلخانه شیشه‌ای ارس، بازدید از نمایشگاه اکسیو شش‌ماهه ۲۰۲۱ دبی و نمایشگاه گلفود که در بهمن‌ماه سال جاری برگزار خواهد شد،
- برگزاری دوره‌های آموزشی که برای کشاورزان پیش‌بینی شده است،
- حمایت از کشاورزانی که قصد ایجاد مراکز بسته‌بندی حرفه‌ای و تخصصی دارند.

♦♦ در منطقه جنوب استان کرمان بویژه در حوزه تولیدات گلخانه‌ای چه اقداماتی برای برندسازی انجام شده و چند برند در منطقه وجود دارد؟

یکی از برنامه‌هایی که با هدف توسعه گلخانه‌ها با نقش خوشه در جنوب داشته و داریم، تشویق کشاورزان به ثبت برند است که در اولین گام هم ثبت برند جهت کنسرسیوم صادرات جنوب با عنوان «جیرفت جالیز» انجام شد. اغلب کشاورزان در داخل محصولات را با برندهای خودشان می‌فروشند، اما در مورد صادرات به خارج از کشور همان‌طور که اشاره شد، تولیدکنندگان خود صادرکننده نیستند و کسانی که به‌عنوان واسطه

- انجمن در راستای معرفی محصولات گلخانه‌ای جنوب در داخل و خارج از کشور، بررسی بازار و استفاده از تجارب کشورهای دیگر و اطلاع از تکنولوژی‌های جدید اقداماتی به شرح زیر انجام داده است:

- شرکت در نمایشگاه نهاده‌های محصولات کشاورزی ازجمله نمایشگاهی که در شهرستان جیرفت هر دو سال یک‌بار برگزار می‌شود و همچنین شرکت در نمایشگاه‌هایی در شهرهای تهران، شیراز و یزد،
- شرکت در نمایشگاه‌های خارجی ازجمله نمایشگاه اکسیو ۲۰۲۰ در کشور روسیه، نمایشگاه گلفود (Gulfood)، نمایشگاهی که اواخر آبان ماه هر سال در کشور ترکیه برگزار می‌شود و بازدید از نمایشگاه‌هایی در کشورهای عمان، ارمنستان، فرانسه و...

- برگزاری نشست‌های تجاری با بازرگانان کشورهای مختلف ازجمله روسیه، دبی و ... و انجام مذاکره با صادرکنندگان و نمایندگان فروشگاه‌های بزرگ در این کشورها. ذکر این نکته ضروری است که اگر شرایط مهیا باشد، محصولات تولیدی گلخانه‌ای جنوب به‌راحتی به فروش می‌رسد، در حال حاضر ۸۰ تا ۹۰ درصد محصولات تولیدی در جنوب کرمان در شرایط مناسب صادر می‌شود آنچه در حال حاضر مهم است، این است که باید دست واسطه‌ها کوتاه شود تا فروش محصولات با قیمت واقعی صورت گیرد، البته محصولات ما باید به کیفیت‌های بهتری هم برسند.

- اجرای پروژه پایلوت اصلاح سازه‌های گلخانه‌ای و جلوگیری از ساخت‌وسازهای غیراستاندارد. انجمن با همکاری سازمان نظام‌مهندسی جنوب کرمان اقدام به تعریف استاندارد لازم جهت احداث یک سازه گلخانه‌ای نموده است. مقرر شده است سازمان نظام‌مهندسی جنوب کرمان بر اساس این استاندارد بر ساخت گلخانه‌هایی که از حالا به بعد ساخته می‌شوند، نظارت داشته باشد. در جنوب کرمان در حدود ۱۳۰۰ تا ۱۴۰۰ هکتار گلخانه وجود دارد که قبلاً ساخته شده است و امکان حذف سازه این گلخانه‌ها نیست، لذا برای بهبود وضعیت گلخانه‌های قدیمی با همکاری شرکت شهرک‌ها به‌عنوان پایلوت قراردادی با یک شرکت پیمانکار منعقد گردید تا با اضافه کردن یک سری فن، افزایش درجه‌ها و مواردی دیگر گلخانه اصلاح شود.

- تشکیل کنسرسیوم صادرات محصولات گلخانه‌ای جیرفت، این کنسرسیوم در جنوب شکل گرفته و تعدادی از تولیدکنندگان محصولات گلخانه‌ای نیز به عضویت

در حال حاضر
احداث یک هکتار
گلخانه حداقل
نیاز به تسهیلاتی
در حدود دو
میلیارد تومان فقط
جهت احداث و
نه مراحل بعدی
ازجمله کاشت
و نگهداری و
بقیه موارد دارد.
چطور امکان
دارد گلخانه‌دار
این مبلغ را
با سود نسبتاً
بالای حداقل ۱۲
درصد و مدت
زمان پنج ساله
بازپرداخت نماید؛
در واقع کشاورز
باید سالی ۵۰۰
میلیون تومان
سود خالصی از
گلخانه به دست
آورد تا بتواند در
پنج سال فقط
بدهی مربوط به
بانک را پرداخت
کند بدون این‌که
هیچ درآمدی برای
خود داشته باشد.

را بر مبنای قوانین نسبتاً ثابت صادراتی، صادر نمایند، اما متأسفانه در عمل به این شکل نیست و شرایط متغیر و تعرفه‌ها مرتب بالا و پایین شده و مرزها نیز باز و بسته می‌شوند.

♦♦ اجرای چه فعالیت‌ها و وظایفی از طرف دولت به

انجمن تفویض و واگذار گردیده است، اگر چنین موردی وجود دارد چه نتایجی به دست آمده است؟

متأسفانه تاکنون تفویض اختیار خاصی از سوی دولت به انجمن گلخانه‌داران صورت نگرفته است، با این‌که خواست ما اختصاص مسئولیت‌هایی به انجمن است. البته گاهی اوقات دادگاه‌ها در اختلاف‌هایی که مرتبط با مسائل گلخانه‌ای است مشورت‌هایی در قالب استعلاماتی به‌عنوان کارشناسی از اعضای خبره انجمن دارند، ولی در این موارد حکم تفویض را ندارند.

از آنجاکه بسیاری از افرادی که مجوز احداث گلخانه می‌گیرند در واقع اطلاعات و آگاهی لازم در مورد گلخانه و تولیدات گلخانه‌ای ندارند، این عدم آگاهی خود باعث متضرر شدن کشاورز و جامعه می‌شود، در اینجا دو پیشنهاد مطرح می‌شود:

- یکی از مجوزهای احداث گلخانه، گذراندن دوره‌های آموزشی مرتبط با گلخانه و تولیدات گلخانه‌ای تحت نظر انجمن گلخانه‌داران جنوب باشد،
- در موارد مربوط به مسائل گلخانه‌داران از نظر کارشناسی اعضای خبره انجمن در دادگاه‌های حل اختلاف استفاده شود.

محصولات را خریداری می‌کنند با برند خود، محصولات را صادر می‌کنند. البته کشاورزان بزرگ برندهای مخصوص به خود را دارند. در مجموع حداقل ده برند در جنوب استان ثبت شده است از جمله برندهای جیرفت جالیز، دقبانوس، زمستانه، گارچی، پیراسته و ...

♦♦ یک نابسامانی در زمینه قیمت بویژه برخی ارقام

توه‌بار؛ مثلاً گوجه‌فرنگی، سیب‌زمینی، پیاز و غیره در هر سال در سطح جامعه نمود پیدا می‌کند و می‌توان گفت غالباً تولیدکننده و مصرف‌کننده با بحران قیمت در تولیدات کشاورزی روبرو هستند، علت چیست؟ شما در انجمن برای رفع این مشکل به چه راه‌حل‌هایی رسیده و پیشنهاد می‌کنید؟

نه انجمن گلخانه‌داران جنوب و نه دولت نمی‌توانند به اجبار کشاورزان را ملزم کنند که چه محصولات و به چه میزان کشت داشته یا نداشته باشد. موارد مطرح شده در سؤال شما بیشتر محصولات فضای آزاد هستند. در مورد محصولات گلخانه‌ای برای مثال خیار، ممکن است در شرایطی بازار خوب باشد و در شرایط دیگر این محصول با بحران مواجه شود که دلیل عمده این بحران به مسائل صادراتی و کشورهای مقصد برمی‌گردد که موجب تغییراتی در قیمت محصولات گلخانه‌ای می‌شود. بارها اعضای انجمن تأکید کرده‌اند که دولت تمهیداتی انجام دهد تا قوانین صادراتی تقریباً ثابت باشند. انجمن این موضوع را دو سال پیش با وزیر صمت مطرح کرد، اما نتیجه‌ای نگرفت! کشاورزان باید بتوانند که محصولات خود



♦♦ مهم‌ترین چالش‌ها و عوامل بازدارنده در زمینه گلخانه‌داری و توسعه گلخانه در منطقه جنوب استان کرمان اعم از مؤلفه‌های اقتصادی، زیرساختی، حمایتی و اداری و قانونی کدامند؟ لطفاً در این مورد توضیح کامل ارائه بفرمایید.

بیشتر چالش‌های حوزه گلخانه‌داری جنبه اقتصادی دارند، گاهی اوقات قیمت نهاده‌ها به صورت بی‌رویه گران می‌شود، درحالی‌که قیمت محصولات گلخانه‌ای تا این میزان نمی‌تواند گران شود، این عدم تناسب در دو سال گذشته موجب شده که بسیاری از کشاورزان متضرر شوند. باید تسهیلاتی که برای بخش کشاورزی در نظر گرفته می‌شود با بهره کمتر و مدت زمان بازپرداخت طولانی باشند. در حال حاضر احداث یک هکتار گلخانه حداقل نیاز به تسهیلاتی در حدود دو میلیارد تومان فقط جهت احداث و نه مراحل بعدی از جمله کاشت و نگهداری و بقیه موارد دارد. چطور امکان دارد گلخانه‌دار این مبلغ را با سود نسبتاً بالای حداقل ۱۲ درصد و مدت زمان پنج‌ساله بازپرداخت نماید؛ در واقع کشاورز باید سالی ۵۰۰ میلیون تومان سود خالص از گلخانه به دست آورد تا بتواند در پنج سال فقط بدهی مربوط به بانک را پرداخت کند بدون این‌که هیچ درآمدی برای خود داشته باشد. کدام قسمت از منطقه جیرفت، یک هکتار گلخانه سالی ۵۰۰ میلیون تومان سود دارد؟ اصلاً ندارد. نتیجه این امر موجب انباشتگی بدهی، مشکلات روحی و روانی و هزار و یک مشکل دیگر برای کشاورزان می‌شود. در دادگاه‌ها بعضاً مشکلاتی برای کشاورزان پیش می‌آید،

با این‌که در چند جای قانون پیش‌بینی شده که مشکلات بخش کشاورزی خارج از نوبت رسیدگی و مانع از آسیب به تولیدات کشاورزی شود، اما در عمل چنین اتفاقی نمی‌افتد و در فاصله زمانی که دادگاه دنبال بررسی مستندات و شواهد است، محصول کشاورزی از بین رفته است!

در مجموع جدی‌ترین چالش‌های اعضای انجمن گلخانه‌داران جنوب کرمان موانع صادرات محصولات گلخانه‌ای، تأمین نقدینگی (یکی از راه‌حل‌های این مشکل استمهال وام‌های گلخانه‌داران است)، سقف وام‌های کشاورزان گلخانه‌دار، تمدید وام‌های کشاورزی که از حوادث غیرمترقبه آسیب دیده‌اند، افزایش قیمت نهاده‌ها و وفور اقلام تقلبی نهاده‌ها در بازار است.

♦♦ برای رفع موانع و نارسایی‌ها چه انتظارات و پیشنهاداتی دارید.

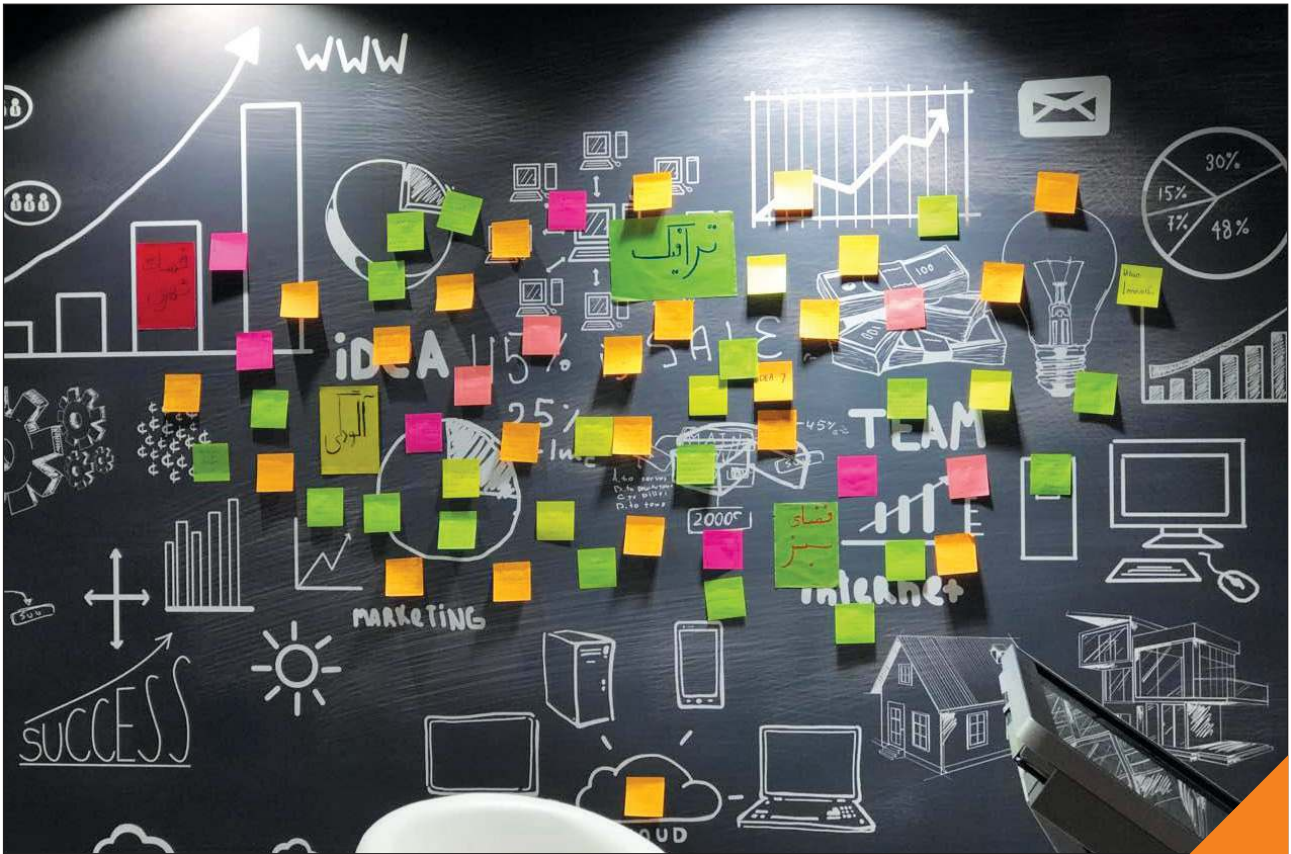
انتظار ما از سازمان‌های دولتی برای مثال سازمان جهاد کشاورزی به‌عنوان نماینده‌ای از دولت و اتاق بازرگانی به‌عنوان نماینده بخش خصوصی این است که به درخواست‌ها و پیشنهادات ما به‌عنوان نماینده کشاورزان گلخانه‌دار در جنوب توجه نمایند و مشکلات و چالش‌هایی که در پاسخ سؤال قبل به آن اشاره شد را مورد بررسی قرار دهند. در سال گذشته در بحث قوانین چندین نفر از کشاورزان با مشکلاتی روبرو شدند؛ به‌عنوان مثال گلخانه‌داری که ۱۰ سال پیش ملکی را خریداری کرده و در آن گلخانه احداث کرده است، اکنون صاحب قدیمی ملک به بهانه‌های متفاوت مانع استفاده از آب برای گلخانه شده است. اگر کشاورز جهت رفع این مشکل در پروسه بررسی دادگاه و قاضی قرار بگیرد تا بررسی و رفع مشکل، محصول کشاورزی اش خشک‌شده و از بین می‌رود. از طرف دیگر پروسه اخذ خسارت خود ده سال طول می‌کشد و کشاورز نمی‌تواند کمر خم کند! در همین راستا انجمن درخواست برگزاری یک جلسه شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی جهت بررسی این مشکلات را داده است، اما تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است.

در مجموع درباره مسائلی که مطرح شد، یک‌طرف کشاورز گلخانه‌دار است و یک‌طرف یک سازمان یا نهاد دیگر؛ حال نقش نهادهای واسطه‌ای مثل اتاق بازرگانی و جهاد کشاورزی مهم است تا با تشکیل جلسات و همفکری، مشکلات کشاورز را بررسی کرده که شاید به نتیجه برسند! ♦♦



بازرگانی و خدمات

- + ارزیابی اکوسیستم نوآوری در اقتصاد ایران
- + منشور بلندمدت برد - برد؛ تدوین سیاست راهبردی تجارت خارجی
- + اشتباهات تجار در تجارت با کشور روسیه
- + هم‌افزایی بازرگانی و برندگاری در سازمان
- + برندسازی تولیدات را از کجا آغاز کنیم؟
- + جاذبه داریم ولی جذاب نیستیم
- + تشکلهای اتاق کرمان، در شش‌ماهه ابتدایی سال ۱۴۰۰
- + گزارش ترازسنجی اتاق‌های بازرگانی



گفت‌وگو با دکتر «محمدجواد رستمی» عضو هیئت‌علمی گروه مهندسی کامپیوتر دانشگاه شهید باهنر کرمان و رییس مرکز مطالعات و پژوهش‌های اقتصادی اتاق کرمان

ارزیابی اکوسیستم نوآوری در اقتصاد ایران

با دکتر محمدجواد رستمی عضو هیئت‌علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان و رییس مرکز مطالعات و پژوهش‌های اقتصادی اتاق بازرگانی کرمان در باب اکوسیستم نوآوری در اقتصاد ایران گفت‌وگو کرده‌ایم. او می‌گوید: ناکون در حدود شش هزار شرکت دانش‌بنیان در اکوسیستم ایران تشکیل شده است که نسبت به متوسط جهانی رقم پایینی است. سهم این شرکت‌ها در GDP کشور، سه و نیم درصد برآورد می‌شود. در حال حاضر در استان کرمان حدود ۶۰ شرکت دانش‌بنیان وجود دارد که معادل یک درصد شرکت‌های دانش‌بنیان کشور است. با وجود مشکلات برون بنگاهی همچون تورم، تغییرات نرخ ارز، بی‌ثباتی قیمت‌ها و غیره گرایش به سرمایه‌گذاری در این زمینه کم است. در ایران علی‌رغم گذشت حدود ۱۵ سال از شکل‌گیری اولین استارت‌آپ‌ها هنوز استارت‌آپ یونیکورن نداریم، درحالی‌که در دو کشور همسایه یعنی ارمنستان و ترکیه با سابقه استارت‌آپی کمتر، سه یونیکورن وجود دارد.

او معتقد است که با وجود منابع انسانی لازم و تعداد زیاد فارغ‌التحصیلان، کشور ما نسبت به بسیاری از کشورهای جهان در زمینه رشد و توسعه استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان دارای مزیت بالایی است که در صورت تسهیل شرایط و برنامه‌ریزی درست با برخورداری از این مزیت، می‌توان با ایجاد شرکت‌های کوچک و متوسط دانش‌بنیانی به توسعه کارآفرینی پرداخت. او با برشماری دلایل موفقیت اکوسیستم نوآوری در برخی کشورها می‌گوید که اقتصاد در کشور ما منبع محور است؛ منابع پایان‌پذیر که روزی به پایان خواهد رسید، لذا دسترسی به یک اقتصاد دانش‌محور، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه مطالعه نمایید.



بتوانند محصولات دانش‌بنیان تولید کنند. در همین راستا در اتاق کرمان حدود سه سال است که انجمن شرکت‌های دانش‌بنیان با هدف کمک به این شرکت‌ها، کاهش مسائل و مشکلات و ارتقاء کمی و کیفی آن‌ها، تأسیس شده است.

پیشنهاد مشخص

- بنده این است
- که در استان، با
- کمک و حمایت
- دولت از طریق در
- اختیار گذاشتن
- فضاهایی که
- بلااستفاده
- است، مراکز و
- کارخانه‌های
- نوآوری شکل
- بگیرد و در
- سازمان‌ها،
- رویکردهای
- مبتنی بر «نوآوری
- باز» جایگزین
- رویکردهای
- «نوآوری بسته»
- شود تا اقتصاد
- منبع محوری
- که ما در استان
- با آن روبه‌رو
- هستیم به اقتصاد
- دانش‌بنیان تغییر
- پیدا کند.

♦♦ ورود استارت‌آپ‌های ایرانی به عرصه جهانی را چطور می‌بینید؟

استارت‌آپ‌های ایرانی در صادرات محصولات و ورود به بازارهای مختلف جهانی قوی نیستند. البته بسیاری از شرکت‌های قدیمی‌تر هم در این زمینه ضعف دارند. این امر دلایل و عوامل مختلفی دارد که بخشی از آن به شرایط تحریمی که در حال حاضر در کشور وجود دارد و مشکلاتی که در زمینه نقل‌وانتقال پول ایجاد شده است، برمی‌گردد. بخش دیگر مربوط به بحث‌های فرهنگی حوزه صادرات است. تاکنون حتی استارت‌آپی که در داخل بورسی شده باشد، وجود ندارد. اخیراً شرکت «تپسی» به‌عنوان اولین استارت‌آپ ایرانی، آمادگی لازم جهت عرضه سهام خود را در بورس پیدا کرده است و امیدواریم که این فتح بابی باشد که بعد از آن، استارت‌آپ‌های بیشتری بتوانند این شرایط را پیدا کنند تا سهام آن‌ها هم در بورس داخلی و هم روزی در بورس‌های جهانی عرضه شود.

♦♦ اکوسیستم نوآوری در ایران برای کسب‌وکارهای ایرانی و جهانی چقدر جذابیت دارد؟

از آنجایی که از نظر شرکت‌های بزرگ، بخشی از اکوسیستم ایران، بکر باقی مانده و نسبت به کشورهای توسعه‌یافته و بعضی کشورهای درحال توسعه، رشد چندان‌ی را تجربه نکرده است، این جذابیت وجود دارد که بتوان در این فضا بعضی از محصولات خارجی را با ارائه نسخه‌های ایرانی

♦♦ روند رشد و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان در ایران را چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

در سال ۱۳۸۵ معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری به‌عنوان متولی توسعه و بهبود حوزه دانش‌بنیان در کشور تشکیل شد و در سال ۱۳۸۹ قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات به تصویب رسید. معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری در جهت کمک به ایجاد و توسعه این شرکت‌ها فعالیت خود را ادامه داد. در حال حاضر تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان در کشور به حدود شش هزار شرکت می‌رسد که می‌توان گفت در این بازه حدود ۱۲ سال، تعداد شرکت‌های دانش‌بنیانی که در اکوسیستم ایران شکل گرفته، نسبت به متوسط جهانی پایین است، البته در بعضی از شهرها در کشور رشد و توسعه این شرکت‌ها بهتر انجام شده و در بعضی شهرها کمتر، ولی به‌طور متوسط این تعداد نسبت به نرُم جهانی پایین است. می‌توان گفت بیشتر مسائل برون بنگاهی، شامل مباحث فضای کسب‌وکار، روی رشد و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیانی که در ایران شکل گرفته و در حال فعالیت هستند، تأثیرگذار بوده است. شرکت‌هایی به‌عنوان شرکت دانش‌بنیان شناخته و تأیید می‌شوند که ارزیابی محصولات آن‌ها بر اساس تعاریفی که در قانون و یا آیین‌نامه شرکت‌های دانش‌بنیان وجود دارد، صورت بگیرد. بر این اساس تعداد زیادی از شرکت‌های قدیمی‌تر هم هستند که محصول یا محصولاتی دانش‌بنیان دارند و جزو شش هزار شرکت دانش‌بنیانی که ذکر شد به حساب می‌آیند. به لحاظ آماری، سهم شرکت‌های دانش‌بنیان در GDP کشور طبق برآوردها حدود سه و نیم درصد است و این در حالی است که در حال حاضر در کشور چین سهم حوزه اقتصاد دیجیتال به‌تنهایی در تولید ناخالص داخلی ۳۵ درصد است و هدف‌گذاری کرده‌اند که ظرف پنج سال آینده این عدد به ۵۰ درصد افزایش پیدا کند.

♦♦ وضعیت و سهم استان کرمان در این حوزه و به‌طورکلی شرایط و فضای این اکوسیستم در استان کرمان چگونه است؟

در استان کرمان در حال حاضر در حدود ۶۰ شرکت دانش‌بنیان وجود دارد. این تعداد معادل یک درصد شرکت‌های دانش‌بنیان در کشور است که رقم خیلی پایینی است. طبیعتاً با وجود شرکت‌های بزرگ در استان، این پتانسیل وجود دارد که شرکت‌های کوچک و متوسط زیادی شکل گرفته تا بخش عمده‌ای از این شرکت‌ها

◆◆ دولت برای اطمینان بخشی به سرمایه‌گذاری در فضای

نوآوری چه اقداماتی انجام داده است؟

دولت در جهت حمایت از سرمایه‌گذاری در حوزه اکوسیستم نوآوری و ایجاد شرکت‌های فناوری و دانش‌بنیان دو زیرساخت فراهم نموده است؛ ساختار اول و قدیمی‌تر، ایجاد پارک‌های علم و فناوری و مراکز رشد به‌عنوان زیرمجموعه‌های آن است که این ساختار در بدنه وزارت علوم با این هدف که فارغ‌التحصیلان، دانشجویان و اساتید بتوانند در قالب تیم‌هایی، شرکت‌های فناوری و شرکت‌های دانش‌بنیان را تشکیل داده و به عرصه سرمایه‌گذاری در حوزه فضای نوآوری ورود کنند، شکل گرفته است، اما ساختار دوم در بدنه معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری بعد از تصویب قانون شرکت‌های دانش‌بنیان در سال ۱۳۸۹ شکل گرفت. از طریق این زیرساخت و با هدف تسهیل کارکرد شرکت‌های دانش‌بنیان، حمایت‌هایی در قالب تسهیلات بانکی تا حدودی معافیت‌های مالیاتی و اختصاص امریه‌های سربازی در نظر گرفته می‌شود.

◆◆ به نظر شما، ما تا رسیدن به وضع کشوری دیجیتال و

هوشمند چقدر راه در پیش داریم؟

با توجه به آمار رسمی، در حال حاضر در کشور ما سهم حوزه اقتصاد دیجیتال از تولید ناخالص داخلی (GDP)، حدود شش درصد است که بخش عمده آن مربوط به ICT یا فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌باشد که با میانگین جهانی که در حال حاضر حدود ۲۰ درصد است، فاصله زیادی داریم. اگر بخواهیم این فاصله رو جبران کرده و کشور را در مسیر دیجیتال شدن قرار دهیم نیاز است برنامه‌ریزی‌هایی صورت بگیرد که البته در دوره جدید در وزارت ارتباطات، برای انجام اقداماتی برنامه‌ریزی شده است که این مسیر سریع‌تر طی شود تا کشور بتواند در مسیر اقتصاد دیجیتال و هوشمند قرار بگیرد.

◆◆ دلایل اصلی موفقیت اکوسیستم نوآوری در بعضی

کشورها چیست؟

پاسخ این سؤال و دلایل موفقیت اکوسیستم‌های نوآوری در برخی از کشورها را بر اساس پنج شاخصی که موسسه OECD^۲ برای ارزیابی اقتصادهای جهانی دانش‌بنیان ارائه کرده، خواهیم داد. می‌توانیم بگوییم که تمامی این شاخص‌ها فاکتورهای تأثیرگذاری هستند که دولت‌ها می‌توانند به کمک آن‌ها و با ایجاد تسهیلات و زیرساخت‌های مربوطه، اکوسیستم نوآوری را به‌درستی شکل داده و به موفقیت دست یابند. این شاخص‌ها به شرح زیر است:

یا حتی کپی‌برداری، تولید کرد و به موفقیت‌های زیادی نائل شد، اما با وجود مشکلات برون بنگاهی؛ از جمله تورم، تغییرات نرخ ارز و بی‌ثباتی قیمت‌ها موانعی ایجاد می‌شود که جذابیت این موضوع را برای سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران ایرانی و همین‌طور خارجی کم می‌کند.

◆◆ مشکل اصلی استارت‌آپ‌های ایرانی در ورود به بازار

جهانی چیست؟

می‌توان چهار دلیل عمده را ذکر نمود؛ اول مسائل مرتبط با تحریم و نقل و انتقالات بانکی، دوم مسائل مرتبط با فرهنگ تعامل و همکاری با شرکای خارجی، سوم عدم آمادگی در کسب‌وکارها و محصولاتشان جهت عرضه در بازارهای خارجی و امکان رقابت با رقبای و چهارم مهاجرت متخصصین.

◆◆ در ایران چه تعداد استارت‌آپ یونیکورن داریم؟

در ایران علی‌رغم اینکه در حدود ۱۵ سال از شکل‌گیری اولین استارت‌آپ‌ها می‌گذرد، هنوز استارت‌آپ یونیکورن نداریم، درحالی‌که در دو کشور همسایه (ارمنستان و ترکیه) با سابقه استارت‌آپی کمتر، سه یونیکورن وجود دارد. لازم به ذکر است از حدود ۸۵۰ یونیکورن در دنیا حدود ۵۰۰ مورد مربوط به آمریکا و چین است.

◆◆ دلیل نبود استارت‌آپ یونیکورن در ایران چیست؟

بالا بودن رتبه کسب‌وکار در ایران؛ به‌طوری‌که در سال ۲۰۲۰ رتبه کسب‌وکار در ایران عدد ۱۲۷، ترکیه ۳۳، ارمنستان ۳۷ و گرجستان ۸ بوده است. از طرف دیگر مشکلات مربوط به تحریم‌ها، عدم امکان جذب سرمایه و مسائل و مشکلات مربوط به نقل‌وانتقال پول به انضمام مشکلات داخلی اقتصادی مثل تورم را به این مقوله اضافه نمایید.

◆◆ ارزیابی شما از چگونگی وجود نیروی کار تحصیل‌کرده و

بلندپرواز در کشور چیست؟

منابع انسانی به‌عنوان مهم‌ترین عامل و لازمه ایجاد، رشد و توسعه استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان است که در این زمینه به طور خاص کشور ما با وجود تعداد زیاد فارغ‌التحصیلان، نسبت به بسیاری از کشورها مزیت بالایی دارد و در صورتی‌که در این خصوص برنامه‌ریزی درست صورت بگیرد و شرایط به‌گونه‌ای تسهیل شود، می‌توانیم از این مزیت جهت ایجاد شرکت‌های کوچک و متوسط دانش‌بنیان و به‌تبع آن توسعه کارآفرینی و افزایش شمار کارآفرینان، بهره ببریم.

از نظر شرکت‌های

بزرگ، بخشی

از اکوسیستم

ایران، بکری باقی

مانده و نسبت

به کشورهای

توسعه‌یافته و

بعضی کشورهای

در حال توسعه،

رشد چندانی

را تجربه نکرده

است، این

جذابیت وجود

دارد که بتوان در

این فضا بعضی

از محصولات

خارجی را با ارائه

نسخه‌های ایرانی

یادتی کپی‌برداری،

تولید کرد و به

موفقیت‌های

زیادی نائل شد،

اما با وجود

مشکلات برون

بنگاهی؛ از جمله

تورم، تغییرات

نرخ ارز و بی‌ثباتی

قیمت‌ها موانعی

ایجاد می‌شود

که جذابیت این

موضوع را برای

سرمایه‌گذاری

سرمایه‌گذاران

ایرانی و همین‌طور

خارجی کم

می‌کند.

۱. اصطلاح یونیکورن اولین‌بار در سال ۲۰۱۳ توسط خانم آیلین لی استفاده شد و به شرکت‌های نوپایی گفته می‌شود که در مدت‌زمان بسیار کوتاهی ارزش آن‌ها به بیش از یک میلیارد دلار می‌رسد. در معنی لغوی واژه یونیکورن به معنای اسب تک‌شاخ است.

ما اقتصاد منبع محور را به اقتصاد دانش بنیان تغییر دهیم. این امر میسر نیست به جز اینکه شرکت‌های سنتی مان تبدیل به شرکت‌های دانش محور و دانش بنیان شوند و همچنین شرکت‌های جدیدی در قالب استارت‌آپ‌ها شکل بگیرند تا به‌عنوان شرکت‌های نوآور و شرکت‌هایی که دارای محصولات دانش بنیان هستند، فعالیت کرده و در جهت رشد و توسعه اقتصادی کشور حرکت نمایند.

◆ پیشنهاد شما برای توسعه متناسب اکوسیستم نوآوری چیست؟

پیشنهاد مشخص بنده این است که در استان، با کمک و حمایت دولت از طریق در اختیار گذاشتن فضاهایی که بلااستفاده است، مراکز و کارخانه‌های نوآوری شکل بگیرد و در سازمان‌ها، رویکردهای مبتنی بر «نوآوری باز» جایگزین رویکردهای «نوآوری بسته» شود تا اقتصاد منبع محوری که ما در استان با آن روبه‌رو هستیم به اقتصاد دانش بنیان تغییر پیدا کند. ◆◆

- لزوم انجام سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری در دانش، سرمایه‌گذاری خطرپذیر و تحقیق و توسعه،
- ایجاد زیرساخت‌ها در حوزه آی سی تی که توسط دولت‌ها انجام می‌شود؛ مواردی مثل اینترنت و تجارت الکترونیک،
- اجرای سیاست‌های علم و فناوری از جمله سهم R&D دولتی، قوانین مالیاتی یا معافیت‌های مالیاتی، قوانین بیمه‌ای و مواردی از این دست،
- موضوع جهانی‌سازی، مالکیت پتنت‌ها، R&D خارج از کشور و ارائه محصولات در بخش بین‌الملل،
- موضوع خروجی‌ها و اثرات آن‌ها شامل تعداد اختراعات و نوآوری‌ها، میزان بهره‌وری، درصد سهم صنایع دانش بنیان در GDP کل و همچنین ارزش افزوده ایجاد شده.

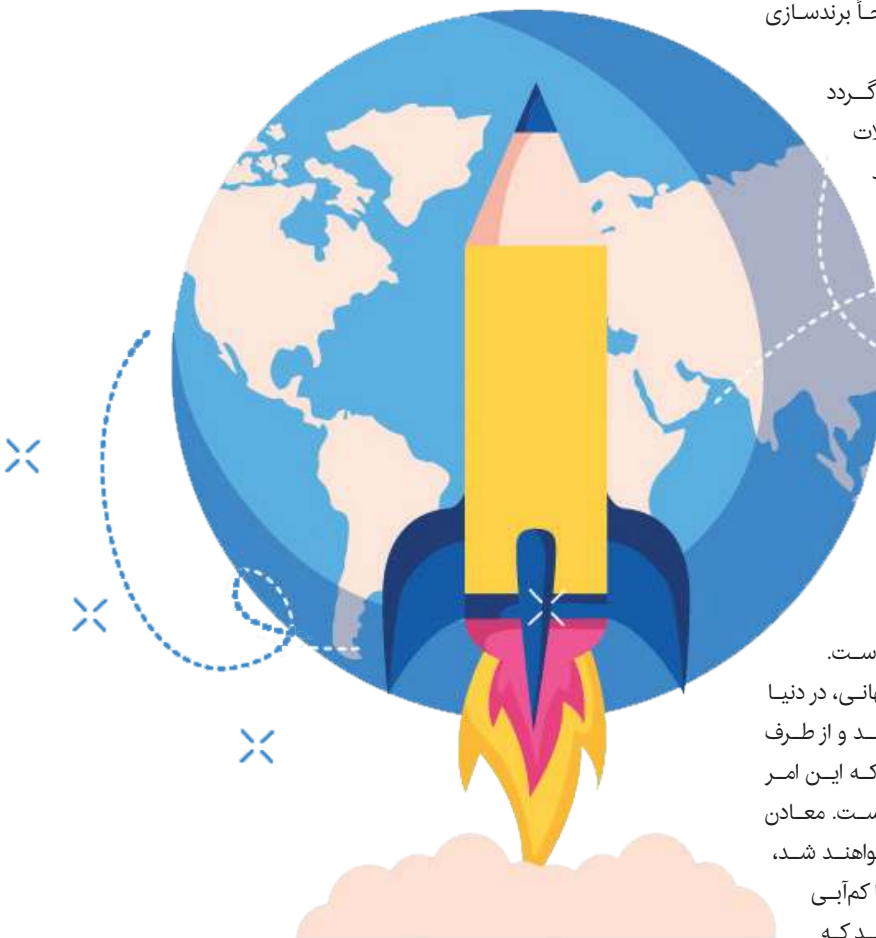
◆ ارزیابی و تحلیل شما از روند برندسازی در تولیدات دانش بنیان ایرانی چیست؟

با توجه به اینکه حجم زیادی از اقتصاد ما مربوط به بخش دولتی است، لذا دولت می‌تواند با خرید محصولات شرکت‌های دانش بنیان از آن‌ها حمایت کرده و کمک کند تا این شرکت‌ها رشد و توسعه پیدا کنند و اصطلاحاً برندسازی به‌درستی شکل بگیرد.

بخش دیگر به موضوع فرهنگ‌سازی برمی‌گردد و این‌طور نیست که تنها تمرکز بر محصولات شرکت‌های دانش بنیان باشد، خیر، بلکه باید برای کلیه محصولات ایرانی این فرهنگ شکل بگیرد که مردم کالاهایی را که نمونه داخلی دارند را به کالاهای مشابه خارجی ترجیح داده، استفاده و خرید کنند. از طرف دیگر شرکت‌های تولیدکننده نیز باید روی کیفیت کار، رقابت‌پذیری و بهره‌وری توجه ویژه داشته باشند تا بحث برند سازی به‌درستی صورت بگیرد.

◆ چرا در پاسخ‌ها به اقتصاد دانش بنیان تأکید دارید؟

اقتصاد در کشور ما یک اقتصاد منبع محور است. همان‌طور که می‌دانید با توجه به روندهای جهانی، در دنیا روزبه‌روز وابستگی به نفت کاهش پیدا می‌کند و از طرف دیگر در کشور با تحریم‌هایی روبه‌رو هستیم که این امر فروش نفت را با دشواری‌هایی مواجه کرده است. معادن نیز منابع پایان‌پذیری هستند و روزی تمام خواهند شد، در حوزه آب نیز درصد زیادی از سرزمینمان با کم‌آبی مواجه است و ... همه این موارد ایجاب می‌کند که





گفت‌وگو با دکتر «ابوالفتح ابراهیمی» نایب‌رئیس اتاق تبریز

منشور بلندمدت برد - برد؛ تدوین سیاست راهبردی تجارت خارجی

در صورت ایجاد روابط بین‌المللی مناسب، بستر لازم برای تولید و صادرات کشور وجود دارد. در غیاب روابط بین‌المللی مناسب پسته و زعفران ایران را به نام محصولات اسپانیایی و اروپایی جابه‌جا می‌نمایند و یا تراکتورهای ایرانی را به نام کشورهای دیگر می‌فروشند و این حاکی از توانایی بخش خصوصی در عملی نمودن الزامات توسعه صادرات است. عوامل منفی تأثیرگذار در سیاست تجارت خارجی کشور را می‌توان در روابط متنوع تعاملات بین‌المللی جستجو کرد. سیاست‌های تجاری کشور ناپایدار بوده و سیاست دولت جدید باید ایجاد این ثبات و پایداری باشد تا بخش خصوصی بتواند سیاست بلندمدتی را دنبال کند.

شرح کامل گفت‌وگو با دکتر ابوالفتح ابراهیمی نایب‌رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز را در ادامه می‌خوانیم.



می‌توان سیاست‌های بین‌المللی و نقش دولتمردان را عامل اصلی این عقب‌ماندگی دانست؛ چرا که فعالان اقتصادی در این مدت تمام تلاش خود را جهت دور زدن تحریم‌ها انجام داده‌اند.

♦♦ **لطفاً در مورد ابزارها و الزامات توسعه صادرات در برنامه توسعه صادرات کشور توضیح بفرمایید.**

توسعه صادرات کشور علاوه بر فعالیت تولیدکنندگان و تجار کشور به فراهم آوردن شرایط بین‌المللی و پذیرش کشورهای همسایه بستگی داشته و سهولت حمل‌ونقل و بیمه‌های متعلقه و همچنین تبادلات بانکی در تمامی این تهاورات نقش اساسی دارد. در صورت ایجاد روابط بین‌المللی مناسب، بستر لازم برای تولید و صادرات کشور

♦♦ **ایران از سازمان‌ها و پیمان‌های منطقه‌ای تاکنون چه بهره‌ای برده است؟**

بهره‌مندی ایران از پیمان‌های منطقه‌ای همچون اکو، اوپک و غیره در برهه‌های مختلف، متفاوت بوده است و اکنون این بهره‌مندی به علت نوسانات اقتصادی کشور و عکس‌العمل قدرت‌های بزرگ اقتصادی دنیا، کم‌رنگ شده است. برای مثال چنانکه ایران سهمیه هفت میلیون بشکه‌ای نفت را در اوپک کسب می‌کرد، تحریم نفتی ایران کاری بسیار شاق برای آمریکا بود، اما اعمال این تحریم‌ها باعث شد که گسترش مسیرهای حمل‌ونقلی و توسعه زیربنای تجارت کشورمان مثل دیگر کشورهای عضو پیمان اکو در ارتباط با تجارت جهانی اتفاق نیفتد. پیمان شانگهای نیز در مراحل اولیه ورود ایران قرار دارد و اثرات آن در سال‌های آتی، هویدا خواهد شد.

♦♦ **ایران در تجارت خارجی ضعیف است، آفت هفت میلیارد دلاری تجاری در دو سال. بی‌مدیریتی دولت، تحریم‌ها یا بی‌عملی تجار و فعالان اقتصادی، کدام نقطه عطف این روند نزولی است؟ بنا به برنامه ششم توسعه، ایران باید در صادرات غیرنفتی به حدود ۱۲۰ میلیارد دلار در سال برسد، در حالی که در مقدار کمتر از ۴۰ میلیارد دلار ایستاده‌ایم و از کل صادرات جهان تنها سهم ۰,۷ درصدی داریم، علت این عقب‌ماندگی چیست؟**

علت عقب‌ماندگی ایران در صادرات و تجارت خارجی، قطعاً تنها به عمل تجار و فعالان اقتصادی بستگی نداشته و

تأثیرگذار در حوزه تجارت خارجی کشور کدامند؟ باید چه کرد؟

عوامل منفی تأثیرگذار در سیاست تجاری کشور را می‌توان در روابط متشنج تعاملات بین‌المللی جستجو کرد. برخی کشورها می‌خواهند با تحمیل خواسته‌های سیاسی خود، روابط اقتصادی را نیز یک‌سویه نموده و به ضرر کشور ایران و به نفع خود، معادلات تجاری را تنظیم کنند که بدیهی است این حالت پایدار نبوده و دولت‌های ما نیز ضمن تحکیم روابط سیاسی باید از پذیرش این روابط یک‌طرفه خودداری و در عین حال با داشتن سیاست قدرتمند و هم‌زمان متعادل و دولتی‌گرایانه روابط را به سوی برد - برد سوق دهند. از جمله این اقدامات، تدوین سیاست راهبردی تجارت خارجی است که باید با آمدن دولت‌های مختلف در ایران دچار دگرگونی اساسی نشود و تمامی حالت‌های برخورد یا تعامل در این منشور برای بلندمدت تعریف شده باشد، همان اقدامی که کشورهایی مانند چین و آمریکا انجام می‌دهند.

◆ **مسئولان، عاملان اقتصادی، اساتید و کارشناسان در تمام سال‌ها و همواره از مزیت‌های صادراتی کشور یاد کرده و آن‌ها را برشمرده‌اند، این مزیت‌ها چه کمکی کرده است. بازارها را به رقبا واگذار کرده‌ایم تا جای خالی ما را پر کنند. چگونه این وادادگی را به ثمر رسانده‌ایم؟**

اظهارات عاملان اقتصادی یا مسئولان در خصوص مزیت‌های اقتصادی به هیچ‌وجه نمی‌تواند کمکی به تجارت خارجی ما معمول دارد و حتی بسیاری از این تحلیل‌ها هم نادرست بوده است. وادادگی و سپردن بازارها به رقبا نیز از همین تحلیل‌های نادرست سرچشمه می‌گیرد. چرا که این تحلیل‌ها به علل اصلی توقف‌های تجاری اشاره نمی‌کند و در صورت ارائه شدن تحلیل‌های صحیح نیز گوش‌های شنوا بسیار اندک هستند و تنها راه‌حل موضوع، تحلیل خطاهای گذشته و تدوین سیاست تجاری مبتنی بر اصول علمی و ارتباطاتی با جهان اطراف است.

◆ **چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، عنوان فرمایید.**

تنها راهکار جبران این عقب‌ماندگی‌ها، ثبات روابط تجاری با کشورهای دیگر است که این امر نیز به برقراری توازن سیاسی و بلندمدت بستگی داشته و امکان ایجاد خدشه به‌وسیله تحریم‌های مختلف در طول سال‌های آتی را مرتفع می‌سازد و می‌توان در این حالت از پیمان‌های منطقه‌ای به‌عنوان کاتالیزور در پیشرفت روابط تجاری قوی با دیگر ملل استفاده کرد. ◆◆

در زمینه‌های کشاورزی و صنعتی وجود دارد. گاه مشاهده می‌شود که به دلیل شرایط موجود و عدم وجود روابط بین‌المللی مناسب، با تغییر بسته‌بندی، پسته و زعفران ایران را به نام محصولات اسپانیایی و اروپایی جابجا می‌نمایند و یا تراکتورهای ایرانی را به نام کشورهای دیگر به فروش می‌رسانند که این امر حاکی از توانایی بخش خصوصی در عملی نمودن الزامات توسعه صادرات است.

◆ **به تجربه تاریخ، بهترین راه امنیت و پایداری اقتصاد یک کشور در سهیم شدن با اقتصادهای دیگر جهان است. بنا به مزیت‌های نسبی و توان رقابت‌پذیری تولید و تجارت کشورمان، به نظر شما بهترین شرکای تجاری ما در نهایت کدام مناطق از جهان و کشورها ارزیابی می‌شوند؟**

تجارت و تبادلات کالا در دنیای کنونی مرز نمی‌شناسد و دوستان امروز ممکن است، فردا دیگر علاقه‌ای به محصولات ما نداشته باشند و برعکس. بنابراین مرزبندی فعلی مفهومی تام ندارد و لیکن با توجه به کثرت جمعیت و سهولت دسترسی، کشورهای عراق و افغانستان و ملل آفریقایی را می‌توان آسان‌ترین اهداف برای صادرات و توسعه تجارت محسوب کرد.

◆ **در ادامه سؤال قبل، آیا ایران با عضویت در پیمان‌های منطقه‌ای جهان چون شانگهای، اوراسیا و ... می‌تواند در فرآیند توسعه اقتصادی قرار گیرد؟**

ایران می‌تواند با مشارکت و عضویت پیمان‌های منطقه‌ای، ظرفیت‌های تجاری و اقتصادی خود را افزایش دهد و این امر در اقتصاد کلان بسیار مؤثر است و توسعه اقتصادی را تسریع می‌کند. لیکن همان‌طوری که در سطور بالا اشاره شده سهم ایران در این مشارکت‌ها تعیین‌کننده است و این امر به میزان قدرت و تأثیرگذاری کشورمان بستگی دارد و تعامل با دیگر اعضا را طلب می‌کند.

◆ **ارزیابی شما از کیفیت سیاست‌های تجاری کشور چیست؟**

سیاست‌های تجاری کشور حالت پایداری نداشته و سیاست دولت جدید باید ایجاد این ثبات و پایداری باشد تا بخش خصوصی بتواند سیاست بلندمدتی را دنبال کند.

◆ **مقاصد صادراتی و مبادی وارداتی کشور ما تنها محدود به چند کشور شده است، بیش از ۷۰ درصد از کل صادرات ایران به پنج مقصد صادراتی وارد می‌شود که ریسک کاهش صادرات و واردات را بالا می‌برد. عوامل منفی**

تجارت و تبادلات

کالا در دنیای

کنونی مرز

نمی‌شناسد و

دوستان امروز

ممکن است، فردا

دیگر علاقه‌ای

به محصولات ما

نداشته باشند و

برعکس. بنابراین

مرزبندی فعلی

مفهومی تام ندارد

ولیکن با توجه به

کثرت جمعیت و

سهولت دسترسی،

کشورهای عراق و

افغانستان و ملل

آفریقایی را می‌توان

آسان‌ترین اهداف

برای صادرات و

توسعه تجارت

محسوب کرد.

اشتباهات تجار در تجارت با کشور روسیه



محمدرضا حیدری پور

مدیرعامل شرکت مدیریت صادرات آلا تجارت بین الملل امین

چه شرکت‌هایی می‌توانند وارد بازار کشور روسیه شوند؟ برای انتخاب کشور هدف صادراتی خود باید دقت کنیم آیا محصول، نوع بسته‌بندی و توان تأمین ما مناسب با بازار آن کشور می‌باشد یا خیر. برای انتخاب بازار روسیه باید در نظر داشت شرکت‌هایی که تأمین‌کنندگانی، قوی و دارای بسته‌بندی مناسب هستند به این بازار ورود کنند. به دلیل جمعیت بالای این کشور فروشگاه‌های زنجیره‌ای و تأمین‌کنندگان، قراردادهای تأمین با حجم بالا می‌بندند که این امر ورود شرکت‌های کوچک را دشوار کرده است. برای رفع این مشکل باید کنسرسیوم‌های تخصصی صادراتی را جهت ورود به بازارهای بزرگ تشکیل دهند و خود به‌تنهایی وارد این بازار نشوند. در شکل شماره (۱) نقش و تأثیر کنسرسیوم‌های صادراتی آورده شده است.

اشتباهات تجار در بازار روسیه

تجار ایرانی در تجارت با کشور روسیه دچار اشتباهاتی شده‌اند که موجب شده کشورهای رقیب، این بازار بزرگ را در اختیار خود بگیرند که به تعدادی از این اشتباهات اشاره می‌شود:

۱. برای ورود به فروشگاه‌های زنجیره‌ای در کشور روسیه باید با تأمین‌کنندگان این فروشگاه‌ها مذاکره نمود، درحالی‌که بسیاری از تجار با دلالتان غیرحرفه‌ای وارد مذاکره می‌شوند که منجر به کلاهبرداری آن‌ها از صادرکنندگان می‌شود.
۲. بسته‌بندی نامناسب؛ نداشتن اطلاعات لازم از عادت خرید



شکل شماره (۱): نقش و تأثیر کنسرسیوم‌های صادراتی جهت ورود به بازارهای بزرگ

مردم و سلیقه آن‌ها در طرح و سایز بسته‌بندی‌ها، یکی دیگر از اشتباهات می‌باشد. با توجه به آنالیز میدانی که در این کشور انجام شده است، در این بازار محصولاتی مانند خرما در بسته‌بندی‌های ۱۰۰ الی ۲۵۰ گرمی به فروش می‌رسد که چند نمونه از بسته‌بندی و اندازه آن‌ها آورده شده است، (شکل شماره (۲))،

۳. حمل‌ونقل؛ برای ارسال بار به این کشور نکته مهمی که وجود دارد این است که بسیاری از صادرکنندگان مواد غذایی برای حمل از کانتینرهای یخچال دار استفاده نمی‌کنند در صورتی‌که باید برای حمل محصولات غذایی از جمله صیفی‌جات، خرما و ... از کانتینر یخچال دار استفاده شود تا تعادل دما حفظ شده و در فصل سرد موجب یخ‌زدگی محصولات نشود.

۴. نداشتن اطلاعات قابل اعتماد در روسیه از بازار و مشتریان؛ صادرکنندگان قبل از ورود به بازارهای کشورهای مختلف باید آنالیز دقیقی از بازار، مشتریان و رقبای خارجی خود داشته باشند. برای به دست آوردن آنالیز بازارهای هدف خود می‌توانند به شرکت‌های مدیریت صادرات مراجعه کنند و با در دست داشتن اطلاعات دقیق وارد آن بازارها شوند.

۵. عدم سیاست‌گذاری برند سازی و اصرار بر سود لحظه‌ای،

۶. نداشتن نگاه بلندمدت تجاری در این کشور،

۷. عدم ایجاد مزیت رقابتی،

۸. نداشتن استراتژی فروش،

۹. عدم استفاده از شرکت‌های مدیریت صادرات در جهت تسریع روند فروش،

۱۰. عملکرد جداگانه (جزیره‌ای عمل کردن) تک‌تک تاجران،

۱۱. عدم اعتبارسنجی تأمین‌کنندگان در کشور روسیه. ♦♦



شکل شماره (۲): نمونه‌ای از بسته‌بندی خرما در فروشگاه‌های زنجیره‌ای در کشور روسیه



هم‌افزایی بازاریابی و برندگرایی در سازمان

رشد روزافزون رقابت، پژوهش‌ها بیان می‌دارند که برندهای قوی برای رقابت بلندمدت، به‌عنوان یک عامل حیاتی به‌حساب می‌آیند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که برندگرایی می‌تواند به بازاریابی منجر شود. برندگرایی یک رویکرد درون‌نگر و هویت‌محور است که برند را به‌عنوان مرکز یک سازمان و استراتژی آن می‌بیند. به همین ترتیب، بازاریابی، یک رویکرد

♦ محمدرضا حیدری پور

مدیرعامل شرکت مدیریت صادرات آلا تجارت بین‌الملل امین

در دنیای سراسر رقابت تجاری امروزی که سعی همه شرکت‌ها ربودن گوی سبقت از رقبای خود است اهمیت برندگرایی و بازاریابی نمایان می‌شود. با وجود

هدف بازرگاری و برندگاری بهبود رشد شرکت و جلب رضایت مشتریان است. در واقع، برندگاری در نظر گرفته می‌شود که تعیین‌کننده هویت شرکتها است و در مقابل، بازرگاری رویکردی خارجی است.

شکل زیر مدلی از هم‌افزایی برندگاری و بازرگاری با سه بعد برندگاری، بازرگاری و سازمان ارائه می‌دهند که در یک دایره، برندگاری و سازمان داخل دایره و بازرگاری خارج دایره قرار می‌گیرد. زمانی که نگاه سازمان از داخل به خارج باشد، تأکید بر برندگاری است و زمانی که دیدگاه سازمانی از بیرون به داخل سازمان باشد، بر بازرگاری تأکید می‌شود. بر این اساس این دو به یکدیگر مرتبط هستند؛ در نتیجه، این دو متغیر در خلأ وجود ندارند و با یکدیگر نیروی هم‌افزایی فراهم می‌کنند.

شکل زیر ایده‌های اساسی بازرگاری و برندگاری را به تصویر می‌کشد. ♦♦

تصویر محور و برون‌نگر است. برندگاری رویکردی است که در آن فرایندهای تکامل سازمانی در زمینه ایجاد و توسعه برند در تعامل با مشتریان هدف تکامل پیدا می‌کنند که هدف از این فرایندها، ایجاد مزیت رقابتی پایدار است.

بازرگاری به دنبال جمع‌آوری اطلاعات از مشتریان برای بهبود کیفیت محصول یا خدمات تولیدی است و به‌عنوان راهبردی که کسب‌وکارها آن را دنبال می‌کنند، تعهدی برای کسب‌وکارها ایجاد می‌کند تا برای مشتریان ارزش ایجاد کنند و نیازهای آن‌ها را برآورده کنند. در حقیقت، بازرگاری می‌تواند به تحول در فرهنگ سازمانی این شرکتها منجر شود.

برندگاری فراتر از بازرگاری است. تأمین نیازها و خواسته‌های مشتری اصل بازرگاری است و مفهوم بازرگاری یک مفهوم کلاسیک در بازاریابی است. از طرف دیگر برندگاری فراتر از نیازها و خواسته‌های مشتریان است. در اصل، بازرگاری و برندگاری دو گرایش استراتژیک مختلف هستند. بازارگاری درجه اول یک رویکرد خارجی اتخاذ می‌کند، در مقابل، برندگاری در ابتدا یک رویکرد داخلی اتخاذ می‌کند.

دو مفهوم بازرگاری و برندگاری به‌عنوان راهبردهای به کارگرفته شده در شرکتها مشابهت‌هایی دارند.



رویکردهای بازارگرا و برندگرا

برندسازی تولیدات را از کجا آغاز کنیم؟



که شاهد هستیم تولیدکننده‌های بزرگ به‌طور مستمر روی روش‌های مختلف برندسازی سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای انجام می‌دهند و همواره در صدر تولید و فروش هستند. هویت بخشیدن به برند و ایجاد برندسازی می‌تواند از طریق انتخاب رنگ سازمانی

◆ فهیمه سالاری
مشاور حوزه برندینگ

اگرچه واژه‌های برند و برندسازی از پرکاربردترین کلماتی هستند که در کسب‌وکارهای مختلف شنیده می‌شود، اما آیا تولیدکننده‌های محصولات مختلف به اهمیت برندسازی بر تولیدات خود واقف هستند؟ متأسفانه با شروع رکود اقتصادی ناشی از بیماری کرونا، شاهد تعطیل شدن بسیاری از واحدهای تولیدی نوپایی هستیم که در زمینه برندسازی خود سرمایه‌گذاری نکرده بودند و در مقابل بنگاه‌هایی که برند تجاری خود را به‌خوبی شکل داده بودند به‌راحتی بحران را پشت سر گذاشته و به تولیدات خود ادامه دادند.

علی‌رغم مشکلات زیادی که کرونا برای فعالیتهای اقتصادی ایجاد کرد، اثرات مثبت برندسازی در ماندگاری و بقای تولیدات در بازار را آشکار کرده است. قدمت برندسازی به مفهوم امروزه به بعد از جنگ جهانی دوم برمی‌گردد. زمانی که محصولات مشابه، تولید و وارد بازار شدند و تولیدکنندگان درصد ایجاد تمایز معنوی و هویت بخشیدن به محصول خود شدند، درواقع آن‌ها دریافتند تنها راه باقی ماندن در بازار رقابت و برنده شدن، برندسازی است. برندسازی نمادی برای مطرح کردن مالکیت، کیفیت و صداقت محصول است. درواقع مفهوم برندسازی درگیر کردن احساسات و عواطف مخاطب با محصول است و محدود به یک نام به‌تنهایی نیست و هر آنچه باعث شکل‌گیری حس مثبت و متفاوت در رابطه با محصول در مخاطب می‌شود برندسازی است. برندسازی تولیدات، محصول را در ذهن مخاطب برای مدت طولانی ماندگار می‌کند و به این صورت جایگاه تولیدات محصول در بازار تثبیت می‌شود.

در دنیای پر از رقابت امروزی، برندسازی تولیدات بهترین و اثربخش‌ترین ابزار بازاریابی در تسخیر بازارهای هدف داخلی و بین‌المللی است و همان‌گونه



- مهم‌ترین مزیت برندسازی ایجاد تمایز با رقبا،
- ایستادگی در یک بازار اشباع شده،
- کسب اعتبار،
- وفادار کردن مشتریان،
- و سهولت در معرفی محصولات می‌باشد.

قطعاً داشتن اطلاعاتی در رابطه با مراحل برندسازی مسیر جدیدی برای برند سازی تولیدات باز می‌نماید؛ اولین و مهم‌ترین اقدام برای شروع فرایند برندسازی، تحقیقات بازار مؤثر است. در تحقیقات بازار باید چند نکته را مدنظر قرار داد: آگاهی مخاطبین از حضور برند شما در بازار چقدر است؟ دیدگاه مقایسه‌ای مخاطبین بین برند شما و رقبا چگونه است؟ از نظر مخاطبین برند شما با چه خصوصیات و ویژگی‌هایی عجین شده است؟

با جمع‌آوری پاسخ‌های منطقی به این سؤالات و تحلیل آن می‌توان مسیر برندسازی تولید را روشن کرد و قدم در آن مسیر گذاشت.

ارائه ارزش منحصر به فرد یکی دیگر از مراحل برندسازی است. ارزشی که ایجاد تمایز می‌کند و دلیل انتخاب مخاطب است. آیا کیفیت تولیدات شما بالاتر است و یا تولیدات را با قیمت پایین‌تری عرضه می‌کنید؟ چرا باید مخاطب شما را انتخاب کند؟

داشتن ارتباط دائمی و مستمر با مخاطب، پایان‌بخش مراحل برندسازی است. در تمام مراحل برندسازی همواره و به طور مستمر باید از طرق مختلف با مخاطبین که سرمایه‌های اصلی هر کسب‌وکاری هستند ارتباط مؤثر و دائمی داشت.

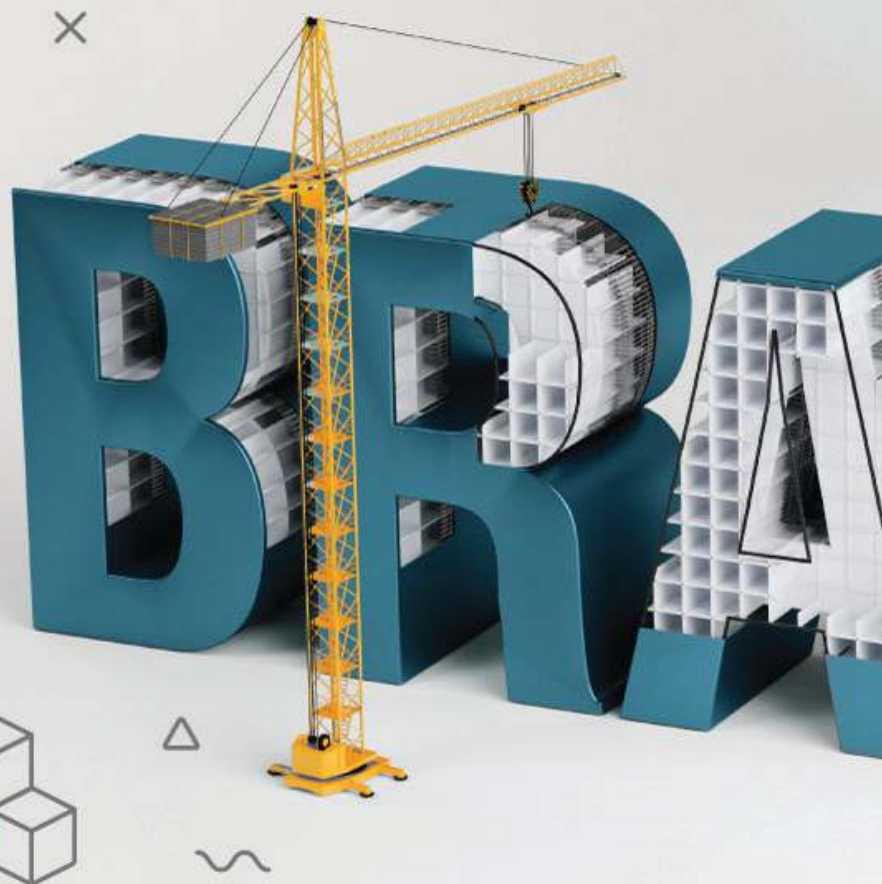
با تمرکز بر روی برندسازی تولیدات، می‌توان هویت برند را به طور واضح مشخص کرد و علاوه بر جذب مخاطبین بیشتر باعث جلب اعتماد بهتر آن‌ها و همچنین وفادار نمودن هرچه بیشتر مشتریان گردید. ♦♦

مناسب، شعار سازمانی ماندگار، ملودی‌های متناسب و حتی ایجاد هویت بصری متمایز با رقبا صورت پذیرد. اهمیت موضوع برندسازی برای تولیدات جدید که نیاز به پیدا کردن بازار و رقابت با تولیدات شناخته شده دارند، چندین برابر است. داشتن اهداف بلندمدت، استراتژی مناسب و برندسازی اصولی و مستمر، قطعاً در به دست گرفتن بازار برای مدت طولانی مؤثر است. با توجه به آنچه گفته شد می‌توان مفهوم جامع‌تری از برندسازی را ارائه داد؛ در واقع برندسازی فرآیندی است که طی آن سطح آگاهی مشتریان نسبت به برند افزایش پیدا می‌کند و یک سری ارزش‌ها در ذهن مشتری شکل می‌گیرد.

عدم برندسازی اصولی در امر تولیدات، منجر به از دست دادن مشتریان و در نهایت خارج شدن از میدان رقابت می‌گردد. همان‌طور که هر کسب‌وکاری در ابتدای فعالیت روی موارد مختلف سرمایه‌گذاری می‌کند ملزم به سرمایه‌گذاری روی برند و برند سازی نیز می‌باشد.

از برندسازی می‌توان به‌عنوان یکی از دارایی‌های معنوی سازمان‌ها و شرکت‌ها نام برد و انجام اصولی روش‌های برندسازی می‌تواند باعث ایجاد ارزش افزوده بسیار بالایی بر روی آن دارایی شود.

در ادامه بررسی مزیت‌های برندسازی، می‌توان از موارد زیر نام برد:





جاذبه داریم ولی جذاب نیستیم



◆ غلامرضا نیکرو
راهنمای گردشگری

بلافاصله آمادگی پذیرایی از مهمانان را حتی بیشتر از قبل داشته باشیم. لازم است از هم‌اکنون با برنامه‌ریزی دقیق و جدی و با تشکیل کمیسیون گردشگری و ایجاد اتاق فکر با حضور مسئولان ذیربط، مدیران آژانس‌ها و بویژه راهنمایان گردشگری که دارای تجربیات زیادی در زمینه توریسم هستند، اقدامات جدی را آغاز و اجرایی کنیم، اقداماتی به شرح زیر که موجب فراهم شدن سهولت سفرهای خارجی و داخلی می‌گردد:

۱. فراهم نمودن امکان اخذ ویزا در کرمان که باعث ورود

در صنعت گردشگری استان پهناور کرمان داشته‌های زیادی با توجه به موقعیت جغرافیایی و ظرفیت‌های تاریخی و طبیعی وجود دارد. کرمان در مسیر جاده ابریشم قرار داشته و حلقه اتصال بین تمدن‌های غرب و شرق دنیا بوده است. این استان در همسایگی سه استان مرزی کشور همچنان در مسیر ارتباطی بین اروپا و آسیای جنوب شرق و همسایگان شمالی با خلیج فارس و دریای عمان، اهمیت استراتژیکی ویژه‌ای دارد. لازم به یادآوری است به هر حال ما در زمینه دیدنی‌ها، جاذبه داریم ولی جذاب نیستیم. با کمال تأسف هم‌اکنون با چالش‌هایی روبرو هستیم و با وجود پاندمی کووید ۱۹ چندین ماه است که فاقد گردشگر شده‌ایم و استان بسیار متضرر شده است، اما نباید ناامید بود. به نظر من از هم‌اکنون ما باید زمینه بهسازی و آماده‌سازی استان کرمان برای حضور مجدد گردشگران ایرانی و خارجی را فراهم کنیم تا چنانچه این ویروس رخت بر بست،

گردشگران خارجی به ایران و کرمان می‌شود، امکان داشتن یک پرواز از تهران به آسیای جنوب شرق و غرب اروپا توسط هواپیمایی ماهان در کرمان، ۳. در قیمت بلیط تهران به کرمان و بالعکس تجدیدنظر و حتی المقدور کمتر شوند و کنترل نرخ‌ها به‌طور جدی صورت پذیرد، ۴. حرکت قطارها به کرمان مرتب و منظم شود، روزانه یک قطار ویژه یزد به کرمان و بالعکس و یک قطار سریع‌السیار از کرمان به تهران و بالعکس دایر گردد، ۵. در هفته یک پرواز از تهران به کرمان و از کرمان به چابهار و یک پرواز هم از تهران به کرمان و بندرعباس دایر گردد، ۶. تورهای ارزان قیمت از اروپای شرقی و کشورهای شمالی به کرمان با قطار تدارک دیده شود، ۷. برای همسایگان جنوبی کشور (امارات و عمان)، تسهیلات اخذ ویزا برای ورود به استان جهت گردشگری و مراجعه بیماران جهت مداوا، در نظر گرفته شود، ۸. معرفی استان و پتانسیل‌های آن به‌خصوص معرفی آثار و بناهای تاریخی و طبیعی استان که به ثبت جهانی رسیده‌اند با جدیت توسط رسانه‌های تصویری استان و کشور صورت پذیرد، ۹. جاذبه‌های گردشگری استان به سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های ایران در خارج از کشور، با همکاری دفتر نمایندگی وزارت امور خارجه در کرمان به‌خصوص در کشورهای هدف گردشگری، معرفی گردند، ۱۰. برپایی نمایشگاه‌های گردشگری استانی، کشوری و خارجی در استان و شرکت استان در نمایشگاه‌های ملی و بین‌المللی، ۱۱. تجهیز و مرمت کلیه پایانه‌های فرودگاهی، راه‌آهن، اتوبوس شهری و بین‌شهری، تاکسی‌های شهری و بین شهری، ۱۲. نصب تابلوهای گردشگری به زبان فارسی و انگلیسی در ورودی‌های شهرها و معرفی روستاهای دو طرف جاده‌ها به زبان فارسی و انگلیسی، ۱۳. تهیه نقشه‌های گردشگری استان با مشخصات و تغییرات جدید و باکیفیت خوب، ۱۴. فراهم نمودن راهنمای نقشه گردشگری برای مسئولان، راهنمایان، موزه‌داران و کلیه آثار و بناهای تاریخی و فرهنگی و موزه‌ها، ۱۵. بازسازی، مرمت و درجه‌بندی واحدهای اقامتی و پذیرایی (هتل، هتل آپارتمان، پذیرایی میان راهی، مهمان‌پذیرها، مهمانسراها، واحدهای بوم‌گردی سنتی شهری و روستایی

و پانسیون‌ها) و راه‌اندازی استراحتگاه‌های موقت برای رانندگان کامیون‌های ترانزیت، با حمایت از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، ۱۶. با حمایت از سرمایه‌گذاران بخش خصوصی اقدامات جدی برای جاده‌های شهر انار تا شوره گز مسیر انار، کرمان و زاهدان، کرمان به شیراز تا حدفاصل دوراهی معادن گل‌گهر، کرمان به نهبندان حدفاصل کرمان تا رودخانه کاله‌شور، کرمان به بندرعباس تا حد مرزی استان هرمزگان، کرمان به مشهد مقدس تا دوراهی نایبند صورت پذیرد، ۱۷. با توجه به اینکه سه جاده از این مسیرهای فوق‌الذکر جاده ترانزیت هستند. در این مسیرها تسهیلات جاده‌ای شامل، مجتمع‌های پذیرایی استاندارد، جایگاه‌های سوخت مجهز، سرویس‌های بهداشتی ایرانی و فرنگی، معرفی شهرها، روستاها، آبادی‌های اطراف جاده‌ها، آماده‌سازی نمازخانه‌ها و سکوها نماز فراهم شود و همچنین آماده‌سازی جاده کرمان به جیرفت برای عبور و مرور اتوبوس‌های گردشگری حدفاصل ساردو (درب بهشت) تا دلفارد، ضرورت دارد، ۱۸. آماده‌سازی و افتتاح رسمی روستاهای ویژه گردشگری مانند دهکری، سیرچ، ساردو، دلفارد و جویبار، ۱۹. محصولات کشاورزی استان مانند پسته، خرما و مرکبات که در ایران سرآمد هستند معرفی شوند، البته با بسته‌بندی‌های جدید و استاندارد و روی هر بسته مشخصات محصول و معرفی یکی از جاذبه‌های استان وجود داشته باشد، ۲۰. حمایت و توجه بیشتر و جدی‌تر در مورد صنایع دستی بومی و محلی مانند قالی، گلیم شیرینی پیچ، جلگه، جاجیم، پته، کار روی مس و غیره، ۲۱. موضوع مهم آخر این‌که باید به بهسازی شهرهای مسیر گردشگری استان بویژه شهر کرمان توجه خاص داشته باشیم و مسئولان بویژه شورای زیباسازی و خود مردم در چیدمان شهرها و زیبایی آن‌ها توجه و همت نمایند، به نظر می‌رسد کرمان در این زمینه بیش از ۵۰ سال از شیراز و بیش از ۲۰ سال از شهرهای بیرجند و یزد (مراکز استان‌های هم‌جوار) عقب‌تر است. باید به بهسازی و مرمت ورودی‌های شهرهای موردنظر، میداين و چهارراه‌ها، پیاده‌روها و پیاده‌راه‌ها، پل‌های پیاده، خط‌کشی‌ها، سرویس‌های بهداشتی، ایستگاه‌های تاکسی و اتوبوس، اتوبوس‌های واحد اتوبوس‌رانی، چیدمان مغازه‌ها، زیباسازی و استاندارد تابلوهای اماکن عمومی و شرکت‌ها اهمیت داد و از آن‌ها غافل نشد. ♦♦

از هم‌اکنون

ما باید زمینه

بهسازی و

آماده‌سازی استان

کرمان برای حضور

مجدد گردشگران

ایرانی و خارجی

را فراهم کنیم

تا چنانچه این

ویروس رخت بر

بست، بلافاصله

آمادگی پذیرایی

از مهمانان را

حتی بیشتر از قبل

داشته باشیم.

تشکل های اتاق کرمان، در شش ماهه ابتدایی سال ۱۴۰۰

فاطمه مهربانی
مدیر امور تشکل های اتاق کرمان

شرکت های صنعت پخش استان کرمان، توسعه سرمایه گذاری سیرجان، آزمایشگاه های همکار آزمون و کالیبراسیون استان کرمان، گیاهان دارویی، صنعتی و معطر استان کرمان، صنایع دستی استان کرمان، زغال و صنایع وابسته استان کرمان و سندیکای صنایع آسانسور و پله برقی استان کرمان و خدمات وابسته و کانون های کارآفرینی استان کرمان و زنان بازرگان استان کرمان، زیرمجموعه اتاق کرمان فعال هستند. همچنین انجمن پسته ایران برای پیشبرد اهداف خود در سطح ملی و استانی، تحت حمایت اتاق کرمان می باشد. در ادامه برنامه و اقدامات اجرایی برخی از انجمن های نامبرده آورده شده است.

انجمن آزمایشگاه های همکار آزمون و کالیبراسیون استان کرمان

با توجه به وجود برخی مشکلات در زمینه توزیع نمونه محموله های صادراتی، وارداتی و موارد مربوطه با همکاری و هماهنگی اتاق بازرگانی استان کرمان تفاهم نامه ای در این راستا فی مابین این انجمن و اداره کل استاندارد استان کرمان از تاریخ ۱۳۹۹/۰۴/۰۱ منعقد گردید که هم اکنون در حال اجرا می باشد.

اتاق های بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی به استناد مواد قانونی از جمله بند (ک) ماده ۵ قانون اتاق ایران، بند (د) ماده ۹۱ قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ و مواد (۱) و (۵) قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار موظف به تمهید شرایط ایجاد، ثبت، ساماندهی، ادغام و شبکه سازی و یکپارچه سازی و انسجام تشکل های اقتصادی هستند.

اتاق بازرگانی کرمان با توجه به اهمیت نقش تشکل ها در استمرار فعالیت های اقتصادی، ایجاد و تقویت تشکل های اقتصادی را جزء اهداف اصلی خود در نظر گرفته است.

از این رو اتاق در کنار برنامه ریزی برای تقویت فرهنگ تشکل گرایی، انجام اقدامات لازم برای حمایت و توانمندسازی تشکل های تخصصی و مرتفع سازی مشکلاتشان در جهت دستیابی به اهداف و برنامه های اجرایی را نیز در دستور کار دارد.

در حال حاضر ۱۶ تشکل تخصصی شامل: انجمن های خدمات فنی و مهندسی استان کرمان، سنگ استان کرمان، خرمای استان کرمان، شرکت های دانش بنیان استان کرمان، صادرکنندگان استان کرمان، گلخانه داران جنوب استان کرمان، گلخانه داران شرق استان کرمان،

ردیف	برنامه	اقدامات اجرایی	نتیجه اقدامات
۱	انعقاد تفاهم نامه با اداره کل استاندارد استان کرمان	الف: تقسیم بندی نمونه های برداشت شده از محموله های صادراتی و وارداتی ب: کدگذاری نمونه ها و ارسال به آزمایشگاه ج: توزیع نمونه ها به صورت یکسان بین آزمایشگاه های تأیید صلاحیت شده د: ثبت اطلاعات مربوط به موارد فوق در سامانه استاندارد	هر چهار مورد با موفقیت در حال انجام
۲	راه اندازی سامانه صدور گواهی نامه انطباق صادراتی و وارداتی با نام IRANSAHBA.COM و دریافت نماد الکترونیک	الف: انجام امور فنی و اداری مربوط به راه اندازی سامانه ب: اقدام جهت عضویت شرکت های مربوطه در سامانه	الف: در دست اقدام



انجمن گلخانه داران شرق استان کرمان

انجمن گلخانه داران شرق استان کرمان در راستای توانمندسازی اعضاء و گلخانه داران منطقه شرق استان کرمان و همچنین کاهش مشکلات آن‌ها اقدام به برگزاری دوره‌های آموزشی، برگزاری جلسات با مسئولان و مکاتبات می‌نماید.

ردیف	برنامه	اقدامات اجرایی	نتیجه اقدامات
۱	تقویت و توسعه ارتباطات	تشکیل گروه مجازی با اعضاء	ارتباط و تعامل بیشتر با اعضاء
۲	آموزش	برگزاری دوره آموزشی دو روزه «اصول تغذیه گیاهی و فرمولاسیون کوددهی» به صورت آنلاین	حضور ۲۳ نفر از اعضاء و شرکت در دوره و استفاده از مطالب کاربردی
۳	بررسی و رفع مشکلات اعضاء	برگزاری جلسه در محل فرمانداری بم با حضور معاون توسعه فرمانداری و مسئولان جهاد کشاورزی بم در راستای: الف- درخواست تمدید اقساط و بخشش سود تسهیلات به دلیل افزایش تورم و وجود مشکلات در زمینه صادرات ب- درخواست تخصیص بذر یارانه‌ای به دلیل افزایش نرخ نهاده‌ها مثل سم و کود و بذر ج- درخواست افزایش زمان بازپرداخت تسهیلات از ۵ به ۱۰ سال د- درخواست هماهنگی و اطلاع‌رسانی اداره برق با گلخانه‌داران در خصوص قطعی برق به منظور جلوگیری از خسارت به محصولات ه- درخواست ایجاد هماهنگی‌های لازم با مسئولان در خصوص مشکلات موجود در مرزها در بحث صادرات و- هماهنگی در خصوص ترخیص کالا در گمرکات و تسهیل روند ترخیص به دلیل فسادپذیر بودن محصولات گلخانه‌ای و از دست رفتن کیفیت و عدم بازپرسی در صورت افزایش زمان ترخیص	ارسال مسائل و مشکلات به استانداری و پیگیری اتاق جهت برگزاری جلسه با مسئولان استان
۴	هماهنگی	برگزاری جلسه با اعضاء و گلخانه‌داران منطقه و انتخاب یک نماینده از هر منطقه	ساماندهی بهتر امور گلخانه‌داران
۵	بررسی و رفع مشکلات	برگزاری جلسه با معاون اقتصادی استاندار در راستای: الف- درخواست امهال تسهیلات دریافتی گلخانه‌داران با توجه به افزایش هزینه نهاده‌ها و کاهش قیمت محصولات تولیدی و مشکلات صادرات و عدم توان پرداخت اقساط توسط گلخانه داران ب- تسریع در عملیات گازکشی مجتمع‌های گلخانه‌ای بویژه مجتمع قنات شهرستان نرماشیر که در روند گازکشی با مشکلاتی روبروست ج- اختصاص تسهیلات بانکی جهت تجهیز گلخانه برای تأسیساتی همانند شید، مه پاش و... با توجه به افزایش هزینه‌ها با توجه به معوقه شدن تسهیلات دریافتی قبلی. (تسهیلات دریافتی با توجه به تورم و افزایش هزینه‌ها کفاف تکمیل گلخانه‌ها را نداده است) د- هماهنگی با گمرک در مورد تسریع در روند ارسال محصولات تولیدی همانند صیفی‌جات به دلیل ماندگاری کوتاه این محصولات	الف: درخواست ثبت‌نام گلخانه‌داران در سامانه رفع موانع تولید ب: پیگیری از طریق شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی
۶	ثبت‌نام در سامانه رفع موانع تولید	اطلاع‌رسانی به گلخانه‌داران جهت تکمیل مدارک برای ثبت‌نام در سامانه رفع موانع تولید	ثبت‌نام گلخانه داران در سامانه رفع موانع تولید
۷	سمینار آموزشی	برگزاری سمینار سه‌روزه «آفات و بیماری‌های گیاهان و مدیریت هزینه‌های تولید» به صورت آنلاین	حضور ۲۱ نفر از اعضاء و شرکت در دوره و استفاده از مطالب کاربردی
۸	بازدید آموزشی	بازدید از گلخانه‌های منطقه با توجه به شروع فصل کشت در شهریورماه و ارائه مشوره به گلخانه‌داران جهت بهبود تولید و افزایش عملکرد در واحد سطح	-
۹	بررسی و رفع مشکلات	برگزاری جلسه با نماینده محترم مردم شرق استان کرمان در مجلس شورای اسلامی جناب آقای حجت‌الاسلام غضنفر آبادی	پیگیری درخواست‌ها و رفع مشکلات گلخانه‌داران

انجمن شرکت‌های صنعت پخش استان کرمان:

به منظور حفظ حقوق و منافع مشروع و قانونی و بهبود وضع اقتصادی اعضاء که خود متضمن حفظ منافع جامعه نیز می‌باشد، انجمن شرکت‌های صنعت پخش استان کرمان تشکیل گردیده تا شرکت‌های پخش استانی، منطقه‌ای و شعب شرکت‌های پخش سراسری و منطقه‌ای توزیع‌کننده کالاهای مصرفی پُر گردش مانند غذایی، دارویی، لوازم مصرفی پزشکی، آرایشی، بهداشتی، شوینده، لوازم خانگی، لوازم التحریر، روغن‌های روانکار صنعتی و دخانیات را در جهت نیل به اهداف خود در سطح استان یا منطقه تحت پوشش خود قرار دهد.

ردیف	برنامه	اقدامات اجرایی	نتیجه اقدامات
۱	اخذ مجوز تردد در زمان محدودیت کرونا	مکتبه با فرمانداری، پلیس راهور و اداره صمت	دریافت مجوز تردد برای ماشین های پخش
۲	واکسیناسیون عوامل پخش	مکتبه با دانشگاه علوم پزشکی، اداره صمت و اتاق بازرگانی	دریافت مجوز واکسیناسیون عوامل پخش
۳	اخذ معافیت شرکت‌های پخش دارای مجوز پخش از اداره صمت از جواز صنفی	مکتبه با اداره صمت، اتاق بازرگانی و اماکن	معافیت شرکت‌های پخش از جواز صنفی که مجوز پخش از اداره صمت دارند
۴	باربری انجمن صنعت پخش	مکتبه با اداره راهور	متأسفانه هنوز به نتیجه نرسیده است
۵	برگزاری مجمع عمومی و فوق‌العاده انجمن	مکتبه با اتاق بازرگانی، انجمن ملی	مجمع برگزار شد
۶	تأمین سوخت	مکتبه با شرکت نفت، اداره صمت و اتاق بازرگانی	متأسفانه هنوز به نتیجه نرسیده است

انجمن خرما:

ردیف	برنامه	اقدامات اجرایی	نتیجه اقدامات
۱	آموزش	برگزاری دوره‌های آموزشی ماهیانه در مناطق تولید و برگزاری دوره‌های آموزش «ماه دیت» به صورت وبیناری	ارتقا دانش ذی‌نفعان و بهبود روش اجرای فعالیت‌های کسب‌وکار
۲	پیگیری مسائل و مشکلات ذی‌نفعان	برگزاری جلسات متعدد با سازمان‌های دولتی و نمایندگان بخش خصوصی در راستای پیگیری مسائل و مشکلات ذی‌نفعان	دفاع از حقوق ذی‌نفعان و رفع بعضی از مشکلات کوله‌مدت و میان‌مدت
۳	حضور در نمایشگاه‌های تخصصی مواد غذایی	حضور در نمایشگاه‌های تخصصی مواد غذایی به‌عنوان بازدیدکننده و رایزنی با ارائه‌دهندگان خدمات کسب‌وکار و تجار سایر استان‌ها	رایزنی با ارائه‌دهندگان خدمات کسب‌وکار و تجار و رفع نیازهای فعالان صنعت خرمای استان
۴	امور تحقیقاتی	انجام امور تحقیقاتی در زمینه استفاده از ضایعات درخت خرما جهت تولید خمیر کاغذ و روش‌های مبارزه با آفت زنجره	اخذ نتایج علمی مناسب و اطلاع‌رسانی به اعضاء استفاده از ضایعات درخت خرما جهت تولید خمیر کاغذ و روش‌های مبارزه با آفت زنجره
۵	انتشار نشریه نخل سبز	تکمیل شماره بهار و تابستان نشریه نخل سبز ایران و اطلاع‌رسانی در شبکه‌های مجازی انجمن و ارسال برای اعضاء انجمن	ارتقا دانش به‌روز ذی‌نفعان و بهبود روش اجرای فعالیت‌های کسب‌وکار و اطلاع‌رسانی اخبار و رویدادها
۶	تحلیل مستمر تولید بازار خرمای استان	تحلیل مستمر تولید بازار خرمای استان در کمیته‌های تخصصی و اعلام نتایج به اعضاء جهت اطلاع از روندهای حاکم بر کسب‌وکار خرما	اطلاع اعضاء از روندهای حاکم بر کسب‌وکار خرمای استان و کشور
۷	اطلس خرما	انجمن عکس‌برداری از انواع خرمای استان در سه مرحله خارک، رطب و خرما و تکمیل اطلس مصور خرمای استان کرمان	تکمیل اطلس مصور خرمای استان کرمان جهت اطلاع‌رسانی توانمندی‌های خرمای استان کرمان

انجمن صنایع دستی استان کرمان:

ردیف	برنامه	اقدامات اجرایی	نتیجه اقدامات
۱	تشکیل و ثبت انجمن	الف. پیگیری امور اداری ثبت انجمن	رسیدن به مرحله درج آگهی در روزنامه
۲	تشکیل و ثبت انجمن	ایجاد کارگاه آموزشی و برگزاری دوره‌های آموزشی برای خیریه باب‌الجوائف	برگزاری چندین جلسه آموزشی در سه رشته قلم‌زنی، پته و چرم

انجمن پسته:

انجمن پسته ایران به منظور هم‌اندیشی، ساماندهی و هماهنگی در امور بین بخشی، افزایش بهره‌وری و ارتقاء جایگاه پسته ایران و دفاع از حقوق و منافع فعالان صنعت پسته در عرصه‌های ملی و بین‌المللی در دی‌ماه ۱۳۸۵ تأسیس شد و در اسفندماه همان سال ثبت اتاق ایران گردید.

این انجمن تنها تشکل غیرانتفاعی فراگیر تخصصی، فنی، آموزشی و غیرسیاسی فعالان پسته کشور در پنج گروه باغداران، صادرکنندگان، پایانه‌داران، بازرگانان داخلی و خدمات‌دهندگان می‌باشد که تلاش دارد محیطی مناسب برای همکاری درون و فرابخشی فعالان پسته کشور فراهم سازد.

ردیف	برنامه	اقدامات اجرایی	نتیجه اقدامات
۱	چاپ نشریه	تهیه، تنظیم، طراحی و چاپ نشریه شماره پنج «دنیای پسته»	توزیع ۱۲۰۰ جلد نشریه
۲	عضویت اعضا پیوسته انجمن در اتاق‌های بازرگانی	پیگیری و دریافت مدارک موردنیاز عضویت در اتاق بازرگانی از اعضا پیوسته و ثبت‌نام در سامانه صدور کارت عضویت اتاق	دریافت کارت عضویت در اتاق بازرگانی تعدادی از اعضا
۳	اصلاح آیین‌نامه پیشنهادی عضویت در اتاق ایران	- شرکت در جلسه مجازی بررسی پیشنهادات اصلاحی آیین‌نامه عضویت در اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران - انتقال پیشنهادات انجمن پسته ایران پیرامون مواعید آیین‌نامه فعلی جهت عضویت در اتاق بازرگانی	منتظر بررسی آیین‌نامه عضویت توسط شورای عالی نظارت
۴	تمدید عضویت اعضا پیوسته و وابسته انجمن	مکتبه، ارسال پیکل و تماس با اعضا جهت تمدید	تمدید ۱۰۱ عضو پیوسته و ۵۵ عضو وابسته
۵	جذب عضو جدید	شناسایی و تشویق فعالان صنعت پسته جهت عضویت	جذب شش عضو پیوسته و ۳۷ عضو وابسته جدید
۶	صدور کارت عضویت	آماده کردن و چاپ کارت عضویت	توزیع ۱۹۹ کارت عضویت
۷	کمپنه بازرگانی	برگزاری جلسه کمیته بازرگانی با موضوع بررسی روش تخمین مصرف داخل پسته و تعیین موضوع و هماهنگی با اعضا	-
۸	اطلاع‌رسانی آمار صادرات پسته	دریافت آمار ماهانه صادرات از گمرک	درج آمار ماهانه صادرات پسته در سایت و شبکه‌های اجتماعی انجمن
۹	برگزاری وبینار بازرگانی شناخت بازار چین	- هماهنگی و اطلاع‌رسانی - برگزاری وبینار - شرکت در وبینار	آشنایی بیشتر با بازار چین
۱۰	حضور نماینده انجمن در وبینار INC	حضور در پنل	نماینده‌گی صنعت پسته ایران در شورای جهانی خشکبار
۱۱	پنل پسته کنفرانس INC با حضور سفیر INC در ایران	- معرفی صنعت پسته ایران و ارائه گزارش وضعیت پسته کشور در سطح جهانی	آگاهی بخشی و اطلاع‌رسانی به فعالان پسته کشور
۱۲	برگزاری وبینار شناخت بازار خورمیهانه توسط کمیته بازرگانی	- هماهنگی و اطلاع‌رسانی - برگزاری وبینار	آگاهی بخشی و اطلاع‌رسانی به فعالان پسته کشور
۱۳	طراحی نقشه سطح زیرکشت پسته ایران	جمع‌آوری آمار و اطلاعات و آماده کردن نسخه نهایی نقشه سطح زیر کشت پسته ایران به زبان انگلیسی	ارائه نقشه پسته کشور به اعضا و ذینفعان و متصدیان حوزه پسته جهت بهره‌برداری
۱۴	اطلاع‌رسانی	هماهنگی و آماده کردن پیام ویدئویی انجمن برای ائتلاف کدکس (IAFN) با موضوع «تأثیر منفی استانداردها و مقررات سخت‌گیرانه بر امنیت غذایی»	دفاع از بازارهای صادراتی پسته ایران
۱۵	هماهنگی با مسئول ائتلاف اصلاح استاندارد کدکس	ارسال پیام ویدئویی جهت جلسه آنلاین در مورد «اثر قوانین باقیمانده سموم و آلوده‌ها روی تجارت پسته» با مسئول ائتلاف اصلاح استاندارد کدکس (IAFN Coalition)	دفاع از بازارهای صادراتی و تلاش برای اثرگذاری بر قوانین جهانی
۱۶	انتشار گزارش واندفول از آخرین وضعیت صنعت پسته آمریکا و ایران	انتشار گزارش از طریق کانال‌های انجمن	آگاهی بخشی و اطلاع‌رسانی به فعالان پسته کشور
۱۷	تهیه فیلم وضعیت صنعت پسته ایران	آماده کردن فیلم انجمن از آخرین وضعیت صنعت پسته ایران	بخش فیلم آماده شده در کنفرانس مغزچاق درختی چین (CFNA)
۱۸	کامنت‌های تحلیل آمار صادرات	ارائه اطلاعات شفاف و دقیق به مشتریان پسته ایران در سطح جهانی و انتشار کلمنت	دسترسی مشتریان به اطلاعات شفاف در سطح جهانی
۱۹	اینفوگرافیک	- آماده کردن اینفوگرافیک شرایط پر و مسلوب‌المنفعه کردن چاه‌های کشاورزی و روبه فرافقونی کم کردن دبی مجاز اولیه پروانه چاه آب کشاورزی در جابجایی و کف شکنی - قراردادن اینفوگرافیک در شبکه‌های اجتماعی انجمن	افزایش دانش و اطلاعات مخاطبین
۲۰	برنامه آموزشی باغبانی زنده اینستاگرام	- تهیه برنامه زنده آموزشی باغبانی از طریق اینستاگرام برای مخاطبین - تعیین موضوعات علائم گموز در باغث و راهکارهای مدیریت بیماری و اصلاح باغث با کاشت بین ردیف و تغییر پیوند باغث مسن - وضعیت درخت نر در صورت تغییر پیوند و ارتفاع پیوند در درخت پسته - بیماری‌های نوظهور پسته و نمونه‌برداری برگ	افزایش دانش و اطلاعات مخاطبین
۲۱	تولید موشن‌گرافی	- آماده کردن موشن‌گرافی «استفاده از اسید در باغث به منظور استفاده از اسید جهت اصلاح خاک» - تولید محتوای موشن‌گرافی «مدیریت بهینه شوری»	ترویج و آموزش کشاورزی به اعضا و فعالان صنعت پسته کشور
۲۲	انتشار پیام آموزشی باغبانی	- تعیین موضوعات اصول مبارزه با علف هرز مرغ و عوامل مؤثر بر کاهش خسارت آفتاب‌سوختگی و ضبط پیام آموزشی - قرار دادن در شبکه مجازی انجمن از قبیل واتساپ، تلگرام و اینستاگرام	افزایش دانش و اطلاعات شفلی
۲۳	انتشار پیام آموزشی باغبانی	- تعیین موضوعات و آماده کردن پیام مدنظر در مورد پایش آفت پسیل، نحوه مبارزه با آفت پسیل در مرحله شرکک محدودیت مصرف ازت - قرار دادن پیام در شبکه‌های اجتماعی انجمن	دریافت اثربخشی آموزش‌های شفلی
۲۴	انتشار پیام آموزشی باغبانی	- تعیین موضوعات کنترل آفات درختان پسته قبل از برداشت، کنترل علف هرز مرغ پس از برداشت، کنترل زنبور سیاه مغزخوار پسته - قرار دادن در شبکه‌های مجازی انجمن	دریافت اثربخشی آموزش‌های شفلی
۲۵	اطلاع‌رسانی	انتشار گزارش تصویب آیین‌نامه دریافت حق‌النظاره در شبکه‌های مجازی انجمن	اطلاع‌رسانی به اعضا
۲۶	آموزش	برگزاری وبینار با موضوع آفتاب‌سوختگی و راهکارهای پیشگیری	بهره‌برداری مخاطبین
۲۷	کارگاه آموزشی	شرکت در کارگاه آموزشی پژوهشکده پسته با موضوع پهباد و کاربرد آن در کشاورزی	کسب اطلاعات و به اشتراک گذاشتن آن با اعضا
۲۸	برگزاری تور باغی	بازدید تعدادی از باغداران نهبندان از باغث پسته شهرستان‌های کرمان و زرد	آشنا شدن باغداران نهبندان با امور باغداران پسته در استان کرمان
۲۹	پیش‌بینی محصول پسته کشور	- جمع‌آوری اطلاعات مدنظر - برگزاری جلسه کمیته باغبانی و پیش‌بینی میزان محصول پسته کشور	افزایش اطلاعات باغداران
۳۰	آموزش	پاسخ به سؤالات مطرح‌شده مخاطبان از طریق استوری اینستاگرام در اسرع وقت	آموزش
۳۱	آموزش و ترویج	انعقاد قرارداد جهت تهیه ۵۰ دقیقه موشن‌گرافی پیرامون مسائل باغبانی	پیشبرد اهداف آموزشی و ترویجی کمیته باغبانی
۳۲	آگاهی بخشی و اطلاع‌رسانی به اعضا در خصوص مسائل حقوقی آب	- انتشار گزارش اصلاحیه میماژ مجدد از طریق شبکه‌های مجازی انجمن	بهره‌برداری اعضا
۳۳	آموزش	- هماهنگی و اطلاع‌رسانی - برگزاری وبینار آموزشی «کیفیت نهاده‌های کشاورزی»	افزایش اطلاعات فعالان صنعت پسته در زمینه باغبانی



۳۴	برگزاری جلسه مباحث هیئتمدیره	هماهنگی و اطلاع‌رسانی	اجرای برخی مصوبات هیئتمدیره و پیگیری اجرای سایر مصوبات
۳۵	برگزاری جلسه مجازی هیئت‌امنا	هماهنگی و اطلاع‌رسانی	اجرای برخی مصوبات هیئت‌امنا و پیگیری اجرای سایر مصوبات
۳۶	فیلم آموزشی باغبانی	آماده کردن فیلم آموزشی باغبانی «کاربرد پتاسیم در پسته» و قرار دادن در شبکه مجازی انجمن از قبیل واتساپ، تلگرام، اینستاگرام و آپارات آماده کردن فیلم آموزشی «باغبانی بیماری ورتیسیلیوم درختان پسته» و انتشار در شبکه‌های مجازی انجمن آماده کردن فیلم آموزشی باغبانی «سازگاری ارقام اکبری و فندق» و انتشار در شبکه‌های مجازی انجمن آماده کردن فیلم آموزشی باغبانی «انتخاب کود مرغی مناسب» و انتشار در شبکه‌های مجازی انجمن آماده کردن فیلم آموزشی «مدیریت بهینه سیستم‌های آبیاری قطره‌ای» و انتشار در شبکه‌های مجازی انجمن آماده کردن فیلم آموزشی باغبانی «اقت زنبور مغزخوار پسته» و انتشار در شبکه‌های مجازی انجمن آماده کردن فیلم آموزشی با موضوعات «شناسایی علائم کمبود ریزمغذی‌ها»، «کمبود مس و منگنز»، «نحوه گوگردپاشی باغات جهت مبارزه با سپیل» و «گوگردپاشی، چلش‌ها و راهکارها» و انتشار در شبکه‌های مجازی انجمن آماده کردن فیلم آموزشی «پیوند درختان پسته و آفتاب‌سوختگی و راهکارهای پیشگیری» و انتشار در شبکه‌های مجازی انجمن آماده کردن فیلم آموزشی باغبانی «نکات مهم در نمونه‌برداری برگ پسته» و انتشار در شبکه‌های مجازی انجمن	بهره‌برداری اعضا و مخاطبین
۳۷	برگزاری وینار آموزشی باغبانی	برگزاری وینار آموزشی «اصول کاربردی تغذیه باغات پسته» برگزاری وینار آموزشی «راهکارهای کاهش ضایعات پسته در ضبط» برگزاری وینار آموزشی «گوگردپاشی چلش‌ها و راهکارها» برگزاری وینار آموزشی «آفتاب‌سوختگی و راهکارهای پیشگیری و شناسایی سم و کود شیمیایی باکیفیت» برگزاری وینار آموزشی «کیفیت نهاده‌های کشاورزی»	بهره‌برداری اعضا و مخاطبین
۳۸	بررسی مسائل و مشکلات	شرکت در جلسه تشکل‌های بخش خصوصی با وزیر جهاد کشاورزی تقویت ارتباطات بین بخش خصوص و دولتی جهت پیشبرد اهداف صنعت پسته	کمک به رفع مسائل اعضا
۳۹	کارگاه آموزشی باغبانی	هماهنگی جهت بازدید تعدادی از باغداران استان سیستان و بلوچستان از باغات استان کرمان و برگزاری کارگاه آموزشی باغبانی	بهره‌برداری آموزشی باغداران پسته سیستان و بلوچستان
۴۰	شرکت در دوازدهمین کنگره علوم باغبانی به صورت مجازی	ایجاد غرفه مجازی در نمایشگاه کنگره	بازدید از غرفه انجمن
۴۱	نشست مشترک روسای کمیسیون کشاورزی اتاق‌های کشور	شرکت در نشست روسای کمیسیون کشاورزی اتاق‌های کشور در محل اتاق کرمان	تقویت ارتباطات با بخش خصوصی
۴۲	شرکت در چهارمین جلسه شورای مشورتی تشکل‌ها در محل اتاق ایران	حضور در جلسه	تقویت ارتباطات و کسب اطلاع از وضعیت تشکل‌ها
۴۳	برگزاری جلسه هیئتمدیره با آقای محسن جلال پور از بنیان‌گذاران انجمن پسته ایران با هدف بررسی چشم‌انداز، اهداف و استراتژی پیش روی پسته کشور	برگزاری جلسه خصوصی	ریزنی و همکاری و شنیدن نقطه نظرات اعضا جهت تحکیم روابط درون‌سازمانی
۴۴	جلسه مشترک اتحادیه صادرکنندگان خشکبار و انجمن پسته ایران به منظور هم‌اندیشی و هماهنگی در جهت همکاری بیشتر	تشکیل جلسه	تقویت ارتباطات بخش خصوصی و انتقال تجربیات و به اشتراک گذاشتن راهکارها

چالش‌ها و راه‌های برون‌رفت

انجمن شرکت‌های صنعت پخش استان کرمان:

- حمایت قانونی از شرکت‌های پخش،
- جلوگیری از فعالیت شرکت‌های بدون مجوز و زیرزمینی،
- در اختیار گذاشتن زمین جهت یکپارچه کردن شرکت‌های پخش.

انجمن گلخانه‌داران شرق:

- با توجه به افزایش چند برابری قیمت کود و سم و

بذر و هزینه‌های جاری و کاهش قیمت محصول در سال جاری نسبت به سال گذشته و همچنین مشکلات مرزها و خرابی محصول گلخانه داران شرق استان، هیچ‌گونه نقدینگی جهت پرداخت اقساط خود را نداشته و خواستار تمدید اقساط و پیگیری بخشش سود تسهیلات در سال جاری می‌باشند.

- با توجه به تورم بالا و افزایش چند برابری هزینه‌های کود، سم، بذر و هزینه‌های جاری در سال جاری باید جهت تخصیص تسهیلات با سود کم برای پرداخت هزینه‌ها در سال جاری از طرف بانک عامل اقدام لازم به عمل آید.

حمل، جدا نمودن کامیون‌های حمل تریلر و ایجاد مسیر ویژه، از سایر کالاها در دستور کار قرار بگیرد و کمیته‌ای با حضور مسئولان وزارت امور خارجه، گمرک، جهاد کشاورزی تشکیل شود.

انجمن آزمایشگاه‌های همکار آزمون و کالیبراسیون استان کرمان:

- عدم ثبات در درآمدهای حاصل از فعالیت‌های انجمن،
- بازدهی نه‌چندان مطلوب برخی نیروهای انجمن و انتظار از اداره کل استاندارد در جهت اصلاح امر،
- تقاضای حمایت و همکاری از صادرکنندگان در جهت راه‌اندازی و شروع به کار سامانه مذکور.

- هزینه خرید بذر در سال جاری نسبت به سال گذشته که به‌صورت یارانه‌ای پرداخت می‌شد، بیش از سه برابر افزایش یافته، به همین دلیل گلخانه‌داران توان خرید بذر با این قیمت را ندارند، لذا لازم است، مانند سنوات گذشته بذر لازم به‌صورت یارانه‌ای در اختیار گلخانه‌داران قرار گیرد،

- با توجه به پرداخت تسهیلات به گلخانه‌های جدید با قیمت هر مترمربع ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان، این گلخانه‌داران توان پرداخت تسهیلات در بازه زمانی پنج‌ساله را ندارند و قطعاً از همین امروز به‌عنوان بدهکاران بانکی شناخته‌شده و دچار ضرر و زیان فراوان خواهند شد، لذا باید مدت بازپرداخت تسهیلات آن‌ها به ۱۰ سال افزایش یابد،

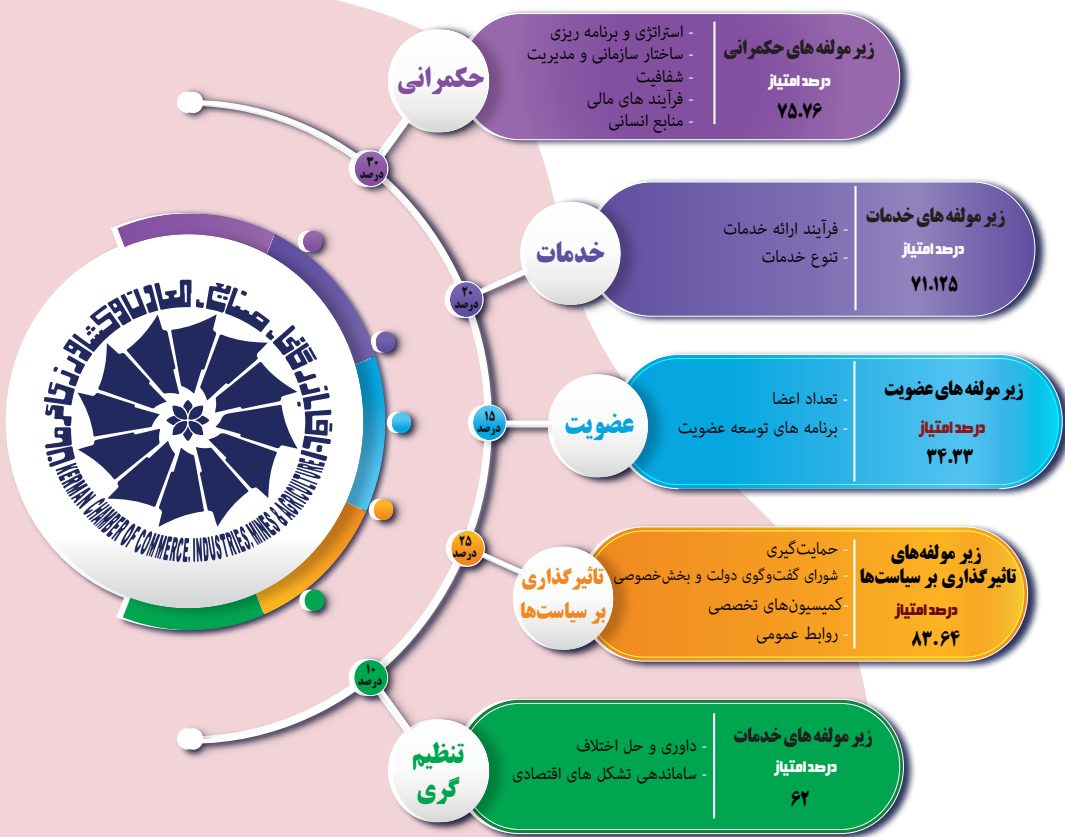
- به دلیل نوع رقم کشت شده محصولات که برای بازارهای روسیه می‌باشد، نیاز است از هم‌اکنون مشکلات مرزها شامل ترخیص، عبور و مرور کامیون‌های

انجمن پسته:

چالش‌ها	راه‌های برون‌رفت
مهم‌ترین موانع صادرات	تصویب امکان رفع کامل تعهد ارزی صادرکنندگان کالاهای کشاورزی به روش واردات خود و یا غیر در مقابل صادرات ایجاد خط سبز ویژه (بدون معطلی در ثبت سفارش یا صف تخصیص ارز بانک مرکزی) برای واردکنندگان مجاز در صورت تأمین ارز موردنیاز واردات خود از محل ارز حاصل از صادرات کالاهای کشاورزی
تفاوت زیاد نرخ ارز نیمایی و ارز آزاد	هدایت تقاضاهای مجاز وارداتی مازاد بر ارزهای با منشأ دولتی یا سوبسید به سمت ارز حاصل از صادرات پسته و سایر محصولات کشاورزی، صنایع‌دستی و خدمات فنی و مهندسی
مهم‌ترین موانع تولید	تغییر و اصلاح مواد ۲۷ و ۲۸ قانون توزیع عادلانه آب پلمپ‌چاه‌های غیرمجاز و کنترل اضافه برداشت توسط آب منطقه‌ای افزایش تخصیص اعتبارات و تسهیلات بلاعوض
شیوه نامناسب رفع تعهد ارزی	
قوانین آب، مواد ۲۷ و ۲۸	
تعدیل پروانه‌ها	
کاهش شدید تسهیلات بلاعوض آبیاری تحت فشار (قطره‌ای) و بهسازی و نوسازی باغات	



کسب رتبه دوم توسط اتاق کرمان در طرح تراز سنجی اتاق های بازرگانی سراسر کشور



گزارش ترازسنجی اتاق‌های بازرگانی

فاطمه مهربانی
مدیر امور تشکل‌های اتاق کرمان

- * شفافیت
- * فرآیندهای مالی
- * منابع انسانی

ب) خدمات:

- * فرآیند ارائه خدمات
- * تنوع خدمات

ج) عضویت:

- * تعداد اعضا
- * برنامه‌های توسعه عضویت

د) تأثیرگذاری بر سیاست‌ها:

- * حمایت‌گیری
- * شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی
- * کمیسیون‌های تخصصی
- * روابط عمومی

ه) تنظیم‌گری:

- * دآوری و حل اختلاف
- * ساماندهی تشکل‌های اقتصادی

بر اساس ارزیابی انجام شده، اتاق کرمان در مؤلفه حکمرانی ۷۵,۶۷ درصد، مؤلفه خدمات ۷۱,۱۲ درصد، مؤلفه عضویت ۳۴ درصد، مؤلفه تأثیرگذاری بر سیاست‌ها ۸۶ درصد و مؤلفه تنظیم‌گری ۶۲ درصد امتیاز را کسب کرده است.

اهم نقاط قوت اتاق در این ارزیابی عبارتند از:

- * وجود چشم‌انداز و مأموریت اتاق و برنامه سالانه و برنامه‌ریزی در سطح واحدها،
- * تقسیم کار روشن بین هیئت‌ریسه، هیئت نمایندگان و دبیر کل و روشن بودن حوزه کاری واحدهای اتاق،
- * عملکرد عالی اتاق در حوزه مسئولیت‌پذیری اجتماعی،
- * پیاده‌سازی طرح طبقه‌بندی مشاغل در اتاق و مشخص بودن فرآیند جذب و استخدام،

فرآیند ترازسنجی اتاق‌های بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی سراسر کشور با رویکرد بهبود فرآیندها و تعالی عملکرد اتاق‌ها در اردیبهشت‌ماه سال جاری انجام شد و پس از ارسال مستندات و مدارک و بررسی‌ها و ارزیابی‌های انجام‌شده، اتاق کرمان موفق شد بعد از اتاق تهران به‌عنوان دومین اتاق برتر با فاصله محسوس از سایر اتاق‌های بازرگانی سراسر کشور انتخاب شود.

در ادامه شرح مختصری از فرآیند انجام شده، شاخص‌ها و معیارهایی که در ارزیابی مورد توجه قرار گرفته، آورده شده است.

اتاق‌های بازرگانی به‌عنوان یک نهاد میانجی بین دولت و بخش خصوصی دو مأموریت اصلی دارند:

- ۱- بهبود فضای کسب‌وکار؛ با استفاده از تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و قوانین و مقررات کشور،
- ۲- تنظیم کسب‌وکار؛ از طریق ارزیابی، نظارت و آموزش اعضا.

در کنار مأموریت‌های اصلی، حکمرانی اصولی در اتاق‌ها، کمیت و کیفیت ارائه خدمات و جذب اعضا جزء شاخص‌های بسیار مهم بوده که در موفقیت اتاق‌ها در جهت تحقق اهداف و برنامه‌ها، اعتمادسازی، کارایی و اثربخشی حائز اهمیت است. از این رو مؤلفه‌های پنج‌گانه فوق به‌عنوان اساس ارزیابی اتاق‌های استانی انتخاب شد. سهم مؤلفه حکمرانی ۳۰ درصد، خدمات ۲۰ درصد، عضویت ۱۵ درصد، تأثیرگذاری ۲۵ درصد و تنظیم‌گری ۱۰ درصد در ارزیابی در نظر گرفته شده است. همچنین معیارهای تعریف شده در مؤلفه‌های فوق به شرح زیر است:

الف) مؤلفه حکمرانی:

- * استراتژی و برنامه‌ریزی
- * ساختار سازمانی و مدیریت

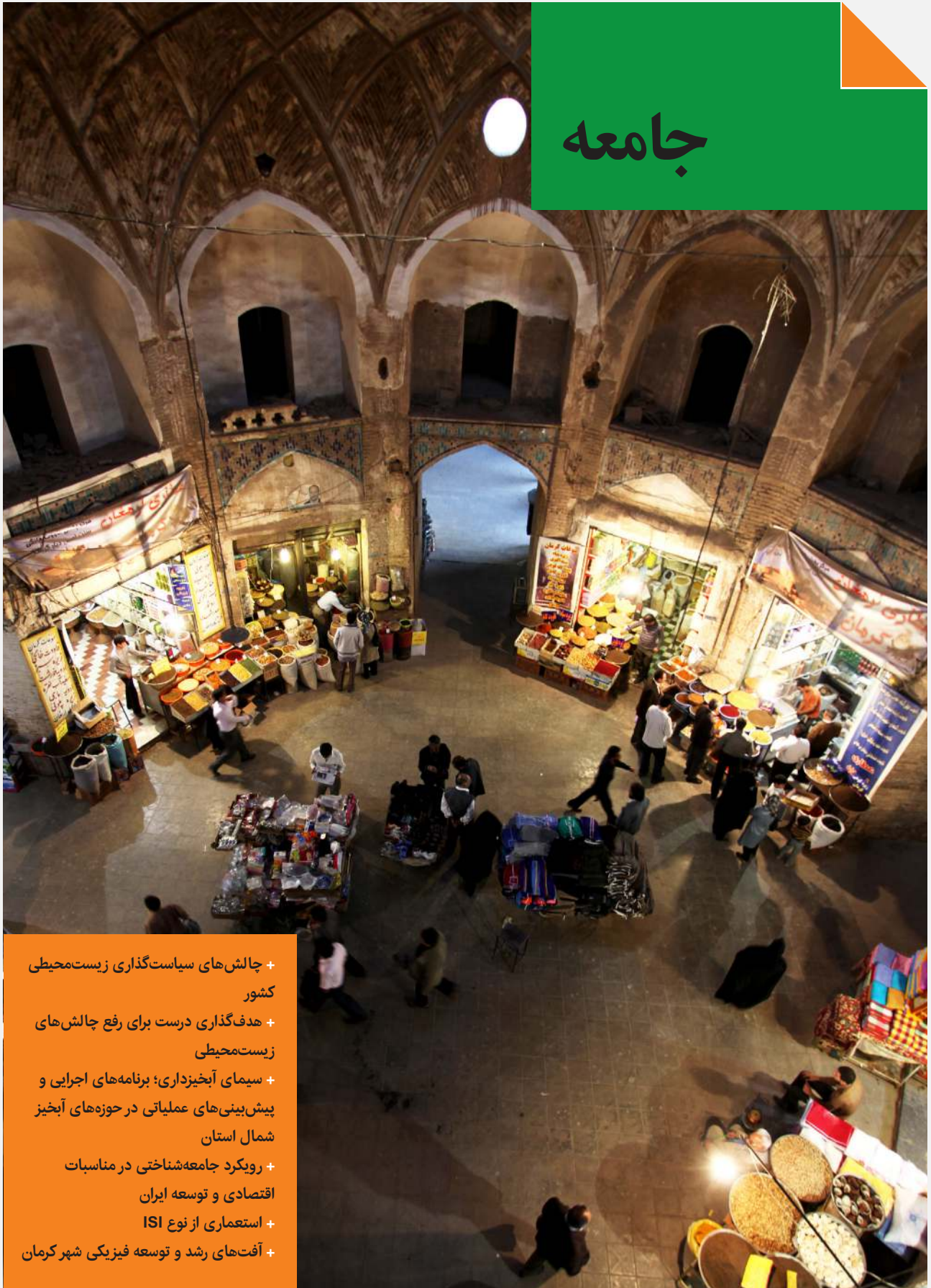
* انجام فرآیند ارزشیابی عملکرد پرسنل به صورت شش ماهه ،
 * ارائه خدمات اتاق به شهرستان‌ها،
 * ارائه مشاوره‌های مختلف از جمله بیمه، تأمین اجتماعی و ... ،
 * شناسایی نیازهای استان و فعالان اقتصادی از طریق راه‌اندازی شورای پژوهشی و ... ،
 * شناسایی و اولویت‌سنجی ظرفیت‌ها و توان صادراتی کسب‌وکارهای استان در بخش‌های مختلف،
 * نمایندگی مناسب از بخش خصوصی در شوراهایی که اتاق نماینده بخش خصوصی است،
 * بهبود در تولید محتوای اتاق بویژه در عرصه کتاب،
 * استفاده از محتوای چندرسانه‌ای به‌منظور ارتباط با مخاطبان،
 * کمیسیون‌های منظم و فعال،
 * برگزاری مستمر جلسات شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی و استفاده از نظرات تشکله‌ها و کمیسیون‌ها در این جلسات،
 * متنوع سازی مناسب در ابزارهای رسانه‌ای مجله، سایت، فضای مجازی و ... ،
 * ارتباط مناسب با رسانه‌ها،
 * تعامل مثبت و سازنده با سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی و حضور و توجه ویژه نمایندگان اتاق در جلسات کمیته حمایت قضایی و کارگروه رفع موانع تولید،
 * شناسایی محیط سیاست‌گذاری و ذی‌نفعان تأثیرگذار در محیط کسب‌وکار،
 * بهبود خدمات در حوزه هیئت‌های حل اختلاف و رصد نمایندگان اتاق در هیئت‌های حل اختلاف مالیاتی و تأمین اجتماعی،
 * گسترش دامنه شناخت از مرکز داوری و حل اختلاف،
 * بهبود تسهیلات و خدمات به تشکله‌ها در حوزه آموزش و تسهیلات مالی،
 * گسترش خدمات به تشکله‌ها، ارزیابی دوره‌ای و رتبه‌بندی آن‌ها،
 * افزایش تعداد تشکلهای ثبت شده در اتاق.

فرآیند ترازسنجی
 اتاق‌های بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی
 سراسر کشور با رویکرد بهبود فرآیندها و تعالی عملکرد اتاق‌ها در اردیبهشت‌ماه سال جاری انجام شد و پی‌اس‌آر ارسال مستندات و مدارک و بررسی‌ها و ارزیابی‌های انجام‌شده، اتاق کرمان موفق شد بعد از اتاق تهران به‌عنوان دومین اتاق برتر با فاصله محسوس از سایر اتاق‌های بازرگانی سراسر کشور انتخاب شود.

اهم نقاط ضعف اتاق در این ارزیابی عبارتند از:

- لزوم تدوین برنامه‌های اجرایی در راستای عضویت،
 - لزوم سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای ایجاد منابع درآمدزایی مختلف،
 - لزوم تنوع‌بخشی در حوزه ارائه خدمات به اعضاء و تعریف فرآیند جهت طراحی، بازخوردگیری و بروزرسانی خدمات،
 - لزوم وجود بانک‌های اطلاعاتی تخصصی برای فعالان اقتصادی در بخش‌های مختلف.
 در جهت افزایش توانمندی، کارایی و اثربخشی هرچه بیشتر اتاق، اقدامات زیر در حال برنامه‌ریزی و انجام است:
 * کاهش وابستگی درآمدی اتاق به یک و سه در هزار،
 * توجه ویژه به برنامه توسعه عضویت و بهبود آن،
 * قرار دادن سامانه‌ها و بانک‌های اطلاعاتی تخصصی در حوزه‌های مختلف در سایت،
 * تهیه برنامه ویژه در حوزه خدمات،
 * افزایش تنوع موضوعات آموزشی برای ارائه به فعالان و بارگذاری ویدیوها و فایل‌های آموزشی در سایت،
 * تهیه آمار و بانک اطلاعاتی تخصصی در حوزه‌های مختلف،
 * محاسبه میزان سرمایه خارجی که از طریق رایزنی‌های مختلف اتاق یا تفاهم‌نامه‌های منعقدشده توسط اتاق جذب شده است،
 * ارتقا درآمدزایی مؤثر خدمات،
 * توسعه گستره جغرافیایی مناسب در خدمات،
 * توسعه بهره‌گیری کلیه اعضا استان از خدمات،
 * تهیه برنامه عملی و اجرایی برای جذب و توسعه عضویت،
 * انتخاب و تمرکز بیشتر بر مسائل اصلی اتاق،
 * افزایش بهره‌برداری رسانه‌ای برای تأثیرگذاری بر سیاست‌ها ،
 * توسعه مناسب در بخش داوری و حل اختلاف،
 * بهره‌گیری از امکان گسترش کاربرد «بند» داوری در قراردادهای و ارجاع بیشتر پرونده‌ها به این مرکز،
 * امکان گسترش مشارکت با تشکلهای خارج از اتاق،
 * تهیه بانک اطلاعاتی اعضا تشکله‌ها. ♦♦

جامعه



- + چالش‌های سیاست‌گذاری زیست‌محیطی کشور
- + هدف‌گذاری درست برای رفع چالش‌های زیست‌محیطی
- + سیمای آبخیزداری؛ برنامه‌های اجرایی و پیش‌بینی‌های عملیاتی در حوزه‌های آبخیز شمال استان
- + رویکرد جامعه‌شناختی در مناسبات اقتصادی و توسعه ایران
- + معماری از نوع ISI
- + آفت‌های رشد و توسعه فیزیکی شهر کرمان



چالش‌های سیاست‌گذاری زیست‌محیطی کشور



♦ دکتر حسین وحیدی

عضو هیئت‌علمی گروه پژوهش محیط‌زیست، پژوهشکده علوم محیطی
دانشگاه تحصیلات تکمیلی صنعتی و فن‌آوری‌های پیشرفته

مقدمه

بدتر شدن کیفیت محیط‌زیست جهانی سبب افزایش نگرانی‌های عمومی در مورد مسائل محیط‌زیستی مانند نوسانات آب‌وهوا، آلودگی هوای کلان‌شهرها، کم‌آبی و خشک‌سالی، فرسایش خاک، نابودی جنگل‌ها بیابان‌زایی، انقراض تنوع زیستی، باران‌های اسیدی، آلودگی اقیانوس‌ها و دریاها و انباشت پسماندهای صنعتی شده است. یکی از چالش‌های بزرگ قرن بیست و یکم برای سیاست‌گذاران حتی در سبزترین کشورها، شناخت دقیق علل کم‌اثر بودن یا شکست سیاست‌های محیط‌زیستی برای روبرویی با این مشکلات است. وظایف و مسئولیت‌های دولت شامل قانون‌گذاری و رسیدگی به اجرای قوانین و مقررات، حصول اطمینان از برقرار بودن نظم، مدیریت بحران‌ها، عرضه

کالاهای عمومی مانند امنیت انسانی با تأمین منابع مالی از راه‌های گوناگون از جمله اخذ مالیات برای بهبود رفاه عمومی شهروندان است. مشروعیت و اعتبار هر دولتی به تصمیم‌ها، سیاست‌ها و عملکردش بستگی دارد.

بررسی وضعیت سیاست‌گذاری محیط‌زیست

سیاست زیست‌محیطی یا ختم‌مشی زیست‌محیطی، به

دانشگاه بیبل که در سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۶ منتشر شده‌اند، نشان از آن دارد که کشورهای خاورمیانه با نوسانات متعددی در این زمینه مواجه بوده و رتبه آن‌ها در شاخص عملکرد محیط‌زیست در این دو دوره تفاوت‌های فاحشی دارد. به‌عنوان نمونه ایران که در سال ۲۰۱۴ موفق به کسب رتبه ۸۳ در بین ۱۷۸ کشور شده بود، در گزارش سال ۲۰۱۶ از لحاظ عملکرد زیست‌محیطی به رتبه ۱۰۵ از مجموع ۱۸۰ کشور نزول کرده است. قابل ذکر است، دیگر قدرت‌های منطقه‌ای خاورمیانه مانند عربستان و ترکیه نیز وضعیت بهتری نسبت به ایران ندارند. مشاهده چنین نوسانات شدیدی در رتبه و جایگاه زیست‌محیطی کشورهای خاورمیانه سبب طرح این سؤال گردید که دلایل عدم ثبات و نزول رتبه زیست‌محیطی کشورهای خاورمیانه در این دو دوره چه بوده است؟ و در پاسخ این فرضیه مطرح گردیده است که «ضعف فرهنگ محیط‌زیست و ناکارآمدی ساختارهای سیاسی و مدیریتی در کشورهای خاورمیانه، سبب نزول و ناپایداری وضعیت کشورهای خاورمیانه در حوزه محیط‌زیست گردیده است.»

مهم‌ترین چالش‌های سیاست‌گذاری زیست‌محیطی کشور

در ایران سیاست‌های محیط‌زیستی بعد از انقلاب اسلامی و تا دهه ۸۰ شمسی به دلیل مشکلات و بحران‌های بعد از جنگ تحمیلی و تمرکز دولت بر بازسازی و توسعه طرح‌های عمرانی دچار بی‌توجهی شد. هرچند اقدامات مؤثری از سال ۱۳۸۰ به بعد به‌منظور بهبود وضعیت محیط‌زیست و احیای عملکرد سازمان حفاظت محیط‌زیست صورت گرفت ولی همچنان شکاف عظیمی بین وضع موجود و وضع مطلوب در محیط‌زیست کشور مشاهده می‌شود که عمده‌ترین دلیل آن را می‌توان ضعف در قانون‌گذاری و اشتباهات متعدد در سیاست‌گذاری‌های مرتبط با محیط‌زیست کشور دانست. در ادامه مهم‌ترین چالش‌های سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری محیط‌زیست کشور به‌صورت خلاصه ارائه شده است:

۱. مشخص نبودن اولویت موضوعات در منافع ملی

یکی از ایراداتی که در فرایند سیاست‌گذاری محیط‌زیست در کشور باعث ایجاد سردرگمی شده است، مشخص نبودن اولویت محیط‌زیست نسبت به سایر مسائل است. به موجب این سردرگمی و عدم شفافیت، تنوع در تصمیم‌گیری‌ها، دخالت منافع شخصی و سازمانی، عدم امکان نهادها و سازمان‌های حفاظت محیط‌زیست در بسیاری از تصمیم‌گیری‌های استانی و ملی و همچنین امکان توجیه بسیاری از اقدامات متضاد با رویکردهای

تعهدات در خصوص مسائل زیست‌محیطی با سازمان‌دهی قوانین، مقررات، خط‌مشی‌ها و سایر سازوکارهای سیاسی اطلاق می‌شود. این مسائل عموماً شامل آلودگی آب و هوا، مدیریت پسماند، مدیریت اکوسیستم، حفظ تنوع زیستی، حفاظت از منابع طبیعی، حیات‌وحش و گونه‌های در معرض خطر می‌باشد. سیاست‌های مربوط به بخش انرژی، یا تنظیم سموم از جمله آفت‌کش‌ها و بسیاری از انواع زباله‌های صنعتی، بخشی از چالش‌های سیاست‌های زیست‌محیطی را به خود اختصاص می‌دهند. این سیاست‌ها می‌توانند با نظارت بر فعالیت‌های انسانی، از اثرات مضر آن بر محیط بیوفیزیکی و منابع طبیعی، همچنین از تغییرات محیط‌زیست و اثرات مضر آن بر زندگی انسان‌ها جلوگیری نمایند.

سیاست‌های زیست‌محیطی در تعریف دو مفهوم محیط‌زیست و سیاست را در بر می‌گیرد. محیط‌زیست به اکوسیستم‌های فیزیکی اشاره دارد، اما این تعریف شامل وجه اجتماعی یعنی کیفیت زندگی، سلامت و بعد اقتصادی یعنی مدیریت منابع و تنوع زیستی نیز می‌شود. سیاست را می‌توان به‌عنوان «شیوه عمل یا اصولی که توسط یک دولت، حزب، تجارت یا فرد پذیرفته پیشنهاد شده است» تعریف کرد. بنابراین، سیاست زیست‌محیطی گرایش به تمرکز بر مشکلات ناشی از تأثیر انسان بر محیط‌زیست دارد که با توجه به تأثیر آن بر اصول و قوانین یک محیط‌زیست سالم برای جامعه بشری بسیار مهم است. چنین ارزش‌های انسانی اغلب به‌عنوان سلامت خوب یا محیط «تمیز و سبز» شناخته می‌شوند و در عمل، تحلیل‌گران طیف وسیعی از انواع اطلاعات را برای فرایند تصمیم‌گیری عمومی جهت بهبود و سلامت محیط‌زیست فراهم می‌کنند.

در سیاست‌های توسعه در تمام سطوح خرد و کلان باید پایداری در نظر گرفته شود، اما اجماعی در مورد تعریف این مفهوم وجود ندارد. ویژگی مهم جامعه پایدار، توجه به رفاه بشری است و سیاست‌گذاران باید فراتر از پاسخگویی به نیازهای نسل امروزی تلاش کنند تا در توانایی نسل‌های آینده برای تأمین نیازهایشان اختلالی ایجاد نشود.

طبق یکی از مهم‌ترین شاخص‌های محیط‌زیست بین‌المللی که در حال حاضر به‌صورت گسترده ملاک مقایسه کشورها بوده و در خصوص حفاظت از محیط‌زیست به‌صورت سالانه منتشر می‌شود، «شاخص عملکرد محیط‌زیست» است که توسط دانشگاه بیبل و دانشگاه کلمبیا و با همکاری مجمع جهانی اقتصاد منتشر می‌شود. بررسی دو گزارش اخیر شاخص عملکرد محیط‌زیست

یکی از ایراداتی

که در فرایند

سیاست‌گذاری

محیط‌زیست در

کشور باعث ایجاد

سردرگمی شده

است، مشخص

نبودن اولویت

محیط‌زیست

نسبت به سایر

مسائل است.

به موجب این

سردرگمی و عدم

شفافیت، تنوع در

تصمیم‌گیری‌ها،

دخالت منافع

شخصی و

سازمانی، عدم

امکان نهادها

و سازمان‌های

حفاظت

محیط‌زیست

در بسیاری از

تصمیم‌گیری‌های

استانی و ملی و

همچنین امکان

توجیه بسیاری از

اقدامات متضاد

با رویکردهای

محیط‌زیست کشور

اتفاق می‌افتد.

و عدم پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری مناسب را در این موضوع به دنبال داشته و در نهایت مشکل آلودگی هوای تهران را به بحران تبدیل کرده است.

۴. ضعف یا فقدان نهادهای مدنی زیست‌محیطی در ایران

امروزه حفاظت از محیط‌زیست، متکی بر بازیگران نوظهوری است که نقش و اختیار مطلق و انحصاری دولت‌ها برای بازیگری در عرصه بین‌المللی را مورد تردید و تزلزل قرار داده‌اند. بروز مشکلات ناشی از کره زمین، بحث تغییر اقلیم، گازهای گلخانه‌ای، مهاجران و پناهجویان زیست‌محیطی به علت بیابانی شدن، به خطر افتادن تنوع زیستی، گرم شدن کره زمین و پایین رفتن سرزمین‌ها و جزایر پست و مهاجرت مردم از جمله مسائل نوظهوری هستند که آحاد افراد جامعه جهانی و نه فقط دولت‌ها را نگران و نسبت به مسئله محیط‌زیست حساس ساخته‌اند. در نتیجه اتفاقات جدیدی که در حوزه محیط‌زیست می‌افتد، ضرورت نگاه جدید به امنیت محیط‌زیست را مطرح می‌کند و منافع عمومی بشر، حفاظت از محیط‌زیست را امری ضروری و انکارناپذیر ساخته است؛ بنابراین افزایش نقش نهادهای مردمی و مردم‌نهاد و اشخاص خصوصی در حفظ و حمایت از محیط‌زیست، امروزه به مسئله‌ای پذیرفته شده در عرصه بین‌المللی خصوصاً در بین کشورهای توسعه یافته تبدیل شده است. نبود NGO های فعال و اثرگذاری در سطح ملی در موضوعات محیط‌زیستی از مهم‌ترین مثال‌های این ضعف است.

۵. نفت و یارانه انرژی

یارانه انرژی در بیش از دو سوم کشورهای منطقه خاورمیانه بیش از ۵ درصد تولید ناخالص داخلی است. در ایران یارانه انرژی بیش از ۱۳ درصد تولید ناخالص داخلی است. بررسی تفاوت هزینه کرد دولت‌های خاورمیانه در آموزش با میزان پرداختی یارانه انرژی، ابعاد دیگری از هزینه‌های پنهان پرداخت بالای یارانه انرژی در این منطقه را به تصویر می‌کشد. تفاوت این هزینه کرد در کشورهای عربستان سعودی و ایران بیشترین مقدار است. این میزان بالای یارانه انرژی تبعات مهمی در منطقه به دنبال داشته است که کاهش کارایی انرژی، افزایش مصرف انرژی، افزایش انتشار گاز دی‌اکسید کربن از جمله این تأثیرات است. طبق گزارش برنامه توسعه سازمان ملل متحد در سه دهه گذشته، نسبت مصرف انرژی به درآمد ملی (شاخص کارایی انرژی) در تمام نقاط جهان به جز خاورمیانه و شمال آفریقا کاهش یافته است. لازم به ذکر است، یکی از تأثیرات مخرب کارایی پایین انرژی، افزایش آلودگی‌های محیط‌زیستی است. در نتیجه تغییرات

محیط‌زیست کشور اتفاق می‌افتد. به عنوان مثال در حوزه مدیریت منابع آبی کشور، مشخص نیست که توسعه صنایع چه اولوی نسبت به حفظ محیط‌زیست در مناطق مختلف کشور دارند که به موجب آن بازی‌گردان‌های بسیاری با منافع متفاوت و در برخی موارد متضاد با حفظ محیط‌زیست موجب اثرگذاری و انحراف در سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای و ملی می‌شوند.

۲. فقدان فرهنگ حمایت از محیط‌زیست

بدون تردید مدیریت ارشد کشور تا حدی از چالش‌های حاد زیست‌محیطی آگاه هستند؛ ولی مسائل و مشکلات داخلی متعدد، قابلیت آن‌ها را برای واکنش در برابر چالش‌ها و خطرات زیست‌محیطی کاهش می‌دهد. در چنین شرایطی اکثریت جامعه و همچنین بسیاری از سیاست‌گذاران ارشد، حفظ محیط‌زیست را مسئله‌ای تجملی و زائد تلقی می‌کنند و حاضر به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های لازم برای جلوگیری از گسترش فجایع زیست‌محیطی نیستند. همچنین، برخی از وزارتخانه‌های کشور خصوصاً وزارت نیرو اصولاً هدفی به نام حفظ محیط‌زیست در دستور کار ندارند و صرفاً با نظارت‌ها و مجوزهای سازمان حفاظت محیط‌زیست فعالیت‌های خود را محدود می‌کنند که در نهایت این تضاد منافع به سود محیط‌زیست کشور نیست.

۳. شخصیت محور بودن مدیریت محیط‌زیست

شرط موفقیت در اعمال مدیریت استراتژیک زیست‌محیطی، به کارگیری یا استفاده از ابزاری است که موفقیت آن را تضمین کند؛ به عبارت دیگر در هر حوزه داشتن پشتوانه حقوقی و قانونی، از ضروریات امر است. این در حالی است که در کشور ایران به دلیل فقدان ساختارهای حقوقی و قانونی تثبیت شده، ما با نوعی گم‌گشتگی و سرگشتگی روبه‌رو هستیم؛ یعنی جایگاه مدیریت محیط‌زیست در مدیریت کلان کشورهای این منطقه در دوره‌های مختلف دچار فراز و فرود می‌شود. بر این اساس مدیریت زیست‌محیطی بر مبنای کارکرد سازمانی تعریف نشده، بلکه بر مبنای عملکرد فردی با قرائت‌های متعدد از مدیریت محیط‌زیست شکل گرفته است. در نتیجه چندگانگی دیدگاه‌ها و برخی ملاحظات سبب می‌شود که فرد مدیر در درون ساختار و سیستم قرار نگرفته و در عوض سیستم را در اختیار خود قرار دهد و بر مبنای استنباط خود از مدیریت محیط‌زیست، رابطه‌هایش را تنظیم کند؛ به عنوان مثال، تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری مدیریت آلودگی هوای کلان‌شهر تهران به عهده بیش از ۱۱ سازمان دولتی است که این تعدد بازیگران کاهش سرعت و دقت

می‌توان عدم

وجود دستگاه

تنظیم و نگارش

تخصصی

لایحه‌های قانونی

بر اساس منافع

ملی را مهم‌ترین و

اثرگذارترین چالش

قانون‌گذاری و

سیاست‌گذاری در

ایران نامید. معمولاً

تنظیم لوایح

قانونی به کمک

سازمان‌های ذینفع

انجام می‌شود

که تضاد منافع

و عدم در نظر

گرفتن منافع ملی

کشور و ارجحیت

دادن نیازها و

اهداف سازمانی

از مهم‌ترین

مشکلات وضع

موجود کشور

در تنظیم لوایح

قانونی است.

لوايح كارآمد و اصولي مي‌پردازد. اين امر موجب مي‌شود تا قوانين، سياستها و لوايح از ضمانت اجرائي بيشتري برخوردار باشند و تضاد منافع سازمان‌هاي مرتبط با لايحه بر منافع ملي کشور اثر نگذارد.

جمع بندي

شكي نيست اصلاح فرآيند سياست‌گذاري و به‌تبع آن فرآيند قانون‌گذاري در محيط‌زيست کشور مي‌تواند به بهبود وضعيت محيط‌زيست کشور کمک شاياني کند. در اين رابطه عوامل مختلفی دخيل هستند که هفت مورد از مهم‌ترين آنها در اين مقاله موردبررسي قرار گرفته است و طبق بررسي به عمل آمده کارآمد کردن فرآيند سياست‌گذاري و قانون‌گذاري محيط‌زيست کشور نياز به اصلاحات بنيادي و بزرگ در ساختار هر سه قوه اجرائي، مقننه و قضايي کشور دارد. اميد است تا با تمرکز قواي سه‌گانه بر بهبود چالش‌هاي پيش رو در سياست‌گذاري محيط زيستي کشور شاهد بهبود وضعيت کيفيت در اين موضوع باشيم و بتوان کليه منابع و آب و خاک اين کشور را به بهترين حالت ممکن براي نسل‌هاي بعدي در کنار توسعه کشور و حفظ منافع ملي درازمدت استفاده و محافظت نمود. ♦♦

سياسي و قانون‌گذاري‌هاي مناسب در اين حوزه ارتباط مستقيمي با چالش‌هاي محيط زيستي در کشور ايران دارد و تاکنون به دلایل مختلف به تعويق افتاده است. حجم بالاي اثرات محيط زيستي و آلاينده‌اي انتشار يافته در اين حوزه به‌قدری زياد است که اهميت زمان در تغييرات را دو چندان مي‌کند.

۶. فقدان داده‌هاي کارشناسي علمي و دقيق

از ديگر مشکلات در خصوص برخي قانون‌گذاري‌هاي مناسب و کارآمد در کشور، عدم وجود داده‌ها و تجزيه و تحليل‌هاي کارشناسي بر پايه علمي است، به عنوان مثال، مجوزهاي ارزيايي اثرات محيط زيستي (EIA) که تنها مجوز صادره از طرف سازمان حفاظت از محيط‌زيست کشور در طرح‌هاي توسعه است بر اساس روش‌هاي ارزيايي قديمي مربوط به دهه ۱۹۷۰ ميلادي مطالعه مي‌شوند که تقريباً از سال ۲۰۰۶ ميلادي بسياري از آنها منسوخ شده و روش‌هاي علمي جديد و کارآمدی مانند ارزيايي چرخه حيات (LCA) جاگزين آنها شده است. پيرو اين تغييرات در روش‌هاي مطالعه و ارزيايي بسياري از قوانين و سياست‌گذاري‌هاي مرتبط نيز تغيير کرده است که متأسفانه تاکنون هر دو مورد در ايران مورد غفلت قرار گرفته است. قابل ذکر است، دروس تخصصي دانشگاهي در خصوص روش‌هاي نوين ارزيايي اثرات محيط زيستي و سياست‌گذاري محيط‌زيست در دانشگاه‌هاي کشورهاي توسعه‌يافته و به عنوان موضوعات ميانه‌رشته‌اي در حال تدريس و ايجاد ديده‌گاه‌هاي تخصصي در نسل آينده تحصيل کرده جامعه مي‌باشند.

۷. عدم وجود دستگاه تنظيم و نگارش تخصصي لايحه‌هاي

قانوني بر اساس منافع ملي

در انتها مي‌توان عدم وجود دستگاه تنظيم و نگارش تخصصي لايحه‌هاي قانوني بر اساس منافع ملي را مهم‌ترين و اثرگذارترين چالش قانون‌گذاري و سياست‌گذاري در ايران ناميد. معمولاً تنظيم لوايح قانوني به کمک سازمان‌هاي ذينفع انجام مي‌شود که تضاد منافع و عدم در نظر گرفتن منافع ملي کشور و ارجحيت دادن نيازها و اهداف سازماني از مهم‌ترين مشکلات وضع موجود کشور در تنظيم لوايح قانوني است. در صورتي که در بسياري از کشورهای توسعه‌يافته سازماني متخصص و مجزا و غير وابسته به نهادهاي اجرائي کشور و زيرمجموعه قوه مقننه وجود دارد که لوايح تخصصي را با نظر کارشناسان حقوقي، سياسي، تخصصي و ... تنظيم مي‌کند، در عين حال با رعايت منافع ملي کشور و جلوگيري از اثرگذاري نهادهاي ذينفع بر اعمال نفوذ بر لوايح به تنظيم و نگارش





گفت‌وگو با دکتر «مهدی خراسانی پور» عضو هیئت‌علمی گروه زمین‌شناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

هدف‌گذاری درست برای رفع چالش‌های زیست‌محیطی

اساساً فرایندهای صنعتی در صنایع مختلف متفاوت است، لذا لازم است در ابتدا همه صنایع بررسی و منابع آلودگی، پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های آن‌ها را شناسایی کنیم و برای رفع آلودگی‌ها به آن‌ها راهکار بدهیم و در خلال اجرای راهکارها، نظارت و پایش دقیقی نیز انجام شود و صادقانه در کنار صنعت و تولید قرار بگیریم، در عین حال به محیط‌زیست نیز آسیب وارد نشود. این که صنایع تصور کنند که متولیان محیط‌زیست مانع تولید و اشتغال‌اند به نظر، تفکر مثبتی نیست.

دکتر مهدی خراسانی پور، عضو هیئت‌علمی گروه زمین‌شناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان، همچنین می‌گوید: نگرش جهانی بر مبنای اقتصاد چرخشی سعی در حذف پسماند و آلودگی‌های زیست‌محیطی و ایجاد یک زنجیره چرخشی از ارزش محصول به جای تولید محصول خطی یا تک محصولی است. واقعیت این است که برای رسیدن به وضعیت مطلوب از نظر اقتصاد چرخشی و بازیافت مواد، نیاز به پشتکار و برنامه‌ریزی منظم می‌باشد و اگر بخواهیم با رویکرد فعلی حرکت کنیم به نتیجه نمی‌رسیم، بویژه در صنایع معدنی که بخش‌های پر عیار آن در حال تمام شدن است و به زودی با بخش‌های کم عیار روبه‌رو خواهیم شد. دقت کنیم که اقتصاد چرخشی یک مفهوم بین‌رشته‌ای است که متأسفانه در صنایع استان مفهوم فعالیت بین‌رشته‌ای به خوبی تعریف نشده است. وی در مورد رابطه بین دانشگاه و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و اجرا به مفهوم علم و سیاست در حوزه محیط‌زیست و چرایی مشکلات در برقراری این ارتباط سه جانبه، مفصل سخن گفته است. دکتر خراسانی پور بر این باور است که ما در قالب یک زنجیره پیوسته که هدف‌گذاری شخصی دارد عمل نمی‌کنیم تا به نتایج ملموس برسیم. لازم است سازمان محیط‌زیست و در کنار آن صنعت و دانشگاه در تعامل با یکدیگر و با تشکیل کارگروه‌های مشترک با برنامه‌ریزی‌های دقیق محیط‌زیستی، هدف‌گذاری درستی برای رفع چالش‌های زیست‌محیطی داشته باشند. مهم این است که محیط‌زیست در کنار صنایع و معادن قرار گیرد و در روند اجرایی فعالیت‌های صنعتی و معدنی موضوعات مالی محیط‌زیست پیش‌بینی شود، متأسفانه چیزی که در کشور ما اتفاق نیفتاده است، موضوع ارزش‌گذاری اقتصادی محیط‌زیست است. شرح کامل این گفت‌وگو را در ادامه مطالعه نمایید.



گاهی اوقات

سخت‌گیری‌ها

زیاد است و

یک لیستی از

پارامترهایی را

در نظر گرفته و

صنعت را مؤلف

می‌کنیم که آن‌ها را

پایش کند و برخی

صنایع هم نیز

بدون رودرپایستی

می‌خواهند از

انجام آن‌ها

خودداری

کنند؛ بنابراین

از آنجایی که

اساساً فرآیندهای

صنعتی در صنایع

مس، آهن، فولاد،

زغال‌سنگ،

سیمان و ...

متفاوت است،

لازم است در

ابتدا همه

صنایع بررسی و

منابع آلودگی،

پتانسیل‌ها و

ظرفیت‌هایشان

را شناسایی

کنیم و برای رفع

آلودگی‌ها به آن‌ها

راهکار بدهیم.

دهیم. باید بررسی کرد که آیا با توجه به توان مالی دولت، شرایط اقتصادی جامعه و کمبود بودجه، امکان پیاده‌سازی و رسیدن به یک الگوی منظم از برنامه‌ریزی شهری همراه با ملاحظات زیست‌محیطی وجود دارد یا خیر؟ حداقل من در این مورد تا زمانی که خودم در موقعیت قرار نگرفته و سختی‌های کار را درک نکنم نمی‌توانم منصفانه قضاوت کنم. کاملاً واضح است برای اینکه رفتار زیست‌محیطی بهتری داشته باشیم حداقل در حوزه شهری باید خوب عمل کنیم، اما وقتی می‌بینیم ساده‌ترین چیزها به‌خصوص تفکیک زباله‌ها، نحوه جمع‌آوری آن‌ها، بهداشت عمومی و کنترل منابع آلودگی در شهر، رعایت نمی‌شود، بیشتر نگران می‌شویم؛ لذا هنوز به جایگاه درست نرسیدیم، اما اینکه قضاوت کنیم که نتوانستیم یا نشده است! حداقل بنده صلاحیت آن را ندارم که در این مورد صحبت کنم.

◆ ارزیابی شما از چگونگی رعایت اصول زیست‌محیطی در فعالیت‌های صنعتی، معدنی و کشاورزی در ایران بویژه استان کرمان چیست؟

همان‌طور که می‌دانید در زمینه محیط‌زیست تنوع بالایی از فعالیت‌ها و حوزه‌های کاری وجود دارد. متولی اصلی نظارت بر این فعالیت‌ها هم قطعاً سازمان حفاظت محیط‌زیست است که با توجه به شناختی که اینجانب از این مجموعه در سطح استان دارم، انصافاً در حد توان تلاش می‌کنند، اما واقعیت این است که توسعه و ایجاد اشتغال در شرایط رکود اقتصادی معمولاً وزنه سنگینی محسوب می‌شود که سایر موارد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بسیاری از صنایع بزرگ استان مثل مجتمع مس سرچشمه، مجتمع مس شهرباک و یا مجتمع گل‌گهر در راستای وظایف قانونی و مسئولیت‌های اجتماعی خود اقداماتی را در کنترل آلودگی‌های زیست‌محیطی انجام داده‌اند؛ برای مثال در دو مجتمع مس سرچشمه و شهرباک،

◆ تأثیر سبک زندگی بر محیط‌زیست در استان کرمان را

چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در این خصوص نیاز به آموزش‌های جدی به منظور تشریح اهمیت محیط‌زیست بر کیفیت و سلامت زندگی است. خوشبختانه برخی جوامع محلی رویکرد مناسبی در خصوص حفظ محیط‌زیست دارند. در همین راستا برخی NGO های محلی نیز شکل گرفته‌اند؛ بنابراین در بخش‌هایی از جامعه این نگاه ایجاد شده است که فرآیندهای زیست‌محیطی و محیط‌زیست چقدر مهم هستند، اما نیاز است که از طریق آموزش‌های صحیح و بعضاً از طریق رسانه‌های جمعی میزان مشارکت عمومی در حفظ محیط‌زیست را افزایش داد. این فرآیند در نهایت باعث تغییر در سبک زندگی نیز خواهد شد و نگاه بعضی افراد را به مقوله محیط‌زیست تغییر می‌دهد. از طرف دیگر متأسفانه عوارض و آسیب‌هایی که به اجزای حیاتی محیط‌زیست وارد شده در حال نمایان شدن است و بسیاری از افراد احساس خطر کرده و نسبت به مقوله محیط‌زیست هم آگاه‌تر و هم حساس‌تر شده‌اند. طبیعت نسبت به آسیب‌های ایجاد شده واکنش نشان خواهد داد. دیر یا زود خواهیم دید که یا سازگار می‌شویم و یا نسل بشر آسیب جدی خواهد دید. در مسئله محیط‌زیست نیاز به فرهنگ‌سازی است و این فرهنگ‌سازی تنها محدود به آموزش به بچه‌ها (آن‌طور که بعضاً تبلیغ می‌شود) نیست و والدین به صورت خاص و جامعه به صورت عام نیز باید در راستای حفاظت از محیط‌زیست اقدامات زیست‌محیطی را در عمل انجام دهند و الا مسئله حفظ محیط‌زیست در حد یک شعار باقی می‌ماند و خیلی مؤثر نخواهد بود؛ برای مثال بچه‌ها وقتی می‌بینند والدینشان و جامعه، قوانین را اجرا نمی‌کنند، ناخودآگاه در ذهن آن‌ها این واقعیت نقش می‌بندد که مواردی که در زمینه حفظ محیط‌زیست گفته می‌شود می‌تواند اجرا هم نشود! همین بچه‌ها در آینده نسل تأثیرگذار بر محیط‌زیست خواهند بود. لذا لازم است نگرش فرهنگی‌مان را نسبت به مسائل زیست‌محیطی ارتقا داده و این موضوع طبیعتاً در سبک زندگی نیز مؤثر خواهد بود.

◆ به نظر شما برنامه‌ریزی‌های شهری در کرمان تا چه

اندازه با ملاحظات حفاظت از محیط‌زیست انجام و اجرا می‌شود؟

در خصوص این موضوع به چند دلیل باید با احتیاط پاسخ داد؛ اول این که در مسئله اجرای ملاحظات زیست‌محیطی در برنامه‌ریزی شهری محدودیت‌های فراوانی از لحاظ هزینه، امکانات و رویکردها وجود دارد، لذا باید در موقعیت انجام یک اقدام قرار بگیریم تا بتوانیم یک اظهار نظر درست انجام



راه‌اندازی واحدهای تولید اسیدسولفوریک از گازهای آلاینده کارخانه ذوب یک اقدام مؤثری بوده که خوشبختانه پیگیری و اجرایی شده است. سازمان محیط‌زیست نیز در حد توان صنایع را ملزم به رعایت مسائل زیست‌محیطی از جمله؛ اجرای برنامه‌های مدیریت زیست‌محیطی و پایش‌های زیست‌محیطی نموده است. واقعیت این است در این زمینه گاهی صنایع تمایل به انجام اقدامات زیست‌محیطی دارند، اما راهکارهای مناسبی از سوی نهادهای دانشگاهی یا شرکت‌های متولی امور زیست‌محیطی دریافت نمی‌کنند که این مسئله جای بحث و بررسی زیاد دارد. امروزه معدن‌کاران و صاحبان صنایع متوجه شده‌اند که اگر ملاحظات زیست‌محیطی را از روز اول در نظر بگیرند خیلی از چالش‌ها و نگرانی‌های آن‌ها برطرف خواهد شد. این مورد قطعاً اگر به درستی انجام شود هم برای محیط‌زیست و هم صنایع سودمند خواهد بود.

در مجموع نیاز هست که اول، نگاه نسبت به مقوله محیط‌زیست و سازمان حفاظت محیط‌زیست عوض شود. تا زمانی که نگاه به سازمان حفاظت از محیط‌زیست به‌عنوان یک نهاد نظارتی مبتنی بر این باشد که مثلاً جلوی صنایع را بگیرد، آن‌ها را جریمه کند و یا جلوی سرمایه‌گذاری آن‌ها را بگیرد، وضع به همین شکل است، درحالی‌که انصافاً این‌طور نیست و سازمان حفاظت محیط‌زیست که به عنوان متولی امور زیست‌محیطی کشور است تا حد توان در کنار صنایع و مجموعه‌های صنعتی استان ایستاده و در بسیاری موارد حمایت هم کرده است؛ اما موضوع اینجاست که آیا مشاوره‌های مناسبی به صنعت داده شده است و صنعت نیز توانسته اقداماتی انجام دهد و این اطمینان را ایجاد کند که او هم این دغدغه را دارد که مشکلات زیست‌محیطی را ایجاد نکند؟ حقیقتاً با توجه به شرایط اقتصادی حاکم بر کشور و فناوری‌هایی که مجوز ورود آن‌ها به کشور داده شده، اقدامات زیست‌محیطی سخت اجرا می‌شوند. در این خصوص فناوری و تکنولوژی‌هایی که آلودگی زیست‌محیطی ایجاد می‌کنند، اساساً نباید وارد کشور شوند، اما با وجود تحریم‌ها و مشکلات دیگری و مهم‌تر از آن نیاز به ایجاد اشتغال، گاهی مجبور هستیم به این صورت عمل کنیم. در کنار همه این موارد اگر بخواهیم اقدامات زیست‌محیطی مؤثر واقع شوند باید در برنامه‌های پایش زیست‌محیطی و اقداماتی که صنایع ملزم به انجام آن هستند، منفعت اقتصادی آن‌ها را نیز در نظر بگیریم. گاهی اوقات سخت‌گیری‌ها زیاد است و یک لیستی از پارامترهایی را در نظر گرفته و صنعت را موظف می‌کنیم که آن‌ها را پایش کند و برخی صنایع هم نیز بدون رودربایستی می‌خواهند از انجام آن‌ها خودداری کنند؛ بنابراین

از آنجایی که اساساً فرآیندهای صنعتی در صنایع مس، آهن، فولاد، زغال‌سنگ، سیمان و ... متفاوت است، لازم است در ابتدا همه صنایع بررسی و منابع آلودگی، پتانسیل‌ها و ظرفیت‌هایشان را شناسایی کنیم و برای رفع آلودگی‌ها به آن‌ها راهکار بدهیم. در خلال اجرای راهکارها، نظارت و پایش دقیقی نیز انجام شود و صادقانه در کنار صنعت و تولید قرار بگیریم، در عین حال به محیط‌زیست نیز آسیب وارد نشود. اینکه صنایع تصور کنند که متولیان محیط‌زیست مانع تولید و یا مانع ایجاد اشتغال هستند به نظر نگاه مثبتی نیست، این نگاه باید اصلاح شود و محیط‌زیست نیز به‌عنوان یک سازمان دلسوز طبیعت، محیط‌زیست و آینده کشور در کنار صنایع دیده شود.

در موضوع کشاورزی حقیقتاً نگرانی‌های جدی در خصوص استفاده از بعضی از سموم و کودهای شیمیایی وجود دارد. در این حوزه، آلودگی‌های زیست‌محیطی باید با حساسیت بیشتری پایش شوند؛ زیرا به دلیل مصرف محصولات کشاورزی توسط انسان آلودگی مستقیماً می‌تواند سبب آسیب به جامعه شود. در مجموع متخصصان حوزه کشاورزی بهتر از من می‌توانند در این مورد نظر بدهند، اما اگر برای مثال سمی به‌صورت قاچاق وارد کشور شود و نظارتی در مورد کیفیت آن سم و پتانسیل آلودگی آن وجود نداشته باشد، باید به شدت نگران عوارضی باشیم که این نوع سموم برای سلامتی مردم و محصول تولید شده ایجاد می‌کنند. به نظر من این نکته بسیار مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

پیاده‌سازی اقتصاد چرخشی در صنایع با رویکردهای موجود موفق نخواهد بود.

بهترین راهکار این است که واحد تحقیق و توسعه در هر صنعت، پژوهش بر اساس اقتصاد چرخشی را جزو اولویت‌های خود قرار دهد و در کنار آن سازمان حفاظت از محیط‌زیست نیز مشوق‌هایی را برای صنایع مختلف جهت حرکت در مسیر اقتصاد چرخشی در نظر بگیرد.

♦♦ امروزه اقتصاد چرخشی به لحاظ باز یافت و استفاده مجدد مواد و ضایعات یک راه بسیار حیاتی در جلوگیری از تخریب محیط‌زیست است، اولاً ارزیابی شما از چگونگی اقدامات سازمان‌ها و ارگان‌های مسئول و نیز مردم در این رابطه چیست؟ و چه پیشنهادات عملی و علمی با توجه به تجربه جهانی و ظرفیت‌ها و توانمندی‌های موجود منطقه، برای رفع چالش زباله‌ها و ضایعات به نحو اقتصادی از فضای محیط‌زیست منطقه دارید؟

(اقتصاد چرخشی موضوع بسیار مهمی است و من خیلی خوشحالم که این سؤال در مجموعه سؤالات شما هم وجود داشت)

همان‌طور که می‌دانید نگرش جهانی بر مبنای اقتصاد چرخشی سعی در حذف پسماند و آلودگی‌های زیست‌محیطی و ایجاد یک زنجیره چرخشی از ارزش محصول به جای تولید محصول خطی یا تک‌محصولی است. این نگرش در بسیاری از کشورهای توسعه یافته جایگاه خود را به عنوان یک ضرورت پیدا نموده است. در ایران نیز ما می‌توانیم

جهت حذف و کنترل آلودگی‌های زیست‌محیطی در صنعت، کشاورزی و محیط‌زیست شهری به سراغ اقتصاد چرخشی برویم، واقعیت این است که بسیاری از پسماندهایی که برای ما مشکلات زیست‌محیطی ایجاد می‌کنند، می‌توانند به صورت بالقوه پتانسیل ایجاد یک ظرفیت اقتصادی جدید را ایجاد نمایند و این همان رویکردی است که اگر در صنایع و یا در بخش‌های مختلف جامعه شکل بگیرد، می‌تواند مدیریت زیست‌محیطی پسماندها را به جای دفن و ایجاد آلودگی زیست‌محیطی به سمت بازیافت و استفاده مجدد سوق دهد. در اقتصاد چرخشی چهارچوب و قواعد کار تا رسیدن به هدف نهایی مشخص می‌باشند، اما در اجرا به دلیل عدم دانش و شناخت کافی و اینکه عجلانه می‌خواهیم به نتیجه برسیم به مشکل بر می‌خوریم.

واقعیت این است که برای رسیدن به یک وضعیت مطلوبی از نظر اقتصاد چرخشی و بازیافت مواد، نیاز به پشتکار و برنامه‌ریزی منظم می‌باشد و حقیقتاً اگر بخواهیم با رویکرد فعلی حرکت کنیم به نتیجه نمی‌رسیم، به خصوص در صنایع معدنی که بخش‌های پر عیار آن در حال تمام شدن است و ما به زودی با بخش‌های کم عیار روبه‌رو خواهیم بود، البته با وجود ارزش بالای مواد معدنی و همچنین تکنولوژی‌های جدید می‌توان بخش‌های کم‌عیار را نیز استخراج کرد؛ به عبارتی این بخش‌ها نیز صرفه اقتصادی دارند، اما باید توجه داشت با بهره‌برداری از معادن کم عیار میزان تولید پسماند و باطله معدنی نیز افزایش می‌یابد.

یک مثال خیلی خوب از صنایع بزرگ استان مجتمع مس سرچشمه است، در این مجتمع صنعتی تقریباً ۹۷ درصد از سنگ ورودی به کارخانه تغلیظ در نهایت تبدیل به باطله کانه‌آرایی (Tailing waste) می‌شود. درحالی‌که برای خردایش این حجم بالای سنگ، انرژی، آب و هزینه زیادی مصرف شده است. از دیدگاه اقتصاد چرخشی باید بر ظرفیت‌های این باطله برای ایجاد محصول با ارزش تأکید کرد. متأسفانه در این خصوص دیدگاه‌های مناسبی گاهی در سطح مدیریتی در صنعت ما وجود ندارد. برای مثال فرض کنید یک استاد دانشگاه قصد انجام تحقیقات در زمینه اقتصاد چرخشی و تولید یک محصول از پسماندهای معدنی و یا صنعتی را دارد. باید توجه داشت که این تحقیقات ممکن است چندین سال طول بکشد. روال انجام چنین تحقیقاتی به این صورت است که ابتدا فرصت‌ها و ظرفیت‌ها شناسایی شده و بعد به سراغ مطالعات آزمایشگاهی می‌روند. سپس بر اساس ظرفیت‌های بالقوه‌ای که در شرایط آزمایشگاهی مثبت ارزیابی شده‌اند، فرآیندهای نیمه‌صنعتی اجرا و بعد از مشخص شدن ایرادات و اشکالات در فرآیند نیمه‌صنعتی،

به مرور تولید در مقیاس صنعتی انجام می‌شود. متأسفانه در بسیاری از موارد صاحبان صنایع عجول هستند و می‌خواهند سریع به نتیجه برسند، کارخانه ایجاد و محصول تولید شود، ولی در واقعیت به این شکل نیست بلکه این فرآیند نیاز به برنامه‌ریزی منظم و هدفمند دارد که اصولاً بخش تحقیق و توسعه صنایع باید آن را مدنظر قرار دهند. در همین خصوص نیاز است ارتباط مناسبی بین بخش تحقیق و توسعه صنایع مختلف با مجموعه‌های دانشگاهی شکل بگیرد. در مجموع پیاده‌سازی اقتصاد چرخشی در صنایع با رویکردهای موجود موفق نخواهد بود. بهترین راهکار این است که واحد تحقیق و توسعه در هر صنعت، پژوهش بر اساس اقتصاد چرخشی را جزو اولویت‌های خود قرار دهد و در کنار آن سازمان حفاظت از محیط‌زیست نیز مشوق‌هایی را برای صنایع مختلف جهت حرکت در مسیر اقتصاد چرخشی در نظر بگیرد. دقت کنیم که اقتصاد چرخشی یک مفهوم بین‌رشته‌ای است و همزمان که حفظ محیط‌زیست به‌عنوان یک اصل در آن دیده شده است، صنعت هم باید امکان‌سنجی‌های لازم به صورت بین رشته‌ای، بُعد اقتصادی و سرمایه‌گذاری موضوع را مورد توجه جدی قرار دهد. متأسفانه در صنایع استان مفهوم فعالیت بین‌رشته‌ای نیز به خوبی تعریف نشده است.

زیرساخت‌های لازم جهت حرکت به سمت اقتصاد چرخشی

موارد زیر جزء الزاماتی است که به‌عنوان زیرساخت‌هایی جهت حرکت به سمت اقتصاد چرخشی باید در نظر گرفته شوند:

- در هر صنعت به ویژه در صنایع معدنی استان باید ماهیت خط تولید به‌طور کامل بررسی شود، بسیار پیش می‌آید که برای مثال معدن کار بر روی ماده اصلی متمرکز شده است؛ اما نمی‌داند عناصر همراه با ماده معدنی اصلی کدامند؟ این موضوع از نظر زیست‌محیطی برای تعیین پتانسیل آلودگی هر معدن نیز بسیار اهمیت دارد،

- لزوم انجام مطالعات در مقیاس آزمایشگاهی که در طی آن ظرفیت‌ها و پتانسیل‌ها سنجیده و مشخص می‌شود، آیا می‌شود در مفهوم اقتصاد چرخشی پسماندهای یک صنعت را حذف و یا برای تولید یک محصول کاربردی میزان آن‌ها را کاهش داد؟

- انجام و ارزیابی فرآیندهای بازیافت و استفاده مجدد در مقیاس نیمه‌صنعتی جهت تشخیص ایرادات احتمالی،

- ارزیابی و امکان‌سنجی انجام فرآیند در مقیاس واقعی از نظر اقتصادی، فنی و اجرایی.

در مجموع خیلی ساده‌لوحانه است اگر فکر کنیم تحول از اقتصاد خطی به اقتصاد چرخشی و تولید محصولات با



اگردانشگاه

می‌خواهد

مشکل صنعت

را حل کند اول

باید رویکردهای

تخصصی را جدی

بگیرد، چون هنوز

برخی از اعضای

هیئت علمی در

تخصص‌های

یکدیگر در حالت

می‌کنند و حتی

مشخص نمی‌کنند

که تخصص

خودشان

چیست! علم امروز

علمی نیست که

متخصص همه چیز

باشیم، یک زمانی

دانشمندان و عالم

کسی بود که همه

چیز را می‌دانست،

اما الان متخصص

کسی است که

نتواند از مجموعه

اطلاعات که دارد

یک خروجی

جدید تولید کند.



در مورد ارتباط صنعت و دانشگاه می‌کنم، این‌طور نیست که این موضوع را درک نکرده باشیم، بلکه به خوبی می‌دانم که مشکل ما کجاست!

چرایی مشکلات ارتباط دانشگاه در مقابل صنعت و محیط زیست

در خصوص ارتباط دانشگاه با صنعت در زمینه محیط زیست اگر بخواهیم قضاوت منصفانه‌ای داشته باشیم باید سه ضلع مهم این ماجرا، یعنی دانشگاه به‌عنوان بازوی علمی، صنعت به‌عنوان کارفرما و سازمان محیط زیست به‌عنوان نهاد نظارتی را در نظر بگیریم. اگر بخواهد این ارتباط به‌خوبی شکل بگیرد باید این سه نهاد در کنار یکدیگر قرار گیرند تا بتوانند رو به جلو حرکت کنند. من اول از خودمان یعنی دانشگاه شروع می‌کنم، واقعاً مشکل دانشگاه چیست که ما نتوانستیم مشکلات صنعت‌مان را حل کنیم؟ چرا سال‌هاست با وجود اینکه دانشگاه و مرکز علمی داریم، اما هنوز مشکلات صنعت پابرجاست؟ در حوزه محیط زیست چرا خوب عمل نمی‌کنیم؟ مهم‌ترین مشکلاتی که از سمت دانشگاه در ارتباط با موضوعات فوق‌الذکر وجود دارد، به شرح ذیل است: - این‌که توقع داشته باشیم الزاماً تمام اعضای هیئت علمی توانایی ارتباط با صنعت را داشته باشند، درست نیست؛ چراکه بحث خلاقیت و توانایی‌های فردی، میزان وقت و انرژی که باید گذاشته شود و سختی‌هایی که در این مسیر وجود دارد باعث می‌شود که همه اعضای هیئت علمی از عهده آن بر نیایند،

- اگر دانشگاه می‌خواهد مشکل صنعت را حل کند اول باید رویکردهای تخصصی را جدی بگیرد، چون هنوز برخی از اعضای هیئت علمی در تخصص‌های یکدیگر دخالت می‌کنند و حتی مشخص نمی‌کنند که تخصص خودشان چیست! علم امروز علمی نیست که متخصص همه چیز باشیم، یک زمانی دانشمند و عالم کسی بود که همه چیز را می‌دانست، اما الان متخصص کسی است که بتواند از مجموعه اطلاعات که دارد یک خروجی جدید تولید کند؛ بنابراین اعضای هیئت علمی دانشگاه باید به شدت تخصصی کار کنند که متأسفانه این بحث تخصص در حوزه‌های کاری، گاهی به دلیل منافع شخصی، شرایط موجود و اقتضائاتی که وجود دارد، نادیده گرفته می‌شود و این یک سم مهلک برای محیط دانشگاه است،

- اعضای هیئت علمی دانشگاه که با صنعت در ارتباط هستند باید در متن ماجرا باشند تا به‌خوبی از توان علمی و تخصصی خود استفاده کنند، متأسفانه در بعضی از موارد دیده شده که اعضای هیئت علمی پروژه را می‌گیرند و آن را به دانشجویان واگذار می‌کنند و نظارت خوبی هم انجام نمی‌دهند، طبیعتاً

ارزش اقتصادی و از بین رفتن پتانسیل‌های آلودگی‌های زیست‌محیطی به سادگی رخ می‌دهد. حقیقتاً اگر بخواهیم در صنعت به این رویکرد برسیم یا به مرزی از دانش برسیم که بتوانیم از اقتصاد چرخشی و مزایای آن استفاده کنیم نیاز به کسب تجربه، توانمندی و به اصطلاح «خون دل خوردن‌های» بسیار است تا بتوانیم این موارد را به نتیجه برسانیم.

پسماندهای شهری

در خصوص پسماندهای شهری متأسفانه ما هنوز یک سیستم تفکیک پسماند نداریم. در این خصوص هم اگر متخصصین امر پاسخگو باشند بهتر است. به شدت تأکید می‌کنم در حوزه محیط زیست به دلیل اینکه تنوع در موضوعات زیست‌محیطی زیاد است؛ اظهار نظر در بخش‌های تخصصی باید توسط متخصصان هر حوزه اتفاق بیفتد. اینکه من بخواهم راجع به تصمیمات شهری صحبت کنم، به نظرم درست نیست و واقعیت اینکه من راجع به پسماندهای شهری کار نکردم و نظر تخصصی نمی‌توانم ارائه کنم. به نظرم اگر تفکیک از مبدأ اتفاق بیفتد گزینه خوبی است، این‌که چرا نمی‌شود؟ کسانی که در این زمینه کار کرده‌اند حتماً می‌دانند، اما اگر فرهنگ‌سازی درست انجام شود، مشوق‌های خوبی برای این موضوع لحاظ شود، می‌تواند راهگشا باشد و مسیر خوبی را پیش رو قرار دهد.

♦♦ در مورد چگونگی رابطه بین دانشگاه و سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا به مفهوم ارتباط علم و سیاست در حوزه محیط زیست استان توضیح دهید.

باز هم روی سؤال چالشی دست گذاشته‌اید، من خیلی اهل صحبت کردن به‌طوری که ملاحظه خاصی داشته باشم نیستم. مجبورم واقعیت را بگویم و ممکن است این واقعیت‌ها قدری تلخ باشند، اما این واقعیت‌ها را باید گفت. خاطرم است که شروع ارتباط من با صنعت به سال ۱۳۸۳ برمی‌گردد، زمانی که من دانشجوی بودم. دانشجوی کارشناسی ارشدی که به شدت علاقه‌مند به رشته خود بود و دنبال این‌که بالاخره این علمی که فرا گرفته‌ام به درد کجا می‌خورد؟ چقدر می‌تواند مسائل محیط زیست در صنعت را پیگیری و حل کند؟ در هر دو پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکتری پیگیر طرح پژوهشی با صنعت بودم، اما واقعیت این است که کسی مرا مجبور نکرده بود، بلکه فقط علاقه شخصی بود. الان نزدیک به ۱۷ سال است که به‌طور مداوم با صنایع استان از جمله مس، سرب، روی و طلا همکاری دارم و حوزه کاری معدنکاری محیط زیست را دنبال می‌کنم. این‌ها را به این دلیل می‌گویم که اگر در ادامه اظهار نظری

علی‌رغم اینکه
توانمندی‌های
لازم علمی در
دانشگاه‌های
استان وجود
دارد، اما صنعت
با دانشگاه‌های
خارج از استان
به اسم برندهای
دانشگاهی معتبر
ارتباط برقرار
می‌کند که نتیجه
خوبی برای صنعت
نداشته‌اند.
دانشگاه‌هایی
که خودشان را
برتر از پتانسیل
علمی استان
می‌دانند، اما
عملاً نتوانسته‌اند
مشکلات را حل
کنند. نمی‌گوییم که
تمام موضوعات را
به استان بسپارند،
اما می‌توانند
روی پتانسیل
علمی استان
حساب کنند و
قطعاً کسی که در
استان است، عرق
بیشتری داشته
و دلسوزانه‌تر
می‌تواند مشکلات
استان را حل کند.

هر شخص در طرح پژوهشی چه مسئولیتی دارد،
- در حال حاضر ارتباط اعضای هیئت‌علمی با صنعت از طریق انجام پروژه‌های قراردادی صورت می‌گیرد. درست است اما پروژه‌های قراردادی برای دانشگاه یک سری منافع دارد، اما اگر عضو هیئت‌علمی به‌عنوان مشاور هم در کنار صنعت قرار گیرد، نه تنها ارتباط صنعت و دانشگاه حفظ می‌شود بلکه بسیاری از پروژه‌ها و ایده‌ها در دوره ارتباط مشاوره‌ای شکل می‌گیرند،

- نیاز به آموزش مهارت‌های ارتباطی در خصوص رابطه دانشگاه و صنعت هم برای اساتید و هم برای دانشجویان وجود دارد. یک عضو هیئت‌علمی قاعدتاً باید این را بداند که محیط دانشگاه یک محیط آکادمیک است و رفتارها و برخوردها در یک محیط آکادمیک با محیط صنعتی متفاوت است. دانشجویان نیز باید این آموزش‌ها را ببینند. بیشتر اوقات دلیلی که اساتید نمی‌توانند در صنعت وارد شوند ناشی از آن است که درک درستی از محیط صنعتی ندارند یا اینکه مبانی ارتباط با صنعت را نمی‌دانند،

- باید زیرساخت‌هایی جهت انجام پژوهش‌های بین‌رشته‌ای در دانشگاه‌ها ایجاد شود. در حال حاضر در دانشگاه‌های برتر دنیا این مسئله حل شده است و همه به این نتیجه رسیده‌اند که موضوعات و مشکلات در جامعه به‌خصوص در حوزه محیط‌زیست، اصولاً بین‌رشته‌ای حل می‌شوند و تا زمانی که نگاه بین‌رشته‌ای وجود نداشته باشد، مسائل به درستی تحلیل و بررسی نمی‌شوند. متأسفانه در دانشگاه‌های

دانشجو هم تقصیری ندارد و در حد تجربه دانشجویی‌اش تلاش می‌کند. پس نقش استاد چیست؟ خیلی از مواقع می‌بینیم که دانشجو در یک پروژه رها شده است و از او خواسته شده و چون دانشجوی کارشناسی ارشد و دکتراست مجبور است پروژه را انجام دهد،

- عضو هیئت‌علمی که در صنعت کار می‌کند به‌عنوان برند آن مرکز آموزشی و دانشگاه محسوب می‌شود و اگر موفقیتی به دست آورد، اعتبار دانشگاه افزایش پیدا می‌کند؛ در نتیجه به مرور آن دانشگاه در حوزه‌های تخصصی به‌عنوان یک دانشگاه مرجع شناخته خواهد شد. این دیدگاه باید در اعضای هیئت‌علمی تقویت شود. اگر عضو هیئت‌علمی به‌عنوان نماینده دانشگاه نتواند یک پروژه صنعتی را خوب انجام دهد، هم باعث از بین رفتن هزینه و سرمایه یک پروژه می‌شود و هم از آن طرف نگاه صنعت نسبت به توانایی دانشگاه عوض می‌شود،

- ارتباط دانشگاه با صنعت باید بر اساس نیاز صنعت و تخصص افراد صورت گیرد. در برخی موارد این موضوع به دلیل تمایل اساتید به صرفاً «داستن» طرح پژوهشی نادیده گرفته می‌شود و در نهایت نتیجه مطلوبی حاصل نمی‌شود. در بعضی موارد بحث‌های مالی طرح‌های پژوهشی شفاف نیست و همانند تخصص، افراد ممکن است متعهد به رعایت اخلاق در بحث‌های مالی نباشند، این را به‌عنوان یک اصل مهم باید در نظر گرفت که موضوعات مالی در حوزه طرح‌های پژوهشی باید کاملاً مشخص شود و همچنین مشخص شود



به اسم برندهای دانشگاهی معتبر ارتباط برقرار می‌کند که نتیجه خوبی برای صنعت نداشته‌اند. دانشگاه‌هایی که خودشان را برتر از پتانسیل علمی استان می‌دانند، اما عملاً نتوانسته‌اند مشکلات را حل کنند. نمی‌گوییم که تمام موضوعات را به استان بسپارند، اما می‌توانند روی پتانسیل علمی استان حساب کنند و قطعاً کسی که در استان است، عرق بیشتری داشته و دلسوزانه‌تر می‌تواند مشکلات استان را حل کند. هرچند بسیاری از صنایع به توانایی دانشگاه‌های بومی واقف نیستند.

- در صنعت مراکز تحقیقات محیط‌زیست و واحد HSE (ایمنی، بهداشت و محیط‌زیست) وجود دارد و در برخی موارد هماهنگی و همپوشانی‌های بین شرح وظایف متولیان حوزه محیط‌زیست در این واحدها به وجود می‌آید که این امر نشان می‌دهد ماهیت تحقیق و پژوهش در صنعت به خوبی تعریف نشده است؛ بنابراین لازم است یک قالب ساختاری منظمی تعریف کنیم،

- شرکت‌های بزرگ در بسیاری از کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته اهمیت ویژه‌ای برای واحد تحقیق و توسعه قائل می‌شوند و اولین و بیشترین سرمایه‌گذاری‌ها را روی بخش تحقیق و توسعه انجام می‌دهند، اما در ایران برای این کار قالب‌ها به خوبی تعریف نشده است. برای مثال (۱) هدف‌گذاری مناسب صورت نگرفته است، (۲) موازی کاری انجام می‌شود، (۳) در پژوهش‌ها عدم پیوستگی وجود دارد، (۴) جذب افراد خلاق و نخبه و حمایت از آن‌ها صورت نمی‌گیرد، (۵) نیروهای مستعد رها شده‌اند و خیلی از سرمایه‌های انسانی با ارزش به دلیل لجبازی، حسادت و بحث‌های فرهنگی اشتباهی که در جامعه ما وجود دارد از سیستم بیرون رانده می‌شوند (۶) در صنایع ما عادت به برون‌سپاری شده است و بیشتر تحقیقات به صورت برون‌سپاری در اختیار شرکت‌های بیرونی قرار می‌گیرد (۷) اعتماد بیش از حد به شرکت‌های خارجی وجود دارد، خیلی اوقات اعتقاد بر این است که اگر فلان شرکت خارجی کار را انجام دهد نتیجه بهتری خواهد داشت و این باعث می‌شود که کشور پیشرفت نکند و ما وابسته به شرکت‌های خارجی باقی بمانیم،

- نبود یک محیط کار مشوق محور در صنعت نیز از جمله مشکلات است. اگر محیط کسل کننده باشد صنعت به خصوص در بخش پژوهش ضرر خواهد کرد،
- استخدام افراد با مدارک مرتبط به جای تخصص اصلی مورد نیاز و جذب افراد با مدارک بدون پشتوانه علمی از دانشگاه‌های نامعتبر چنان ضربه بزرگی به صنعت وارد کرده است که جبران آن به راحتی اتفاق نمی‌افتد. عادت کرده‌ایم

ما چنین نگاه‌هایی وجود ندارد و ما هنوز یاد نگرفته‌ایم کارها را به صورت تیمی انجام دهیم. بسیار دیده می‌شود که در تقسیم کار در یک پروژه مسئولیت بر روی دوش یک نفر قرار می‌گیرد و یا در نهایت اعضا بر سر منافع طرح دچار مشکل می‌شوند. این‌ها همه واقعیت هستند هرچند تلخ! - لازم است سازوکارهای مشوق محور برای اساتید فعال در صنعت دیده شود. جایگاه اساتید آموزشی در دانشگاه نیز مهم است، اما اگر شخصی در صنعت فعالیت می‌کند حتماً باید مشوق‌هایی برای او وجود داشته باشد که بتواند با انرژی و توان بیشتر کار کند. کما اینکه یکی از وظایف مهم دانشگاه‌ها علاوه بر تربیت نیروی انسانی کمک به رفع مشکلات جامعه نیز می‌باشد،

- متأسفانه برخی اعضای هیئت علمی با مجموعه قوانین و مقررات زیست‌محیطی آشنا نیستند. در مسائل زیست‌محیطی قوانین و الزاماتی وجود دارد که دولت تعیین می‌کند؛ از جمله قوانین و الزامات زیست‌محیطی جهت استقرار واحدهای معدنی، پایش‌های زیست‌محیطی، مدیریت زیست‌محیطی و برنامه‌های زیست‌محیطی که هر صنعت باید انجام دهد. بسیاری از اساتید دانشگاه از این قوانین اطلاع ندارند و این یک ضعف خیلی بزرگ است.

چرایی مشکلات ارتباط صنعت در مقابل دانشگاه و محیط‌زیست

در مقابل در صنعت نیز ایراداتی وجود دارد که متأسفانه مانع از ارتباط مؤثر دانشگاه و محیط‌زیست با صنعت می‌شود. برخی از مهم‌ترین این ایرادات به شرح ذیل می‌باشند:

- اول اینکه نگاه صنعت بین‌رشته‌ای نیست و در بسیاری از موارد صنعت توقع دارد فقط یک نفر بیاید و مشکل را حل کند. درحالی‌که اگر یک تیم پروپوزال ارائه دهند، شاید خیلی استقبال نشود. البته این نوع نگاه در حال اصلاح است و صنایع تا حدودی به این نتیجه رسیده‌اند که در صورتی که یک گروه پژوهشی قوی روی یک موضوع کار کند، موفقیت بیشتری حاصل می‌شود. در اینجا باید دقت شود که از اسامی برای گرفتن پروژه استفاده نشود، متأسفانه گاهی اوقات افراد تیم معرفی می‌کنند، اما یک یا دو نفر دانشجو کار را انجام می‌دهند، یا کل کار بر دوش یک نفر بوده است و بقیه فقط اسم‌شان آورده می‌شود،

- افرادی که سال‌ها تجربه فعالیت در صنعت را دارند و صنعت نیز بر روی آن‌ها سرمایه‌گذاری کرده است، نادیده گرفته می‌شوند، چون مدیران جدید سلیقه‌ای برخورد می‌کنند در حالی‌که این افراد، سرمایه صنعت محسوب می‌شود،
- علی‌رغم اینکه توانمندی‌های لازم علمی در دانشگاه‌های استان وجود دارد، اما صنعت با دانشگاه‌های خارج از استان

دستگاه دولتی با هم چالش دارند؛ برای مثال سازمان صمت با سازمان محیط‌زیست. این موارد دردی از ما دور نمی‌کند. برای اینکه محیط‌زیست با کیفیتی داشته باشیم لازم است رفتارهای زیست‌محیطی خود را اصلاح کنیم و منظم عمل کنیم و به اعتقاد بنده در این زمینه جای کار بسیار است. حقیقتاً لازم است سازمان محیط‌زیست و در کنار آن صنعت و دانشگاه، در تعامل با یکدیگر و با تشکیل جلسات و کارگروه‌های مشترک بتوانند با برنامه‌ریزی‌های دقیق بر روی امور زیست‌محیطی، هدف‌گذاری درستی برای رفع چالش‌های زیست‌محیطی داشته باشند.

◆ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، عنوان فرمایید.

اگر بخواهیم در حوزه محیط‌زیست موفق باشیم، راهکار مهم این است که محیط‌زیست در کنار صنایع و معادن قرار گیرد و همچنین در روند اجرای فعالیت‌های صنعتی و معدنی، موضوعات مالی محیط‌زیست پیش‌بینی شوند. متأسفانه چیزی که در کشور ما اتفاق نیفتاده است، بحث ارزش‌گذاری اقتصادی محیط‌زیست است. اگر هزینه‌های ناشی از آلودگی محیط‌زیست، هزینه‌های پاک‌سازی و احیا معادن و صنایع را پیش‌بینی کنیم و مورد توجه قرار دهیم، رفتار زیست‌محیطی بهتری خواهیم داشت؛ اما متأسفانه به دلیل شرایط اقتصادی موجود مجبور به تولید جهت ایجاد اشتغال هستیم. واقعیت این است می‌توانیم با یکسری اقدامات ذخایر معدنی و آلودگی‌های زیست‌محیطی ناشی از آن را مدیریت کنیم. مهم این است که معادن کاران ما و افرادی که در حوزه صنایع معدنی فعالیت می‌کنند نگاه‌شان نسبت به محیط‌زیست و اهمیت آن عوض شود و از آن طرف سازمان حفاظت محیط‌زیست با وجود اینکه قوانین و مقررات تعریف شده و مشخصی دارد، در کنار صنعت و دانشگاه به مسئله محیط‌زیست کمک کند و دانشگاه هم طبیعتاً وظیفه دارد در موضوعات تخصصی صادقانه وارد شود و در این زمینه راهکارهای لازم را به صورت تخصصی ارائه دهد. مجدداً تأکید می‌کنم محیط‌زیست دارای تنوع بالایی از موضوعات و چالش‌ها می‌باشد برای رفع این چالش‌ها باید به شدت تخصصی عمل کرد. باید یاد بگیریم حد و مرز تخصص خود در زمینه محیط‌زیست را به درستی بشناسیم و برای رفع مشکلات زیست‌محیطی با تخصص‌های دیگر در یک کار بین‌رشته‌ای مشارکت کنیم. این موضوع علاوه بر تخصص نیاز به اصلاح رویکردهای فرهنگی نیز دارد. ان‌شاءالله روزی برسد که همه جامعه از فرهنگ زیست‌محیطی بالایی برخوردار شود. تنها در این صورت است که ما به توسعه پایدار با حفظ اکوسیستم طبیعی خود نزدیک خواهیم شد. ◆◆

که از مدرک به‌عنوان سندی برای افزایش حقوق، افزایش ارتقا شغلی و پست گرفتن استفاده کنیم! از طرف دیگر چون نمی‌خواهیم زحمت بکشیم به دانشگاه‌هایی متوسل شده‌ایم که به دلیل محدودیت‌های زیاد بویژه کمبود دانشجو در تأمین هزینه‌های جاری‌شان مشکل دارند. برخی از مؤسسات آموزشی از جمله برخی دانشگاه‌های آزاد، پیام نور و حتی برخی دانشگاه‌های دولتی هم درگیر این بازی خطرناک شده‌اند، بازی که برای هر سه مجموعه صنعت، دانشگاه و محیط‌زیست خطرناک است و در جامعه به مرور با افرادی روبه‌رو می‌شویم که کف تحصیلات‌شان لیسانس، فوق‌لیسانس و بعضاً دکتری است، اما اگر میزان سواد و توانایی آن‌ها ارزیابی شود، شاید به اندازه یک فوق‌دیپلم هم اطلاع و آگاهی نداشته باشند! و این یک سم برای هر جامعه و به‌خصوص صنعت محسوب می‌شود،

- در برخی موارد انجام امور پژوهشی و ارائه پروپوزال‌ها توسط افرادی انجام می‌شود که هیچ شناختی از صنعت نداشته و بعضاً از طریق روابط اقدام به گرفتن پروژه می‌کنند، - مالکیت معنوی ایده‌های پژوهشی در برخی موارد در صنعت رعایت نمی‌شود و این مسئله یک بی‌اعتمادی در اعضای هیئت‌علمی نسبت به صنعت ایجاد می‌کند. خیلی تلخ است یک پروپوزال و ایده به صنعت منتقل شود، چارچوب‌های آن برای صنعت توضیح داده شود و بعد صنعت آن‌ها را در اولویت قرار نهد و در قالب یک ایده از پژوهشگر گرفته و به افراد دیگر منتقل کند و به عبارتی ایده پژوهشگر «دزدیده» شود.

◆ در کل در مورد مسئله‌شناسی زیست‌محیطی و سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اقدامات اجرایی در حوزه محیط‌زیست ایران با نگاه به استان کرمان به‌عنوان یک عامل مهم در توسعه پایدار منطقه چیست؟

تا مادامی‌که یک زنجیره متصل از انتقال داده و تجربه در زمینه محیط‌زیست بین بخش‌های مختلف وجود نداشته باشد، ما نمی‌توانیم موفق عمل کنیم. حتی در صنعت هم گاهی دیده می‌شود که انتقال اطلاعات و تجربه وجود ندارد؛ یعنی ما در قالب یک زنجیره پیوسته که هدف‌گذاری مشخصی دارد، عمل نمی‌کنیم تا به نتایج ملموس برسیم. برای داشتن یک برنامه منظم در خصوص رفع چالش‌های زیست‌محیطی نیاز به تفکیک موضوعات زیست‌محیطی و تعریف کارگروه‌های تخصصی بین‌رشته‌ای است. از طرف دیگر لازم است که حمایت‌های سیاسی و اجتماعی مطلوبی از سازمان حفاظت محیط‌زیست به‌عنوان متولی نظارت بر امور زیست‌محیطی کشور انجام شود. گاهی اوقات می‌بینیم حتی تعارضاتی بین دستگاه‌های دولتی وجود دارد و دو



سیمای آبخیزداری

برنامه‌های اجرایی و پیش‌بینی‌های عملیاتی در حوزه‌های آبخیز شمال استان



مهدی رجیبی‌زاده
مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان کرمان

مقدمه

یکی از ویژگی‌هایی که خداوند قادر در ذات طبیعت قرار داده است، قدرت رسیدن به تعادل است تحت شرایط گوناگون. ویژگی دوم طبیعت مقاومت و عکس‌العمل در برابر هرگونه تغییر و دست‌کاری در آن است. در استان کرمان نیز اقلیم بیابانی و خشک آن طی هزاران سال گذشته با منابع طبیعی حیاتی خود مثل آب، خاک و گیاه به تعادل رسیده بوده است. رشد جمعیت و افزایش روزافزون به نیازهای غذایی و انرژی، پیامدهایی همچون هجوم افسار گسیخته و بی‌رحمانه انسان به این منابع در قالب توسعه اراضی کشاورزی، حفر چاه‌های عمیق و نیمه عمیق، توسعه صنایع و کارخانه‌ها و آلودگی‌های بیش از حد محیط‌زیست باعث برهم خوردن تعادل

هزاران ساله طبیعت شده که این امر موجب بروز چالش‌هایی اساسی در زندگی مردم شده است. بنابراین برای رسیدن مجدد به تعادل طبیعی نسبی لازم است مجموعه‌ای از فعالیت‌های اصلاحی و احیایی به صورت هماهنگ و همسو انجام شود. نتایج مطالعات علمی و تحقیقات انجام شده نشان داده که این عملیات در قالب اقدامات مدیریت جامع در حوزه‌های آبخیز

تعریف می‌شود. در حال حاضر منابع آب زیرزمینی در استان پاسخگوی نیاز نمی‌باشند و هرچه زمان می‌گذرد، ته مانده سفره‌های آب و حتی آب‌های شور هم کمتر و کمتر می‌شوند. در کنار این موضوع و با توجه به آمار سنوات گذشته در استان کرمان، حجم قابل توجهی سیلاب و رواناب وجود دارد که هر ساله در بخش‌های زیادی از استان کرمان خسارات زیادی به بار می‌آورد؛ زیرا با توجه به ماهیت اقلیمی استان کرمان و علی‌رغم پایین بودن متوسط بارندگی استان، به دلیل شدت زیاد رگبارها، حجم بیشتر نزولات آسمانی تبدیل به سیلاب‌های خانمان‌سوز می‌گردد. حوادث ناشی از سیل در جای جای این استان پهنای باعث مختل شدن زندگی و امنیت مردم می‌شود و هر ساله قربانیانی را در این رابطه داشته‌ایم که مزید بر خسارات بی‌شماری است که به منازل، باغات، زمین‌های کشاورزی، مراتع، جنگل‌ها، صنایع و دامداری و دامپروری وارد می‌شود، اما در صورتی که یک هماهنگی و پشتیبانی همه جانبه وجود داشته باشد، می‌توان با اجرای پروژه‌های آبخیزداری، سیلاب‌های مخرب را کنترل و به منابع آب زیرزمینی نفوذ داد و آبخوان‌های نیمه‌جان را مجدداً حیات بخشید. این عمل بسیار ارزان‌تر، پایدارتر و عملی‌تر از اجرای پروژه‌های احتمالی دیگر است یا حداقل در کنار سایر تمهیدات می‌تواند فوق‌العاده مؤثر باشد؛ زیرا آبخیزداری مأموریتی است که در متن زندگی مردم و حوزه‌نشینان روستایی جا داشته و در حل مشکلات ناشی از کم‌آبی، خشکسالی، سیل‌خیزی و رسوب‌زایی در عرصه‌های منابع طبیعی تأثیر فوق‌العاده‌ای داشته است؛ به‌گونه‌ای که ارزیابی اثرات اقدامات انجام شده نشان داده است هر کجا که این عملیات به صورت کامل انجام شده است، منجر به بهبود زندگی مردم شده و سیل هجوم مشتاقان اجرای پروژه آبخیزداری هر روز بیشتر می‌شود و همین امر باعث شده که مردم و مسئولان دریابند که آبخیزداری ضرورت اجتناب‌ناپذیر فرآیند توسعه استان پهناور و چند اقلیم کرمان می‌باشد. فعالیت‌های آبخیزداری سریع‌الاجرا، زود بازده، دارای قابلیت اجرایی در همه عرصه‌های یک سرزمین و متناسب با نیازهای مردم دارای قابلیت اعطاف می‌باشند.

سیمای حوزه‌های آبخیز شمال استان کرمان

استان کرمان با مساحت ۱۸،۲ میلیون هکتار (۱۱،۵ درصد مساحت کل کشور)، استانی است که در حاشیه کویر مرکزی ایران قرار گرفته، به طوری که از شمال با استان‌های خراسان جنوبی و یزد، از جنوب با استان

هرمزگان، از شرق با استان سیستان و بلوچستان و از غرب با استان فارس مرز مشترک دارد. لازم به ذکر است از سال ۱۳۸۷ عملاً حیطه وظایف منابع طبیعی شهرستان‌های جنوب استان از کرمان تفکیک و تحت عنوان اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری جنوب استان شروع به فعالیت مستقل نموده است.

به این ترتیب، سطح حوزه فعالیت اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری شمال استان، ۱۰۶ میلیون هکتار است که شامل حوزه‌های پنج‌گانه ابرقو، کل مهران، جازمورین، لوت و ساغند می‌باشد (شکل شماره (۱)). همجواری با کویر لوت و زنگی احمد و کمبود بارش، باعث گردیده است؛ که در بخش اعظم شمال استان، اقلیم خشک و نیمه خشک حاکم باشد؛ به طوری که بر اثر خشکسالی‌های دو دهه اخیر و تغییر اقلیم، متوسط استان از ۱۴۵ میلی‌متر به ۱۲۹ میلی‌متر کاهش یافته است. از طرفی با توجه به وسعت و متوسط بارندگی، حجم بارش سالانه درحوزه‌های شمال استان ۱۸،۲۴ میلیارد مترمکعب می‌باشد که با لحاظ نمودن میزان تبخیر و نفوذ آب به آبخوان‌ها، میزان رواناب تولیدی ۳،۶ میلیارد مترمکعب برآورد می‌گردد. لازم به ذکر است در شرایط فعلی، مدیریت این میزان رواناب با اجرای عملیات آبخیزداری و آبخوان‌داری، نقش مؤثری در کاهش اثرات خشکسالی، تغذیه آبخوان‌ها، کاهش خسارات سیل و فرسایش و رسوب دارا می‌باشد.

بر اساس بررسی‌های کارشناسی و محاسبات انجام شده در تعدادی از حوزه‌های آبخیز شمال استان که به طور نمونه انتخاب شده‌اند (شکل شماره (۲))، فرسایش آبی حدود ۱۷ تن در هکتار در سال برآورد شده است که این میزان فرسایش در سطح حوزه‌ها، سالانه معادل ۲۴۰ میلیون مترمکعب می‌شود. همچنین حجم رسوب سالانه در سطح حوزه‌ها با احتساب رسوب تولیدی ۵،۷ تن در هکتار، معادل ۸۰ میلیون تن می‌باشد (شکل شماره (۴)). چنین بر اساس آمار و اطلاعات موجود علیرغم پایین بودن متوسط بارندگی استان، متأسفانه طی سال‌های گذشته به دلیل خشکسالی‌های متعدد، تخریب پوشش گیاهی و خاک، کاهش میزان نفوذ و عدم پراکنش مناسب بارندگی از لحاظ زمانی و مکانی شاهد افزایش خسارات سیل در استان می‌باشیم به طوری که حجم رواناب تولیدی و در نتیجه سیلاب‌ها افزایش و طی ۶۰ سال گذشته بالغ بر ۶۰۰ مورد سیل در استان کرمان گزارش شده است. این استان از نظر تعداد و خسارت ناشی از سیل مقام سوم را در کشور به خود اختصاص داده است. شکل شماره (۳).

بر اساس

بررسی‌های

کارشناسی و

محاسبات انجام

شده در تعدادی

از حوزه‌های

آبخیز شمال

استان که به طور

نمونه انتخاب

شده‌اند فرسایش

آبی حدود ۱۷

تن در هکتار در

سال برآورد شده

است که این

میزان فرسایش

در سطح

حوزه‌ها، سالانه

معادل ۲۴۰

میلیون مترمکعب

می‌شود.

همچنین حجم

رسوب سالانه در

سطح حوزه‌ها با

احتساب رسوب

تولیدی ۵،۷ تن

در هکتار، معادل

۸۰ میلیون تن

می‌باشد.

تاریخچه آبخیزداری در استان کرمان

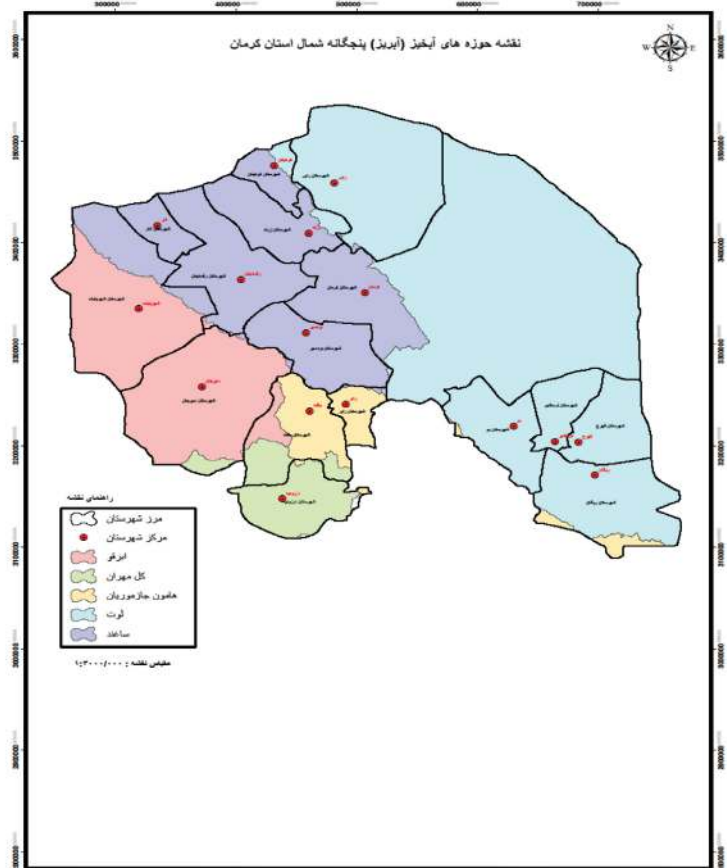
سال ۱۳۵۲ - گزارش مختصری تحت عنوان شناسایی حوزه آبخیز سد جیرفت،
سال ۱۳۵۴ - تشکیل مرکز آبخیزداری هلیل رود در بافت و شروع عملیات آبخیزداری،
سال ۱۳۶۸ - شروع برنامه اول و تصویب پروژه استانی حفظ و احیاء اراضی زراعی، فعال‌تر شدن نسبی عملیات آبخیزداری در شهرستان‌های بافت، اجرای چند مورد پروژه آبخیزداری در سطح استان در شهرهای راین، راور، زرنند، ماهان، بم،
سال ۱۳۷۰ - تشکیل معاونت آبخیزداری در وزارت جهاد سازندگی و شکل‌گیری مدیریت آبخیزداری استان و ادارات آبخیزداری شهرستان‌ها و گسترش عملیات آبخیزداری در تمامی شهرستان‌های استان و توسعه فرآیندهای آبخیزداری در کشور،
به تبع این سیر تحول، در سال ۱۳۸۳ اداره کل منابع و آبخیزداری جنوب استان مستقل و به دنبال آن فعالیت‌های آبخیزداری در قالب مدیریت آبخیزداری

جنوب استان از اداره کل استان منفک گردید و در نیمه دوم سال ۱۳۸۵ مدیریت آبخیزداری استان به اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری شمال استان منتقل و پروژه‌های نیمه تمام در سازمان جهاد کشاورزی استان تا آخر سال به آن سازمان مربوط می‌شود و در سال ۱۳۸۶ فعالیت‌های معاونت آبخیزداری شمال استان تاکنون ادامه دارد.

چالش‌های حوزه‌های آبخیز شمال استان

- * حاکمیت اقلیم خشک و بیابانی در بسیاری از حوزه‌های آبخیز شمال استان،
- * وقوع خشکسالی‌های پی در پی طی دو دهه اخیر،
- * سیل‌خیزی بالا و داشتن رتبه سوم از لحاظ وقوع سیلاب و خسارات ناشی از آن،
- * کم آبی و افت سطوح منابع آب زیرزمینی و وابسته بودن بخش اعظم امور زندگی مردم به آب‌های زیرزمینی،
- * کاهش کیفیت منابع آب زیرزمینی و شور شدن خاک در اکثر دشت‌های شمال استان،
- * تهدید مخازن سدهای مخزنی و تأسیسات آبیاری به دلیل رسوب‌خیزی زیاد حوزه‌های آبخیز،
- * ورود حجم قابل توجهی از آب‌های سطحی و زیر قشری با کیفیت مطلوب به درون چاله‌های کویری،
- * افزایش بی‌رویه مهاجرت به شهرها و رها شدن روستاها که قطب تولید و درآمدزایی می‌باشند،
- * پائین بودن میزان نزولات آسمانی و عدم پراکنش مناسب آن‌ها از لحاظ زمانی و مکانی،
- * فشار چرای دام به میزان بیش از ظرفیت مراتع موجود در عرصه‌های آبخیز که پیامدهای آن عبارتند از فرسایش شدید خاک، کم شدن ضخامت خاک نفوذپذیر مغزی و حاصلخیزی خاک،
- * عدم آگاهی و فقر و محرومیت روزافزون ساکنان حوزه‌های آبخیز که سبب هجوم بیشتر در استفاده ناصحیح از منابع طبیعی می‌شود.

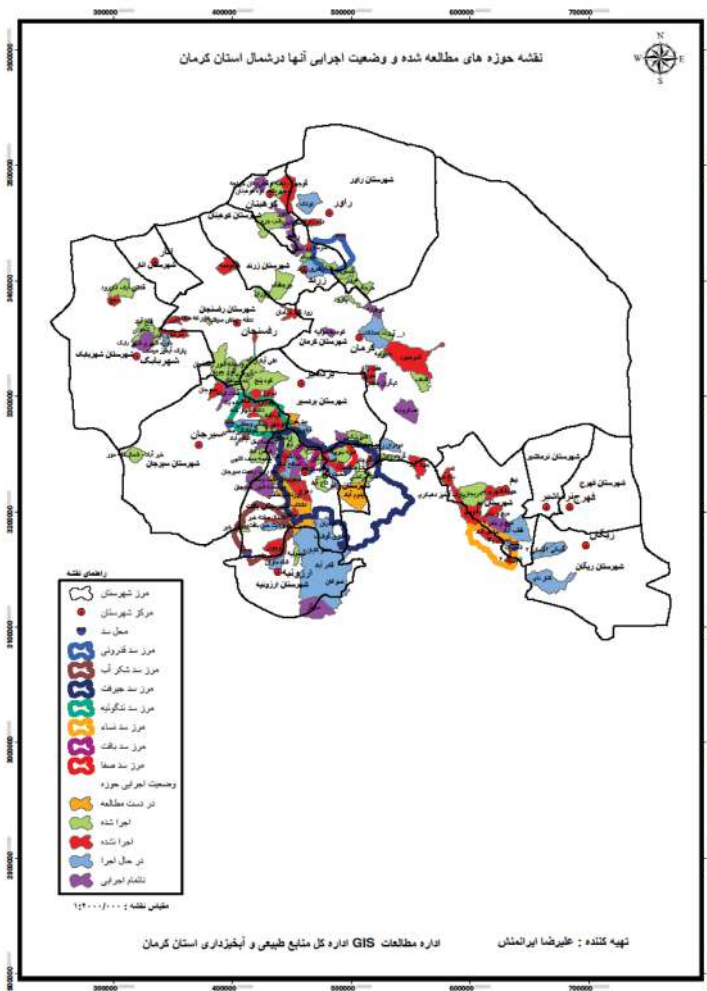
- ویژگی‌های طرح‌های آبخیزداری و آبخوان‌داری در شمال استان
- * یکی از برنامه‌های راهبردی وزارت جهاد کشاورزی در اقتصاد مقاومتی،
- * چند منظوره بودن (حفظ آب و خاک) و کمک به پایداری توسعه کشاورزی،
- * منطبق بر نیازهای بهره‌برداران در حوزه‌های آبخیز،



شکل شماره (۱)- نقشه حوزه های آبخیز(آبریز) پنجگانه شمال استان کرمان

اثر بخشی عملیات آبخیزداری

- پیشگیری و کاهش خطرات ناشی از سیل،
- پیشگیری و تعدیل اثرات خشکسالی و افزایش میزان آبدهی چشمه‌ها و قنات،
- جلوگیری از فرسایش خاک حاصلخیز کشاورزی،
- جلوگیری از حمل رسوبات به مخازن سدها و مناطق پایین دست،
- حفظ و افزایش ارزش تفرجگاهی طبیعت،
- ایجاد، بهبود و تثبیت شغل،
- استحصال جریانات زیر قشری ورودی به کویر و جلوگیری از شور شدن آن‌ها،
- تغذیه سفره‌های آب زیرزمینی، تقویت و افزایش سطح آبخوان‌ها،
- توسعه و احیاء پوشش گیاهی،
- کنترل هز آب‌ها.



شکل شماره (۲) - نقشه حوزه‌های مطالعه‌شده و وضعیت اجرایی آن‌ها در شمال استان کرمان

* بهبود معیشت روستائیان و تحقق اهداف ارتقاء درآمد و ایجاد اشتغال در زمانی کوتاه،

* اقبال بالا از سوی مردم و درخواست‌های مسئولین کشوری و استانی،

* تنوع اقدامات آبخیزداری (مکانیکی، بیومکانیکی، بیولوژیکی و مدیریتی) و عدم نیاز به تکنولوژی پیچیده،

* پراکندگی اجرائی مناسب در سطح کشور و رعایت عدالت در توزیع ثروت ملی،

* امکان اجراء در مناطق دور افتاده و صعب العبور،

* دارای نسبت فایده به هزینه به طور متوسط ۴,۷ (چهار و هفت دهم برابر)،

* ارزانتر بودن نسبت به سایر روش‌های ذخیره آب.

نتایج برخی از ارزیابی‌ها در سطح ملی

* در حوزه باب گهر زرنند کرمان، با انجام عملیات آبخیزداری همراه با احداث بندهای خاکی، دبی متوسط ۳۲ رشته قنات و چشمه از ۳,۸۵ لیتر بر ثانیه به ۷,۲ لیتر بر ثانیه (حدود ۲ برابر) رسیده است.

* در حوزه پنج کوه کرمان پس از اجرای عملیات آبخیزداری با احداث ۹۷ بند خاکی و ۷۰۰۰ مترمکعب بند سنگی ملاتی دبی قنات‌ها و چشمه‌ها بین ۱,۵ تا ۳ برابر افزایش یافته است. در ۱۳ قنات اندازه‌گیری شده، دبی متوسط پیش از عملیات آبخیزداری ۱۲ و پس از آن ۲۰ لیتر بر ثانیه بوده است.

* در حوزه راویز رفسنجان، متوسط آبدهی ۲۳ قنات قبل از اجرای عملیات آبخیزداری ۸,۹ لیتر بر ثانیه بوده و پس از آن، ۱۹,۲ لیتر بر ثانیه شده است.

برنامه راهبردی آبخیزداری و حفاظت خاک

از نظر طبیعی استان کرمان به یک کلان حوزه، تعداد ۲ حوزه آبخیز اصلی و تعداد ۵ حوزه آبخیز فرعی تقسیم شده است. از مجموع ۱۴,۴۴۸,۶۱۷ هکتار مساحت استان، حدود ۱۰,۷۰۰,۰۰۰ هکتار آن مربوط به مناطق کوهستانی و شیب‌دار و حدود ۳,۰۰۰,۰۰۰ هکتار آن مربوط به مناطق کم شیب و دشت‌ها می‌باشد. حدود ۱,۹۳۳,۲۳۰ هکتار از مساحت استان معادل ۱۱ درصد از عرصه‌های حوزه‌های آبخیز سیل‌خیز است. این عرصه‌ها در تولید هز آب‌های سطحی نقش سریع داشته به طوری که سالیانه بیش از ۳,۶ میلیون متر مکعب هز آب مستقیم و سریع تولید می‌نماید که در تشدید فرسایش و ایجاد سیلاب‌های مخرب مؤثر می‌باشد. میزان فرسایش خاک در استان برابر آمار موجود ۲۴۰ میلیون تن در سال معادل ۱۷ تن در هکتار می‌باشد.

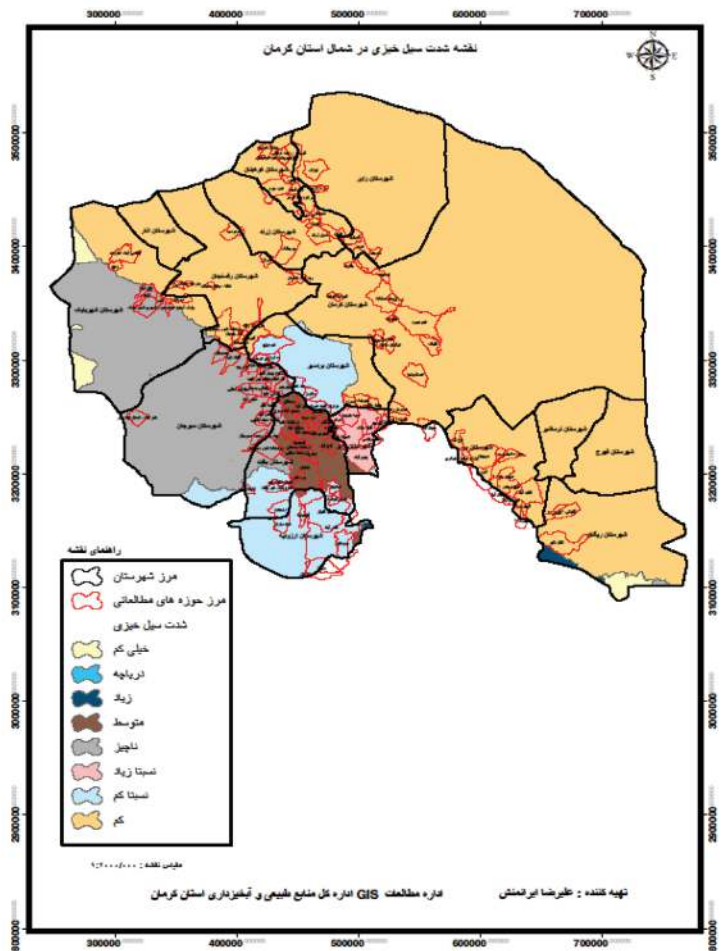


پیشنهادها و راهکارها

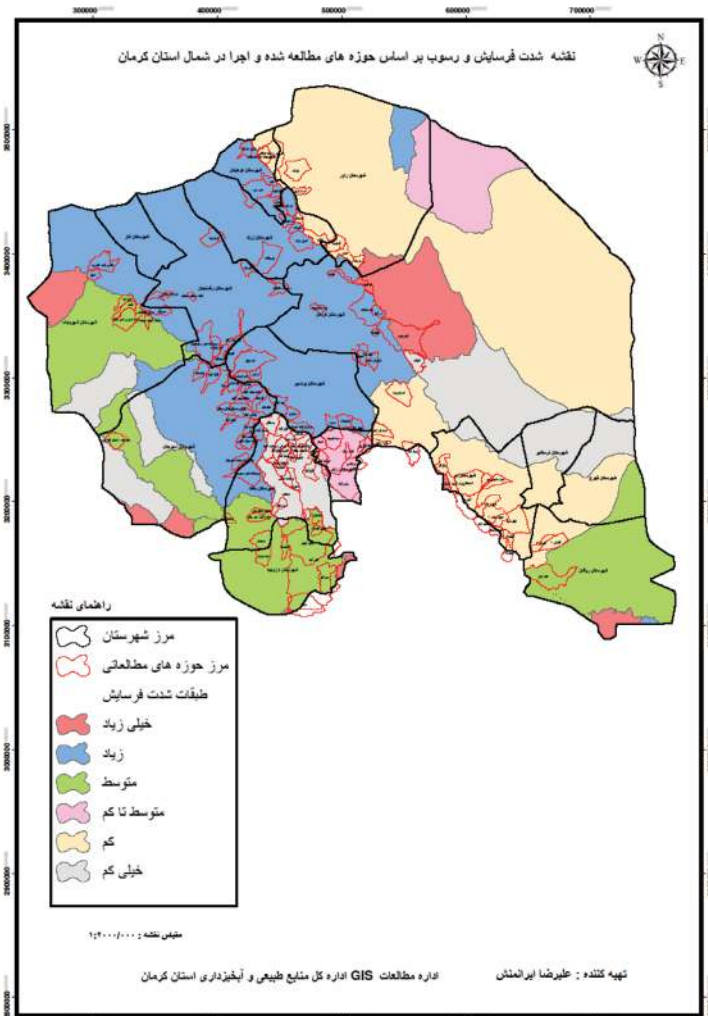
با توجه به این که حوزه‌های آبخیز، واحدهای کاری توسعه پایدار یک سرزمین می‌باشند، بنابراین رویکرد آینده آبخیزداری بایستی توجه جدی و برنامه‌ریزی شده جهت اعمال مدیریت جامع بر این حوزه‌ها باشد. با اعمال مدیریت جامع، همه واحدهای تأثیرگذار در حوزه تحت یک برنامه هماهنگ و واحد با توجه به اولویت‌های تعیین شده، فعالیت‌های اجرائی و حفاظتی یا حمایتی لازم را اجرا می‌نمایند که نتیجه این اقدامات هماهنگ، توسعه همه جانبه و پایدار حوزه آبخیز خواهد بود. اگرچه مدیریت جامع حوزه‌های آبخیز به صورت پایلوت در سطح استان‌ها شروع گردیده، اما بایستی در سطح کلان و ملی مورد توجه جدی مسئولان کشور قرار گیرد.

به هر حال تا تحقق کامل مدیریت جامع در سطح حوزه‌های آبخیز موارد ذیل به منظور اجرای گسترده عملیات آبخیزداری پیشنهاد می‌گردد:

* در نظر گرفتن اعتبار ویژه‌ای همانند سال ۱۳۹۷ که از محل صندوق توسعه ملی به اجرای عملیات آبخیزداری و آبخوانداری به سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور برای اجرای عملیات آبخیزداری در سطح حوزه‌ها در جهت کوتاه نمودن مدت زمان اجرای پروژه‌ها و بالا بردن اثربخشی آن‌ها با توجه به



شکل شماره (۳) - نقشه شدت سیل‌خیزی در شمال استان کرمان



کمبود و بحران در بخش آب اختصاص یافت. در ضمن فعالیت‌های آبخیزداری در کوتاه مدت و دراز مدت با تقویت منابع آبخیز و احیا و اصلاح این منابع به نحو قابل توجهی تولید را افزایش داده و اقتصاد منطقه را شکوفا می‌نماید.

- * افزایش اعتبارات و تسهیلات آبخیزداری از طریق اختصاص برخی از اعتبارات بخش آب،
- * حمایت از تدوین اقدامات ملی آبخیزداری کشور،
- * بازنگری در قوانین آبخیزداری و منابع طبیعی،
- * تشکیل شورای عالی منابع طبیعی و آبخیزداری،
- * ارتقای سطح آگاهی مردم و بهره‌برداران و آبخیزنشینان،
- * اختصاص سهمیه استخدامی به سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری به منظور جذب کارشناسان با تخصص آبخیزداری در شهرستان‌ها. ♦♦

شکل شماره (۴)-نقشه شدت فرسایش و رسوب براساس حوزه‌های مطالعه‌شده و اجرا در شمال استان کرمان



گفت‌وگو با دکتر «منوچهر علی‌نژاد» عضو هیئت‌علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد

رویکرد جامعه‌شناختی در مناسبات اقتصادی و توسعه ایران

دکتر منوچهر علی‌نژاد عضو هیئت‌علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد در گفت‌وگو با ما می‌گوید طیفی از چالش‌های مبنایی چون فقر، نابرابری، رکود تورمی، بی‌ثباتی، ریسک بالای فعالیت‌های اقتصادی، کاهش قدرت خرید و بالا رفتن هزینه‌های زیستن و در عین حال عدم آینده‌نگری و وجود چشم‌انداز روشن مهم‌ترین چالش‌هایی است که به لحاظ اقتصادی جامعه ایران با آن روبه‌روست. نگرانی عمده در ماهیت چالش‌های اقتصادی و هم‌تأثیری این چالش‌ها با سایر چالش‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است.

او معتقد است که اصول اخلاقی می‌توانند نقش تسهیل‌گر و بسترساز برای ظهور یک الگوی توسعه‌گردد و یا می‌تواند از طریق شمولیت و احاطه‌کنندگی هم در درون و هم در بیرون الگوهای توسعه اقتصادی حضور داشته و نقش ایفا کنند که مسئله مهم نقش این اصول در تحقق بخشی اهداف توسعه اقتصادی است.

وی همچنین می‌گوید: با میانجی‌گری نهادها و مؤسسات محلی و فرامحلی و با شناسایی ظرفیت‌ها می‌توان زمینه‌ها را برای استقرار هرچه بهتر فناوری فراهم کرد و با میدان دادن به بخش خصوصی موفق و حمایت قاطع از آن، نقش حمایتی را برجسته کرد، موانع اجتماعی را برداشت و تسهیل‌گری را تقویت کرد. غلبه شیئی‌واره، فنی و دستوری و اتخاذ رویکرد تکنوکراتیک در توسعه در ایران باعث شده بسیاری از اقدامات توسعه‌ای طرح‌ها اعم از طرح‌های اقتصادی و غیراقتصادی به اهداف خود نرسند. می‌توان گفت یکی از چالش‌های اجتماعی و فرهنگی طرح‌های اقتصادی غفلت از نقش متغیرهای اجتماعی و نیز غفلت از نقش چسبندگی اجتماعی میان نیروهای تولیدی است. از جمله مواردی که بسیاری از طرح‌های توسعه موفق نمی‌شوند می‌توان از عدم هم‌سویی و انسجام اجتماعی در جهت تحقق آن یاد کرد. الگوهای توسعه در ایران فاقد سنخیت اجتماعی و فرهنگی لازم بوده و از لحاظ شرایط زمینه‌ای ضعیف هستند و لذا به اهداف خود نمی‌رسند و یا دچار وارونگی اثر شده‌اند. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه مطالعه نمایید.



نیستند، اما تأثیرات اقتصادی دارند و چالش‌هایی که اقتصادی هستند و از سایر چالش‌های غیراقتصادی نیز تأثیر می‌پذیرند.

◆ جوامع مختلف در جهان در پی راهکارهایی برای توسعه اقتصادی هستند، به نظر شما اصول اخلاقی لازم در رفتار و برنامه‌های توسعه اقتصادی در سطوح ملی و جهانی چیست؟

قبل از پرداختن به اصول اخلاقی لازم در توسعه اقتصادی اعم از سطوح ملی و یا جهانی، لازم است که به ربط ارزشی و شناختی بین اخلاق و اصول اخلاقی با سایر عرصه‌های علوم انسانی از جمله اقتصاد و توسعه اقتصادی پرداخته شود. در واقع با رویکرد شناختی اخلاق و گزاره‌های اخلاقی، نسبت ما را با دیگران عام در توسعه اقتصادی مشخص می‌کند و در واقع نوعی توافق جمعی مبتنی بر خرد جمعی را در قالب یک الگوی توسعه برای رسیدن به هدفی مطلوب رقم می‌زند؛ اما اخلاق در قالب ربط ارزشی در حکم میانجی بین مجریان توسعه اقتصادی و برنامه‌های توسعه در عمل و اجراء می‌شود و همچون روشی مناسب چگونگی اجراء را نشان می‌دهد نه خود اجراء را. ربط ارزشی باید و نیاید توسعه اقتصادی را از زبان ذی‌نفعان، صداها، ناشنیده، مردم، اصحاب رسانه و در آحاد ملت بیان می‌کنند، اما از طرفی اخلاق و گزاره‌های اخلاقی برای هویت بخشی و انسجام اجتماعی در هر جامعه لازم بوده و به عنوان مرجع رفتارهای جمعی و تنظیم‌کننده آن‌ها عمل می‌کند؛ و همین‌طور با رویکرد نهادی اصول اخلاقی در حکم ترتیبات نهادی در توسعه اقتصادی عمل می‌کنند؛ به عبارتی اصول اخلاقی می‌توانند نقش تسهیل‌گر و بسترساز برای ظهور یک الگوی توسعه گردد و یا می‌تواند از طریق شمولیت و احاطه‌کنندگی هم در درون

◆ به نظر شما مهم‌ترین چالش‌هایی که مردم به لحاظ اقتصادی با آن روبرو هستند چیست؟

پرواضح هست که امروزه تلاش برای رونق اقتصادی، میل به تولید، تجارت و تلاش برای تأمین نیازهای معیشتی و زیستی مردم از دغدغه‌های محوری مردم، نهادها و مسئولان در ایران است؛ اما بر طبق شواهد و واقعیت‌های مشهود، اظهارات اصحاب رسانه و نظرات کارشناسان، ما در حال حاضر با چالش‌های عدیده اقتصادی در کشور روبرو هستیم که متأسفانه باعث شده تا از وضعیت مطلوب توسعه خود دور شویم. ناگفته پیداست که اقتصاد ما با چالش‌هایی روبه‌روست که این چالش‌ها محدود به چند مورد هم نبوده بلکه متعدد و درهم تنیده است. مهم‌ترین چالش‌هایی که جامعه ایران به لحاظ اقتصادی با آن روبرو هستند، شامل طیفی از چالش‌های مبنایی چون فقر، نابرابری، رکود و در عین حال تورم اقتصادی، بی‌ثباتی، ریسک بالای فعالیت‌های اقتصادی، کاهش قدرت خرید و بالا رفتن هزینه‌های زیستن و در عین حال عدم آینده‌نگری و وجود چشم‌انداز روشن در این حوزه است.

البته این چالش‌ها و بهتر است بگوییم ابر چالش‌ها بسته به نوع فعالیت‌های اقتصادی در میان مردم اعم از فعالیت‌های تولیدی و تجاری، مالی و پولی متفاوت بوده و می‌توان گفت که همچون بختکی بر زندگی تمام گروه‌های مردمی سایه انداخته است. از طرفی تنها محدود به یک حوزه خاص اقتصادی و یا گروه خاصی از مردم نیست، بلکه در سایه ضعف و یا انفعال و ناتوانی عملکردی دولت‌ها، مدام گسترش و تشدید می‌شود.

اما نگرانی عمده زمانی است که ما متوجه یک اصل مهم دیگری بشویم؛ آن هم ماهیت چالش‌های اقتصادی و هم تأثیری این چالش‌ها با سایر چالش‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. نگرانی عمده این است که مردم صرفاً با چالش‌های اقتصادی روبه‌رو نیستند بلکه با ابر چالش‌هایی روبه‌رو هستند که می‌تواند اقتصادی و یا غیر اقتصادی باشد. واقعیتی که به قول ماکس وبر به‌عنوان یکی از پیشگامان جامعه‌شناسی کلاسیک و بویژه جامعه‌شناسی اقتصادی، مسائل اقتصادی هم دارای ماهیتی «اقتصادی» است، هم «مربوط به اقتصاد» و هم «مشروط به اقتصاد» می‌باشد. با این برداشت بسیاری از چالش‌ها، اقتصادی هستند، اما تأثیرات غیراقتصادی با خود به همراه داشته و در عین حال از عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز تأثیر پذیرند؛ به عبارت دیگر برخی از چالش‌ها، اقتصادی هستند و چالش‌هایی که اقتصادی

اما نگرانی عمده زمانی است که ما متوجه یک اصل مهم دیگری بشویم؛ آن هم ماهیت چالش‌های اقتصادی و هم تأثیری این چالش‌ها با سایر چالش‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. نگرانی عمده این است که مردم صرفاً با چالش‌های اقتصادی روبه‌رو نیستند بلکه با ابر چالش‌هایی روبه‌رو هستند که می‌تواند اقتصادی و یا غیر اقتصادی باشد.

هم در بیرون الگوهای توسعه اقتصادی حضور داشته و نقش ایفاء کنند.

اما مسئله اصلی در بودن یا نبودن و یا نقش اصول اخلاقی به عنوان ترتیبات نهادی و یا سند بالادستی و یا تنظیم‌کنندگی نیست، بلکه مسئله نقش این اصول در تحقق بخشی اهداف توسعه اقتصادی است. واقعیتی که بعد چند دهه از توسعه در جهان و ایران اسلامی از آن به عنوان «پیوست فرهنگی» نام برده می‌شود. پیوستی که اگر به درستی عمل شود قرار است الگوهای توسعه اقتصادی چه در مرحله تدوین، چه در مرحله اجراء و چه در مرحله بعد از اجراء مورد ارزیابی و داوری قرار گرفته و پیامد سنجی شود.

اصول اخلاقی لازم در رفتار و برنامه‌های توسعه اقتصادی چه در سطح ملی و چه در سطح جهانی می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

- ترکیب رفتار مبتنی بر خودخواهی و دیگرخواهی،
- بی‌طرفی و اعتقاد به رستگاری نوع بشر، همدردی و احساس تعهد،
- توجه به حل مسئله فقر، نابرابری، توزیع بهینه درآمدها، توجه به اصل انصاف، برابری ...
- در نظر گرفتن ملاحظات زیست‌محیطی و منافع اکثریت در جامعه،
- پایبندی و عمل به الگوهای توسعه به مثابه احترام به توافقات جمعی،
- احساس مسئولیت‌پذیری اجتماعی،
- توجه به اصل هماهنگی و ناهماهنگی که شرایطی برای ایجاد همسویی بین منافع تمام گروه‌های غیرهمسو در توسعه اقتصادی حتی محیط‌زیست را فراهم کند،
- اعتقاد به تقدم منافع جمعی و منافع نسل‌های آتی در جهت پایداری توسعه به جای منابع آبی و کوتاه مدت.

◆ در مورد نقش تکنولوژی و فناوری در حل یا ایجاد مشکلات اقتصادی در دنیای امروز چه نقطه نظرانی ارائه می‌فرماید.

فناوری در دنیای امروز در حکم یک مزیت رقابتی و عامل ترقی و پیشرفت کشورها در مقایسه باهم محسوب می‌شود، اما این مزیت رقابتی اگر همسو یا سیاست‌های کلان جامعه نباشد، لزوماً باعث توسعه اقتصادی کشورها قرار نمی‌گیرد تأثیرگذاری چندانی نداشته بیشتر به سمت جهت‌گیری عقلانی- ابزاری به خود می‌گیرند که مهم هست اما در راستای منافع گروه‌های خاص عمل می‌کند. البته با رویکرد شومپیتری در اقتصاد، کارآفرینان در ارتباط

با استفاده از تکنولوژی‌ها و فناوری‌ها از طریق «تخریب خلاقانه» در روش‌ها و ابزارها امکان برون‌رفت از بحران را برای اقتصاد فراهم می‌کنند؛ اما در عین حال تکنولوژی یک ظرفیتی دارد که به تنهایی قادر به حل مشکلات اقتصادی و توسعه نیست. شاید فناوری به تنهایی توان رقابت‌پذیری از طریق تولید محصول با کیفیت ایجاد کند، اما وقتی تکنولوژی با نظام باورها و ارزش‌های یک جامعه همسو باشد بهتر می‌تواند منشأ اثر شود.

یک مسئله محوری در تکنولوژی در کشور ما مسئله تأخر فرهنگی و شکاف بین فناوری و ارزش‌های آن با ارزش‌های جامعه هست که با استفاده بد و نادرست از تکنولوژی همراه می‌شود. لذا مسئله تنها داشتن فناوری یا داشتن فناوری برتر نیست بلکه امروزه فناوری باید در درون یک بسته فرهنگی، اجتماعی و سیاستی عرضه شود تا هم توان رقابتی را بالا ببرد و هم با پذیرش اجتماعی همراه شود و اگر چنین اتفاقی میسر شود حتی فناوری هم رنگ فرهنگی به خود می‌گیرد و تأثیرات مثبت فرهنگی هم به جا می‌گذارد.

اما متأسفانه امروزه به غلبه نگاه فن‌سالارانه باعث شده دولت‌ها سعی کنند به قول لوکاچ و آرنو از طریق هژمونی و سلطه فرهنگی و همچنین صنعت فرهنگی، نگاه ابزاری را جایگزین نگاه انسانی در فناوری کنند.

◆ به اشتراک گذاشتن فناوری در جهان و کشور را چقدر با سمت‌وسوی سخاوتمندی و چقدر با انتظارات منافع اقتصادی ارزیابی می‌کنید؟

به نظر می‌رسد اصل «به اشتراک گذاشتن» دانسته‌ها، داشته‌ها و فناوری‌ها یک اصل مورد توافق در سطح جهانی بوده و از منشورهای انسانی و اخلاقی سازمان ملل می‌تواند باشد و یا هست، اما این اصل اخلاقی و انسانی به ناگزیر مجبور است از فیلتر منافع اقتصادی و ملی رد شده و منشأ کسب درآمد و سود گردد. لذا فناوری‌ها پیش از آنکه به اشتراک گذاشته شوند به فروش گذاشته می‌شوند، اما برای فروش و بازاریابی باید به اشتراک گذاشته شوند. در واقع غلبه با اصل اخلاق در حوزه به اشتراک‌گذاری فناوری‌ها در سطح کشورهای در حال توسعه نیست بلکه به نظر می‌رسد در یک تحلیل خوش‌بینانه به اشتراک‌گذاری فناوری یکی از اهداف فرعی آن است نه هدف اصلی. به عبارتی فرض گفتمانی بنده در این قسمت این است که شاید فناوری و تکنولوژی فی‌نفسه خنثی بوده و ابزاری در جهت خدمت به نوع بشر باشد، اما ضرورت نگاه صرفاً اقتصادی و منافع ملی آن را به

شاید فناوری

و تکنولوژی

فی‌نفسه خنثی

بوده و ابزاری در

جهت خدمت به

نوع بشر باشد، اما

ضرورت نگاه صرفاً

اقتصادی و منافع

ملی آن را به ابزاری

برای کسب درآمد،

ایجاد و تعمیق

وابستگی، تشدید

نابرابری تبدیل

کرده است.

تکنولوژی‌ها و

فناوری‌ها بیش از

آنکه به آیین‌های

فرهنگی کشورها

تبدیل شوند

به آیین‌های

اقتصادی کشورها

تبدیل شده‌اند

تا مجرای برای

کسب سود بیشتر

ورونق اقتصادی

بالاتر و یا افزایش

توان رقابت تبدیل

شوند. البته شاید

گریزی از این هم

نیست.

خروجی‌های ضعیف نتیجه اقدامات توسعه باشد. نتایجی که حتی اغلب دارای پیامد ناخواسته و منفی و آسیبی هم بوده است تا پیامدهای مثبت، مطلوب و غیر آسیبی. شاید حلقه مفقوده چنین وضعیتی ناشی از عدم توجه به مردم، فقدان تفکر تعاونی و وفاق اجتماعی بوده است. حاکمیت تفکر تعاونی در جامعه و همچنین وفاق اجتماعی در بسیاری از مواقع می‌تواند هم به‌طور مستقیم هزینه‌های اقتصادی طرح‌ها را کاهش داده و هم به‌طور غیرمستقیم از طریق تسهیل شرایط، همراهی، همکاری و مشارکت در طرح‌ها به کاهش هزینه‌ها و افزایش سطح اعتماد کمک کنند.

در واقع بر اساس رویکرد سرمایه اجتماعی و نظریه سیمان‌های اجتماعی می‌توان گفت که یکی از چالش‌های اجتماعی و فرهنگی اجرای طرح‌های اقتصادی غفلت از نقش متغیرهای اجتماعی بوده و همچنین غفلت از نقش چسبندگی اجتماعی میان نیروهای تولیدی در مناسبات اقتصادی هست. در واقع مولاتی مانند تعاون و وفاق جامعه در تحقق بخشی اهداف طرح‌های توسعه کاملاً مؤثر است. از جمله عواملی که بسیاری از طرح‌های توسعه موفق نمی‌شود می‌توان به عدم همسویی و انسجام اجتماعی در جهت تحقق آن اشاره کرد.

عدم احساس مسئولیت، انفعال، عدم مشارکت و بی‌تفاوتی متغیرهایی هستند که می‌توانند موجد شرایطی باشند که باعث شود تا بسیاری از طرح‌ها انجام نشده، به تأخیر افتاده و یا تنها به اهداف محدود خود برسند و البته عکس این وضعیت هم با تقویت روح تعاون و همدلی ممکن هست

♦♦ **به نظر شما نیازمندی‌های مؤسسات در ایران چقدر همسو با نیازمندی‌های جامعه است. تحقق این امر مهم در اندازه لازم برای وصول به رفاه اجتماعی را در چه اقدامات عملی می‌دانید؟**

البته مفهوم مؤسسات به تنهایی مبهم و کلی هست. مؤسسات می‌توانند اقتصادی باشند، فرهنگی باشند و یا هر نوع موسسه دیگر باشند که بسته به پسوند خود می‌توانند حایز اهمیت باشند. در یک برداشت کلی فرض بر این هست که مؤسسات دارای بار ارزشی بوده و به نوعی میانجی بین مردم، دولت‌ها و انواع فعالیت‌های مشترک بین آن‌ها عمل می‌کنند.

اما اگر مؤسسات را از نوع اقتصادی آن در نظر بگیریم مانند بنیادهای اقتصادی و مؤسسات مالی، مؤسسات خصوصی قضیه تا حدودی پیچیده شده و بسته به بار حاکمیتی، ارزشی و یا عقلانی و نهادی مؤسسات انتظارات متفاوتی از

ابزاری برای کسب درآمد، ایجاد و تعمیق وابستگی، تشدید نابرابری تبدیل کرده است.

تکنولوژی‌ها و فناوری‌ها بیش از آنکه به آینه‌های فرهنگی کشورها تبدیل شوند به آینه‌های اقتصادی کشورها تبدیل شده‌اند تا مجرای برای کسب سود بیشتر و رونق اقتصادی بالاتر و یا افزایش توان رقابت تبدیل شوند. البته شاید گریزی از این هم نیست.

♦♦ **برای پیشرفت متوازن جامعه در حوزه فناوری و جلوگیری از روند نامتوازن آن از نظر جامعه‌شناسی بنا به نقش مؤسسات محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی چه پیشنهاداتی دارید؟**

رشد متوازن و یا نامتوازن در حوزه فناوری می‌تواند با سیاست‌های کلان دولت در قالب توسعه موزون و یا ناموزون همراه باشد. سیاست‌گذاری‌های دولت‌ها و چشم‌اندازی دولت‌ها برای فناوری بخشی از سیاست و رهبرد کلان آن‌هاست. به نوعی می‌توان گفت که همه کشورها بی‌وقفه در حوزه فناوری دارند تلاش می‌کنند و شاید از رهگذر این تلاش بی‌وقفه گاهی خواسته و یا حتی ناخواسته به سمت عدم توازن در فناوری کشیده می‌شوند. چیزی که می‌تواند تبعاتی به همراه داشته باشد، اما از طرف دیگر بر حسب درک ما از توسعه موزون فناوری، شاید توجه همزمان به مسائل اجتماعی و فرهنگی و زیست‌محیطی توسعه در کنار توجه به فناوری نوعی توسعه موزون باشد و گاهی توسعه موزون فناوری به معنای ایجاد همسویی بین انواع فناوری‌ها به لحاظ فنی و تخصصی است.

لذا پیشنهاد می‌شود که با میانجی‌گری نهادها و مؤسسات محلی و فرامحلی و با شناسایی ظرفیت‌ها، زمینه‌ها را برای استقرار هر چه بهتر فناوری فراهم کرد، با برون‌سپاری و میدان دادن به بخش خصوصی موفق و حمایت قاطع از آن‌ها نقش حمایتی را برجسته کرد. موانع اجتماعی متعدد را حذف و تسهیل‌گری احتمالی را تقویت کرد.

♦♦ **جناب عالی تعاون و وفاق جامعه در طرح‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

به نظر می‌رسد، غلبه نگاه شئی‌واره، فنی و دستوری و همچنین اتخاذ رویکرد تکنوکراتیک در توسعه در ایران باعث شده تا بسیاری از اقدامات توسعه‌ای و طرح‌ها اعم از اقتصادی و غیراقتصادی به اهداف خود نرسند. غفلت از ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی و عدم توجه به پیامد اقدامات توسعه‌ای باعث شده هزینه‌های بسیار گزاف با

از یک موسسه
اقتصادی انتظار
می‌روند تنها
شفاف عمل کرده
بلکه اهداف
خودش را همسویا
اهداف و نیازهای
جامعه و مردم
تعریف کند. در
حالی که در ایران
به نظر می‌رسد
مؤسسات از این
حیث ضعیف،
غیرشفاف و تا
حدود زیادی
تقابلی عمل کردند.
در واقع مؤسسات
بانگاه صرفاً
انتفاعی و سرمایه
سالارانه به جای
هدایت سرمایه
به سمت تولید و
رونق اقتصادی، به
تجارت‌پیشگی،
نگاه رانتی،
چرخش سرمایه
برای کسب سود و
تلاش برای انتقال
سرمایه به خارج
در شرایط عدم
اطمینان و بحرانی
گرایش دارند.

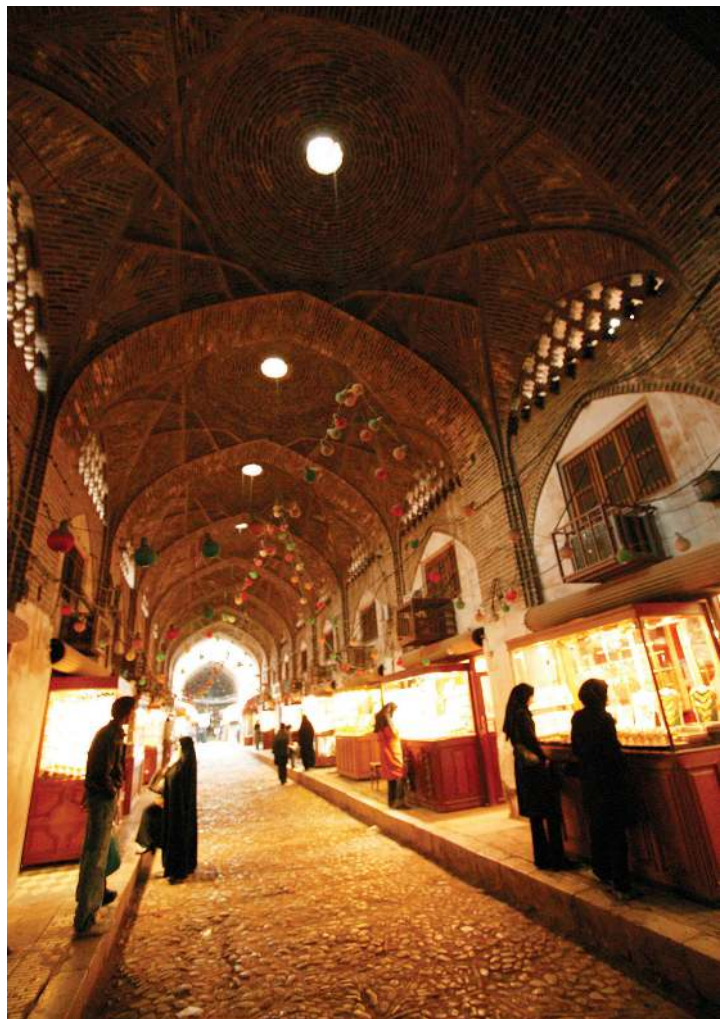
و نیازمندی‌های آن‌ها با نیازمندی‌های جامعه و دولت‌ها در سطحی فراگیر هست؛ زیرا در غیر این صورت غلبه نگاه بخشی و خودمحورانه امکان تحقق اهداف توسعه را غیرممکن و حتی وارونه می‌کند. در این صورت هرکسی سعی خواهد کرد که بهره و حظ خود را مبنا قرار داده و در درون کشتی توسعه برای خود قایق و زورقی بسازد. لذا اگر هر ارگانی به فکر منافع خودش باشد چنین وضعیتی بسیار خطرناک و هشدار دهنده هست. به نظر می‌رسد در ایران امروزه نیز مناسبات بین مؤسسات اقتصادی با جامعه شبیه به چنین وضعیتی بوده و نگران‌کننده است.

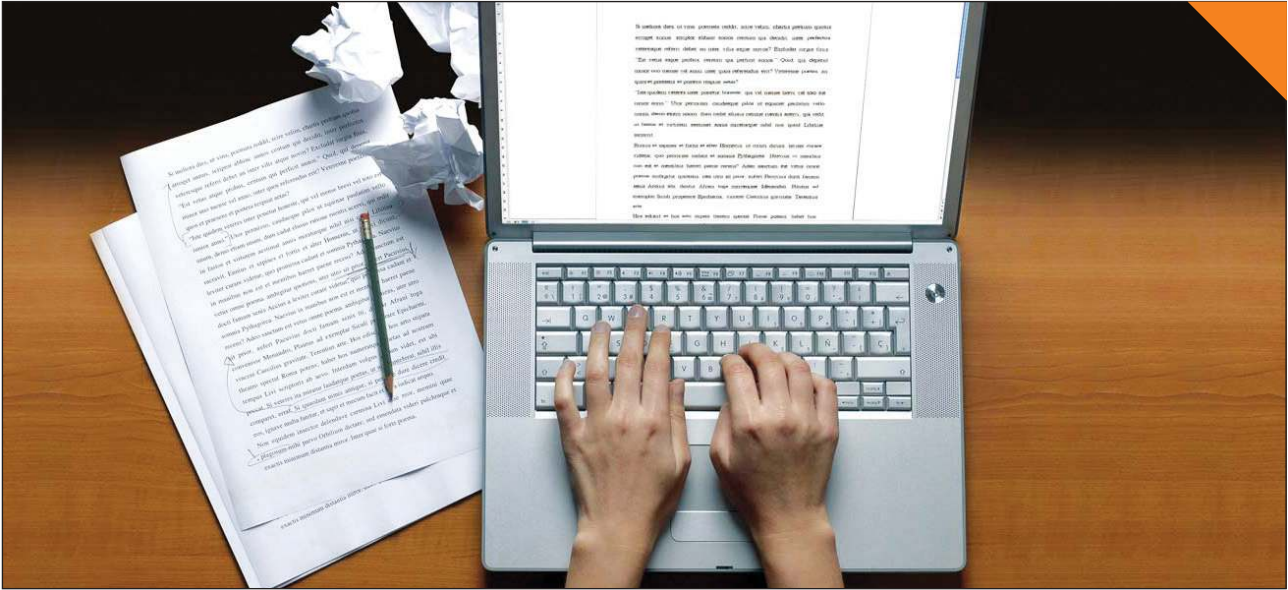
◆◆ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، عنوان فرمایید.

در توضیح تکمیلی چند تا نکته لازم می‌بینم مطرح کنم. یکی اینکه اولاً در یک برداشت کلی و نظری ما با رویکرد جامعه‌شناختی در مناسبات توسعه و اقتصادی، بیش از آنکه توجه خود را صرف چیستی و ماهیت خود فعالیت اقتصادی بکنیم باید متوجه پیوندها، همسویی‌ها، چسبندگی‌های اجتماعی فرهنگی، عوامل زمینه‌ای و بسترسازی بکنیم که مناسبات اقتصادی در بستر آن در حال وقوع و شکل‌گیری است؛ به عبارت دیگر نگاه جامعه‌شناختی نیازمند اتخاذ رویکرد زمینه‌ای و بنیادین است که نقش حک‌کنندگی داشته و دربرگیرنده فعالیت‌های اقتصادی است. دلالت‌های اجتماعی و فرهنگی در حکم پوشش و ارزش عمل کرده و فعالیت‌های اقتصادی را در بر می‌گیرند. دوم اینکه الگوهای توسعه در ایران فاقد سنخیت اجتماعی و فرهنگی لازم بوده و از حیث شرایط زمینه‌ای ضعیف هستند که در نتیجه آن نیز به اهداف خود نمی‌رسند و یا دچار وارونگی اثر شده‌اند؛ یعنی نه تنها خروجی مورد انتظار محقق نشده بلکه آسیب‌هایی را هم به همراه آورده است.

سوم و دست آخر اینکه پیشنهاد می‌شود در الگوهای توسعه بویژه توسعه اقتصادی نباید تنها به معیارهای ظاهری و مبتنی بر رشد توجه شود، بلکه باید به مسئله درهم تنیدگی اجتماعی و فرهنگی در سطح ملی و حتی منطقه‌ای و جهانی نیز توجه شود. باید در سه بعد بسترسازی و تسهیل‌گری جهانی و هویت‌سازی داخلی با رشد اقتصادی کار شود. در حالی که به نظر می‌رسد نگاه غالب ما در توسعه اقتصادی در حال حاضر یک نگاه تقلیل‌گرایانه، تقابلی و حذفی و یا نامحرم‌انگاری مردم بوده و باعث شده توسعه در ایران یا به تضاد و یا فساد منتهی شود. ◆◆

آن‌ها می‌رود. معمولاً از یک موسسه اقتصادی انتظار می‌رود نه تنها شفاف عمل کرده بلکه اهداف خودش را همسو یا اهداف و نیازهای جامعه و مردم تعریف کند. در حالی که در ایران به نظر می‌رسد مؤسسات از این حیث ضعیف، غیرشفاف و تا حدود زیادی تقابلی عمل کردند. در واقع مؤسسات با نگاه صرفاً انتفاعی و سرمایه سالارانه به جای هدایت سرمایه به سمت تولید و رونق اقتصادی، به تجارت پیشگی، نگاه رانتی، چرخش سرمایه برای کسب سود و تلاش برای انتقال سرمایه به خارج در شرایط عدم اطمینان و بحرانی‌گریز دارند. در اصل یک چالش عمده در بین مردم به عنوان آحاد جامعه، دولت و مؤسسات اقتصادی وجود دارد که با حلقه‌های مفقوده از هم جدا شده‌اند و این می‌تواند یک هشدار و یک نگرانی عمده تلقی شود. یکی از مسائل محوری در مطالعات توسعه، تلاش برای ایجاد همسویی بین مؤسسات اقتصادی و حتی فرهنگی





استعماری از نوع ISI



♦ دکتر علیرضا قاسمی

دکترای مهندسی معدن و پژوهشگر حوزه فرآوری مواد معدنی

روش نواستعماری سبب می‌شود که کشورهای ضعیف با وجود استقلال سیاسی حقیقی یا ظاهری، همچنان در مراحل اولیه‌ی رشد اقتصادی در جا بزنند یا حتی عقب بروند و در مقابل، کشورهای پیشرفته از بهره‌برداری منابع آن‌ها و از راه دادوستد اقتصادی سودهای کلان به دست آورند.

با شروع انقلاب اسلامی در سال ۵۷ که دست آمریکا و انگلیس از کشورمان و منابع نفتی و معدنی کشور کوتاه شد، عملاً بساط استعمار مستقیم آنان از کشورمان برداشته شد، اما استعمار آنان به شیوه‌های دیگری در کشور ادامه پیدا کرد. یکی از روش‌های استعمار این

استعمار به معنای نفوذ و دخالت کشورهای زورگو در کشورهای ضعیف به بهانه آبادی و سازندگی است، اما در واقع استعمار در جستجوی بهره‌کشی و به تاراج بردن دارایی مادی کشورهای دیگر نظیر نفت، نیشکر، قهوه، مس، طلا و ... جهت تأمین مواد خام مورد نیاز است. عقب‌ماندگی اقتصادی یکی از شوم‌ترین و سنگین‌ترین نتایج سلطه استعماری است که مانع پیشرفت صنایع، رشد تکنولوژی و هم‌زمان با آن مانع تقویت فعالیت‌های ملی می‌شود. در گذشته، لشکرکشی نظامی به کشورهای ضعیف یکی از مشخصه‌های بارز استعمار به شمار می‌رفت. این نوع استعمار که می‌توان آن را استعمار کلاسیک یا استعمار مستقیم نامید، پس از جنگ جهانی دوم دچار تغییراتی شد و سیاست‌های جدیدی تحت عنوان استعمار نو بکار گرفته شد. استعمار جدید یا «نواستعماری» برخلاف استعمار مستقیم، از روش‌های نرم و نامحسوس، کشورهای دیگر را تحت سیطره خود قرار می‌دهد.

نوع دیگر جذب ایده که معمولاً از طریق دانشگاهیان جذب می‌شود، ایجاد پایگاه‌هایی جهت انتشار مقالات علمی روز دنیا به زبان انگلیسی است. هدف از ایجاد این پایگاه‌ها، جمع‌آوری علم روز دنیا از همه پژوهشگران مشغول در دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی و اشتراک آنان بین علاقه‌مندان است. در این روش، پژوهشگران از هر کشور و زبانی باید جدیدترین دستاوردهای خود را به زبان انگلیسی ترجمه و در اختیار این مؤسسات قرار دهند تا پس از داوری در مجلات آنان منتشر شود، اما در حقیقت، چاپ مقالات یکی از راه‌های درآمد این مؤسسات است؛ چراکه علوم جدید را به رایگان از پژوهشگران دریافت و به علاقه‌مندان به فروش می‌رسانند. در این بین تنها چیزی که نصیب محقق می‌شود، درج نام وی به‌عنوان نویسنده آن مقاله است. این روند در ظاهر نباید تأثیری در روند تولید علم و پژوهش و ارتباط دانشگاه و صنعت در ایران داشته باشد، اما این موضوع زمانی به یک معضل تبدیل می‌شود که انتشار مقالات ISI به مبنای رتبه‌بندی دانشگاه‌ها، ارتقای رتبه علمی اساتید دانشگاه‌ها و حتی مبنای اعطای مدرک دکتری در کشور می‌شود. این قانون که به صورت عمدی یا سهوی در سیستم آموزش عالی دانشگاه‌های کشور قرار گرفته، سبب شده است که اساتید و دانشجویان، وقت و سرمایه‌های دانشگاه را جهت انتشار مقالات بین‌المللی بسیج کنند و فرصتی برای رفع نیازهای کشور پیدا نکنند.

یکی از تفاوت‌های بارز دانشگاه‌های معتبر داخلی و دانشگاه‌های معتبر خارج از کشور، روش‌های تأمین بودجه‌های جاری آنان است. در دانشگاه‌های خارج از کشور، عمدتاً بودجه دانشگاه‌ها را صنایع و موضوع پایان‌نامه‌ها را نیز همان صنایع، بسته به نیاز خودشان تعریف می‌کنند؛ در حالی که در کشور ما، وزارت علوم تحقیقات و فناوری تعیین‌کننده روسای دانشگاه‌ها و توزیع‌کننده بودجه دولتی بین آنان است. بودجه‌ای که از سرمایه‌های ملی تأمین شده و بخش قابل توجهی از آن برای تولید علم به زبان انگلیسی برای مجامع بین‌المللی مصرف می‌شود. مجامعی که فقط برای ارسال مقالات از ایرانیان در دسترس است، ولی ایرانیان برای دریافت پژوهش‌های سایر دانشمندان دنیا باید از روش‌های دور زدن تحریم‌ها استفاده کنند. در حقیقت دانشگاه دچار وپروسی است که سبب هدر رفتن سرمایه‌های ملی، جهت خدمت به کشورهای پیشرفته می‌شود.



کشورها، پروژه جذب دانش‌آموختگان و بویژه شکار مغزها به شکل‌های گوناگون بوده است. نخبگان، سرمایه‌های انسانی بسیار ارزشمندی هستند که محور توسعه و ثروت ملی محسوب می‌شوند که اگر دیده شوند، پشتوانه عظیم فکری و اجرایی هر کشور خواهند بود.

در گذشته نه چندان دور، کشورهای توسعه‌یافته، با فراهم کردن زمینه‌های زندگی آرام و مرفه و پرداخت هزینه‌های زندگی نخبگان در کشور مقصد و از سوی دیگر، تلقین حس ناامیدی و یأس در کشور مبدأ به کمک نفوذی‌های خود که خواسته یا ناخواسته مهره استعمارگران شده بودند، پروژه‌های مهاجرت و جذب این افراد را پیاده‌سازی می‌کردند. در سالیان اخیر در کنار این پروژه، انواع پیچیده‌تری از این نوع استعمار پدید آمده که در آن به جای جذب نخبگان، هدف اصلی جذب ایده افراد است. پروژه‌های جذب ایده، برخلاف پروژه جذب نخبه، بدون هزینه بوده و هدف آن درو کردن ایده‌های جدید همه اقدار جامعه (تحصیل‌کرده‌ها و افراد بدون تحصیلات دانشگاهی) است. در این پروژه‌ها که معمولاً به‌صورت مسابقه‌های استارت‌آپی (نوآفرین) در سطح بین‌الملل برگزار می‌شود از همه افراد صاحب ایده درخواست می‌شود که با بیان ایده‌های خود، در این مسابقات شرکت کنند تا اگر جزو چند نفر برتر شدند از امتیازات و جوایز آن جشنواره بهره ببرند. حال آنکه بیش از هزاران ایده‌پرداز در این مسابقات شرکت می‌کنند و تنها تعداد انگشت‌شماری صاحب جایزه می‌شوند و بقیه ایده‌ها به‌صورت رایگان در اختیار برگزارکنندگان قرار می‌گیرد.



این ویروس را می‌توان نوع جدید و بسیار پیچیده‌تری از استعمار دانست که نه نیازی به لشکرکشی دارد، نه نیازی به نفوذ سیاسی، نه نیازی به جذب نخبه‌ها و نه نیازی به برگزاری جشنواره‌های استارت‌آپ! عده‌ای در محلی جمع شده‌اند، از درآمد نفت خودشان هزینه می‌کنند و برای کشورهای پیشرفته علم تولید کرده، به زبان آنان ترجمه و با اشتیاق ژانداوصفی برای آنان ارسال می‌کنند.

در اینجا بدون شک افرادی موضع می‌گیرند که شما مخالف تولید علم هستید و اگر ISI از دانشگاه‌ها حذف شود دیگر چیزی از علم باقی نمی‌ماند. در جواب باید گفت که با تولید مقالات ISI که شاید در بهترین حالت تا ۱۰ الی ۱۵ سال آینده نیز نتواند مسئله‌ای از کشور را حل کرد، چطور می‌توان به آن بها داد و برایش ارزش قائل شد؟ آیا تولید چنین علمی منطقی است؟ به عنوان مثال اگر پژوهشگری بخواهد در زمینه ایمنی خودرو طرحی نوین ارائه دهد، ابتدا باید کلیه ایده‌های مطرح شده و پیاده شده در خودروهای روز دنیا را مطالعه و سپس ایده فراتر از آنچه که هم اکنون وجود دارد را ابداع و به صورت مقاله‌ی ISI منتشر کند. بدیهی است که این ایده جدید فقط برای تقویت بیشتر خودروسازی‌های مطرح دنیا که به روزترین ایده‌ها را در محصولات خود پیاده می‌کنند مفید است. حال آنکه در کشور ما، خودروسازها هنوز عمده تولیداتشان از گیربکس خودکار بهره نگرفته و کیسه‌های هوای به کار گرفته شده در آن فقط دوتااست و به‌طورکلی تجهیزات ایمنی به کار گرفته شده در آن مربوط به دهه‌های گذشته است.

به بیانی روشن‌تر، اگر در خارج از کشور به مقاله ISI بسیار اهمیت می‌دهند و آن را مبنای رشد علمی خود قرار داده‌اند دلیل آنان کاملاً مشخص است. در آن کشورها علوم جدیدشان دقیقاً لبه صنعتشان است و این علوم جدید را در اولین فرصت در صنایع به کار می‌گیرند.

سؤال مهم اینجاست که آیا دانشگاه‌های کشور باید در زمینه تولید علم نوین در سطح دنیا فعالیت کنند یا فکر و انرژی خود را در زمینه فهم علوم به روز دنیا، ترجمه و از همه مهم‌تر، بومی‌سازی و به کارگیری ایده‌های آنان در صنایع و رونق تولید محصولات داخل، متمرکز کنند؟ مطمئناً اگر از دانشگاه انتظار می‌رود که ارتباط مؤثر و پویایی با صنایع کشور داشته باشد، حتماً باید رویه خود را از تولید علم، به کارگیری علوم

روز در صنایع داخلی تغییر دهد. در چنین شرایطی، دانشگاه‌ها باید اولاً هزینه‌های جاری خود را از صنایع دریافت کنند و در ازای آن، تمرکز اصلی خود را بر حل مشکلات این صنایع بنا کنند. از طرفی وزارت علوم، برای تولید مقالات ISI حداقل ارزش ممکن را قائل شده و مبنای ارزش‌گذاری دانشگاه‌ها، اساتید و دانشجویان را به میزان سودرسانی و افزایش بازدهی صنایع کشور بنا نهد. هرچه جز این در دانشگاه‌ها ملاک ارزیابی قرار گیرد، باعث می‌شود صنایع ما همواره به نیروی متخصص خارجی محتاج شده و در شرایط تحریم، عمده فعالیت‌های آنان دچار مشکل می‌شود. ارتباط مؤثر دانشگاه و صنعت، یکی از اصولی است که اگر به درستی در کشور پیاده شود، سبب حذف وابستگی صنایع به خارج، ارزشمندتر شدن جایگاه دانشگاه‌ها و تربیت دانش‌آموختگانی باسواد و اثرگذار و در نهایت سبب رشد اقتصادی کشور می‌شود.

در چنین شرایطی که طبق بخش‌نامه‌های وزارت علوم، ISI حرف اول را در رتبه‌بندی اساتید دارد، استادی که تمرکز و وقت خود را برای حل مشکلات کشور بگذارد، به جرأت می‌توان گفت که «ایثار» کرده است؛ چرا که دلسوزی برای صنایع و عقد قراردادهای تحقیقاتی با آنان، هرچند که درآمد مازادی برای دانشگاه دارد، در وزارت علوم دارای ارزش چندانی نیست! تا جایی که اگر استادی میلیاردها تومان هم برای دانشگاه درآمدزایی کند، اگر تعداد مقالات ISI ایشان پس از مدتی از حد معمول کمتر باشد، به دلیل رکورد علمی از دانشگاه اخطار دریافت می‌کند! این فشارها سبب شده که اساتید حتی در صورتی که صنایع نیز دست

این ویروس را

می‌توان نوع

جدید و بسیار

پیچیده‌تری از

استعمار دانست

که نه نیازی به

لشکرکشی دارد،

نه نیازی به نفوذ

سیاسی، نه

نیازی به جذب

نخبه‌ها و نه

نیازی به برگزاری

جشنواره‌های

استارت‌آپ!

عده‌ای در

محلی جمع

شده‌اند، از درآمد

نفت خودشان

هزینه می‌کنند و

برای کشورهای

پیشرفته علم

تولید کرده، به

زبان آنان ترجمه

و با اشتیاق

ژانداوصفی

برای آنان ارسال

می‌کنند.

دانشگاه، اعلام نیاز از طرف صنایع است. تا زمانی که نیازی از طرف صنایع وجود نداشته باشد، هیچ استاد و دانشگاهی و هیچ کدام از سمینارها و گردهمایی‌ها نمی‌تواند به این کار کمکی کند، اما می‌توان به جرأت گفت که همیشه این نیاز از طرف صنایع وجود داشته است؛ بنابراین به جرأت می‌توان گفت که از منظر صنایع، برقراری چنین ارتباطی خیلی مشکل نیست، اما در بعضی از موارد در میان اساتید و دانشگاهیان این مشکل مطرح می‌شود که چرا صنایع اهمیتی به کار آنان نمی‌دهند؟ اگر از دید یک مدیر صنعتی به این قضیه نگاه شود، جواب این سؤال کاملاً روشن است. برای مدیران آنچه اهمیت دارد افزایش سود و یا کاهش هزینه است. مدیران انتظار دارند که اگر افراد دانشگاهی قرار است کاری انجام دهند، قبل از عقد قرارداد به صورت یک پیشنهادنامه مطرح و میزان بهبود حاصله را تا حد ممکن تخمین بزنند. این نکته دقیقاً همان نقطه‌ای است که اکثر اساتید با آن مشکل دارند، چون بسیاری از اساتید صنعت را یک حامی مالی برای انجام طرح‌های آزمایشگاهی خود در مقیاس صنعتی می‌بینند، درحالی‌که مدیران اغلب، راغب به انجام کارهای پرریسک و امتحان نشده نیستند. بنابراین مشکل اصلی عدم برقراری ارتباط مؤثر بین دانشگاه و صنعت، فرهنگ حاکم بر این دو قطب مهم است. عمده اساتید دانشگاه‌ها به شکل سنتی صرفاً در ساعت مقرر در دانشگاه حاضر شده و به کار تدریس می‌پردازند. روش تدریس آنان و کیفیت

کمک به سوی آنان دراز کنند، هیچ تمایلی نشان ندهند و ترجیح دهند وقت خود و دانشجویانشان را در زمینه‌هایی متمرکز کنند که به تولید مقاله منجر شود؛ بنابراین رغبتی به انجام کارهای صنعتی ندارند. در بسیاری از موارد دیده شده که صنایع بزرگ حاضر به جذب دانشجو از دانشگاه‌ها برای انجام پایان‌نامه‌های خود هستند و حتی انتظار ارائه هیچ نوع بهبودی در صنایع خود از طریق دانشجویان را ندارند ولی باز اساتید، اجازه نمی‌دهند که دانشجویان خود را به سمت این صنایع بفرستند. یکی از دلایل اصلی این عدم موافقت به همین موضوع انتشار مقاله برمی‌گردد. دانشجویی که نخبه است و می‌تواند برای استاد خود چندین مقاله منتشر کند چرا باید در صنعتی کار کند که اگر میلیاردها تومان هم برای آن صنعت افزایش سود داشته باشد، نصف یک مقاله هم برای استاد ارزشی نداشته باشد. تاکنون روش‌های زیادی برای آشتی دادن صنعت و دانشگاه مطرح شده و هر ساله - به‌خصوص در روزهای منتهی به هفته پژوهش - در دانشگاه‌ها گردهمایی‌ها و سمینارهای زیادی به این موضوع پرداخته می‌شود. بدون تردید می‌توان بخش زیادی از آن‌ها را بدون فایده و بی‌اثر دانست. عمده راهکارهایی که در این مراسم‌ها مطرح می‌شود، راهکارهایی خام و غیرکاربردی و تجربه نشده است.

راهکار عملی برون‌رفت از این معضل

اولین گام برقراری یک ارتباط پویا بین صنعت و

اگر استادی

میلیاردها تومان هم برای دانشگاه درآمدزایی کند، اگر تعداد مقالات ISI ایشان پس از مدتی از حد معمول کمتر باشد، به دلیل رکورد علمی از دانشگاه اخطار دریافت می‌کند! این فشارها سبب شده که اساتید حتی در صورتی که صنایع نیز دست کمک به سوی آنان دراز کنند، هیچ تمایلی نشان ندهند و ترجیح دهند وقت خود و دانشجویانشان را در زمینه‌هایی متمرکز کنند که به تولید مقاله منجر شود؛ بنابراین رغبتی به انجام کارهای صنعتی ندارند.





دانشجویان برای انجام فعالیت‌های بیشتر می‌شود. در چنین شرایطی، دانشجو اعتمادی به استاد پیدا نمی‌کند و حاضر نیست که خود را درگیر مسائل دشوار صنعتی کند. به همین دلیل ترجیح می‌دهد رساله و یا پایان‌نامه خود را معطوف به کارهای نظری، شبیه‌سازی، آزمایشگاهی و کارهای بی‌دردسر کند. گاهی نیز دیده می‌شود که دانشجویانی که نقش بسیار زیادی در به انجام رسیدن یک قرارداد صنعتی داشته‌اند، بهره اقتصادی لازم را نمی‌برند؛ در نتیجه، چنین همکاری‌هایی پایدار نبوده و دانشجو از این نوع «ارتباط دانشگاه و صنعت» نه تنها استقبال نکرده بلکه این تجربه تلخ، او را از ادامه کار در سال‌های آتی باز می‌دارد.

به‌طور خلاصه می‌توان به جرأت گفت که قرار گرفتن انتشار مقالات ISI به عنوان اصلی‌ترین معیار ارزیابی دانشجویان و اساتید، سبب غیرمفید شدن فعالیت آنان و در نتیجه به حاشیه رفتن دانشگاه‌ها شده است.

مادامی که همه برای ارتقای شغل و دریافت مدرک خود به مقالات ISI نیاز دارند، هیچ دانشجو و استادی به حل مسائل صنعتی همت نمی‌گمارد.

راه‌حل اصلی برون رفت از این معضل، تنها تغییر رویکرد وزارت علوم و تغییر قوانین دانشگاه‌ها است. استادی باید ارتقا یابد که گره‌ای از مشکلات کشور حل کرده باشد؛ به دانشجویی باید مدرک داد که حاصل کار چندین ساله او به یک محصول کاربردی ختم شود. به امید ایرانی آباد و سرفراز. ♦♦

فعالیت آنان به ضعیف‌ترین شکل ممکن هم که باشد، درآمد ثابت خود از دانشگاه را دریافت می‌کنند؛ بدون آنکه بخواهند تعهدی به صنایع و دانشگاه در قبال انجام پروژه‌های داشته باشند. بیشتر کار بدون چالش را ترجیح می‌دهند؛ در صورتی که در بسیاری از دانشگاه‌های خارج از کشور اگر استادی نتواند پروژه‌ای برای دانشگاه جذب کند، مورد بازخواست قرار می‌گیرد.

از طرفی، دانشگاه به اساتید خود در قبال ارائه مقالات علمی، حتی اگر بی‌فایده‌ترین مقاله باشد ارتقای علمی می‌دهد، در حالی که در بسیاری از دانشگاه‌های خارج از کشور، ملاک ارتقای علمی مدرسان دانشگاه، از استادیار به دانشیاری و از دانشیاری به استادی، انتشار مقاله نیست بلکه میزان شناخته شدن آنان در صنایع و شرکت در کنفرانس‌های علمی داخل کشورشان و حل مشکلات صنایع داخلی آنان است؛ لذا در شرایط فعلی، قوانین دانشگاه‌ها نه تنها باعث ایجاد رغبت در اساتید دانشگاه‌ها برای حضور در صنعت نمی‌شود بلکه تا حدودی آنان را از انجام پروژه‌های صنعتی دور می‌کند.

قطعه دیگر جورچین ارتباط دانشگاه و صنعت، دانشجویان هستند. این ارتباط بدون کمک دانشجویان به هیچ عنوان امکان‌پذیر نیست. دانشجویان دغدغه‌های زیادی در دوران تحصیل خود دارند. عده‌ای به دنبال کسب درآمد و بخش دیگر به دنبال مهاجرت هستند.

آن دسته‌ای که به دنبال مهاجرت هستند، یکی از دلایلشان عدم توجه مناسب اساتید به استعدادها و توانمندی آنان بوده و به دنبال جایی هستند که بتوانند مفید واقع شوند؛ چون داخل کشور را محل مناسبی برای رشد و شکوفایی استعداد خود ندیده‌اند. این افراد شاید در نگاه اول مناسب این کار نباشند ولی با آموزش صحیح و اجرای راهکارهایی مناسب می‌توان آن‌ها را ترغیب به ماندن در ایران کرد. بخش دوم دانشجویان که به دنبال کسب درآمد هستند نیز به خاطر عدم درآمد مناسبی که در این کار نصیب آنان می‌شود، تمایلی به انجام چنین کارهایی ندارند.

اساتید می‌توانند در برآورده کردن نیازهای علمی و مالی دانشجویان نقش مهمی ایفا کنند. استادی که از کیفیت تدریس بالایی برخوردار نیست و اغلب به خاطر عدم آشنایی و آمادگی در انجام کارهای صنعتی دارای پویایی لازم نیست، باعث کاهش انگیزه



آفت‌های رشد و توسعه فیزیکی شهر کرمان



♦ دکتر علی اصغر عبدالمهدی

عضو هیئت‌علمی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید
باهنر کرمان

پیش درآمد

گرایش به شهر و شهرنشینی، پدیده فراگیر شهرهای جهان است. به طوری که پیش‌بینی شده است در ۱۵ سال آینده، جمعیت بسیاری از شهرها در آسیا و آفریقا، تقریباً دو برابر خواهد شد. شهرها همواره تحت تأثیر نیروها و عوامل گوناگونی شکل گرفته و گسترش می‌یابند. این گسترش فیزیکی شهرها فرآیندی مداوم و پویاست که طی آن محدوده‌های فیزیکی شهر و فضاهای کالبدی آن در جهات عمودی و افقی از حیث کمی و کیفی گسترش می‌یابد و اگر این روند سریع و بی‌برنامه ادامه یابد، اثرات زیانباری در محیط بر جای می‌گذارد. بنابراین یکی از ویژگی‌های مهم فرآیند شهرنشینی در جهان، گسترش سریع فیزیکی شهرهای آن است. در اثر تحولات جدید،

شهرها به سرعت تغییر و دگرگونی پذیرفته‌اند. این دگرگونی به شکل افزایش سریع جمعیت و رشد فیزیکی شهرها به صورتی نامتعادل و ناهماهنگ بوده است. در این تحقیق ابتدا جهت بررسی الگوی توسعه فیزیکی شهر کرمان از روش‌های متفاوت کمی استفاده شد و سپس به بررسی آفت‌های رشد و توسعه شهری پرداخته شده است.

تعیین الگوی توسعه فیزیکی شهر کرمان

مهم‌ترین مسئله‌ای که امروزه شهر کرمان با آن مواجه است و در آینده نیز (در صورت عدم اجرای جدی برنامه‌های مشخص) وسعت و شدت بیشتری خواهد یافت، آثار و عوارض ناشی از رشد و توسعه سریع شهر می‌باشد. مطابق آمار و ارقام در حالی که جمعیت شهر کرمان در فاصله سال‌های ۱۲۷۰ تا ۱۳۳۵ شمسی فقط هر ۳۵ تا ۴۰ سال دو برابر شده است، طی ۲۵ سال اخیر بیش از دو برابر افزایش یافته است. توسعه سریع شهر و پایین بودن بیش از اندازه تراکم شهری از مهم‌ترین مسئله‌های توسعه شهر کرمان به شمار می‌رود. در سال‌های اخیر تحرك مختصری در ساخت‌وساز در بافت کهن مشاهده شده است، اما این جریان بسیار کند است و چه بسا که اگر به‌صورت فعال در بازسازی این منطقه کوششی به عمل نیاید، مشکلات آن حل نخواهد شد. شهر کرمان عمدتاً متکی بر تجارت و خدمات منطقه‌ای است. در گذشته نیز نقش و عملکرد کرمان در منطقه به همین صورت بوده است و شاید بتوان گفت این امر دلیل اصلی رشد و توسعه شهر کرمان به شمار می‌رود. لذا ساختار فضایی شهر کرمان نیز در رابطه با ضرورت‌های اقتصادی شهر شکل گرفته است. به این معنا بازار به‌عنوان ستون فقرات اصلی شهر قدیم، هنوز هم نقش مرکز اصلی شهر را به عهده دارد.

سطوح قابل توجهی از شهر، به دلایل مختلف به‌صورت بافت‌های فرسوده و ناسالم در آمده که به نحوی می‌توان آن‌ها را مناطق حاشیه‌نشین شهر به حساب آورد. دلایل عمده پیدایش این‌گونه بافت‌ها را می‌توان مشکلات اقتصادی، فقر، پیامدهای ناشی از مهاجرت از مناطق روستایی و بالأخره نارسایی و ضعف مدیریت در زمینه هدایت و کنترل توسعه شهر دانست. از مشخصات عمده توسعه غیراصولی در شهر کرمان می‌توان به خیابان‌های نامنظم و گسترش پراکنده در اطراف راه‌های ارتباطی و وجود اراضی بایر در سطح شهر اشاره نمود. این گستردگی باعث پایین بودن بیش از اندازه تراکم شهری است. از نمونه‌های گسسته می‌توان در غرب شهر و انتهای بلوار جمهوری اشاره کرد. بخشی از توسعه پراکنده شهر ناشی از اقدام‌هایی تحت عنوان آماده‌سازی زمین صورت گرفته که اغلب به‌صورت ناقص و ناتمام باقی مانده است. از این موارد، مجموعه‌های هوایروز، کوی استانداری و تعدادی

از خانه‌های سازمانی وابسته به سازمان‌های دولتی مختلف را می‌توان نام برد. (زنگی‌آبادی، ۱۳۹۴: ۲۵) در این پژوهش جهت بررسی میزان پراکنش و گسترش شهر کرمان و شناخت الگوی توسعه فیزیکی این شهر از روش‌ها و مدل‌های مختلفی استفاده شده است. ابتدا جهت بررسی الگوی رشد شهر کرمان از مدل آنتروپی شانون استفاده شده است. نتایج حاصل از این تکنیک نشان می‌دهد که الگوی شکل شهر کرمان با توجه به مدل آنتروپی شانون الگوی پراکنش افقی می‌باشد. سپس جهت پاسخ به این سؤال که آیا تعداد، وسعت و نحوه استقرار مناطق شهر کرمان در کنار هم از توزیع یکنواخت و متعادلی برخوردار است یا خیر، از روش میانگین نزدیک‌ترین فاصله همسایگی (RN) و با در نظر گرفتن مختصات X و Y مرکز هندسی مناطق انجام می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که نظام منطقه‌بندی شهر کرمان از الگوی پراکنده پیروی می‌کند و این پراکندگی در مناطق ۲ و ۳ شهر کرمان مشهودتر است. با مشخص شدن الگوی نظام منطقه‌بندی شهر کرمان، لازم است بررسی شود که آیا تراکم‌های بالا و یا پایین جمعیت از خوشه‌بندی بالایی برخوردار است یا پایین؟ یعنی اینکه آیا مناطق دارای تراکم پایین‌تر یا بالاتر جمعیت از خوشه‌بندی بالایی برخوردارند یا پایین؟ به این منظور با استفاده از روش خوشه‌بندی بالا/پایین مشخص شد که تراکم جمعیت در شهر کرمان بر حسب واحد فضایی محلات دارای الگوی خوشه‌بندی بالا می‌باشد. جمعیت در نقاط خاصی از شهر تمرکز دارد و در سطح شهر به‌صورت یکنواخت توزیع نشده است. نتایج حاصل از تحلیل لگه‌های داغ نیز نشان‌دهنده یک لگه سرد گسترده در شهر کرمان است که به شکل باریکه‌هایی از مرکز شهر شروع شده و به سمت شرق و غرب شهر کرمان گسترده و پهن گردیده است. این الگو بیانگر استقرار محلات دارای تمرکز پایین جمعیت در این محدوده می‌باشد. همچنین دو لگه داغ را در شمال و جنوب نشان می‌دهد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که جمعیت در شهر کرمان به‌صورت پراکنده توزیع شده است. از روش‌های عارضه مرکزی، میانگین مرکزی، بیضی انحراف معیار و فاصله استاندارد وزنی بر حسب توزیع جمعیت برای مشخص شدن مرکزیت هندسی استقرار جمعیت، توزیع فضایی پیرامون آن و جهت حرکت پراکندگی جمعیت استفاده شده است. آنچه از نتایج این تحلیل‌ها می‌توان استنتاج کرد، آن است که

مطابق آمار و

ارقام در حالی

که جمعیت شهر

کرمان در فاصله

سال‌های ۱۲۷۰

تا ۱۳۳۵ شمسی

فقط هر ۳۵ تا ۴۰

سال دو برابر شده

است، طی ۲۵

سال اخیر بیش

از دو برابر افزایش

یافته است. توسعه

سریع شهری و

پایین بودن بیش

از اندازه تراکم

شهری از مهم‌ترین

مسئله‌های توسعه

شهر کرمان به

شمار می‌رود. در

سال‌های اخیر

تحرك مختصری

در ساخت‌وساز

در بافت کهن

مشاهده شده

است، اما این

جریان بسیار کند

است و چه بسا که

اگر به‌صورت فعال

در بازسازی این

منطقه کوششی

به عمل نیاید،

مشکلات آن حل

نخواهد شد.

فقیرنشین در اطراف بخش مرکزی قرار گرفته‌اند. همچنین مناطق مسکونی کم‌درآمد و مناطق مسکونی با درآمد بالا به‌صورت قطعی از مرکز به اطراف شهر کشیده شده‌اند و منطقه مسکونی گران‌قیمت از کانون اصلی خود در طول شبکه ارتباطی اصلی شهر توسعه پیدا کرده است. (بلوار جمهوری)

آفت‌های رشد و توسعه فیزیکی شهر کرمان

از زمانی که مبنای گسترش شهرها ماهیتی برون‌زا گرفت، پدیده موتوریزه شدن شهرها و تزییق درآمدهای نفت در اقتصاد شهری، قرارگیری شهرها در نظام اقتصاد جهانی و بورس‌بازی زمین به بی‌استفاده ماندن بخش‌های وسیعی از اراضی داخل شهری و گسترش حومه‌های پیرامونی منجر شده است. به علت ناپیوستگی‌های فضایی سرزمین و تمرکزگرایی همه‌جانبه رشد و گسترش کلانشهری به شیوه‌ای نامتوازن تحقق می‌پذیرد و با درهم ریختگی کالبدی - فضایی و اجتماعی - اقتصادی همراه می‌گردد. به این ترتیب، کلانشهرها فضاهای عمدتاً روستایی پیرامونی را در خود ادغام می‌کنند و زمینه‌ساز دگرپدیی و نابسامانی فضایی می‌شوند و لذا در جایی با رواج حومه‌نشینی و در جای دیگر بیشتر با پدیده اسکان غیررسمی روبرو هستیم. امروزه شهرها با مشکلات فراوانی مانند توسعه بدون برنامه‌ریزی، افزایش سکونت‌گاه‌های غیررسمی، افزایش هزینه زیرساخت‌ها و خدمات شهری، به زیر ساخت و ساز رفتن اراضی کشاورزی، مصرف بیشتر انرژی و آلودگی‌های محیط زیستی مواجه شده‌اند، در دهه‌های اخیر رشد فزاینده شهرها چالش‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی را در پی داشته که پیامد افزایش طبیعی جمعیت از سویی و مهاجرت و جابجایی آن از سوی دیگر است؛ در این میان چگونگی رشد و توسعه کالبدی شهرها ارزش فراوانی دارد. توسعه شهری پراکنده یا به اصطلاح پراکنده‌روی شهری نمودی از توسعه شهری گسسته و در مواردی بسیار بیرون از ضوابط و مقررات شهری و به گونه‌ای خودرو و برنامه‌ریزی نشده می‌باشد که این پدیده سبب دشواری‌ها، پیامدهای منفی و ناپایداری شهری می‌شود. پراکنده‌روی شهری را فرم یا قالبی از گسترش شهری است که تمرکز آن بر تأثیرات منفی است و انتقادات وارده بر پراکنده‌روی، پیوندی عمیق با تأثیرات منفی این پدیده بر محیط‌زیست و ناپایداری شدن شهرها دارد. ♦♦

در شهر کرمان با فاصله گرفتن از مرکز آن، از تراکم جمعیت کاسته می‌شود. به عبارتی دیگر رشد شهر کرمان دارای رشد پراکنده می‌باشد. الگوی پراکنده، باعث می‌شود که تراکم جمعیت کاهش یابد، شهر در جریان توسعه، بر روی زمین‌های کشاورزی و مزارع توسعه پیدا کند و معضلات دیگری چون سکونتگاه‌های غیررسمی را به وجود می‌آورد. برای شناسایی موقعیت خوشه‌های دارای تراکم زیاد یا کم جمعیت از روش تحلیل خوشه/ ناخوشه (یا همان موران محلی) استفاده شده است. برای دقت بیشتر، این تحلیل برحسب بلوک‌های جمعیتی شهر کرمان انجام شد.

بررسی روند توسعه شهر کرمان نشان دهنده این نکته است که شهر کرمان عمدتاً در جهت شبکه ارتباطی توسعه پیدا کرده است. بنابراین می‌توان گفت که شهر کرمان در طول قطعه‌هایی که همان راه‌های شعاعی می‌باشند از مرکز به اطراف کشیده شده است. همچنین می‌توان نتیجه گرفت که عامل دسترسی در گسترش شهر کرمان نقش مؤثری داشته است. با توجه به این مباحث می‌توان گفت الگوی توسعه شهری کرمان، الگوی شهر قطعی می‌باشد. با نگاه به الگوی قطعی شهر کرمان، مشخص می‌شود که در مرکز شهر، بخش تجاری شهر قرار دارد و محلات



رویدادها



منبع اخبار: روابط عمومی اتاق کرمان

www.otagh-bazargani.com

برای بهبود عملکرد بخش کشاورزی باید از روش های علمی استفاده کرد



(۷ مهر، ۱۴۰۰)

رییس اتاق کرمان در نشست با نماینده شرکت ماهان و فعالان بخش کشاورزی، گفت: اگر بخواهیم بازار محصولات کشاورزی حفظ شود و اشتغال پایدار در حوزه کشاورزی باقی بماند، باید از روش های نوین کشاورزی بهره گرفت. وی افزود: کشاورزی نقش مهمی در اقتصاد استان دارد که در این بین پسته با یک و نیم میلیارد دلار صادرات، ۱۰۰ هزار نفر اشتغال و بیش از ۶ میلیارد دلار سرمایه گذاری، سهم عمده کشاورزی استان را به خود اختصاص داده است و به همین دلیل باید با استفاده از علم روز دنیا، افزایش راندمان و نیز توجه به نیاز بازار، قیمت تمام شده، بسته بندی مناسب و محدودیت های آبی، بهره‌وری در این بخش را افزایش داد.

منابع موجود به سمت توسعه گردشگری هدایت شود



(۱۱ مهر، ۱۴۰۰)

سیدمهدی طیب‌زاده در همایش گرمیادداشت روز جهانی گردشگری با حضور فعالان این حوزه گفت: به اعتقاد همه ارکان استان، گردشگری نقشی مؤثر در توسعه استان و جایگزینی مناسب برای ذخایر معدنی استان است که باید به صورت جدی به آن پرداخته شود. وی ادامه داد: متأسفانه تاکنون پیشران بودن گردشگری در اقتصاد استان در حد شعار باقی مانده در حالی که گردشگری می‌تواند با کمترین هزینه، ایجاد اشتغال بیشتر و در سریع‌تر زمان توسعه یابد. در ادامه این آیین استاندار کرمان، افزود: برای آنکه با تغییر مدیران تصمیمات و اقدامات تغییر پیدا نکند، باید سند گردشگری استان هر چه زودتر تدوین و مصوب شود.



بازسازی برای صنایع کوچک و متوسط لازمه حفظ اشتغال است

(۱۸ مهر، ۱۴۰۰)



رییس اتاق کرمان در آیین افتتاح پنجمین نمایشگاه بین‌المللی معدن، صنایع معدنی، ماشین‌آلات و تجهیزات وابسته گفت: سال گذشته با وجود سرمایه‌گذاری‌های سنگین در صنایع استان ۳۳ هزار اشتغال از دست رفت و همه این آمار منفی اشتغال در بنگاه‌های کوچک و متوسط اتفاق افتاد. وی با اشاره به اینکه شاید کمتر از ۳۰ درصد از خدمات، قطعات و تجهیزات موردنیاز صنایع بزرگ توسط صنایع کوچک استان تأمین می‌شود، ادامه داد: اتاق کرمان برای توسعه نظام مبادلات پیمانکاری فرعی با هدف تأمین قطعات و تجهیزات از استان کرمان، اقداماتی را پیگیری کرد که در این زمینه شرکت‌های بزرگی مانند شرکت ملی مس ایران و هلدینگ میدکو، قدم‌های جدی برداشتند.

استان‌های هم‌جوار است و پویش کرمان دانا به دنبال جبران این کمبود و در کنار آن توانا کردن دانش آموزان راه‌اندازی شده است. پویش کرمان دانا در حوزه مهارت‌آموزی و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان نیز ورود کرده که در بحث مهارت‌آموزی، آموزش‌های توأم با اشتغال در شهرستان‌های رفسنجان، جیرفت و بم در حال انجام است. در این آیین استاندار کرمان نیز گفت: پویش کرمان دانا می‌تواند آغازی برای نوسازی و بهسازی مدارس استان در حد استانداردهای جهانی باشد. علی‌زینی‌وند، مشارکت فعالان اقتصادی را در احداث مدارس در مناطق کمتر توسعه‌یافته ارزشمند خواند و گفت: در دنیای کنونی مدارس صرفاً آموزش محور، جوابگوی نیاز آینده نخواهند بود و حتماً باید به مهارت‌آموزی نیز توجه شود. وی هدفمند شدن آموزش را مورد تأکید قرار داد و بیان کرد: کرمان ظرفیت بالایی برای مدرسه ساختن و رفع کمبود فضای آموزشی دارد.

مدرسه‌سازی، زیربنایی‌ترین عامل توسعه جامعه است

(۱۹ مهر، ۱۴۰۰)

رییس اتاق کرمان در آیین افتتاح سومین مدرسه از پویش «کرمان دانا» در کشکوئیه رفسنجان با نام شهید حاج قاسم سلیمانی افزود: سرانه فضای آموزشی در استان چهار و نه دهم مترمربع و کمتر از برخی



کارفرمایان بازخورد خود از کارگروه تنقیح و تلخیص ضوابط بیمه‌ای را بیان کنند

(۲۱ مهر، ۱۴۰۰)

در این کارگروه حضور دارد. وی ادامه داد: یکی از گلیه‌های فعالان اقتصادی در فضای کسب‌وکار، اختلاف با سازمان تأمین اجتماعی و بخشنامه‌های صادرشده آن است. گفتی است این سمینار آموزشی آنلاین توسط واحد آموزش و کمیسیون بیمه، بانک و مالیات اتاق کرمان و با حضور دبیر کل اتاق کرمان، نمایندگان سازمان تأمین اجتماعی و فعالان بخش خصوصی برگزار شد.

نایب‌رئیس اتاق کرمان گفت: اخیراً کارگروه تنقیح و تلخیص بخشنامه‌های سازمان تأمین اجتماعی در سطح ملی شکل گرفته که منتظر بازخورد و نظر کارفرمایان در مورد عملکرد این کارگروه هستیم. جلیل کاریبخش، در سمینار آموزشی آنلاین «نکات کلیدی در امور بیمه‌ای پیمانکاران» افزود: به نظر می‌رسد این کارگروه توانسته برخی از مطالبات پیمانکاران را پاسخ دهد و نماینده اتاق ایران نیز



ساماندهی واحدهای راکد و نیمه فعال از برنامه‌های شورای گفت‌وگو است

(۲۲ مهر، ۱۴۰۰)

واحدهای راکد و نیمه فعال و نیز شناسایی متقاضیان واجد شرایط سرمایه‌گذاری است تا با یک جمع‌بندی مناسب زمینه برای فعالیت مجدد این واحدها، تکمیل ظرفیت و تحقق شعار سال فراهم شود.

رئیس اتاق کرمان در نشست بررسی وضعیت واحدهای تولیدی استان گفت: در شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی کارگروهی تحت عنوان کارگروه تحقق شعار سال، یعنی تولید، پشتیبانی‌ها، مانع‌زدایی‌ها، با هدف ساماندهی واحدهای راکد، نیمه فعال و یا پروژه‌های ناتمام راه‌اندازی شده است. وی بیان کرد: ظرفیت‌های بسیار زیادی از واحدهای صنعتی، کشاورزی، معدنی، گردشگری و خدماتی در استان وجود دارد اما برخی از این واحدها به دلایل مختلف از جمله مشکلات بانکی، مشکلات تأمین سرمایه در گردش، مشکلات مالیاتی و بیمه‌ای و یا مشکلات مدیریتی تعطیل هستند و یا اینکه کمتر از ظرفیتشان فعالیت می‌کنند.



حسن امیری، دبیر کل اتاق کرمان نیز گفت: اتاق به دنبال شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری از جمله مشخص کردن

مؤدیان مالیاتی به ۳۰ میلیون نفر می‌رسند

(۲۲ مهر، ۱۴۰۰)

مالیاتی است، لذا می‌طلبید قوانین دادرسی مالیاتی بروزرسانی شود.

نایب‌رئیس کمیسیون مالیات، کار و تأمین اجتماعی اتاق ایران گفت: در حال حاضر حدود پنج میلیون و ۵۰۰ هزار نفر مودی مالیاتی در کشور وجود دارد که پیش‌بینی می‌شود با لحاظ کردن پایه‌های جدید مالیاتی مانند دریافت مالیات از عایدی سرمایه، حذف معافیت‌ها و مالیات بر جمع درآمدها تعداد مؤدیان مالیاتی در کشور به ۳۰ میلیون نفر برسد.

جلیل کاربخش، در کارگاه آموزشی «آشنایی با قوانین جدید مالیاتی» با حضور فعالان اقتصادی، نمایندگان مالیاتی اتاق کرمان و جمعی از مدیران اقتصادی و مالی مجموعه‌های مختلف افزود: قانون دادرسی مالیاتی به قبل از انقلاب برمی‌گردد و تاکنون هیچ‌گونه تغییری در این قانون انجام نشده اما با توجه به اینکه سیاست دولت توسعه پایه‌های



باید از تراز تجاری منفی هندوستان برای توسعه صادرات استان استفاده کرد

(۲۵ مهر، ۱۴۰۰)

رئیس اتاق کرمان با بیان اینکه متأسفانه کشور ما جزء ۲۰ صادرکننده اول محصولات به هندوستان نیست، اظهار کرد: صادرات ما به این کشور تنها یک میلیارد دلار و واردات ما از هند حدود ۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار است.

در ادامه این نشست محمدحسین اکبری عضو هیئت نمایندگان اتاق کرمان تصریح کرد: سال ۹۹ کشور ما ۶۰ هزار تن خرما به ارزش ۵۵ میلیون دلار به کشور هند صادرات داشته که سهم استان کرمان ۴۱ هزار تن بود اما بخش زیادی از این محصولات از گمرکات سایر استان‌ها صادر شده‌اند.

رئیس اتاق کرمان گفت: کشور هندوستان ۳۶۸ میلیارد دلار واردات و ۲۷۵ میلیارد دلار صادرات دارد و باید از این تراز تجاری منفی برای توسعه صادرات استان استفاده کرد.

وی در نشست مجازی بررسی همکاری‌های اقتصادی استان کرمان و هندوستان افزود: هند با حدود یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون نفر جمعیت، کشوری در حال توسعه است و با توجه به اشتراکات مختلف دو کشور باید از این بازار بزرگ برای درآمدزایی بهره برد.



رییس اتاق کرمان: مهارت‌آموزی ضرورت توسعه اقتصاد استان است

(۲۶ مهر، ۱۴۰۰)

اتاق کرمان، اتاق فکر توسعه اقتصادی استان است و ما نیز در راستای وظیفه خود به‌عنوان مشاوره سه قوه، به عوامل توسعه استان توجه ویژه خواهیم داشت. در ادامه این آیین، مدیرکل آموزش فنی و حرفه‌ای استان کرمان، گفت: نوزدهمین دوره مسابقات ملی مهارت در کرمان با هماهنگی و حمایت اتاق کرمان و شرکت‌های صنعتی و معدنی بزرگ استان برگزار می‌شود و قصد داریم در سال‌های آینده اجرای این مسابقات را به بنگاه‌های اقتصادی بسپاریم و خود راهبری را به عهده بگیریم.



رییس اتاق کرمان گفت: مهارت‌آموزی ضرورت توسعه اقتصاد استان است و باید امکانات گسترده بنگاه‌های اقتصادی برای مهارت‌آموزی به کار گرفته شود.

وی در آیین افتتاح نوزدهمین دوره مسابقات ملی مهارت، با اشاره به اینکه مهم‌ترین عامل توسعه یک جامعه، نیروی انسانی آن است، افزود: سرمایه‌گذاری‌های صنعتی و معدنی بزرگ در استان و جهش اقتصادی مدنظر، فقط با استفاده از نیروی مهارت دیده به نتیجه موردنظر می‌رسد. وی ادامه داد: به گفته مسئولان استان،



انرژی؛ پاشنه آشیل اقتصاد کشور است

(۱ آبان، ۱۴۰۰)

حمایت از سرمایه‌گذاری در این حوزه هیچ محدودیتی نداریم. علی‌زینی وند، افزود: با توجه به استقبال خوب از حوزه انرژی خورشیدی در سال ۹۶، اگر مسائل مربوط به تحریم‌ها پیش نیامده بود امروز از هدف‌گذاری‌های تعیین‌شده در برنامه‌های کلان کشور جلوتر بودیم.



رییس اتاق کرمان با بیان اینکه انرژی؛ پاشنه آشیل اقتصاد کشور است، گفت: در حال حاضر ۸۶ میلیارد دلار یارانه انرژی در کشور پرداخت می‌شود و به همین دلیل هر سوء مدیریت در چارچوب یارانه انرژی پوشیده است.

وی در شصت و ششمین نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمان، افزود: آینده انرژی مبتنی بر سوخت‌های فسیلی مبهم است و باید به فکر تولید انرژی‌های خورشیدی باشیم. وی با اشاره به اینکه با اراده جدی مسئولان می‌توان تولید ۲ هزار مگاوات انرژی خورشیدی را تحقق بخشید، اظهار کرد: وزیر نیرو پیشنهاد تولید ۱۰ هزار مگاوات انرژی خورشیدی را مطرح کرده که اتاق کرمان طرحی را برای چگونگی تحقق این موضوع مهم آماده کرده است.

استاندار کرمان نیز در ادامه این نشست با بیان اینکه بهتر است جلوی اشتباهات گرفته شود، گفت: مشکل ما در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر، سرمایه‌گذاری نیست و در استان برای واگذاری زمین و

پشتیبانی قضایی از تولید، می تواند به عنوان الگوی کشوری مطرح شود

(۱ آبان، ۱۴۰۰)

رییس اتاق کرمان ضمن قدردانی از سیستم قضایی استان در حمایت از فعالان اقتصادی گفت: پشتیبانی یکپارچه سیستم قضایی استان کرمان از تولید و فعالان اقتصادی، می تواند به عنوان الگو در کشور مطرح شود.

وی در اولین گردهمایی فعالان اقتصادی و مسئولان قضایی استان کرمان در شهرستان زرند با عنوان «مانع زدایی اقتصادی، پشتیبانی قضایی» افزود: آنچه کشور را در شرایط سخت، سرپا نگه داشته، موضوع تولید است و بی جهت نیست که تمامی فرمایشات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال های اخیر مربوط به حوزه اقتصاد و با محوریت توجه به بخش تولید است. وی، با تأکید بر اینکه تولید اساسی ترین نیاز فعلی کشور است، بیان کرد: اتاق کرمان همواره اعلام کرده که از فعالیت های سالم و مشروع اقتصادی حمایت می کند.

در این نشست، عضو هیئت رییس اتاق کرمان نیز گفت: نام گذاری سال های اخیر توسط رهبر معظم انقلاب در حوزه مسائل اقتصادی دارای منطق و حکمت است.

عباس جبالبارزی، افزود: تولیدکنندگان، سربازان جنگ اقتصادی هستند و در این شرایط علی رغم همه تحریم های خارجی و داخلی همچنان به رسالت خود عمل می کنند، زیرا کارآفرینان، دلسوز کشور هستند.

وی با اشاره به رتبه ۱۲۸ ایران در شاخص فضای کسب و کار جهان اظهار کرد: به رغم اینکه پتانسیل های بسیار زیادی در



تفاهم نامه اتاق کرمان و دانشگاه شهید باهنر برای ایجاد مرکز نوآوری امضا شد

(۱ آبان، ۱۴۰۰)

تفاهم نامه اتاق کرمان و دانشگاه شهید باهنر کرمان برای ایجاد مرکز نوآوری و تحول دیجیتال در صنایع بین روسای دانشگاه شهید باهنر و اتاق کرمان به امضا رسید.

این تفاهم نامه در راستای جهت دهی، راهبری و مدیریت پژوهش های مرتبط با توسعه نوآوری و فناوری در صنایع استان و کمک به تحقق اقتصاد دانش بنیان صورت گرفت. از جمله اهداف راه اندازی این مرکز می توان به ارتقاء نوآوری در صنایع با استفاده از اساتید و متخصصان دانشگاهی، کمک به تحول دیجیتال در صنایع، عرضه یابی صنایع با مدل های بلوغ فناوری و نوآوری، مشاوره تخصصی در حوزه های فناوری و



رئیس اتاق کرمان: ارز حاصل از صادرات محصولات کشاورزی آزاد شود

(۴ آبان، ۱۴۰۰)

صادرکنندگان برای انتخاب صادرکنندگان نمونه سال ۱۴۰۰، داوطلب چندانی از صادرکنندگان قدیمی استان برای شرکت در این فرآیند وجود نداشت که این موضوع ممکن است در آینده مشکلاتی را ایجاد کند.

وی با اشاره به بند «خ» ماده ۳۳ قانون برنامه ششم توسعه و رای دیوان عدالت کشور برای اجرای آن توسط دولت گفت: با وجود ارائه مهلت دوماهه برای اجرا، این ماده هنوز اجرایی نشده و کشاورزان نتوانسته‌اند از آن استفاده کنند.

رئیس اتاق کرمان با اشاره به اینکه قصه پر غصه تعهد ارزی همچنان به‌عنوان یک معضل جدی وجود دارد و تاکنون اقدام جدی برای آن انجام نشده است، گفت: پیشنهاد ما آزاد شدن ارز حاصل از صادرات محصولات کشاورزی و الزامی نبودن ارائه ارز با قیمت سامانه نیماست.

وی در نشست تخصصی هیئت نمایندگان اتاق کرمان با نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی افزود: در بررسی عملکرد



رئیس مجمع نمایندگان استان: اتاق کرمان برندی برای کشور است

(۸ آبان، ۱۴۰۰)

فراوانی دارد. سیدمهدی طیب‌زاده، با بیان این مطلب افزود: باید از هر مسیری برای رفع مشکلات این محصول استراتژیک استفاده کرد و به همین دلیل اتاق کرمان به دنبال بهره‌گیری از تجربیات صاحب‌نظران و همه عواملی است که می‌تواند به بهبود شرایط تولید و تجارت این محصول کمک کند.



رئیس مجمع نمایندگان استان کرمان گفت: اتاق کرمان و مجموعه اعضای آن، یک برند برای جمهوری اسلامی ایران هستند.

شهباز حسن‌پور، در پیش جلسه شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی با موضوع بررسی مسائل و مشکلات محصولات پسته و خرما، در خصوص برخی مسائل مطرح شده در فضای مجازی افزود: اگر اینجانب انتقادی انجام دادم مربوط به اتاق ایران است زیرا دغدغه‌های فعالان اقتصادی کشور را در مجلس به‌خوبی مطرح و پیگیری نمی‌کنند.

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی ادامه داد: پیشنهاد می‌شود قبل از جلسه آینده شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی جلسه‌ای در تهران با حضور اعضای کمیسیون کشاورزی مجلس و مسئولان مربوط تشکیل شود.

در ادامه این نشست رئیس اتاق کرمان گفت: سالانه بیش از یک و چهار دهم میلیارد دلار پسته از کشور صادر می‌شود و به همین دلیل این محصول نه تنها برای استان کرمان بلکه برای کشور اهمیت

چهارمین و پنجمین مدرسه از پویش کرمان دانا به بهره‌برداری رسید

(۱۱ آبان، ۱۴۰۰)

مدیران و مسئولان گفت: امروزه برای باسواد بودن صرفاً فضای فیزیکی مدرسه کافی نیست بلکه در تعریف جدید یونسکو از سواد، علاوه بر خواندن و نوشتن ۱۲ سواد عاطفی، مالی، علمی، انرژی، رسانه، ارتباطی، سلامتی و... باید وجود داشته باشد تا فرد باسواد عنوان شود. وی افزود: پس باید به دانش آموزان سوادهایی را بیاموزیم که بتواند از دانسته‌های خود به‌عنوان مهارت‌های مختلف، برای تغییر زندگی استفاده کند.

چهارمین و پنجمین مدرسه از پویش کرمان دانا با عنوان مدرسه گل گهر در شهرستان نرماشیر (کرمان دانا ۵) و مدرسه هلدینگ طلوع خلیج فارس ۲ در شهرستان ریگان (کرمان دانا ۸) طی آیین‌هایی با حضور رییس، جمعی از اعضای هیئت نمایندگان و دبیرکل اتاق کرمان و مدیران آموزش و پرورش و نوسازی مدارس استان و مسئولان منطقه شرق استان افتتاح شد. رییس اتاق کرمان در این آیین، خطاب به دانش آموزان،



ارمنستان دروازه ورود کالاهای صادراتی استان به اروپا

(۱۲ آبان، ۱۴۰۰)

تجارت باید قوانین مزاحم شناسایی، مقررات متناقض اصلاح و استراتژی مدون برای صادرات تدوین شود. عباس بدخشان ظهوری، خاطرنشان کرد: بازار ارمنستان به دلیل رقابتی بودن آن بسیار متفاوت از سایر کشورهاست و برای ورود به این بازار نیاز به تحلیل بازار، نیازسنجی و مطالعه دقیق است.

رییس اتاق کرمان در نشست مجازی بررسی همکاری‌های اقتصادی کرمان و ارمنستان با حضور استاندار کرمان و سفیر ایران در ارمنستان گفت: به دلیل وجود تعرفه ترجیحی صفر ارمنستان با کشورهای همسایه و اتحادیه اروپا، این کشور می‌تواند دروازه ورود کالاهای صادراتی استان به اوراسیا و اتحادیه اروپا باشد.

استاندار کرمان، با تأکید بر اینکه حفظ بازارهای هدف و استمرار حضور در آن‌ها مهم‌تر از ورود به این بازارهاست، گفت: اگر کیفیت، قیمت، بسته‌بندی و استاندارد محصول و کالای صادراتی ما مناسب باشد، می‌توان بازارهای بیشتری را جذب کرد. وی گردشگری را دیگر حوزه مناسب برای همکاری کرمان و ارمنستان دانست.

در ادامه این نشست سفیر ایران در ارمنستان بیان کرد: هدف دولت در بخش تجارت خارجی، تمرکز بر همسایگان است که برای توسعه



سیستم بانکی باید اصلاح شود تا تولید شکل بگیرد

(۱۸ آبان، ۱۴۰۰)

گفتنی است در این نشست «رضا رحیمی نداف» مدرس مؤسسات عالی بانکداری و کارشناس حقوقی سابق بانک ملی، مباحث آموزشی مربوط به قراردادهای بانکی را تدریس کرد.



رییس اتاق کرمان گفت: سیستم بانکی کشور باید اصلاح شود تا تولید شکل گیرد زیرا در حال حاضر تنها مجموعه‌ای که در تأمین منابع مالی فعال است، بانکها هستند.

وی در کارگاه آموزشی بررسی قراردادهای بانکی، با اشاره به اینکه با عملکرد فعلی بانکها نمی‌توان توقع تولید و اشتغال داشت، افزود: در قراردادهای بانکی، بانکها تمام اختیارات را برای خود می‌گیرند و این‌گونه قراردادهای کاملاً یک‌طرفه منعقد می‌شود.

طیب‌زاده، با اشاره به انتشارات اتاق کرمان در حوزه مسائل مختلف بانکی ادامه داد: اتاق کرمان در بحث دور زدن قوانین بانکی مطالعاتی داشته و نقطه آسیب و ضرر فعالان اقتصادی در قراردادهای بانکی را بررسی کرده است.



با توسعه زیرساخت‌های آموزشی باید مهارت‌آموزی مورد توجه قرار گیرد

(۲۲ آبان، ۱۴۰۰)

رییس اتاق کرمان گفت: با توسعه زیرساخت‌های آموزشی باید بر موضوع مهارت‌آموزی و استفاده بهینه از این فضاها تمرکز کرد.

وی در آیین افتتاح مدرسه «ایران من ۹۴» در شهرستان جیرفت، گفت: الگویی که پویش «ایران من» برای احداث مدارس ایجاد کرده، باعث شکل گرفتن پویشی مشابه در استان کرمان با محوریت اتاق بازرگانی به نام پویش «کرمان دانا» شده است و این پویش توانسته راه و روش نیک مدرسه‌سازی را به ما بیاموزد. گفتنی است مدارس ایران من ۹۴ و ایران من ۱۰۷ در جیرفت افتتاح شدند.



کودکان مبتلابه اوتیسم، به همت بخش خصوصی صاحب مدرسه می شوند

نیز در این نشست گفت: تاکنون اقدامی مؤثر و درخور دانش آموزان مبتلابه اوتیسم انجام نشده است که امیدواریم با پیگیری اتاق کرمان اقدامی بزرگ در راستای احداث مدارس و توسعه فضاهای آموزشی برای جوامع هدف بویژه دانش آموزان و کودکان مبتلابه اوتیسم انجام شود.



(۲۲ آبان، ۱۴۰۰)
تفاهم‌نامه احداث مدرسه تخصصی دانش آموزان مبتلابه اوتیسم، بین اداره کل آموزش و پرورش، اداره کل نوسازی مدارس و شرکت راه‌سازی و ساختمانی ۱۱۵ در اتاق کرمان منعقد شد. به گفته رییس هیئت‌مدیره شرکت ۱۱۵ این مدرسه با ۱۳۰۰ مترمربع زیربنا و اعتباری در حدود ۱۰ تا ۱۵ میلیارد تومان در زمینی به مساحت ۱۸۰۰ مترمربع احداث خواهد شد. محسن ضرابی در نشست امضای این تفاهم‌نامه، افزود: در صورت تحویل زمین از طرف آموزش و پرورش و نیز تهیه نقشه‌های اجرایی و صدور پروانه در موعد مقرر، عملیات ساخت مدرسه در کمتر از یک سال انجام می‌شود و مدرسه در مهرماه سال ۱۴۰۱ قابل بهره‌برداری خواهد بود. وی همچنین از پیگیری‌های رییس و دبیر کل اتاق کرمان برای توسعه فضاهای آموزشی و انجام مسئولیت‌های اجتماعی تقدیر کرد. همچنین احمد اسکندری، مدیر کل آموزش و پرورش استان کرمان

«صاروج پارس» نماد سرمایه‌گذاری خارجی در کرمان است

کشور، گفت: پروژه «صاروج پارس» به چند دلیل ازجمله اهمیت آن به لحاظ از بین بردن کانون آلودگی اجتماعی و زیست‌محیطی، ارزشمند است. وی افزود: این پروژه تاکنون ۵۷ میلیون دلار سرمایه‌گذاری خارجی، یعنی معادل ساخت یک کارخانه بزرگ برای شهر کرمان آورده داشته، اما اثرات اجتماعی آن بیش از یک کارخانه خواهد بود.



(۲۳ آبان، ۱۴۰۰)
رییس اتاق کرمان گفت: پروژه «صاروج پارس» نماد سرمایه‌گذاری خارجی در کرمان است و باید تلاش کنیم به‌عنوان یک نماد موفق سرمایه‌گذاری خارجی در شهر کرمان معرفی شود. وی در آیین افتتاح بزرگ‌ترین پارکینگ هوشمند جنوب‌شرق



تأمین اجتماعی برای خرید ماشین آلات و تعمیر هم حق بیمه می‌گیرد

از یک سازمان انحصاری خدمات بیمه درمان و بازنشستگی دریافت کنند. این سازمان بیش از آن که قانون محور باشد بخشنامه محور بوده و قانون آن هم بعد از انقلاب تغییر نکرده است.



(۲۳ آبان، ۱۴۰۰)

نایب‌رئیس کمیسیون صنایع اتاق بازرگانی ایران گفت: سازمان تأمین اجتماعی در حسابرسی‌های غیرقانونی از مواردی حق بیمه دریافت می‌کند که به هیچ وجه قانونی نیست. برای مثال اگر یک تولیدکننده یک سری ماشین‌آلات برای کارخانه خود خریداری کند، سازمان تأمین اجتماعی می‌گوید این دستگاه‌ها نصب داشتند و باید حق بیمه پرداخت کنید.

عباس جبالبارزی در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی ایلنا در مورد فشارهای سازمان تأمین اجتماعی بر کارفرمایان اظهار کرد: سازمان تأمین اجتماعی، از نظر فرمی در همه کشورهای دنیا وجود دارد و وجود آن نیاز است ولی مشکل این است که سازمان تأمین اجتماعی در ایران انحصاری است. کارگر و کارفرما مجبور هستند که

رئیس اتاق کرمان: نجات کشور در گرو صادرات است

تفاوت نرخ ارز نیمایی با بازار آزاد است و این اختلاف قیمت باعث ایجاد رانت و مشکلات زیادی شده است. در ادامه این نشست محمدعلی محمدمیرزائی‌ان، محمدحسین اکبری و سید محمدرضا ترابی موسوی، اعضای هیئت نمایندگان اتاق کرمان نیز خواستار شکل‌گیری پیمان‌سپاری برای ارزش دادن به اظهارنامه‌های صادرکنندگان، تأمین نقدینگی در بازار پسته و تمدید مهلت تسهیلات بانکی، تعهدات ارزی و ارزیابی درست از بازارهای هدف شدند. گفتنی است در این نشست جمعی از فعالان و صادرکنندگان نیز دغدغه‌ها و نظرات خود را مطرح کردند.

(۲۶ آبان، ۱۴۰۰)

رئیس اتاق کرمان گفت: هر کشوری با اقتصاد صادرات محور، در عرصه جهانی موفق عمل کرده و به همین دلیل نجات کشور و استان کرمان در گرو صادرات و توسعه آن است. سیدمهدی طیب‌زاده، در نشست شورای مشورتی صادرات با بیان این مطلب افزود: علاوه بر وجود محدودیت‌های صادراتی در کالاها و بازارهای هدف، قوانین مشکل‌ساز داخلی و مسائل ارزی نیز مشکلات را دوچندان کرده است. رئیس اتاق کرمان ادامه داد: باید از دید وسیع فعالان حوزه صادرات و از تجربیات صادرکنندگان موفق بهره‌گرفت تا بتوان مسائل و مشکلات را برطرف کرد.



در این نشست کاربخش نایب‌رئیس اتاق کرمان گفت: اتاق به‌عنوان پارلمان بخش خصوصی پیگیر حل مشکلات صادرکنندگان است و به همین منظور در جلسه‌ای با حضور معاون امور اقتصادی ریاست جمهوری مسائل صادرکنندگان را مطرح کردیم.

جلیل کاربخش، بیان کرد: در دولت جدید کارهای مثبتی برای توسعه صادرات در حال انجام است و معاون اول رئیس‌جمهور نیز جلساتی را به همین منظور برگزار کرده است. وی با اشاره به اینکه تأمین مالی و بروکراسی اداری از موانع پیش روی صادرات است، ادامه داد: مشکل اصلی صادرکنندگان

شرکت ماهتاب گستر پنج هزار مگاوات برق در کرمان تولید می‌کند

(۲۶ آبان، ۱۴۰۰)

مشکل کمبود گاز به یک نگرانی عمیق تبدیل شده است، ادامه داد: احداث خط یازدهم گاز کشور که استان کرمان را نیز شامل می‌شود، هنوز آغاز نشده و در حوزه برق و آب نیز با مشکلاتی روبرو هستیم.

در ادامه رییس کمیسیون امور زیربنایی و سرمایه‌گذاری اتاق کرمان گفت: سال گذشته در مصوبه شورای گفت‌وگو مقرر شد دستگاه‌های اجرایی با همکاری اتاق و استانداری کرمان سند توسعه زیرساخت‌های استان را تهیه کنند تا برای کمبود زیرساخت‌های استان با توجه به توسعه صنعتی آن چاره‌ای اندیشیده شود.

رییس اتاق کرمان گفت: بنا بر اعلام وزیر نیرو برنامه تولید ۲۰ هزار مگاوات برق طی دو سال آینده تدوین و مقرر شده شرکت ماهتاب گستر به‌عنوان یک شرکت کرمانی سرمایه‌گذار در حوزه نیروگاه‌ها، ۵ هزار مگاوات از این طرح را در کرمان تولید کند تا بتوان بخشی از مشکل کمبود برق استان را حل کرد.

سیدمهدی طیب‌زاده در نشست کارگروه توسعه زیرساخت‌های استان افزود: سرمایه‌گذاری‌های بزرگ استان در قالب طرح‌های صنعتی و معدنی در حال اجراست که متأسفانه زیرساخت‌های استان متناسب با نیاز این طرح‌ها نیست. وی با بیان اینکه



تفاوت نرخ ارز برای صادرکنندگان مشکل ساز شده است

(۲۹ آبان، ۱۴۰۰)



نایب‌رییس اتاق کرمان گفت: اختلاف ایجاد شده بین نرخ ارز نیمایی با نرخ ارز در بازار مشکلات زیادی را برای صادرکنندگان بویژه در خصوص رفع تعهد ارزی ایجاد کرده است.

جلیل کاربخش، در کارگاه آموزشی رفع تعهدات ارزی صادرکنندگان استان افزود: سابقه تعهدات ارزی به سال ۹۷ و تصمیم شورای عالی سران بازمی‌گردد، اما به دلیل تشدید تحریم‌ها و تفاوت نرخ ارز نیمایی با نرخ بازار بویژه از بهمن‌ماه سال ۹۹ مشکلات زیادی برای صادرکنندگان ایجاد شده به‌طوری‌که برخی از صادرکنندگان نتوانسته‌اند نسبت به رفع تعهدات خود در موعد مقرر اقدام کنند.

داوری نشان ملی مرغوبیت کالاهای صنایع دستی استان برگزار شد

شد. همچنین ۷۰ هزار نفر در رشته‌های صنایع دستی استان کرمان فعال هستند.



(۷ آذر، ۱۴۰۰)

داوری ششمین دوره نشان ملی مرغوبیت کالاهای صنایع دستی استان کرمان با حضور مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان، رییس کمیسیون گردشگری و صنایع دستی اتاق کرمان و جمعی از داوران و مدیران این حوزه در اتاق کرمان برگزار شد.

در این دوره ۲۰۰ اثر از ۱۵۶ هنرمند در ۲۴ رشته صنایع دستی شرکت داشتند که این آثار در شاخص‌هایی مانند اصالت، هویت، نوآوری، برندسازی و استانداردهای تولید در زمینه رعایت مواد اولیه بومی و محلی و رعایت چارچوب زیباسازی آثار هنری ارزیابی شدند. آثار برگزیده این دوره راهی رویداد منطقه‌ای داورای صنایع دستی با شرکت آثار هنرمندان استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان، یزد و کرمان خواهد

نگران قطعی برق با محدودیت گاز نیروگاه‌ها هستیم

در گاز کشور کسری داریم اگر وضعیت سردی هوا مانند سال گذشته باشد کسری گاز برای صنایع مشکل ایجاد می‌کند.

جبالبارزی افزود: با کسری گاز، گاز مورد نیاز نیروگاه‌ها را قطع می‌کنند و طبیعتاً آن‌ها نیز مجبور به کاهش تولید برق می‌شوند؛ یعنی ممکن است صنایع دوباره با خاموشی‌هایی مواجه شوند از طرف دیگر با قطع گاز عموماً صنایع گازبر دست به سوزاندن مازوت می‌زنند که تأمین آن سخت است و همچنین با جمعیت بالایی که وجود دارد مشکلات آلودگی را نیز ایجاد می‌کند.

(۱۴ آذر، ۱۴۰۰)

نایب‌رییس کمیسیون صنایع اتاق بازرگانی ایران اظهار کرد: طبق اعلام وزیر نفت ما ۲۰۰ میلیون مترمکعب در گاز کشور کسری داریم اگر وضعیت سردی هوا مانند سال گذشته باشد کسری گاز برای صنایع مشکل ایجاد می‌کند.

عباس جبالبارزی در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی ایلنا در مورد وضعیت قطعی گاز صنایع اظهار کرد: در صنایع به‌جز سیمان، پتروشیمی‌ها و نیروگاه‌ها فعلاً مشکلی در زمینه گاز و برق به وجود نیامده است.

وی ادامه داد: طبق اعلام وزیر نفت ما ۲۰۰ میلیون مترمکعب

اخبار اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان را از این پنجره ببینید:

www.otagh-bazargani.com

تشکل‌گرایی یکی از اساسی‌ترین راهبردهای اتاق است

(۱۷ آذر، ۱۴۰۰)

اتاق با تشکل‌ها یک‌سویه و از طرف اتاق صورت می‌گیرد درحالی‌که نیاز به تعامل بیشتری در این حوزه وجود دارد.



رییس اتاق کرمان گفت: تشکل‌گرایی یکی از اساسی‌ترین راهبردهای اتاق کرمان است زیرا موجب ارتقا خرد جمعی و هم‌افزایی خواهد شد.

وی در نشست بررسی چگونگی افزایش توانمندی تشکل‌ها با حضور روسا و نمایندگان تشکل‌های اقتصادی اتاق کرمان با اشاره به اینکه تشکل‌گرایی برای اتاق بسیار مهم و ارزشمند است، افزود: نیاز به توسعه تشکل‌ها و جذب افراد بیشتر در آن‌ها وجود دارد. وی با تأکید بر اینکه کمک به اصلاح و بهبود فضای کسب‌وکار استان با حضور فعال و مشورت تشکل‌ها ممکن است، اظهار کرد: باید برنامه‌ریزی لازم برای اینکه چه تشکل‌هایی و چگونه فعالیت داشته باشند، صورت گیرد. در ادامه این نشست فاطمه مهربانی مدیر تشکل‌های اتاق کرمان نیز با بیان اینکه فعالیت انجمن‌ها باید پررنگ‌تر باشد، گفت: عمده تعامل

سطح برنامه‌های اتاق کرمان بسیار متفاوت است

(۱۸ آذر، ۱۴۰۰)

رسیدن به این هدف، اتاق و کمیسیون گردشگری آماده هر نوع همکاری با شهرداری است همان‌گونه که تاکنون تعامل بسیاری با اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی داشته‌ایم.

گفتنی است در ادامه این نشست اعضای هیئت نمایندگان اتاق کرمان درخواست‌های خود از شهرداری را شامل زیباسازی چهره شهر، تدوین سند گردشگری شهری، پیگیری اتمام پروژه‌های نیمه‌تمام، ارائه خدمات شهری به شهرک‌های صنعتی، همکاری لازم با خیرین در زمینه اعطای مجوزها، ارائه خدمات الکترونیکی و افزایش اماکن تفریحی مطرح کردند.



شهردار کرمان گفت: سطح برنامه‌ها و مباحث مطرح شده در اتاق کرمان بویژه در نشست‌های شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی، بسیار متفاوت از برخی استان‌های کشور است.

سعید شهرباف در جمع اعضای هیئت نمایندگان اتاق کرمان، افزود: در جلسات اتاق کرمان مباحث در مقیاس ملی مطرح می‌شود و سطح طرح‌ها، نوع نتیجه‌گیری، خلاصه بندی و پیشنهادات آن‌قدر راهبردی و دقیق بوده که مصوبات کاملاً آماده قانون‌گذاری و تدوین است. وی با اشاره به اینکه پردازش‌های خوب و دقیق از زوایای مختلف در اتاق کرمان صورت می‌گیرد، بیان کرد: به‌عنوان یک فرد دانشگاهی از نوع پردازش مطالب در نشست‌های اتاق لذت بردم که اگر بتوانیم بخشی از این‌گونه برنامه‌ها را در شهرداری بویژه در طرح‌های توجیهی، فنی و اقتصادی داشته باشیم می‌توان برنامه‌ها را بهتر پیش برد.

در ادامه این نشست رییس اتاق کرمان گفت: در اولین اقدام، اتاق کرمان و شهرداری باید بتوانند شهر را به‌عنوان مقصد گردشگران در تورهای داخلی و بین‌المللی بگنجانند که تاکنون هر چه تلاش شده کرمان نتوانسته به مثلث گردشگری فارس، اصفهان و یزد بپیوندد. سیدمهدی طبیب‌زاده، افزود: برای

نحوه تأمین مالی تولیدکنندگان و خریداران کارتن بررسی شد

(۲۳ آذر، ۱۴۰۰)

فروشنده نیز می‌تواند مدت‌دار و حداکثر یک‌ساله تحت تعهد بانک صادرات، تسهیلات دریافت کند. وی ادامه داد: این تسهیلات با سود ۱۸ درصد است و ۲۰ درصد از میزان تسهیلات در ابتدا در حساب مشتری نگه داشته می‌شود. گفتنی است در این نشست جمعی از فعالان اقتصادی بویژه حوزه کشاورزی به بیان مشکلات خود در حوزه تأمین مالی پرداختند.



در نشست کمیسیون بیمه، بانک و مالیات اتاق کرمان با حضور جمعی از خریداران و تولیدکنندگان کارتن استان، نحوه تأمین مالی تولیدکنندگان و خریداران کارتن بررسی شد. رییس کمیسیون بیمه، بانک و مالیات اتاق کرمان در این نشست گفت: گشایش اعتبار اسنادی با سود ۱۸ درصد و همچنین بلوکه ۲۰ درصد از تسهیلات انجام می‌شود که امیدواریم بانک صادرات برای کاهش سود و میزان بلوکه همراهی لازم را داشته باشد. محمدحسین اکبری افزود: درخواست دیگر این است که گردش مالی تولیدکنندگان کارتن با سود مناسب تأمین و مبلغ بلوکه حذف شود و اسناد کارخانه‌ها در رهن، به‌عنوان ضمانت‌نامه پذیرفته شوند.

در ادامه این نشست فاطمه‌السادات حسینی صفا، معاون مدیریت شعب بانک صادرات استان کرمان، با اشاره به نیاز کشاورزان و سردخانه‌داران به کارتن و از سوی دیگر نیاز تولیدکنندگان کارتن به بازار فروش، افزود: برای تعامل بیشتر این دو گروه، بانک صادرات گشایش اعتبار اسنادی را برای خریدار کارتن انجام می‌دهد و

فضای کسب‌وکار پیچیده‌تر شده است

(۲۴ آذر، ۱۴۰۰)

کمیته‌ها و مراجع خاصی حل شده که این موضوع بسیار مهم است. گفتنی است در این نشست مشاوران اتاق کرمان به بیان پیشنهادها، دغدغه‌ها و نظرات خود پرداختند.



رییس اتاق کرمان با اشاره به اینکه ما هیچ اقدامی را مهم‌تر و واجب‌تر از بهبود محیط کسب‌وکار نمی‌دانیم، گفت: فضای کسب‌وکار بسیار پیچیده‌تر شده و متأسفانه استان کرمان در پایش محیط کسب‌وکار کشور در رتبه‌های آخر قرار دارد. وی در نشست مرکز کسب‌وکار با مشاوران اتاق کرمان افزود: به دلیل این پیچیدگی‌های کاری و گاهی مسائل فرهنگی، هر چه تلاش می‌کنیم به‌گرد ایجاد موانع و صدور مقررات و بخشنامه‌های مزاحم نمی‌رسیم.

وی با بیان اینکه عده‌ای معتقدند فضای کسب‌وکار در کرمان رتبه بهتری دارد، ادامه داد: قضاوت‌ها و جو عمومی نشان از وجود موانع است و روزانه هزینه و زمان زیادی صرف مانع‌زدایی می‌شود.

طیب‌زاده، با بیان اینکه مرکز کسب‌وکار اتاق کرمان به پایش و بهبود محیط کسب‌وکار کمک می‌کند، گفت: در این مرکز تاکنون ۱۸۲ پرونده تشکیل شده که ۱۴۵ مورد آن بدون مراجعه به

نظام آماری کشور کارآمد نیست

(۲۶ آذر، ۱۴۰۰)



رییس اتاق کرمان گفت: نظام آماری کشور کارآمد نیست و به‌عنوان اساسی‌ترین و زیربنایی‌ترین عامل توسعه دچار مشکل است. وی در شصت و نهمین نشست شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمان با موضوع بررسی مشکلات نظام آماری و ارائه راهکارهای بهبود آن، افزود: در حال حاضر مشکلات بسیاری در کشور وجود دارد که شاید پرداختن به مشکلات نظام آماری یک موضوع فانتزی و غیر نیاز به نظر بیاید درحالی‌که اگر همه گزارش‌ها و آمارها در اختیار فعالان اقتصادی قرار گیرد در شرایط فعلی می‌تواند به فعالان اقتصادی کمک کند.

جایگاه محیط کسب‌وکار کرمان، مورد تردید است

(۲۶ آذر، ۱۴۰۰)

پرداخته نمی‌شود. علی زینی‌وند افزود: در یک سال گذشته موارد مهمی در اتاق کرمان تولید و به‌رویکرد تبدیل شده و تأثیر خود را در کشور گذاشته که از اتاق کرمان تشکر می‌کنیم. در ادامه مدیر مرکز آمار و اطلاعات اقتصادی و پایش اصل ۴۴ اتاق ایران گفت: استان‌های کمی در پایش محیط کسب‌وکار فعال هستند اما اتاق کرمان طرح پایش محیط کسب‌وکار را با جدیت دنبال و همه جوانب را بررسی می‌کند. محمدرضا دوست محمدی بیان کرد: پایش محیط کسب‌وکار زمانی که کرمان رتبه هفدهم را داشته با اکنون که کرمان رتبه سی‌ام را دارد یکسان بوده و باید ببینیم چه اتفاقی افتاده که این جایگاه سقوط کرده است.

رییس اتاق کرمان گفت: عده‌ای معتقدند با توجه به همه تلاش‌ها و فعالیت‌هایی که در استان کرمان انجام می‌شود رتبه سی‌ام کرمان در پایش محیط کسب‌وکار کشور، مورد تردید است و جایگاه بهتری را داراست. وی در نشست بررسی چگونگی پایش محیط کسب‌وکار با حضور استاندار کرمان افزود: شاخص‌های فضای کسب‌وکار در استان مورد توجه واقع شده و در بهبود این فضا اقدامات خوبی صورت گرفته اما جایگاه فعلی استان دور از انتظار و برنامه‌های انجام شده است. در ادامه این نشست استاندار کرمان گفت: اتاق کرمان از نظر بسیاری از رویکردها و شاخص‌ها، اتاق اول کشور است و در استان‌های دیگر به مسائل بنیادی با جزئیات و دقت اتاق کرمان



اولین نشست تخصصی واحدهای اقتصادی استان با نهادهای مالی بازار سرمایه برگزار شد

(۲۷ آذر، ۱۴۰۰)

بوده است. در ادامه این نشست سعید شهرباف شهردار کرمان با بیان اینکه در شهرداری‌ها مهم‌ترین دارایی زمین، پروانه، املاک و مستغلات است، گفت: به نظر می‌رسد الگوی موفق یا نیمه موفق در تأمین مالی پروژه‌های شهری با استفاده از بازار سرمایه که ساختار مشخص با مخاطبان انبوه داشته باشد، وجود ندارد.



رییس اتاق کرمان در اولین نشست تخصصی واحدهای اقتصادی استان با نهادهای مالی بازار سرمایه گفت: در حال حاضر تأمین منابع مالی همه پروژه‌های کرمان با محوریت بانک‌ها صورت می‌گیرد و در این زمینه منابع مالی بازار سرمایه چندان راهگشا نبوده است.

سیدمهدی طبیب‌زاده افزود: یکی از پاشنه‌های آشیل کشور سیستم بانکی است و اتاق کرمان با کمک مشاوران خبره و روش‌های مختلف، چگونگی استفاده از ظرفیت بازار سرمایه را بررسی خواهد کرد.

در ادامه این نشست علی نقوی رییس کمیسیون سرمایه‌گذاری و امور زیربنایی اتاق کرمان، اظهار کرد: ظرفیت مهم بازار سرمایه برای تأمین مالی پروژه‌های زیربنایی مغفول مانده است و اتاق کرمان در دوره نهم فعالیت هیئت نمایندگان سعی دارد با مشارکت فعال بخش خصوصی و همکاری نهادهای مالی، با تعریف مدل‌های متنوع تأمین مالی، زمینه را برای توسعه سرمایه‌گذاری در استان فراهم نماید.

روح الله حسینی مدیرعامل تأمین سرمایه بانک ملت هم گفت: در سال گذشته ۲۲۰۰ هزار میلیارد تومان ارزش تأمین مالی از بازار پول و بازار سرمایه بود که ۸۴ درصد از طریق بازار پول (با محوریت بانک‌ها) و تنها ۱۶ درصد در از طریق بازار سرمایه

نایب‌رییس اتاق کرمان گفت:

مقرره جدید سازمان حفظ نباتات کشور موجب توقف صادرات محصولات کشاورزی به اوراسیا خواهد شد

(۲۷ آذر، ۱۴۰۰)

دستگاه‌های متولی امر با دیپلماسی فعال اقتصادی، مشکل را برطرف و فرصت لازم برای اجرای این طرح را فراهم آورند.



نایب‌رییس اتاق کرمان گفت: مقرره جدید وضع شده از سوی سازمان حفظ نباتات برای صادرات محصولات کشاورزی مبنی بر اینکه برای بررسی میزان سموم استفاده شده در محصول، تولیدکنندگان و صادرکنندگان متعهد شوند که محموله‌های صادراتی عاری از باقیمانده سموم باشند که این موضوع موجب توقف صادرات به بازار اوراسیا خواهد شد.

جلیل کاربخش، افزود: در شرایط فعلی اجرای این دستورالعمل به دلیل تعداد زیاد تولیدکنندگان محصولات باغی و عدم دسترسی آن‌ها به سموم با استاندارد جهانی و مقصد غیرممکن است و در صورت اصرار متولیان امر بر اجرای این طرح و این خودتحریمی، دست صادرکنندگان از این بازار کوتاه می‌شود. وی ادامه داد: از دولتمردان تقاضا داریم

دومین گردهمایی فعالان اقتصادی و مسئولان قضایی استان در بم برگزار شد

(۲۷ آذر، ۱۴۰۰)

تاکنون این نشست در زرنند و بم با حضور رییس کل دادگستری، دادستان و مدیران دستگاه‌های مربوطه برگزار شده است. در ادامه رییس دفتر نمایندگی اتاق کرمان در شرق استان در رابطه با این گردهمایی گفت: فعالان اقتصادی در این نشست به طرح مشکلات خود پرداختند و قول مساعد برای رفع مشکلات آن‌ها تا جایی که در اختیارات استان باشد، داده شد.

رییس کل دادگستری استان کرمان هم گفت: قوه قضاییه در اجرای منویات رهبر معظم انقلاب بنا دارد از فعالان و مدیران واحدهای صنعتی حمایت کند و در این راستا تلاش می‌کند که با تعامل، همفکری و همراهی مدیران دستگاه‌های اجرایی و مدیران سیستم بانکی در بستر قوانین حاکم بر روابط مالی و پولی کشور موانع موجود در مسیر تولید را بردارد. گفتنی است در این گردهمایی موضوع تعیین تکلیف اسناد مالکیت شهرک امام، پیگیری رفع مشکل مجموعه کارنایا در سطح ملی و رفع توقیف ماشین‌آلات کارخانه قوای محرکه، مورد تأکید قرار گرفت.

دومین گردهمایی فعالان اقتصادی و مسئولان قضایی استان کرمان با عنوان «مانع‌زدایی اقتصادی و پشتیبانی قضایی» با حضور رییس کل دادگستری، دادستان کرمان، عضو هیئت‌رییسه و رییس دفتر نمایندگی اتاق کرمان در شرق استان، فعالان اقتصادی و جمعی از مسئولان محلی در سالن اجتماعات دانشگاه علوم پزشکی شهرستان بم برگزار شد. عضو هیئت‌رییسه اتاق کرمان با بیان اینکه امسال از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی با عنوان «پشتیبانی‌ها و مانع‌زدایی‌ها» نام‌گذاری شده است، گفت: یکی از اهداف اتاق کرمان با همکاری دادگستری استان، تلاش برای تحقق این شعار است. عباس جبالبارزی اظهار کرد: به همین منظور کارگروه مشترکی در استان تشکیل شده و این کارگروه هر دوشنبه نشستی را برای بررسی پرونده‌های قضایی فعالان اقتصادی برگزار می‌کند و تصمیمات لازم برای رفع مشکلات آن‌ها گرفته می‌شود. وی تصریح کرد: تصمیم گرفته شد این موضوع در شهرستان‌های استان نیز اجرا شود که



نایب‌رییس اتاق کرمان: فرایند صادرات محصولات کشاورزی به اوراسیا به روال عادی بازگشت

(۲۸ آذر، ۱۴۰۰)



نایب‌رییس اتاق کرمان گفت: با پیگیری‌های صورت گرفته از سوی اتاق کرمان و مساعدت سازمان حفظ نباتات کشور مشکل به وجود آمده در توقف چندروزه ارسال محموله‌های صادراتی محصولات کشاورزی به مقصد اوراسیا برطرف شد. جلیل کاربخش، ضمن قدردانی از «مهدی قائمیان» معاون قرنطینه و بهداشت گیاهی سازمان حفظ نباتات کشور و «زهرا لری» سرپرست مدیریت حفظ نباتات استان کرمان برای پیگیری مسائل فعالان اقتصادی افزود: هم‌اکنون فرایند صادرات محصولات کشاورزی به کشورهای حوزه اوراسیا بویژه روسیه به روال عادی برگشته است.

رئیس کمیسیون بیمه، بانک و مالیات اتاق کرمان: ۹۳ درصد قراردادهای کار موقت است

(۲۸ آذر، ۱۴۰۰)

به طوری که کارگران دهه ۶۰ وضعیت معیشتی بهتری نسبت به کارگران فعلی دارند، گفت: بهره‌وری در کار نیز با استانداردهای بین‌المللی همخوانی ندارد و از متوسط دنیا پایین‌تر است. مشاور حقوقی اتاق ایران نیز در این سمینار آموزشی گفت: وقتی قانونی ذینفعان متفاوت دارد، وظیفه قانون توازن بین همه ذینفعان است و یکی از مباحث مهم در حوزه‌های کار و تأمین اجتماعی عدم اجرای درست قوانین و مقررات است. گفتنی است در این نشست موارد آموزشی در حوزه مسائل حقوقی قراردادهای کار یادآوری شد.

محمدحسین اکبری با اشاره به اینکه یکی از اهداف قانون‌گذار در مورد وضع قانون کار امنیت شغلی کارگران است، گفت: در حال حاضر بر اساس آمارهای اعلام شده ۹۳ درصد قراردادهای کار موقت است.

وی در سمینار آموزشی مسائل حقوقی قراردادهای کار افزود: بهبود وضعیت معیشتی کارگران و ایجاد بهره‌وری در کار از سایر اهداف قانون کار بوده که هیچ‌کدام محقق نشده است. او با اشاره به اینکه وضعیت معیشتی کارگران در حال حاضر مشخص است



نشست اقتصاد سیاسی، محیط‌زیست و انرژی برگزار شد

(۲۹ آذر، ۱۴۰۰)

گفتنی است در این نشست «شهرام اتفاق» پژوهشگر حوزه انرژی و محیط‌زیست و «میثم هاشم خانی» اقتصاددان مباحث تخصصی حوزه انرژی و محیط‌زیست را مطرح و بررسی کردند.

نشست اقتصاد سیاسی، محیط‌زیست و انرژی در ایران، توسط اندیشکده تدبیر انرژی اتاق کرمان با حضور رئیس اتاق کرمان و رئیس اندیشکده انرژی اتاق کرمان برگزار شد.

رئیس اتاق کرمان در این نشست مجازی، با اشاره به اینکه اندیشکده انرژی اتاق کرمان مسئولیت اجتماعی خود را به خوبی در این‌گونه نشست‌ها انجام داده است، گفت: اهمیت و ضرورت مسئله انرژی بر کسی پوشیده نیست و باید به مسائل مختلف این حوزه توجه کرد زیرا می‌توان خلق فرصت‌ها از این حوزه را برای توسعه کسب‌وکارها داشته باشیم.

سیدمهدی طیب‌زاده، افزود: تعریف اقتصاد سیاسی بسیار گسترده است اما دو مقوله محیط‌زیست و انرژی از چالش‌های اساسی کشور در شرایط فعلی محسوب می‌شوند که غفلت از آن‌ها شرایط سختی را در این دو حوزه ایجاد کرده است.





مدیریت صادرات و تجارت

بین الملل امین



عارضه یابی



امکان سنجی
فروش داخلی
و خارجی



آنالیز بازار
کشورهای
هدف



تدوین و اجرای
برنامه بازاریابی



تدوین و اجرای
برنامه فروش

مسیر صادرات را کوتاه میکنیم ...



تهران خیابان کارگر شمالی، نرسیده به بلوار کشاورز، بن بست گیتی پلاک ۲ واحد ۷ ۰۲۱-۶۶۵-۶۸۳-۳۲

کرمان بلوار بهمنیار کوچه ۱۲ آخرین ساختمان سمت چپ ۰۳۴-۹۱۰-۹۰۱-۸۰

کرمان، رفسنجان، خیابان شهید بهشتی روبروی بانک سپه، شرکت آلا تجارت بین الملل ۰۳۴-۳۴۲-۶۵۹-۵۰



AALAEMC.CO



AALAEMC.COM